تلاش

سردر باغ ملی

پارک ساعی

↑ خیابان حافظ

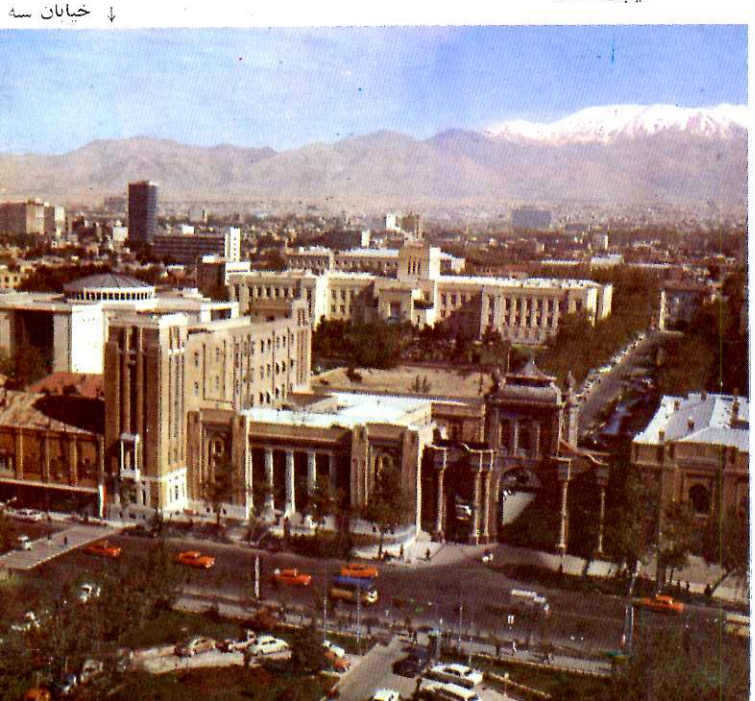

↓ خیابان سه

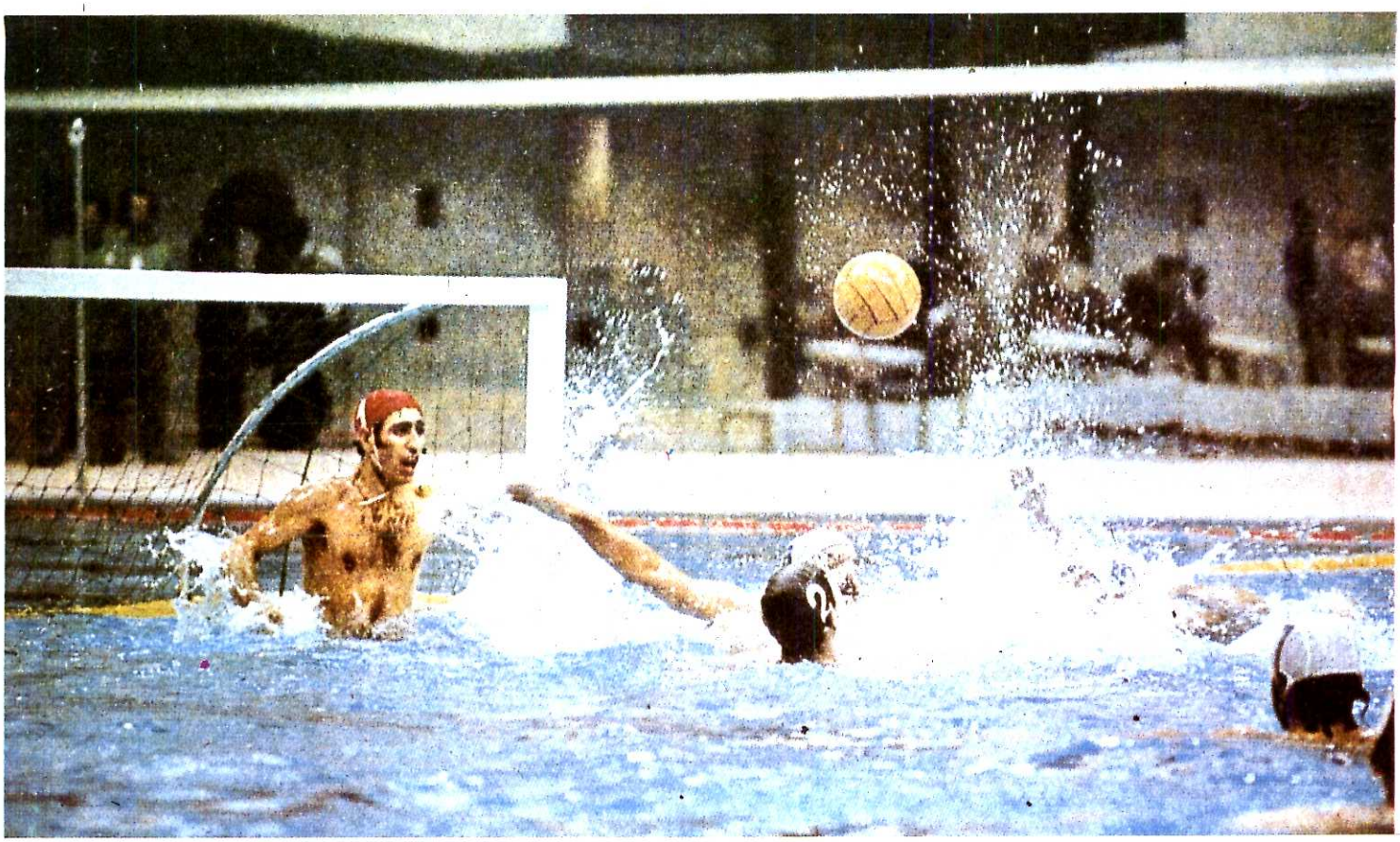

عکس‌هایی از بازیهای آسیایی

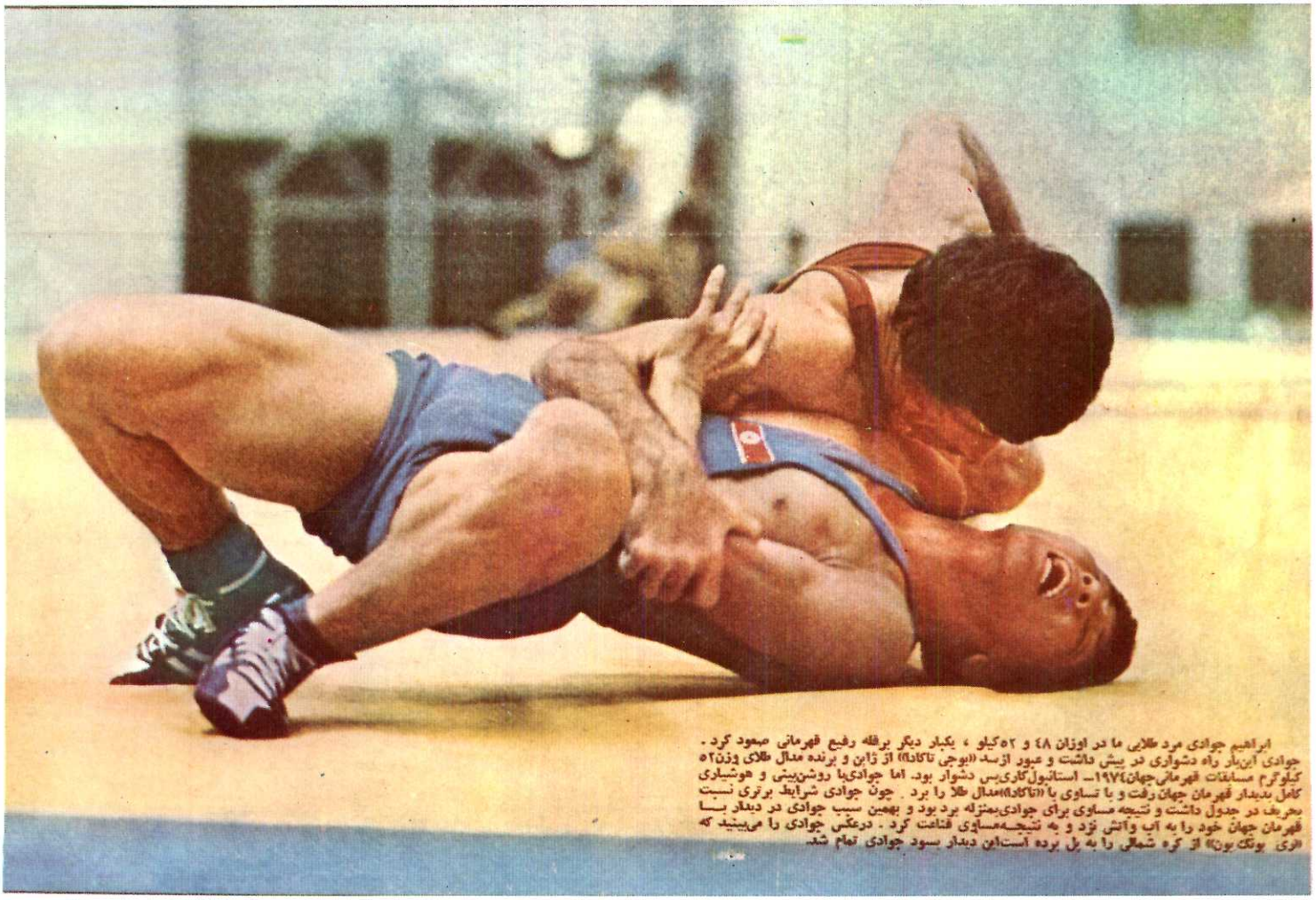

ابراهیم جوادی مرد طلایی ما در اوزان ۴۸ و ۵۲ کیلو ، یکبار دیگر برفله رفیع قهرمانی صعود کرد . جوادی این‌بار راه دشواری در پیش داشت و عبور ازسد «یوجی تاکادا» از ژاپن و برنده مدال طلای وزن ۵۲ کیلوگرم مسابقات قهرمانی‌جهان ۱۹۷۴ـ استانبول کاری‌بس دشوار بود. اما جوادی‌با روشن‌بینی و هوشیاری کامل بدیدار قهرمان جهان رفت و با تساوی با «تاکادا» مدال طلا را برد . چون جوادی شرایط برتری نسبت بحریف در جدول داشت و نتیجه مساوی برای جوادی‌بمنزله برد بود و بهمین سبب جوادی در دیدار بـا قهرمان جهان خود را به آب وآتش نزد و به نتیجه‌مساوی قناعت کرد . درعکس جوادی را می‌بینید که «ری یونگ یون» از کره شمالی را به پل برده است‌این دیدار سود جوادی تمام شد.

تلاش

سردر باغ ملی

پارك ساعی

↑ خیابان حافظ

↓ خیابان سه

عکس‌هایی از بازیهای آسیایی

ابراهیم جوادی مرد طلایی ما در اوزان ۴۸ و ۵۲ کیلو ، یکبار دیگر برفله رفیع قهرمانی صعود کرد . جوادی این‌بار راه دشواری در پیش داشت و عبور ازسد «بوجی تاکادا» از ژاپن و برنده مدال طلای وزن۵۲ کیلوگرم مسابقات قهرمانی‌جهان۱۹۷۱ـ استانبول‌کاری‌بس دشوار بود. اما جوادی‌با روشن‌بینی و هوشیاری کامل مدیدار قهرمان جهان رفت و با تساوی با «تاکادا»مدال طلا را برد . چون جوادی شرایط برتری نسبت بحریف در جدول داشت و نتیجه مساوی برای جوادی‌بمنزله برد بود و بهمین سبب جوادی در دیدار بـا قهرمان جهان خود را به آب وآتش زد و به نتیجـه‌مساوی قناعت کرد . درعکس جوادی را می‌بینید که [illegible]

مطالب این شماره

عنوان :		صفحه
هیچکس نمی‌تواند نظر خود را بما دیکته وتحمیل کند		۱
چتر حمایتی برای ۳۲ میلیون ایرانی	عبدالله فرخی	٦
تهران	جمشید مهرپویا	۹
تاگور	علی‌نقی بهروزی	۱۸
مشکلات پژوهشهای علمی	غلامرضا مریدی	۲۱
انقلاب کوبا	—	۲۵
لاله‌خاتون	ابوالقاسم حالت	۳۱
صنایع فولاد	تقی نعیمی	۳٤
گپی بامشهدی اسماعیل	مهناز عطارها	۳۷
اردستان مهد انوشروان	شهره مهدوی	٤۱
کارگران	عبدالله فرخی	٤۷
نمایشگاه بین‌المللی	بهمن افشین	۵۲
تجدیدنظر در برنامه پنجم	—	۵٤
بازیهای آسیایی	بهرام افرهی	۵۹
ایرج‌میرزا	—	٦۸
تقر ، نازکچه ، تیمورقلی	دکتر محمد ستاری	۷۰
رویدادها		۷۳

بهای تلاش : ۲۵ ریال

رو و پشت جلد:

عکسهایی از تهران

داخل روی جلد:

عکس‌هایی از بازیهای آسیایی

داخل پشت جلد:

عکس‌هایی از نمایشگاه بین‌المللی تهران

اسلایدهای رنگی و عکس‌های سیاه وسفید از:

غلامحسین ملك عراقی

چاپ: سکه

تلاش

شمارهٔ چهل و هفتم

نویسندگان وگویندگان مسؤول نوشته‌ها وگفته‌های خود هستند.

نقل مطالب تلاش بدون ذکر مأخذ مجاز نیست.

محل اداره : خیابان شاه - کوچهٔ جم - شمارهٔ ۲۷ بها ۲۵ ریال .

شاهنشاه آریامهر روز پنشنبه چهارم مهر دریك مصاحبه‌مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی که درباشگاه روزنامه نگاران استرالیا در کانبرا تشکیل شد به سؤالات نمایندگان مطبوعات، رادیو تلویزیون و خبر گزاریهای جهان پاسخ گفتند. در این مصاحبه بیش از ۴۵۰ تن از نمایندگان وسایل ارتباط جمعی استرالیا و جهان در آن شرکت داشتند.

● هیچکس نمی‌تواند نظر خود را به ما دیکته و تحمیل کند

شاهنشاه در آغاز این مصاحبه خطاب به‌اعضای باشگاه روزنامه‌نگاران استرالیا ودیگر نمایندگان ارتباط جمعی چنین فرمودند:

آقای رئیس ، عالیجنابان، خانمها و آقایان، قبل از هرچیز مایلم مراتب خوشنودی خود را از حضور در این جلسه بیان کنم. من دیدار خودرا ازاستراليا بااین‌امیدواری آغاز کردم که میان ایران واسترالیا تماسهایی برقرار شود وهمچنین از طریق تبادل نظر به‌این تفاهم برسیم که کشورهای حوزه اقیانوس هند دارای منافع بسیار نزدیکی با استرالیا هستند. خوشبختانه متوجه شدم که دولت ومسؤولان کشور شما و هرمقامی که فرصت ملاقات و گفتگو با وی را داشته‌ام در این امر بامن همعقیده هستند.

این نکته مایهٔ امیدواری است به‌ویژه از این جهت که در جهان حاضر از یکسو هرکس صحبت از وابستگی ملل به‌یکدیگر ونزدیکی مناسبات می‌کند ولی برعکس عده‌یی دنبال رویه‌یی می‌روند که گاهی با این هدف منافات دارد. منظور اصلی پیشنهاد ما در مورد اقیانوس هند وامتدادطبیعی آن یعنی استرالیا، ایجاد یك منطقهٔ صلح و همکاری میان کشورهای ساحلی این اقیانوس تا حدود وثغور استرالیاست.

من برای این همکاری منطقه‌یی نامی‌چون بازارمشترك یا کشورهای مشترك‌المنافع انتخاب نمی‌کنم ولی اگر چنین همکاری میان‌ما بوجود آید ازثبات وصلح وامنیت‌برخوردار خواهیم شد. ما به‌امنیت وصلح از آن جهت نیاز داریم که می‌خواهیم در سایه آن به‌همکاری اقتصادی بپردازیم.

اگر ارتباطات ما وحتی در برخی موارد موجودیت ما در معرض خطر قرار گیرد نمی‌توانیم به‌این همکاری نائل شویم. بعلاوه اگر از ثبات وامنیت وهمکاری برخوردار نباشیم نمی‌توانیم از کشورهایی که متعلق به‌این منطقه نیستند بخواهیم که از این منطقه دوری کنند.

این درخواست ما از کشورهای خارج از منطقه ما از آن جهت نیست که از آنها متنفریم در واقع ما به آنها بسیار علاقمند هستیم. ولی اگر همه‌کشورها نیروهای‌خویش را در حدود قلمرو خود نگاهدارند صلح احتمالا بهتر حفظ خواهد شد. این کار یکی از طرق نیل به خلع سلاح عمومی در جهان است.

همچنین به‌این وسیله به‌مردم جهان تفهیم می‌شود که برای بناساختن زندگی بهتر نه‌تنها مجبور به‌جنگ وتجاوز به‌حریم استقلال و منافع ملل دیگر نیستند بلکه مقابله باخطر بسیار دهشتناکی که‌جهان درپایان سده جاری باآن‌روبروست وبرخی عوامل آن عبارت ازقحطی وتغذیهٔ نادرست وناکامی، فقدان دارو و درمان وبسیاری از مشکلات دیگر خواهد بود مستلزم کوششهای جدی منابع مادی ومعنوی کلیه کشورهای جهان خواهد بود تا شرایط لازم برای ایجاد یك جامعه بشری که مبتنی براحترام به حیثیت انسانی وعدالت اجتماعی است فراهم شود. وضع فعلی که در آن چند کشور از همه مواهب برخوردار و متمتع باشند واغلب کشورهای فاقد همه چیز باشند قابل دوام نیست و روزی به‌حد انفجار خواهد رسید و آن روزی است که تمدن از گیتی رخت برخواهد بست. تردیدی نیست که تمدن ما دارای نقائصی است اما با هم‌آهنگی وهمگامی خواهیم توانست این معایب را از میان برداریم وباآن مبارزه کنیم. سرانجام آنچه را که برای زندگی لازم است و آنچه را که ارزش زیستن دارد به‌جهان عرضه کنیم.

باید اذعان کنم که آنچه را که کوشیده‌ام تشریح کنم و واکنشی که مشاهده کرده‌ام بسیار امیدبخش بوده است. کشور بزرگ شما استرالیا باقدرت کنونی‌اش بویژه قدرتی که در آینده کسب خواهد کرد نقش مهمتر و روزافزونی در خانواده ملل ایفا خواهد کرد ممکن است کشور من نیز در آینده ناگزیر شود نقش مهمتری بعهده بگیرد لکن ما نیز مانند شما بخاطر خودکفایی تقریباً کامل‌بخاطر احترامی که به‌اصل عدم مداخله در امور دیگران قائلیم بخاطر مقاصد غیرامپریالیستی خود، مانند شما باید نقشی را که امیدوارم باهمکاری استرالیا باشد ایفا کنیم تابساختمان دنیای جدیدی که ماهمه آرزو می‌کنیم و بآن امید بسته‌ایم کمك کند.

این نکاتی بود که مایل بودم امروز در این مجلس مطرح کنم. می‌دانم که در طول مصاحبه فرصت کافی خواهد بود که دربارهٔ سایر مسائل بیشتر بحث کنیم و خوشحال خواهم شد که هر سؤالی مایلید مطرح سازید.

رئیس انجمن : اعلیحضرتا، سپاسگزارم. اکنون از نمایندگان وسایل ارتباط جمعی دعوت می‌کنم که سؤالات خود را مطرح کنند و قبلا نام خود و مؤسسه‌یی را که برای آن کار می‌کنند ذکر کنند. آقای ایان‌ماتیوزاز روزنامه هرالد تایمز اولین سؤال را مطرح می‌کند : اعلیحضرتا شما در آغاز بیاناتتان درباره اقیانوس هند و تبدیل آن به‌منطقه صلح صحبت فرمودید آیا این پیشنهاد که کانال سوئز وقتی مجدداً گشوده شدباید تنها محدود به‌عبور کشتی‌های تجاری باشد نه‌نظامی، به‌نظر شاهنشاه پیشنهاد ارزنده‌یی است ؟

پاسخ: بلی این پیشنهاد دارای ارزش است. اما می‌دانیم که تمام راههای آبی بروی همه‌نوع کشتی‌های نظامی وهمچنین تجاری باز است وبهمین دلیل است که معتقدیم کاملا لازم است که تمام کشورهای اقیانوس هند گرد هم آیند وبه‌جهان نشان دهند که واقعاً ضرورتی برای اینکه قدرتهای خارجی کشتی‌های جنگی خودرا به‌این‌آبها بفرستند وجود ندارد.

آقای جان لمبت از روزنامه نورتون سان سؤال می‌کند: اعلیحضرتا بقرار اطلاع ایران یکی از مجهزترین نیروهای هوایی را در اختیار دارد و شنیده‌ایم که ایران قراردادهایی نیز بادولت فرانسه برای خرید رآکتورهای

اتمی بسته‌است، هدف شاهنشاه ازدسترسی به‌انرژی وتجهیزات اتمی چیست وآیا این امر به‌صلح منطقه کمك خواهد کرد؟

شاهنشاه پاسخ دادند نیروی هوایی ما ظرف پنج سال آینده بسیار مجهز خواهد شد. این آمادگی ضروریست زیرا باطراف خود می‌نگریم می‌بینیم دیگران چه دارند وآنگاه خود را تا سرحد لزوم مجهز می‌کنیم.

برای کشوری چون کشور من با موقعیت حساس جغرافیایی چیزی خطرناکتر از این نیست که نتواند نه‌تنها از مرزهای خود بلکه ازمنافع خود دفاع کند. به جرأت می‌توان گفت که عدم آمادگی دفاعی مشوق دیگران به تجاوز به‌کشور بی‌دفاع می‌شود وجنگی که درخواهد گرفت بادیگر جنگ‌ها متفاوت وبرای کشوری که مورد تجاوز قرار گرفته دارای عواقب بسیار وخیم خواهد بود.

در مورد سؤال مربوط به نیروگاههای هسته‌یی باید بگویم مانخستین کسی هستیم که می‌گوییم نفت وگاز کالا-های‌ارزشمندی هستند که نباید مثلا برای گرم کردن خانه‌ها یاتولید برق سوزانده شوند. این کار را می‌توان باسایر منابع انرژی مانند نیروگاههای هسته‌یی انجام داد وما قصد داریم به‌تعداد زیادی از این نیروگاههای اتمی دست یابیم. طرح نخست شامل بیست وسه‌هزار مگاوات برق و سرانجام شاید بیش از این خواهد بود که از طریق رآکتور هسته‌یی تولید خواهد شد.

ایران کشور بزرگی است و ما پیشرفت بسیار سریعی داریم. اگر برای شما جالب توجه باشد باید بگویم نرخ رشد مصرف برق در کشور ما سی‌وهفت درصداست واگرمابتوانیم پاسخگوی این احتیاج باشیم می‌تواند بیش‌از این نیز افزایش یابد. اما ماپیمان منع نشر وگسترش سلاحهای هسته‌یی را امضاء کرده‌ایم وطی قطعنامه‌یی به‌سازمان ملل متحد پیشنهاد کرده‌ایم که منطقهٔ ما را ازنقطه نظر تسلیحات یك منطقه غیر اتمی اعلام کند. یکی دیگر از خبرنگاران سؤال کرد، نظر وسیاست شاهنشاه در مورد آینده اسرائیل چیست و آیا از اینکه جهان عرب ایران را بعنوان یکی از صادرکنندگان عمده نفت به‌اسرائیل می‌شناسد خوشحال هستید ؟

شاهنشاه درپاسخ این‌خبرنگار فرمودند: کشور اسرائیل بوسیله سازمان ملل‌متحد برسمیت شناخته شده است وهرکسی که درباره کنفرانس صلح گفتگو می‌کند خوب است توجه کند که قطعنامهٔ شماره دویست وچهل و دو شورای امنیت سازمان ملل متحد وقطعنامه‌های بعد از آن وتمام بیانیه‌ها برای این تنظیم شده که صلح بین کشورهای عربی و کشور اسرائیل برقرار شود.

بنابراین وقتی کشور شما ازسوی سایر کشورها شناخته شد شما نیز از حقوقی مانند حقوق سایر کشورها برخوردار خواهید بود. اما به‌این معنا نیست که ما باغصب سرزمین-های سایر کشورها وبااستفاده از زور موافق هستیم واین همان واقعه‌یی است که به‌ویژه در جنگ ۱۹۶۷ اتفاق افتاد وما نمی‌توانیم اصل اشتغال سرزمینهای اعراب را بوسیلهٔ نیروهای مسلح اسرائیل بپذیریم. لکن ما نیز مانند دیگران به‌این اصل توجه داریم که مردم اسرائیل نیز باید در داخل مرزهای خود امنیت داشته باشند وبآنها فرصت داده شود که در صلح وصفا زندگی کنند اما در مورد سؤال مربوط به نفت باید بگویم که نفت به‌همه جا صادر می‌شود وقتی یك کشتی نفت‌کش بارگیری می‌کند واقعاً نمی‌توان به مقصد آن پی‌برد و همانطور که گفتم می‌تواند راهی هرمقصدی از جمله اسرائیل بشود.

خبرنگار دیگری پرسید اعلیحضرتا سرنوشت زندانیان سیاسی در سراسر جهان بسیار مورد توجه ونگرانی واقع‌شده است. ممکن است بفرمایید آیا درباره اوضاع کشورتان با نخست‌وزیر استرالیا صحبت فرمودید و آیا ممکن است بفرمایید درچه زمینه‌هایی مذاکره فرموده‌اید وتعدادزندانیان سیاسی درایران چند نفر است ؟

شاهنشاه در پاسخ فرمودند اصطلاح زندانی سیاسی با بی‌بندو باری بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. زندانی سیاسی کیست ؟ما می‌توانیم دربارهٔ آن به‌تفصیل بحث وآنرا روشن کنیم. آنچه در کشور من می‌گذرد این است که کمونیسم ممنوع شده است. کمونیستها درکشور من اجازه فعالیت ندارند چون مردمی هستند که هیچگونه وفاداری به‌پرچم ملی خود نداشته‌اند و سوگند وفاداری به بعضی کشورهای دیگر یاد کرده‌اند.

گذشته از اینکه آنها بخاطر کمونیست بودن تحریم شده‌اند این عده باعمال تروریستی نیز دست می‌زنند. آنان مبادرت به‌پرتاب بمب می‌کنند و در خیابان‌ها مردم را به رگبار مسلسل می‌بندند و با انفجار بمب افراد بیگناه را درو می‌کنند، اگر در قاموس فرهنگ‌شما مفهوم تروریست برابر مفهوم زندانی سیاسی باشد در آنصورت من می‌توانم به پرسش شما پاسخ دهم.

یکی دیگر ازخبرنگاران پرسید دوسه روز پیش جرا-فورد رئیس جمهوری امریکا در شهر دیترویت گفت که کشورهای مستقل که نیازمند مواد خام سایر کشورها هستند اجازه نخواهند داد کشورهای صادر کننده مواد خام آنها را تحت فشار شدید قرار دهند. آیا به‌نظر آن اعلیحضرت اظهارات پرزیدنت فورد که باموجی ازاعتراضات سیاسی در جهان روبرو شده است اولتیماتومی به‌ایران وسایر کشور-های خاورمیانه تلقی می‌شود بویژه باتوجه به‌اظهارات اخیر پرزیدنت فورد که دوسه روز پس از اعلام پشتیبانی او از دخالتهای سازمان سیا در امور داخلی سایر کشورها ایراد شده است آیا این نکته را حایز اهمیت خاص می‌دانید ؟

شاهنشاه در پاسخ فرمودند: قبل از هرچیز باید بگویم که ایران با امریکا روابط بسیار حسنه‌یی دارد و شاید وجود امریکا برای ما بسیار مؤثر باشد زیرا جهان در حال حاضر بااین مسأله‌روبروست که برخی کشورها مسلح بسلاحهای اتمی هستند و بقیه کشورها نیستند. ایران نیز از جمله کشورهایی است که سلاح هسته‌یی ندارد. از این‌رو مادام که در تعدادی از کشورهای جهان سلاحهای هسته‌یی وارتش‌ها و نیروهای هوایی وبحریه‌های جنگی دهشتناك وجود دارد دوستی کشوری مانند امریکا که دارای زرادخانه‌یی مملو از سلاحهای هسته‌یی است برای ایران حائز اهمیت حیاتی است.

شاهنشاه افزودند من هنوز وقت نکرده‌ام و فرصت نیافته‌ام متن رسمی بیانات رئیس جمهوری امریکا را مطالعه کنم ولی اگر مفاد آن همانست که عنوان کردید باید بگویم که اولا این موضوع مورد قبول ما نیست. هیچکس نمی-تواند نظر خود را به‌ما دیکته وتحمیل کند. هیچکس قادر نیست مشت خود را بروی ما گره کند چون ما نیز می‌توانیم متقابلا این کار را بکنیم. اگر مسألهٔ تقسیم ثروت میان ملت‌ها مطرح است فکر می‌کنم که در آن صورت آماده خواهیم بود که منابع انرژی خود را در ازاء سرمایه و تأسیسات شرکتهای بزرگ ژنرال موتورز، وستینگهاوس، ژنرال‌الکتریك و همهٔ دیگر شرکتهایی که دارای اسم ژنرال هستند مبادله کنیم.

لیکن شاید این‌فرصت مناسبی باشدکه چند کلمه درباره موضوع نفت گفتگو کنیم مایلم توجه شما را به‌این حقیقت جلب کنم که در سال ۱۹۴۷ قیمت اعلام شده یك بشکه نفت صادره از خلیج فارس ۲ دلار و ۱۷ سنت بود. در سال ۱۹۴۹ شرکتهای نفتی این قیمت را بایك محاسبه سریع وحیله‌گرانه

به‌یك دلار و ۷۹ سنت کاهش دادند. ما می‌توانیم بخوبی پی به‌تفاوت قیمتهایی ببریم که چگونه در همان شـدت بهای کالاهای جهانی سیصد تا چهارصد درصد ترقی کرد.

پس این کار در واقع استثمار منابع ما بود، منابعی که روزی باتمام خواهد رسید. این منابع پایان ناپذیر نیست. کشورهای صنعتی که ثروت، صنایع و حتی جوامع خود را برنفت ارزان ما بنانهاده‌اند امروز کالاهای خود را به‌قیمتی به‌ما عرضه می‌کنند که بدون مراجعه بـه‌ما تعیین می‌شود. آنها گندم، شکر، فولاد، روغن نباتی وغیره را به قیمتهایی که خود تعیین می‌کنند به‌ما می‌فروشند. ما حرفی درباره‌این قیمتها نداریم زیرا به‌ما می‌گویند یا به‌این قیمتها بخرید ویا به‌سراغ ما نیایید و ما ناگزیر آنها را می‌خریم.

کشورهای فقیر جهان نه‌تنها نفت مصرف می‌کنند بلکه باید سدجوع نیز بکنند آنها مجبورند روغن نباتی، شکر و سایر کالاها را نیز تهیه کنند واگر اشتباه نباشد بهای یك تن شکر امروز ۸٤۰ دلار است در حالیکه درگذشته ما یك تن شکر را به شصت دلار می‌خریدیم. بهرحال ما قبول‌کردیم که مذاکره و گفتگوهای جدی انجام دهیم.

قبل از آغاز بحران همهٔ ما بوجود بحران پولی جهان آگاهی داشتیم، ما مسؤول بحران پولی جهان نیستیم زیرا این بحران قبل از افزایش قیمت نفت هم وجود داشت. اگر اقتصاد کشوری بارکود و دشواری وبیماری روبـرو است گناه آن متوجه ما نیست ولی در هر صورت ما خـوشحال خواهیم شد که به‌این اقتصادها کمك کنیم. این کار را هم اکنون از طریق اعطای وام به‌برخی از کشورها و کمك به دیگران انجام می‌دهیم. فکر می‌کنم می‌توانیم بآنچه تاکنون چه برای کشورهای پیشرفته وچه برای ممالك درحال توسعه جهان انجام داده‌ایم بخود ببالیم من حتی می‌توانم پیشنهاد کنم البته بدون ذکر قیمت دقیق که یك‌قیمت ثابت درسرتاسر جهان برای نفت اعمال واجرا شود باستثناء مواردی کـه موقع جغرافیایی و کیفیت نفت عامل تعیین کننده قیمت‌نفت باشد واین قیمت ثابت می‌بایستی بطور کلی باشاخص‌قیمتهای بیست الی سی کالا ارتباطو همبستگی پیدا کند. ما باید از منابع خویش دفاع کنیم ولی حاضریم چنانچه بهای کالاها درسرتاسر جهان کاهش یابد بهای نفت نیز تنزل کند ومن نسبت به‌قول خودم ، وفادار خواهم بود. اما در صورتیکه قیمت کالاها همواره افزایش یابد دلیلی وجود ندارد که ما آنرا تحمل کنیم. همانطور که قبلا گفتم ما برای گفتگوی جدی درباره این موضوع آماده هستیم.

آقای لری ویلسون از شبکه جنوبی رادیو تلویزیون استرالیا از شاهنشاه سؤال کرد در ضیافت ناهار که توسط پارلمان استرالیا به‌افتخار آن اعلیحضرت برپا شده بود اشاره فرمودید که اقیانوس هند باید یك منطقه صلح‌اعلام شود. اعلیحضرت همچنین فرمودند که کشورهای منطقهٔ اقیانوس هند باید متحد شوند. این اتحاد به‌چه صورت باید باشد آیا جنبه نظامی خواهد داشت یا جنبه اقتصادی و سیاسی ؟

شاهنشاه پاسخ فرمودند: این اتحاد می‌تواند در زمینهٔ اقتصادی آغاز شود وسرانجام جنبه سیاسی نیز بگیرد ولی سپس نوعی تفاهم نظامی نیز باید میان کشورهای منطقـه بوجود آید. این توافق نظامی جنبهٔ دفاعی خواهد داشت و فکر می‌کنم مادام که‌خلع سلاح عمومی صورت نگرفته چنین همکاری دفاعی حائز ضرورت است و مانع از آن می‌شود که کشورهای غیرمنطقه به‌این بهانه که عدم امنیت اقیانوس هند منافع آنها را به‌خطر می‌اندازد مدعی حضور در اقیانوس هند شوند.

یکی دیگر از خبرنگاران به‌نام پیتربلاك از شاهنشاه سؤال کرد آیا شاهنشاه قبول می‌فرمایند که افزایش بهای واردات کشورهای غربی شدیداً سبب توازن پرداخت‌های خارجی بسیاری از این کشورها می‌شود و کشورهایی مانند ایران حاضر نیستند با واردات بیشتر از این کشورها به حل مشکلات مالی آنها کمك کنند، همچنین آیا شاهنشاه قبول می‌فرمایند که مشکلاتی که در توازن پرداخت‌های خارجی وجود دارد ممکن است منجر به‌یك جنگ تجارتی شود واین جنگ تجارتی عواقب وخیمی برای صلح جهان بوجـود آورد، اگر شاهنشاه این حقایق را اذعان می‌فرمایند آیـا حاضر هستند که قسمتی از مسؤولیت عواقب چنین جنگ تجارتی را بپذیرند. منظور من معاملات بازرگانی از قبیل معامله یکصد میلیون دلاری اخیر ایران بااسترالیا که دیروز امضاء شد نیست هرچند که استرالیا هم در نتیجه سیاستهای نفتی کشورهایی چون ایران بامشکلاتی درتوازن پرداختهای داخلی خود مواجه شده است.

شاهنشاه درپاسخ فرمودند: دراشاره پیشین که‌بدشواری مربوط به‌کسری موازنه پرداختها کردم یادآور شدم کـه دشواری‌های مالی شما قبل از افزایش بهای نفت آغاز شده بود. مبنای اینکه ما بهای بیشتری بـرای نفت خـودمان درخواست می‌کنیم این بوده است که تلاش شما برای پیدا کردن منابع انرژی دیگر که از لحاظ کالری دست‌کم بانفت برابر باشد چه حدمخارج برشما تحمیل خواهد ساخت شما می‌توانید بیش از هفتاد هزار فرآورده از نفت بدست‌آورید در زمینه پتروشیمی ودیگر محصولات نفتی نیز این موضوع صادق است پس.درباره ارزش آن کمی فکر کنیم.

بدیهی است ما واقعاً افسوس خواهیم خورد وتـقریباً گناه می‌دانیم که نفت را که می‌توان تبدیل به‌آسپرین ودیگر اجناس کرد صرفاً بخاطر گرم کردن منازل و یادستگاههای مولد سوزانده شود. شما به‌موضوع موازنه پـرداختها اشاره کردید پاسخ من اینست که موازنه پرداختهای جهان ازچند سال پیش دچار نابسامانی بوده است. این نابسامانی چند سال پیش با کاهش ارزش برابری پولهای مختلف از جمله دلار امریکا و لیره انگلستان آغاز شد وتنها مارك آلمان و ین ژاپن همچنان استحکام خود را حفظ کردند.

هم‌اکنون ین ژاپن از نظر نرخ برابری یك سیر نزولی را طی میکند در حالی که مارك همچنان دربازار پولی جهان نیرومندتر می‌شود. علت چیست که آلمان این چنین قدرتمند پیش می‌رود در حالی که در کشورهای همسایه آن اینطور نیست. دلیلش آنست که آلمانی‌ها کار میکنند.

شاهنشاه اضافه فرمودند اثر افزایش بهای نفت برتورم جهانی بین یك‌ونیم درصد است پس درباره‌تورم بیست‌درصد در انگلستان یا ۱٤ درصد در ایالات متحده چه باید گفت که در آن صورت نتیجه می‌گیریم که باید علاوه بر نفت‌عوامل دیگری نیز وجود داشته باشد اگر شما نفت را عنوان کنید ماهم عوامل دیگر را، مطرح خواهیم ساخت.

متأسفم از اینکه علت اساسی این وضع این است کـه اقتصاد جهان برمبنای نفت ارزانی که از کشورهایی مانند کشور من بهره‌برداری می‌شد بنیان گذاری شده است. این وضع قابل دوام نیست ما اکنون وارد عصر جدیدی شده‌ایم ودر دنیای تازه‌یی بسر می‌بریم.

امپریالیسم از جهان رخت بربسته است. آیا شما اکنون می‌خواهید امپریالیسم جدیدی را که بنام استعمار نو خوانده می‌شود احیاء کنید. این کار امکان‌پذیر نیست و بهمین‌سبب همانطور که قبلا گفتم باید گرد هم‌آییم و راه‌حلهایی برای نجات اقتصاد جهان پیدا کنیم. بشرط اینکه این راه‌حلها بر اساس عدالت استوار باشد و نیز مردم درك کنند که باید اندکی بیشتر کار کنند.

یکی از خبرنگاران ازشاهنشاه سؤال کرد پیش‌ازورود

اعلیحضرت به‌استرالیا شورای کمك‌های ماوراء دریاهـای استرالیا واتحادیه دانشجویان استرالیا وسازمان عفو بین‌ـ المللی اتهامات بسیار سنگینی در مورد خفقان سیاسی در ایران عنوان کرده‌اند. اکنـون بسؤال اصلی کـه از آن اعلیحضرت درباره این موضوع شد باز می‌گردیم آیا شاهنشاه در مذاکرات خود با آقای ویتلام این موضوع را نیز مورد گفتگو قرار دادند. مباحثات سیاسی در ایران به چه صورت است، پاسخ شاهنشاه دراین باره به‌این مضمون بود که اگر ما بتوانیم بین تروریسم و فعالیتهای سیاسی وجه‌تمایزی قائل شویم آنگاه اعلیحضرت قادر خواهند بود به‌این سؤال پاسخ بدهند آیا حقیقت دارد که در ژانویـه امسال هفت روزنامه‌نگار ، شاعر و فیلم ساز اعدام شدند، آیا صحت دارد که این درست از نوع اتهاماتی است که به روشنفکرانی که در فعالیتهای انقلابی‌دخالتی نداشته‌اند نسبت داده می‌شود.

شاهنشاه در پاسخ فرمودند من نمی‌دانم برای جواب دادن به سؤال شما مطلب را از کجا شروع کنم. چرا شما عادت دارید هرکس‌را که بمب پرتاب کند روشنفکر بنامید. من همیشه فکر می‌کردم که روشنفکران می‌توانند ازقلم خود بهتر از یك مسلسل استفاده کنند.

همانگونه که گفتم ما نمی‌توانیم کمونیسم و مارکسیسم را بپذیریم. آخرین شاهکار این افراد این است که خود را در کشور من مارکسیست‌های اسلامی می‌خوانند مردم کشور من اکثراً مسلمان هستند همانطور که اکثراً مردم کشورـ های شما نیز کاتولیك و پروتستان هستنـد. مارکسیستهای کاتولیك و حالا این به‌اصطلاح مارکسیست‌های اسلامی بهر طرف بمبی پرتاب می‌کنند. من معتقدم، مذهب و مارکسیست باهم توافق ندارند بنابراین چگونه می‌توان آنها را کنار هم گذاشت واما درباره آن افراد یعنی روشنفکران که به‌گفته شما تهیه کننده فیـلم و شاعر هستند و به مرگ محکـوم شده‌اند بدرستی نمی‌دانم که به‌کدام مورد اشاره می‌کنید زیرا چندین مورد مشابه وجود داشته است. آنها علیه جان من، شهبانو و ولیعهد سوء قصد کرده‌اند. اگرمن گناهان بسیاری مرتکب شده باشم ولیعهد شاید کاملا معصوم و بیگناه باشد زیرا او حتی بسن چهارده سالگی نرسیده است.

من این افراد را بخشیده‌ام. من می‌توانم از گناهان کسانی که علیه جان من سوء قصد کرده‌اند بگذرم ولی‌هرگز نمی‌توانم از اعمال آنانیکه می‌کوشند استقلال و حاکمیت کشور ما را از بین ببرند چشم بپوشم.

خبرنگار سپس از شاهنشاه سؤال کرد کـه آیا موضوع زندانیان سیاسی درمذاکراتشان بانخست‌وزیر استرالیا مطرح شده است یانه؟ شاهنشاه درپاسخ فرمودند تصور نمی‌کنم که در میان سران کشورها و دولت‌ها معمول باشد که پیرامون مسائل داخلی یکدیگر گفتگو کنند.

یکی دیگر ازخبرنگاران از شاهنشاه سؤال کرد دولت ایران اخیراً سهام قابل ملاحظه‌یی درتأسیسات صنایع کروپ بدست آورد که واقعه بسیار مهمی در اروپا تلقی‌شد. گویااز آن زمان تاکنون صنایع کروپ به‌فکر افتاده‌است یك کارخانه درایران تأسیس کند. آیا سیاست شما براین پایه است کـه ایران برتداوم واستقرار درآمد نفت خود متکی خواهد بود همچنین دیروز شاهنشاه فرمودند که ایران آماده است در طرح‌های عمرانی استرالیا بشرطی که بسود هردو کشور باشد سرمایه‌گذاری کند.

ممکن است شاهنشاه ارتباط این موضوع را باموضوع خرید سهام مؤسسه کروپ توسط ایران بیان فرمایند ؟

شاهنشاه پاسخ دادند ما اصولا سیاست مثبتی را دنبال می‌کنیم ودر حالی که مناسبات خود را بادیگـر کشورها گسترش می‌دهیم نظر ما صرفاً دست‌یابی به منافع آنها و یا خرید و کنترل دارایی آنها نیست بلکه قصد ما فقط مشارکت باآنها و در عین حال کمك به‌اقتصادشان است.

هنگامیکه ما سهام مؤسسه کروپ را خریداری کردیم ارزش این سهام فوراً بالا رفت و هرچه کروپ در کشور ما انجام دهد مخارج آنرا خواهیم پرداخت.

به‌ویژه که صنایع فولاد در کشور من ملی شده است کشورهای دیگر نمی‌توانند در صنایع نفت، مس و بسیاری از صنایع ملی دیگر در کشورما مشارکت کنند.

لکن ما یك‌شرکت مختلط در نقطه‌یی در اروپا تأسیس کرده‌ایم که از آنجا به‌اتفاق مؤسسه کروپ می‌توانیم به‌بازار کشورهای دیگر دست یابیم و در صورتیکه کشورهای مورد نظر ما را بپذیرند باآنها شرکتهای مختلط تأسیس خواهیم کرد.

یکی دیگر از خبـرنگاران از شاهنشاه پـرسید آن اعلیحضرت تمام عمرشان را صرف بالا بردن سطح زندگی و سعادتمندی ملت خود کرده‌اند. بدیهی است که همزمان بااین پیشرفتها ضمناً سطح انتظارات و آرمانهای سیاسی مـردم کشورتان را نیز بالا می‌برید. فکر می‌کنم پس از سرنگونی رژیم هایلاسلاسی امپراطور اتیـوپی شما آخـرین پادشاه برخوردار ازقدرت اجرایی هستید کـه در یك کشور مهم جهان حکومت می‌کنید. نظراعلیحضرت دربارهٔ آیندهٔسلطنت در ایران بعنوان یك نهاد و تأسیس اجرایی چیست؟ انتقال قدرت بدولت بعدی را چگونه پیش‌بینی می‌کنید و درباره دورنمای سپردن امور مردم بدست مردم به‌نحوی صلح‌آمیز و سازنده چه نظری دارید ؟

شاهنشاه پاسخ دادند همه سؤالات شما خوب و بجااست همانطور که در موارد گوناگون بارها توضیح داده‌ام من فقط قدرت‌هایی را اعمال می‌کنم که قانـون اساسی به‌من تفویض کرده است در کشورهای دیگر قدرتها وجود دارد ولی اعمال نمی‌شود زیرا نیازی به‌اعمال این اختیارات وجود ندارد. زیرا مردم این کشورها از سواد کافی بهره دارندو دارای تعاونی و نهادها و تأسیسات اجتماعی، انجمن شهر، احزاب سیاسی مختلفی هستند که مردم بوسیله آنها حاکمیت واختیارات عالیه خود را از طریق انتخابات صحیح‌و عاری از تقلب اعمال می‌کنند.

من باانجام همین تدابیر مانند ایجاد تعاونیها، انجمن‌ـ های ده، انجمن‌های شهر وتشویق احزاب سیاسی و هرعامل دیگری که برای ایجاد یك جامعه سالم لازم است ملت خود را برای طی این دوره انتقال آماده می‌کنم جامعه‌یی کـه می‌خواهیم بسازیم که برمبنای آزادی بیان استواراست. مردم به‌ویژه باید بدانند آزادی بیان چیست زیرا اگـر از این آزادی برخوردار باشند ولی ندانند چگونه از آن استفاده کنند نتیجه نامطلوب خواهند گرفت. شما ادعا می‌کنید که انتخابات در کشور شما آزاد است ولی بعداً می‌شنوید که انتخابات ساختگی بوده و در آن تقلب شده است و گروهی از مردگان آراء خود را در صندوقهای انتخاباتی ریخته‌اند.

شاهنشاه اضافه فرمودند زمان آن فرا خواهد رسید که در اثر پیشرفت کشورمان به‌این مواهب اجتماعی نائل شویم وبخاطر ولیعهد آرزو می‌کنم که این هدف بزودی تحقق پذیرد.

می‌دانم که تحقق این آرزو بسیار ارزنـده و شادی آفرین خواهد بود همانطور که ما در حال حاضر نیـز از پیشرفتهایی که خوشبختانه بدست آورده‌ایم بسیار شادمـان هستیم. اما رویهمرفته تلاش شدیدی در پیش خواهیم داشت حکومت کردن به‌ویژه در روزهای گذشته دشوار بود ولی اکنون از دشواری آن کاسته شده است. من بارها گفته‌ام که سلطنت کار پردردسری است.

یکی دیگر ازخبرنگاران ازشاهنشاه پرسید اعلیحضرتا ممکن است تخمیناً بفرمایید که پس از انعقاد مـوافقتنامه بازرگانی میان ایران واسترالیا ارزش مبادلات بازرگانی دو کشور چه میزان خواهد بود وآیا ایران بمنظور کمك به اقتصاد بیمار استرالیا امتیازاتی از قبیل عرضه نفت بـه بهای کمتر در مبادلات بازرگانی دو کشور امتیازاتی داده است ؟

شاهنشاه پاسخ دادند قبل از هرچیز باید توضیح دهم که من نمی‌توانم رقمی ذکر کنم اما می‌توانم بگویم کـه بعقیدهٔ من امکانات متقابل دو کشور نامحدود است هنگامی که دانش‌آموز بودم همیشه از خود می‌پرسیدم نامحدود یعنی چه، معنای صفت پایان ناپذیر چیست؟ ولی‌بالاخره این‌مفاهیم باید به‌ارقام تبدیل شود واین ارقام درآینده بسیار مهم توجه خواهد بود. درباره اقتصاد بیمار کشور شما چندان اطلاع ندارم. کشوری مانند کشور شما باید اقتصاد شکوفایی داشته باشد شما همه چیز دارید. بنابراین شاید شما بتوانید با قرار دادن قسمتی از منابع بوکسیت خود با ما همکاری کنید. خود شما تقریباً دارای خودکفایی در نفت هستید شما می‌توانید انرژی هسته‌یی ومنابع بسیارغنی ذغال‌سنگ، اورانیوم کشور خود را جانشین نفت کنید لذا بهترین راه عمل این است که ایران بکوشد بااسترالیا شرکت مختلط تشکیل دهد و منابع دست نخورده کشور شما را با سرمایه گذاری مشترك مورد بهره‌برداری قرار دهد. تا درآینـده هـردو کشور احتیاجات منابع خود را تأمین کنند تصور می‌کنم شما آینده بسیار درخشانی در پیش دارید.

یکی دیگر از خبرنگاران از شاهنشاه پرسید با توجه به‌بیانات آن اعلیحضرت درباره اقیانوس هند آیا شاهنشاه با توسعه پایگاه دیه‌گوگارسیا بعنوان پایگاه دریایـی امـریکا مخالف هستید. آیا شما می‌توانید هردو ابرقدرت را متقاعد سازید که حضور خود را در اقیانوس هند گسترش ندهند. شاهنشاه در پاسخ فرمودند: من باتأسیس پایگاه دیه‌گوگارسیا تازمانیکه قدرتهای دیگر در اقیانوس هند وجود داشته باشند مخالف نیستم این مخالفت درست نیست . من ارقام معتبری در دست ندارم ولی عده‌یی می‌گویند کـه در سال تقریباً روزی سه کشتی شوروی در اقیانوس هند رفت و آمد می‌کنند که معادل ۹۰۰۰ کشتی. درچنین وضعـی چگونه می‌توان از امریکا خـواست که از اقیانوس هـند دور شود ولی ما می‌توانیم همزمان از هردو قدرت بخواهیم که ازاین اقیانوس دوری کنند. بعقیدهٔ من ما تنها در صورتی می‌توانیم چنین چیزی را از آنها بخواهیم که همه کشورهای حوزهٔ اقیانوس‌هند واسترالیا گرد هم‌آمده و با هم بتوافق رسیده باشند. یکی دیگر از خبرنگاران پس از معرفی خود پرسید آینده بانکهای تجارتی و صنایع وکشاورزی استرالیا مانند جان‌دالی که می‌خواهند در طرحهای عمرانی ایران سهیم باشند چه خواهد بود وهمچنین آینده بازرگانی میان ایران واسترالیا چه خواهد بود دربرخی محافل شایع است است حقیقت دارد که بسیاری از شرکتها و صادر کنندگان و مؤسسات استرالیایی مجبور خواهند شد از طـریق این مؤسسه بخصوص با ایران وارد معامله شوند؟ شاهنشاه‌فرمودند این موضوع هرگز حتی مطرح هم نشده است ما عادت به ایجاد انحصارها و کارتلها نداشته‌ایم ما با همـه مؤسسات مستقل و منفرد باکنسرسیوم و یاحتی بادولت استرالیا معامله خواهیم کرد بنابراین موضوع در کشور من بکلی منتفی است.

رئیس انجمن مطـبوعات استرالیا بعرض می‌رسانـد اعلیحضرتا اجازه بفرمایید بپرسم آیا برخی از اعضاء هیأت مطبوعاتی ایران که در التزام شاهنشاه هستند مایل به‌مطرح کردن پرسشهایی هستند یانه ؟ اگر انها در حال حاضـر سؤالی ندارند شاید برخی از خبرنگاران استرالیایی که قبلا سؤالاتی مطرح کرده‌اند مایل باشند سؤالات تازه‌یی مطرح کنند. ده دقیقه بیشتر از وقتی که شاهنشاه برای مصاحبـه تعیین فرموده‌اند نمانده است.

یکی دیگر از خبرنگاران به‌نام الی‌فیتز جـرالد از شاهنشاه سؤال کرد شاهنشاه قبلا اشاره فرمودند که سوزاندن نفت بعنوان سوخت حرارتی درمنازل گناه است شاید شاهنشاه معتقدند که بجای نفت باید از برق اتمی استفاده شود آیا در این مسأله فضولات اتمی و آلودگی هوا که از بکار گرفتن تعداد زیاد رآکتور اتمی و نیروگاه هسته‌یی ناشی می‌شود نادیده نمانده است ؟

شاهنشاه در پاسخ فرمودند این مسأله بطور جدی‌مطرح است لکن قابل حل نیست زیرا در جمهوری فدرال آلمان‌که دارای فضای بسیار محدود است در نظر دارند بین ۲ تا ۳ هزار مگاوات برق اتمی تولید کنند. این نـیروگاهها را می‌توان در قلب کوهها و یا در اعماق زمین نصب کرد وبا چاره دیگری برای آن جستجو کرد ولی موقعیکه منابع‌نفت بپایان برسد هیچ چاره‌یی برای تأمین انرژی وجود نخواهد داشت انرژی هسته‌یی تنها منبع انرژی نخواهد بود بلکه امکانات دیگری مانند استفاده از انرژی خورشیدی، امواج دریاها، تبدیل ذغال سنگ به گاز و مایع سازی گاز ذغال سنگ وجود دارد و یا می‌توان حرارت گردذغال سنگ را تا بیست هزار درجه سانتیگراد بالا برد نمی‌توان تصور کرد که با چنین نیرویی چه کارها می‌توان انجام داد انـرژی هنوز بصورت یك مسأله جلوه می‌کند ولی محققان رامـ حلهای مناسبی خواهندیافت. یکی‌دیگر از خبرنگاران‌پرسید آیا آزمایش‌های هسته‌یی اخیر هند بهدف شاهنشاه بـرای تبدیل اقیانوس هند به‌یك منطقه غیراتمی لطمـه می‌زند؟ شاهنشاه در پاسخ فرمودند فکر می‌کنم که هند نیز بارغبت حاضر است اقیانوس هند یك منطقه غیراتمی وخالـی از سلاحهای هسته‌یی اعلام شود آنها می‌گویند که در پی‌هدفـ های مسالمت‌آمیز هستند و من مایلم به‌دو دلیل عمده گفته آنها را باور کنم. اولا مایلم گفته یك دوست را باور کنم ثانیاً معتقدم که اینکار بنفع همه کشورهای منطقه از جمله خود هند است.

یکی از خبرنگاران از شاهنشاه سؤال کرد ایران یك سفارش جدی برای خرید هواپیماهای مافوق سرعت صوت کنکورد داده است. اندکی پیش به‌این مسأله اشاره شد ممکن است اعلیحضرت برای اعضاء این انجمن بفرمایند که چرا تا این حد به هواپیماهای کنکورد علاقمند هستند و چـرا معتقدند دارای مـزایای بیشماری است؟ شاهنشاه در پاسخ فرمودند موقع جغرافیایی کشور ما طوری است که فاصله بین تهران تا لندن و تهران تا توکیو تقریباً یکسان است ما حق پرواز در حریم فضایی کشورهای مختلف را داریم و هواپیمای کنکورد فاصله‌ها را بااین شهرها کوتاه می‌کند این یکی از دلایل عمده علاقه ما باین نوع هواپیماست. اما موقعیکه به لندن یا توکیو پرواز می‌کنیم می‌توانیم از این دوشهر به نیویورك برویم وسپس شاید از فراز اقیانوس‌آرام بازگردیم. من خلبانی کنکورد را برعهده داشته‌ام هم بعنوان مسافر و هم بعنوان یك خلبان می‌توانم بگویم که هرگاه مسافری با کنکورد پرواز کند دیگر حاضر نخواهدشد سوار هواپیماهای دیگری شود. در پایان مصاحبه معاون رئیس باشگاه روزنامه‌نگاران احاطه وآگاهی کامل شاهنشاه نسبت به کلیه امور و مسائل را مورد ستایش قرار داد وازافتخاری که اعلیحضرت با برگزاری کنفرانس مطبوعاتی به‌اعضای باشگاه داده‌اند سپاسگزاری کرد.

صفحه پنجم

چتر حمایتی برای ۳۲ میلیون ایرانی

● نارسایی‌های درمانی از میان می‌رود و کارمندان ـ کارگران و روستاییان از خدمات درمانی یکنواخت استفاده می‌کنند.

● ۱۵ بیمارستان ۵۰۰ تختخوابی در ۱۵ منطقهٔ کشور ایجاد می‌شود.

● کار پزشك باید از حالت استخدام دولتی و حقوق بگیری خارج شود.

● همهٔ افراد مملکت در مقابل بیکاری ـ پیری ـ از کارافتادگی وبازنشستگی حمایت می‌شوند.

از : عبدالله فرخی

همزمان با ترمیم کابینهٔ دولت که دراردیبهشت ماه صورت گرفت درترکیب وتشکیلات وزارتخانه‌ها تغییراتی داده شد و چند وزارتخانه جدید پدید آمد که یکی از آنها تأسیس وزارت رفاه اجتماعی بود .

در لایحه تشکیل وزارت رفاه اجتماعی گفته شده است که:

بمنظور فراهم آوردن و گسترش خدمات رفاهی و راهنمایی نسبت به‌این قبیل فعالیتها وزارت رفاه اجتماعی با تشکیلات لازم برای انجام وظائف زیر تشکیل می‌گردد.

ـ تأمین خدمات‌درمانی کشور باستثنای خدمات بهداشتی توأم با خدمات درمانی سرپایی در همهٔ روستاها و همچنین خدمات فوق در مورد افراد و گروههای بیمه نشده در شهرها که از وظائف وزارت بهداری خواهد بود.

گذشته ازاین، فراهم کردن نیازمندی‌های اجتماعی از قبیل ایجاد و گسترش صندوقهای حمایت ، برقراری مستمری‌ها و نیز اعطای انواع کمکها به افراد وخانواده‌های نیازمند ـ باستثنای‌صندوقهای بازنشستگی کارکنان دولت و سازمانها و شرکتهای دولتی ـ از دیگر وظایف وزارت رفاه است.

ارائه خدمات‌رفاهی‌برای‌همهٔ گروههای سنی وخانواده‌ها از طریق ایجاد و تعمیم مراکز رفاه خانواده ، مهدهای کودك ، خانه‌ها و باشگاههای جوانان و پیران، ارائه خدمات توان‌بخشی نسبت به معلولان جسمی وروانی واجتماعی. نظارت‌وایجاد هم‌آهنگی نسبت به دستگاه‌ها و سازمانهای رفاهی غیر دولتی و تعیین ضوابط وبرنامه و روشهای دستگاههای مزبور و آموزش و راهنمایی لازم. درمان معتادان بمواد مخدر والکل و توانبخشی آنان، عضویت در سازمانهای بین‌المللی وشرکت در کنفرانس ومجامع بین‌المللی که در امور مربوط به مسائل فوق تشکیل می‌شود از وظایف این وزارتخانه است. همچنین اجرای سایر خدمات رفاهی که بنا بتصویب شورای عالی رفاه اجتماعی به وزارت رفاه اجتماعی محول می‌گردد.

لایحه تصریح دارد که از تاریخ تصویب این قانون مؤسسات و واحدها و امور زیر:

ـ سازمان بیمه‌های اجتماعی با واحدهای مربوط از وزارت‌کار وامور اجتماعی؛

ـ بانك رفاه کارگران، «از وزارت کار وامور اجتماعی»؛

ـ سازمان‌بیمه‌های اجتماعی روستاییان‌از «وزارت تعاون وامور روستاها» باستثنای بیمه‌های مربوط به محصولات کشاورزی که کماکان از وظایف وزارت تعاون وامور روستاها خواهد بود؛

ـ سازمان‌تأمین خدمات‌درمانی «وزارت بهداری»؛

ـ انجمن توان‌بخشی «وزارت کار و امور اجتماعی»؛

ـ اجرای قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری وکارافتادگی «وزارت کار وامور اجتماعی»؛

ـ امور مربوط به درمان وتوانبخشی معتادان و واحدهای مربوط به «وزارت بهداری»؛

ـ امور مربوط به درمان ، توان‌بخشی مربوط به‌بیماران روانی و واحدهای‌مربوطه «وزارت بهداری»؛

با بودجه ، دارایی، کارکنان، ارکان و شوراهای قانونی از وزارتخانه مربوط‌جدا و به وزارت رفاه اجتماعی وابسته ویا منتقل می‌شود. مسؤولیت واختیارات از وزیران و وزارتخانه‌های موضوع این ماده طبق قوانین ومقررات مربوط در هرمورد، عیناً به‌وزیر وزارت رفاه اجتماعی منتقل می‌شود.

همچنین سایر تکالیف و خدمات رفاهی بوسیله وزارتخانه‌ها ومؤسسات ودستگاههای دولتی انجام می‌شود و به پیشنهاد وزارت رفاه اجتماعی و تصویب هیأت وزیران با کارکنان واعتبارات مربوط به آنها به‌این وزارت منتقل می‌شود و همهٔ اختیارات و مسؤولیت‌هایی که برطبق قوانین ومقررات مختلف به وزارتخانه یا وزیر مربوط محول بوده عیناً به وزارت و وزیر رفاه اجتماعی سپرده می‌شود. مدت لازم برای اجرای این تبصره یکسال از تاریخ تصویب این قانون خواهد بود.

ـ شورای عالی رفاه اجتماعی که در رأس‌آن: وزیر رفاه‌اجتماعی، وزیربهداری، وزیر آموزش و پرورش ، وزیر کشور ، وزیر تعاون و امور روستاها ـ وزیر کار وامور اجتماعی، وزیر مشاور ورئیس‌سازمان برنامه و بودجه ، وزیر علوم و آموزش عالی، وزیر اقتصاد و دارایی، مدیر عامل سازمان شیروخورشید سرخ ایران، مدیر عامل سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی قرار دارند اساسنامه‌اش به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید وتشکیل خواهد شد. تعیین خطوط اساسی فعالیتهای رفاه‌اجتماعی وهمچنین تجویز فعالیت سازمانهای رفاهی غیردولتی بعهدهٔ شورای عالی رفاه اجتماعی است. در لایحه، گفته شده است که ازتاریخ تصویب این قانون، تشکیل هرنوع سازمان رفاهی غیردولتی منوط برعایت ضوابط و مقررات تعیین شده ازطرف وزارت رفاه اجتماعی واخذ پروانهٔ کار از این‌وزارتخانه است. وزارت رفاه اجتماعی مکلف است از ادامهٔ فعالیت مؤسسات رفاهی که طبق‌ضوابط تعیین شده عمل نمی‌کنند، جلوگیری کند.

وزارت رفاه‌اجتماعی دراجرای تکالیف و وظایف مربوطه مجاز است مؤسسات مستقل و وابسته‌بخودتشکیل‌دهد، وهمچنین‌تغییرات لازم را در مقررات وتشکیلات و وظائف سازمانها و مؤسسات مربوط به تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور وتصویب کمیسیون‌های مربوط بمجلسین بعمل‌آورده، وضمن اجرای آزمایشی، قوانین لازم را ظرف دوسال از تاریخ تصویب این قانون جهت تصویب نهایی به مجلسین تقدیم دارد.

همچنین آیین‌نامه‌های اجرایی‌لازم این‌قانون توسط وزارت رفاه اجتماعی تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران بموقع اجراء گذارده می‌شود.

ضمناً از تاریخ تصویب این قانون آن قسمت از قوانین و مقررات که با این قانون مغایر است ملغی محسوب می‌شود.

صفحه ششم

مفهوم رفاه اجتماعی

رفاه اجتماعی بمفهوم کلـی آن یعنی تأمین نیازهای‌فرد درجامعه ورفع نگرانی‌ها وتشویش‌های او از کمبودهای احتمالـی فردا ــ بطوریکه در تمام دوران زیست از زمان طفولیت تا مرگ زیر چتر حمایت‌های رفاهی قرار گیرد. البته تعبیر و تفسیر رفاه اجتماعی در هر جامعه برحسب تأمین نیازها فرق می‌کند و با پیشرفت جامعـه‌ها دامنهٔ رفاه فزونی می‌گیرد وخواستهای رفاهی‌فرد شکل کاملترو وسیعتری بخودخواهدگرفت. مثلا در جامعه‌یی فقیر، شکل کلی رفاه در چهارچوب تأمین غذابرای‌ساکنان آن‌جامعه دور می‌زند. اما در جامعه‌های پیشرفته رفاه دارای وجوه مختلف خواهد بود.

در ایران باپیشرفت‌تکنولوژی وافزایش جمعیت و خارج شدن روابط فرد از حالت زیست در جامعه‌های کوچك، و پیچیده‌تر شدن روابط خانواده با اجتماع ، توجه بـه رفاه اجتماعی بیش از هر زمان و هرموقع دیگر لازم می‌نمود، و از این‌جهت بایـد گفت که وزارت رفاه اجتماعی بدنبال‌نیازـ های جامعه بوجود آمد. تشکیل وزارت رفاه اجتماعی و توجه به خواستهای رفاهی جامعه بدنبال برگزاری سمینار ملی رفاه اجتماعی در نیمهٔ دوم اسفندماه گذشته بود.

در قطعنامه سمینار لزوم توجه به رفـاه بازنشستگان و مستمری بگیران مورد تأکید قرار گرفت و برگزار کننـدگان سمینار اتفاق نظر داشتند که باید در میزان مستمری گروه بازنشستگان و مستمری بگیران‌تجدید نظر شود واین افراد که در واقع گـروه آسیب‌پذیر اجتماع هستند از مقررات بیمهٔ درمانی استفاده کنند.

همچنین گسترش برنامه‌های خانه‌سازی واستفاده از اراضی اوقاف ودولتی درشهرها بـرای ساختن خانـه‌های ارزان قیمت ، نگهداری موقت اطفال گمشده وبی‌سرپرست درمراکزی‌تحت‌نظارت دادسراهای‌شهرستان، رفع تبعیض و نابرابریهای قانونی میان زن‌و مرد ــ از جملهٔ مقررات مربوط به‌ولایت ، تابعیت، تعدد زوجات واجازه مسافـرت، لزوم تعلیم وتربیت زنـدانیان در دوران محکومیت وحمایت از خانوادهٔ‌آنها پیشنهاد شد. اما بی‌شك برنامه رفاهی برای افـراد جامعه ایران نمی‌تواند به‌چند مورد فـوق اکتفا کند و لازمست هنگام تهیه وتدوین برنامه‌ها واجرای طرحهای رفاهی مسایل و خصوصیات اجتماعی واقتصادی مملکت و شرایط اقلیمی ــ آداب وسنن وحتی مسائل اخلاقی مردم در نظر گرفته شود تا موفقیت برنامه‌ها تضمین گردد.

ذکر این‌نکتـه ضرور است که‌در وضع فعلی دولت هیچگونه نگرانی از نظر مالی ندارد واعتبار کافی در اختیار دارد، ومی‌ـ تواند با صرف اعتبار لازم در جهت تأمین نیازهای رفاهی اجتماع بکوشد، طبق پیش‌ـ بینی‌های انجام‌شده در وضع موجود، اعتبار برنامه‌های تأمین و رفاه اجتماعی در برنامه پنجم ٥٤ر٥ میلیارد ریال است که بامقایسه بااعتبار برنامه چهارم نزدیك به ۱۰ برابر است وبا تجدید نظر در ارقام برنامه پنجم که در تابستان آینده عملی می‌شود پیش‌بینی می‌گردد که اعتبار برنامه رفاه اجتماعی از ۱۰۰ میلیارد ریال نیز تجاوز کند. بدون تردید با این اعتبار می‌تـوان بسیاری از نارسایی‌های رفاهی اجتماع را مرتفع کرد وبه گروههای مختلف جامعه سرویس رفاهی لازم داد. اما همانگونه که گفته شد دادن این سرویس نیاز به‌برنامه‌ریزی دقیق وعلمی دارد و با قبول این واقعیت می‌توان بوظیفهٔ خطیری که وزارت نوپای رفاه اجتماعی در پیش روی خـود دارد، پی‌برد. زیرا این وزارتخانه‌باید به‌تمام افراد اجتماع ازبـدو تولد تا هنگام مرگ خدمت بکند ونیازهای رفاهی آنان‌رابرآورد؛ نیازهایی‌که آموزش، اشتغال، درمان، مسکن وتغذیـه پنج رکن اساسی آنرا تشکیل می‌دهد. خوشبختانـه با صدور فرمان همایونی مسألهٔ آموزش و تغذیه برای دانش آموزان ــ یعنی گروه اصلی نیازمند اجتماع‌ما جامهٔ عمل پوشید، وهم‌اکنون مسؤولان اجرایی سرگرم تهیه ضوابط وبرنامه‌های اجرایی آن هستنـد. اما مسألهٔ اشتغال، درمان ومسکن، هنوز برای گروههای مختلف اجتماع حـل نشـده و نیازمند راه حلهای بنیادی وخارج ازصورت چاره‌جوییهای موقت خواهد بود. درچهار چوب هدفهای کلی رفاه اجتماعی بطـور اختصار می‌توان توجه بـه رفاه معلولان ، کارگران، کودکان بزهکار ، مشکلات و مسائل زنـدانیان، روسپیان ، جـوانان و سالمندان را نام برد.

نکته اساسی که باید بآن توجه شود بر طرف‌کردن‌فاصله میان‌جامعه‌شهری وروستایی است و با قبول این واقعیت کـه اکثریت جمعیت ایران در روستاها زندگی می‌کنندو نیاز بخدمات رفاهی بس وسیعتری دارند، لزوم تقدم اجرای برنامه در روستاهاضرور بنظر می‌رسد. گذشته از آن باید اجرای این برنامه باتوجه به‌نیازهای جامعهٔ شهری و روستایی صورت گیرد و دارای طرحهای جداگانه باشد تابتوان فاصلهٔ میان شهری و روستایی را برانـداخت. همچنین وزارت رفـاه اجتماعی بایـد برنامه‌هـای رفاهی وزارتخانه‌ها و سایر سازمانهـای رفاهی‌و مؤسسات نیکوکاری را هماهنگ کند. با اجرای این هماهنگی، بدون اینکه به‌شکل بنیادی و حقوقی این سازمانها لطمه‌یی وارد شود می‌توان امور رفاهی برای گروههای مختلف اجتماع را بهتر وسریعتر انجام دادو از میزان هزینهٔ طرحها نیز بمقدار قابـل توجهی کاست.

گسترش امور درمانی

هماهنگی در امر درمان وارائهٔ خدمات درمانی از طریق گسترش امر بیمه بـه‌تمام گروهها و قشرهای اجتماع از هـدفهای اساسی وزارت رفاه اجتماعـی است واین وزارتخانه سعی دارد که درطی پنجسال‌آینده تمام گروهها وقشرهای جامعه اعم ازشهری و روستایی را تحت پوشش بیمهٔ درمانـی قرار دهد.

وجود ناهماهنگی‌های درمانی درکشور واجرای شیوه‌های گوناگون درمان ازطرف مؤسسات درمانی یکی از مشکلاتی بود که از چندی پیش لزوم ایجـاد یك سازمان هماهنگ کننده برای آنها مطرح‌شد واینك که وزارت رفاه اجتماعی تشکیـل شده ، رسالت این وزارتخانه دراجرای این‌مقصود بس مهم خواهد بود. البته تأمین درمان و هماهنگی میان مؤسسات درمانی تنها یکی از وظائف وزارتخانه جدید است و وظائف و هدفهای دیگری نیز برعهده خواهدداشت از جمله انجام خدمات رفاهـی برای همهٔ گروهها وقشرهای جامعه و نیزامور مربوط به‌تأمین اجتماعی از قبیل ایجاد و گسترش صندوقهای حمایت ، برقراری مستمری و اعطای انواع کمك‌ها به خانواده‌های‌نیازمند اجتماع. برای آگاهی از هدفها وبرنامه‌های وزارتخانه جدیدالتأسیس رفاه اجتماعی با دکتر شیخ‌الاسلامی زاده وزیر رفاه گفت‌و گویی انجام دادیم.

وزیر رفاه اجتماعی در مورد عـدم هماهنگی میان مؤسسات‌درمانی می‌گویـد: هم‌اکنون سازمانهای مختلفی کار درمان را در کشور انجام می‌دهند و مؤسسات مختلفی وجود دارد که هرکدام سازی می‌زننـد و راهی می‌روند و هریك دارای ضوابط‌خاصی هستند. مثلا گرچه بموجب قانون سازمان تأمین خدمات درمانی برای بیمه کارمندان دولت و خانواده آنان تأسیس شده و چند گروه ، از جمله فرهنگیان در این سازمان بیمه شده‌اند؛ اما هریك از وزارتخانه‌ها و یا سازمانهای دولتی و ملی نیز دارای مؤسسات درمانی و یابیمارستانهای خاصی هستند که امور درمان کارمندان خودرا برعهده‌دارند. گذشته از این در وضع موجود، مقررات استفادهٔ کارمند از خدمات درمانی با کارگر ویا روستایی متفاوت است و هرکدام از امتیازات خاصی برخوردارند. در حالیکـه تمام افـراد مملکت باید از یك بـرنامه استفاده کنند و به حداقل ممکن دسترسی داشتـه باشند. از این جهت، وزارت رفاه اجتماعی امور درمان را در سطح کشور زیر نظر خواهدگرفت وضمن بررسی طرحهای مختلف بهترین طریقه واحد را برای اجرای گسترش امر بیمه درمیان گروهها وقشرهای خدمات درمانی ارائه خواهد داد که همانا جامعه است و کارمندان، کارگران، اصناف، روستاییان و سایر گروههای اجتـماع با مشارکت درقسمتی از پرداختها وهزینه‌های درمانی به‌یك حداقل ممکن درمانی خواهند رسید و می‌توانند از این خدمات استفاده کنند.

صفحه هفتم

وزیر رفاه اجتماعی در اینجا تأکید می‌کند که البته استفاده از خدمات لوکس درمانی مثلا اتاق خصوصی باآخرین وسایل، از جمله تلفن،تلویزیون در برنامه بیمه شده نیست و بیمه‌شدگانی که مایلند از اینگونه وسایل استفاده کنند خود باید مخارج اضافی را بپردازند.

وزیر رفاه با قبول این مطلب که ارائه خدمات درمانی دردرجه اول‌نیاز به گسترش تأسیسات درمانی و از جمله ایجاد بیمارستانهای جدید و تربیت پزشك و کادر پرسنلی وسیعی دارد ــ یادآور می‌شود که دولت سعی دارد از تمام امکانات خود برای گسترش واحدهای درمانی و بیمارستانی استفاده کند وازاین جهت ایجاد ۱۵ بیمارستان بزرگ منطقه‌یی در سراسر کشور در طرح نخستین پیش‌بینی شده که هرکدام از این بیمارستانها بالغ بر ۵۰۰ تختخواب دارد. این بیمارستانها که ازطرف دولت ساخته می‌شود بعداز تکمیل در اختیار گروههای پزشکی قرار می‌گیرد تا مورد استفادهٔ بیماران قرار گیرد . در طرحهای بعدی این برنامه با سرعت بیشتری دنبال می‌شود و طرحهای لازم برای تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری در امر تأسیس واحدهای درمانی تهیه خواهد شد.

صرف نظر از این، سعی می‌شود که استاندارد بیمارستانی در ایران بالا برود تا وسائل و تجهیزات درمانی بمقدار کافی در اختیار بیماران قرار گیرد. البته این مطلب را وزیر رفاه موقعی بیان می‌کند که معتقد است در وضع موجود در ایران هستند مؤسسات درمانی‌وبیمارستانهایی‌که استاندارد آنها با بهترین استانداردهای بیمارستانی دنیا مطابقت دارد.

ویزیت پزشکان

درمورد تأمین پزشك شیخ‌الاسلام‌زاده اعتقاد دارد که باید پزشك از حالت‌استخدام دولتی بیرون بیاید تا بتوان از تمام نیروی او استفاده کرد وباین جهت برحسب میزان کاری که انجام می‌دهد دستمزد دریافت دارد. ازاین نظرسعی خواهد شد که‌امکانات و وسائل درمانی در اختیار پزشك قرار گیرد وپزشك خارج ازسیستم استخدام‌دولتی وبرحسب تعدادبیماری که ویزیت می‌کند دستمزد بگیرد و دولت نیز خدمات درمانی لازم را به‌افراد از طریق خرید خدمت از این گروه انجام دهد.

وزیر رفاه اجتماعی با تأکید براین مطلب که باید از حداکثر نیروی پزشکان مملکت استفاده کرد تأمین یك حداقل لازم دستمزد رابرای گذران زندگی پزشك‌ضرور می‌داند و معتقد است که: باانجام دادن‌امور فوق می‌توان گروه‌کثیری‌از پزشکان‌ایرانی مقیم خارج از کشور را بایران برگردانید.

وی استدلال می‌کندگرچه ممکنست‌یك پزشك در امریکا و یا اروپا درآمد زیادی داشته باشد اما در واقع بیشتر آنرا بعنوان مالیات از آنان می‌گیرند. مثلا در امریکا ۶۵ تا ۷۵ درصد درآمد طبیب بعنوان‌مالیات به جیب دولت می‌رود.

وزیر رفاه‌اجتماعی‌می‌افزاید که‌مطالعاتی هم‌اکنون برای برگردانیدن پزشکان ایرانی مقیم امریکا به‌آلمان و سایر کشورهای اروپایی انجام شده و با تغییراتی که در سیستم درمانی مملکت بوجود می‌آید پیش‌بینی می‌شود که گروه کثیری از پزشکان بایران بیایند. وی در تعقیب این هدف‌لزوم گسترش ظرفیت دانشکده‌های پزشکی کشور وایجاد واحدهای جدید را ضرور می‌داند ومی‌گوید با مطالعاتی که صورت گرفته قریباً چند دانشکده جدید پزشکی درایران واز جمله سه دانشکده پزشکی که متعلق به جمعیت شیروخورشیدسرخ‌است، شروع بکار می‌کند.

وزیر رفاه‌اجتماعی درپاسخ این‌مطلب که «چه تدابیری برای یکنواخت شدن ویزیت پزشکان وخدمات بیمارستانی‌اندیشیده‌اید؟» معتقد است که اصولا خدمت پزشك را در هیچ‌جا نمی‌توان قیمت‌گذاری کرد ومی‌گوید که در همین تهران پزشکی هست که پول ویزیت او ۳۰۰ ریال است و پزشك دیگری هم یافت می‌شود که ۱۰۰۰ ریال‌پول ویزیت می‌گیرد اما هیچکس مجبور نیست که نزد پزشك ۱۰۰۰ ریالی ویا ۳۰۰ ریالی برود واستدلال می‌کند مسأله‌یی که باید بدان توجه شود اینست که بیمار پزشك خود را شخصاً انتخاب کند و وقتی پزشك معالج خود را با اعتقادی که باو دارد انتخاب‌کرد دیگر مسألهٔ نارضایی وجود نخواهد داشت. گذشته از آن با تعمیم بیمه‌ها به‌گروهها و قشرهای اجتماع‌دیگر مسألهٔ‌پرداخت ویزیت بشکل فعلی مطرح نیست و طبعاً خدمات درمانی وپول و ویزیت پزشکان نیز تابع منحنی عرضهٔ و تقاضا می‌شود و در آن صورت تعدیل خواهد شد.

درمان در روستا

وزارت رفاه بطور کلی امر درمان را درشهرها با مؤسسات درمانی موجود که‌باین وزارتخانه منتقل خواهد شد انجام می‌دهد وفقط در موارد خاصی امور درمانی بسایر وزارتخانه‌ها واگذار می‌شود. از جمله همان گونه که وزیر رفاه می‌گوید در سطح روستا چون امور بهداشتی با وزارت بهداری است این وزارتخانه طرح وسیعی برای تربیت افراد کمکی برای تأمین بهداشت در دست اجرا دارد، از این جهت امور درمان‌سرپایی روستاها هم به‌وزارت بهداری محول شده و بوسیلهٔ همین افراد و زیر نظر پزشك صورت می‌گیرد. اما در شهرها که امور درمان بیمارستانی در سطح وسیعی انجام می‌شود و کار درمان نیز همیشه بابهداشت توأم‌خواهد بود، بنابراین‌وزارت رفاه‌اجتماعی درمحل‌هایی که خدمات درمانی انجام می‌دهد امور بهداشتی را نیز انجام خواهد داد.

خدمات اجتماعی ورفاهی

فراهم کردن تأمین‌های‌اجتماعی ازقبیل برقراری مستمری و حمایت افراد جامعه در مقابل پیری، بیکاری ، از کارافتادگی ، بازنشستگی‌وفوت ازدیگر وظائف وزارتخانهٔ جدید رفاه اجتماعی است ودر این‌باره وزیر رفاه می‌گوید: هرفرد از جامعه صرف‌نظر از شغلی که دارد باید تأمین داشته باشدو این تأمین از آغاز تولد تاهنگام مرگ ازطریق ایجاد بیمه‌های گوناگون باید عملی گردد و این یکی از برنامه‌های وسیعی است که وزارت رفاه انجام آنرا در سازمان خاصی تحت عنوان «سازمان تأمین‌های اجتماعی» عملی می‌کند.

انجام امور رفاهی برای همهٔ افراد مملکت و گروههای سنی از جمله برای کودکان، نوجوانان، پیران از دیگر برنامه‌های وزارت رفاه است که با ایجاد مهدهای کودك ، باشگاههای جوانان وسایر مراکز رفاهی دنبال می‌شود. یکی‌از هدفهای اصلی وزارت رفاه انجام خدمات توانبخشی برای معلولان جسمی و روانی است و در جهت اجرای این هدف وزیر رفاه می‌گوید تمام معلولان روانی و جسمی شناسایی می‌شوند وافرادی که هنوز تحت حمایت قرار نگرفته‌اند به‌مراکز توانبخشی‌معرفی می‌شوند وضمن تربیت جسمی برای انجام کارمناسب آموزش می‌بینند ودرکارگاههای توانبخشی وسایر مؤسسات بکار مشغول خواهند شد و حتی اگر امکان کار کردن معلول در کارگاه نباشد سعی خواهد شد که در خانهٔ معلول ، از وجودش استفاده شود و باقرار دادن وسایل کار ومثلا در اختیار گذاشتن چرخ خیاطی یا ماشین بافندگی از حاصل کار او بهره گرفت.

حمایت از زندانیان وروسپیان ازطریق تعلیم و آموزش حرفه‌یی برای آنان، نگهداری اطفال وسرپرستی خانوادهٔ آنان، وهمچنین اشتغال درزندان برای زندانیان و اشتغال بعداز دوران آزادی از زندان، عمل می‌شود.

وزیر رفاه اجتماعی اجرای هدفهای وزارت رفاه را در تشکیل سازمانهایی تحت عناوین سازمان تأمین خدمات درمانی ، سازمان تأمینهای اجتماعی وسازمان تأمین‌های رفاهی خلاصه می‌کند و معتقد است که وزارت رفاه اجتماعی نباید دست به‌ترکیب سازمانهای ومؤسساتی که طبق قانون به‌این وزارتخانه منتقل می‌شوند بزند، و با شکل کنونی آنها، کار خود را بطور آزمایشی شروع کند تا پس از تهیه وتدوین طرحهای لازم هرگونه تغییری در شکل سازمانهای مذکور ضرور باشد انجام دهد.

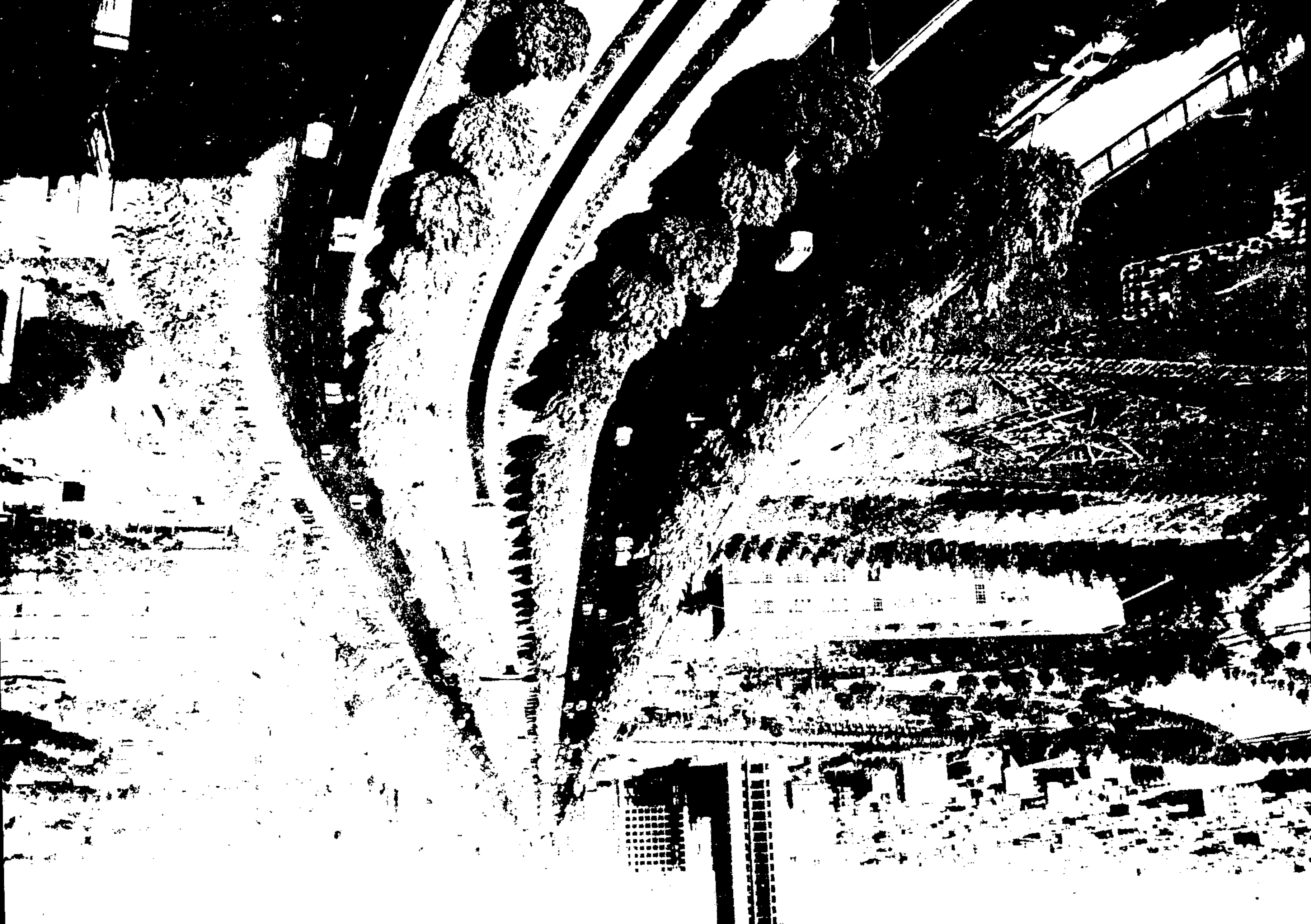

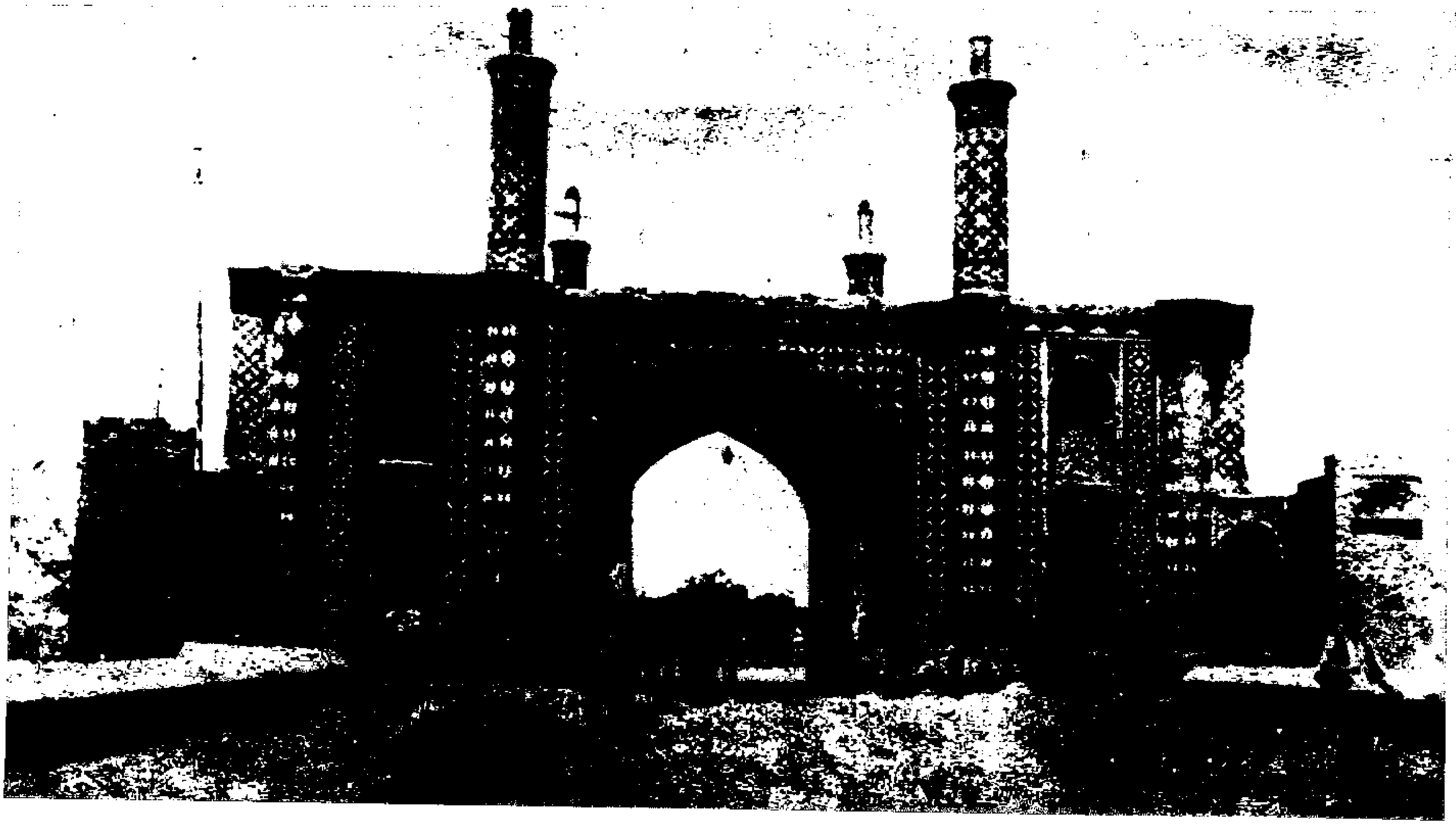

دروازه شمیران قدیم

تو از معابـد مشرق زمین عظیم‌تری
کنون شکوه تو و بهت من تماشایی است
(حسین‌منزوی)

تهران، بیگانه‌یی آشناست، قلب پرتپشی که در دل ایران واقع شده ولی این تپش چندان موزون نیست . به امید یافتن زندگی **پرجاذبه شهرهای بزرگ ، زادگاه بارانی،** خشك ، کویری و یا سرسبزمان را رها می‌کنیم و چون فوج سیاه درناها به‌تهران کوچ می‌کنیم و شب و روز به انتظار یك‌زندگی بهتر ، مأیوسانه می‌کوشیم و وقتی کـه به خود می‌آییم یك «تهرانی» شده‌ایم ، یك تهرانی شدن معنی‌اش این است که دیگر کمتر می‌توانیم بانگ‌شادمانی همسایه را درخانه‌مان بشنویم ، هوای پاکیزه را نمی‌توانیم به ریه‌ها فرو ببریم ، از کوچه‌ها ، از آبهای روشن ، پروانه‌ها، هیهات ازهمه چیز زادگاهمان‌دل می‌بریم ، با این همه به تهران انس می‌گیریم، این الفت ــ این کشش و جاذبه غریب ــ چنان پایمان را به تهران می‌بندد که بهرجای ایران‌برویم‌آرزوداریم‌زودتربه‌تهران‌بازگردیم تهران ، کشش کاذبانه‌یی دارد. آیا خیابان‌ــ های وسیع ، نئون‌های رنگین ، کوچه‌های روشن ، کاباره‌ها و سینماها ، درآمد سرشار، زندگی مرفه و ... چه چیز ؟! این جاذبه دروغین را بوجود می‌آورد !؟... هرگاه در این‌باره از سه میلیون و نیم نفر سؤال کنید و به تجزیه و تحلیل جوابها بپردازید ، به دشواری ممکن است پاسخ خود را بیابید .

لانهٔ‌مورچگان !

یکی از قدیم ترین اسنادی که راجع به تهران در دست است . کتاب «المسالك و الممالك»تألیف «ابواسحق‌استخری» است که به سال ۳۴۰ هجری نوشته شده و مفصلا از این قریه یاد کرده است . حدود دویست و پنجاه سال بعد ، یاقوت حموی دربارهٔ تهران سخن گفته است . همه این تذکره نویسان و مورخان‌تهران راقریه‌بزرگی معرفی‌کرده‌اند که در زیر زمین ساخته شده و در داخل آن گذشته از هزاران خانه ، هزارها زاغه و سرداب نیز وجود داشته و حرفه و پیشه اکثر اهالی آن راهزنی و چپاول کاروانیان بوده که از شمال یا غرب و شرق ایران عازم شهرری بوده‌اند .

ابن‌حوقل می‌نویسد :

«... **تهران‌درشمال‌ری واقع‌است‌وآنجا** باغهای فراوانی است و میوه آن بسیار و **متنوع وآثار آن معروف است ، مردم قریه** بیشتراوقات زیرزمین زندگی‌می‌کنند و حرفهٔ بسیاری از ایشان راهزنی است.»

آنچه مسلم است ، تهران قریه‌یی بود که جاذبه و کششی مثل حالا که پایتخت ایران و یـازدهمین کشور روی زمین از لحاظ وسعت می‌باشد، نداشت. یاقوت‌حموی در اثر معروف‌خود «معجم‌البلدان» و نیز زکریای قزوینی در کتاب «آثار البلاد» از این شهر که برسر راه «ری» قرارداشته یادکرده‌اند. تهران قدیم ، مرکز استقرار قشون‌هایی بود که می‌خواستند شهرری را تسخیر کنند ، تهران، مرکز جنگ ، کینه‌توزیها و زورــ آزمایی‌های سران نظامی و مهاجمان شهری چون «ری»بوده که در قدمت تاریخی آن جای شك و تردید نیست . بهمین‌جهت ساختن دهی درزیر زمین، امری طبیعی بوده‌است. روستایی تهرانی ، هرگاه زاغه‌ها ، انبارها و سردابهایش را از آذوقه نمی‌انباشت ، هیچ بعید نبود در این لشکرکشی ها و جنگ و ستیزها از گرسنگی تلف گردد .

باز یاقوت‌حموی درکتاب معروف خود «معجم‌البلدان» می‌نویسد:

«تهران قریه بزرگی است که در زیر زمین ساخته شده و راهی بهیچ‌یك از خانه‌ــ های زاغه مانند آن نیست ، مگر بخواست ساکنان آن»

و نیـز صاحب «آثارالبـلاد» تأکید می‌کند :

«خانه‌های اهالی تهران در زیرزمین

عمارت بادگیر وزارت دارایی

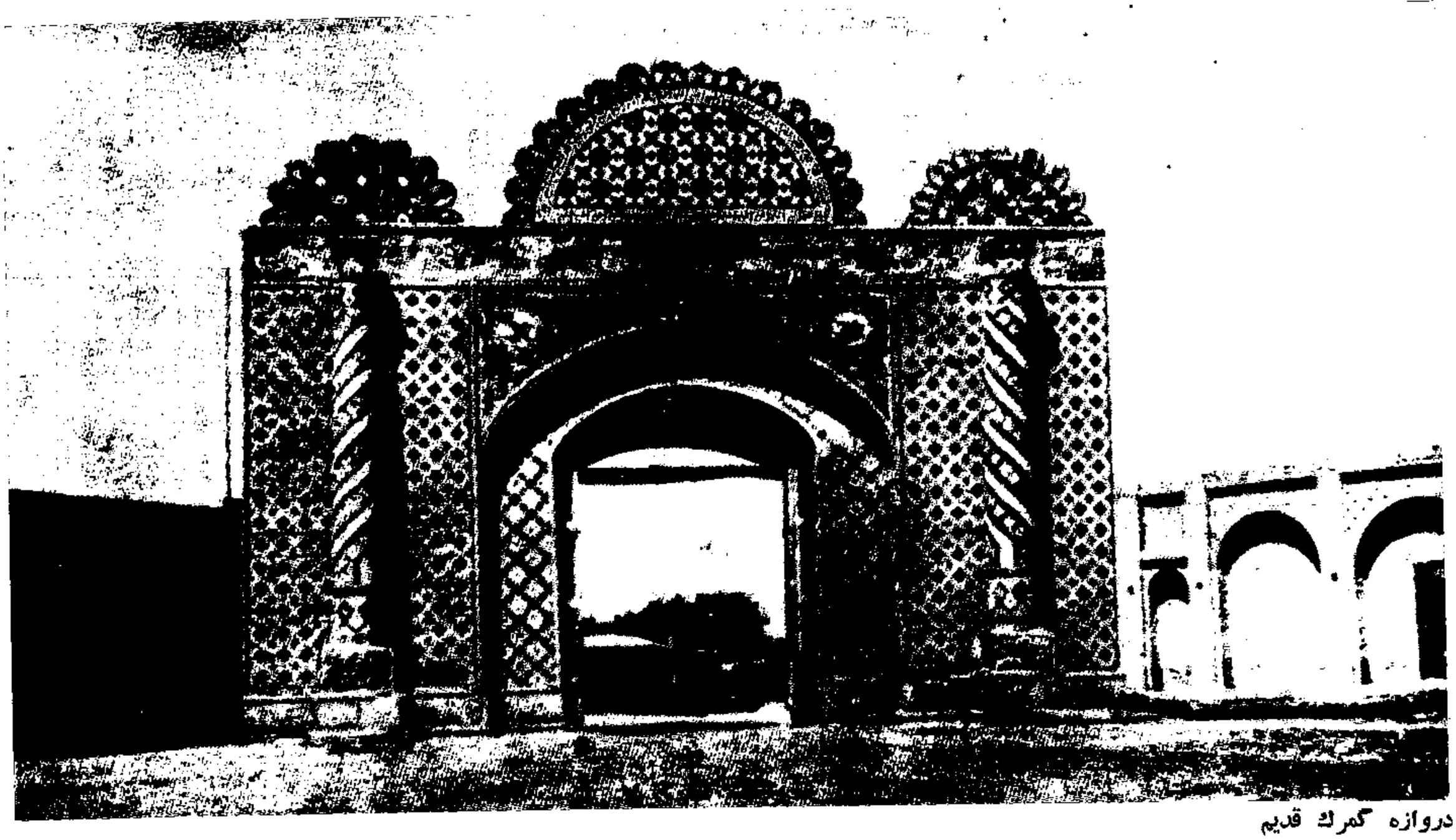

دروازه گمرك قديم

ساخته شده و بمانند لانه مورچگان است ، هرگاه دشمنانی بطرف آنان حمله‌ور شوند، ساکنان تهران می‌روند و در خانه‌های خود در زیرزمین پنهان می‌گردند و دشمن هم‌چند روز یا چند ماهی آنها را به حلقه محاصره می‌افگند ولی‌بعد که می‌بیند تسخیر وتصرف قریه تولید اشکال می‌کند از آنجا می‌گذرد، بی‌آن که توانسته باشد بـه آرزوی خود که قبضه‌کردن قریه است ، برسد و همینکـه دشمن دور می‌شود ، اهالی تهران‌از زیرزمین بیرون می‌آیند و بنای فساد و قتل و غارت را می‌گذارند» و صحت قول صاحب «آثار البلاد» معلوم نیست و نشان نمی‌دهد که اهل تهران آن روزگار ، چه کسانی را غارت می‌کردند و یا بقتل می‌رساندند.

صفویان و تهران

تهران امروز، به موجب آخرین آماری که در دست داریم تقریباً سه میلیون و پانصد و هفتاد و هشت هزار نفر جمعیت دارد که حدود یك میلیون و هشتصدو پنجاه ونه‌هزار نفر آن‌مرد وبقیه زن‌هستند وماهانه حدود نه هزار و ششصد و چهل و یك نفر برجمعیت این شهر افزوده می‌شود .

تهران ، پایتخت و مرکز سیاسی‌و اداری ایران است ، چنین شهری تا زمان صفویه ناشناس و قریه‌یی با مردم ناهنجار بود . شاه طهماسب صفوی که قزوین را پایتخت خود قرار داده بود ، گهگاه برای زیارت مرقد جداعلای صفویه (سیدحمزه) که در جوار حضرت عبدالعظیم مدفون بوده ، به قریـه تهران می‌رفت و چون اطراف تهران پر از شکارگاههای باصفا ، آبهای گواراو باغهای متعدد بود، به‌این قریه توجه کرد و دستور

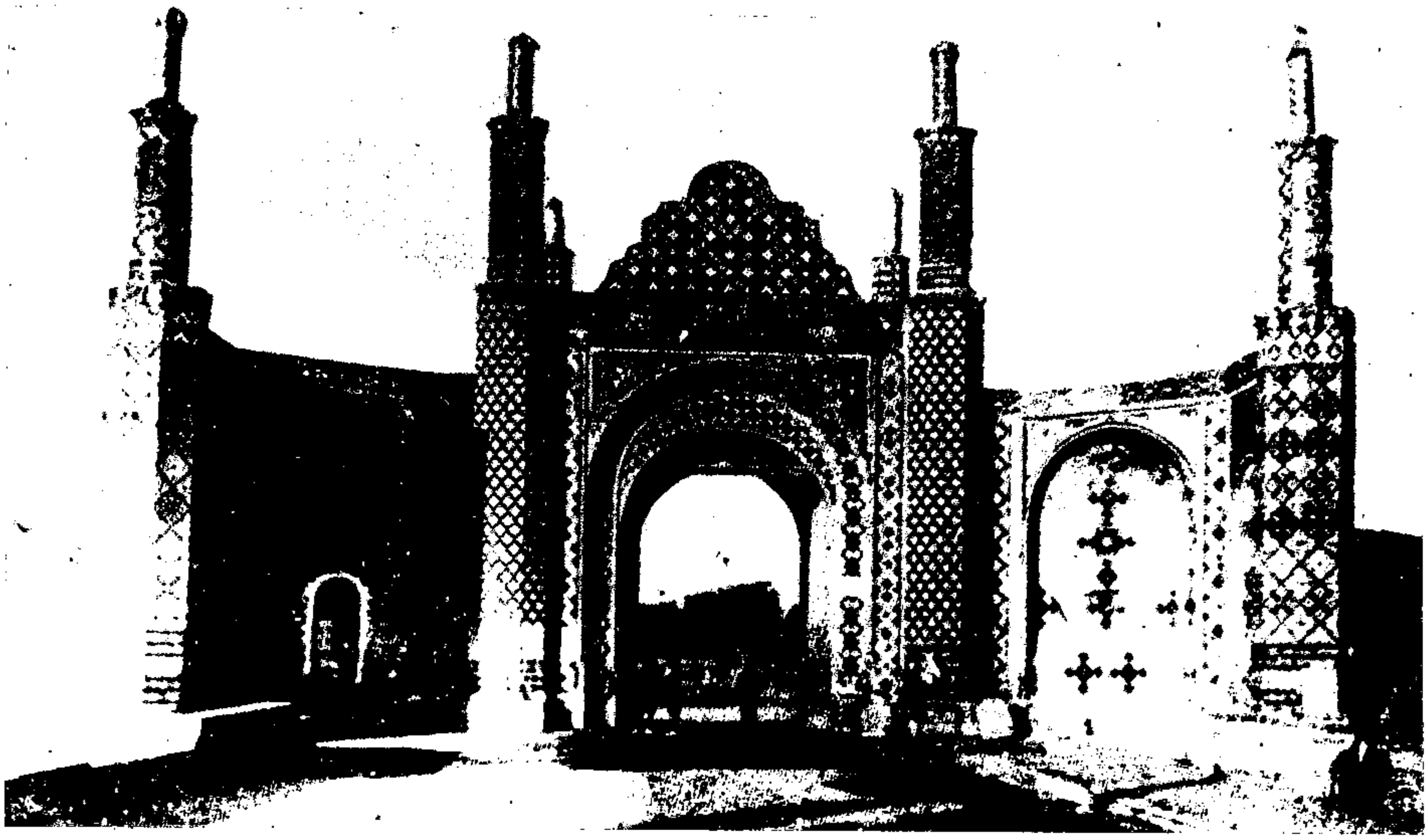

دروازه شاه عبدالعظیم

میدان کاه‌فروشها

داد پیرامون قریه تهران ، برج و باروی محکمی ساخته شود . شاه طهماسب اولین پادشاه صفوی بود که دستور داد در تهران بناهای زیبا ، کاروانسراهای متعدد و برج و باروی مستحکم ساخته شود . در سال ۹۶۱ هجری اولین بنا در تهران که مطابق شماره سوره‌های قرآن کریم بود (۱۱۴ برج) ساخته شد و زیر هر برج یك سوره قرآن جاسازی گردید . برج و حصار شاه طهماسب به اطراف تهران، شش هزار قدم بود و برای ساختمان این حصار عظیم و برج و باروهای آن ازدو منطقه بزرگ خاکبرداری شد که امروزه آنها را «چال میدان» و دیگری را «چال حصار» می‌نامند .

شاه عباس کبیر به مرمت و ساختن اماکن متبرکه اطراف تهران از جمله حضرت عبدالعظیم توجه کرد و دستور داد باغ بزرگی در آنجا احداث نمایند و باغی هم در جوار مرقد حضرت برای سکونت موقتی خود ساخت . در سال ۹۹۸ عمارات و بناهای شاه‌عباسی تهران به پایان آمد و شاه سلیمان صفوی عمارات دیگری برآن افزود .

«پیرل وال» یك جهانگرد اروپایی بود که در سال ۹۹۷ هجری (۱۶۱۸ ـم) به‌ایران آمد، او ازتهران، به‌عنوان شهری آباد یاد می‌کند و می‌نویسد :

«ـ تهران از کاشان بزرگتر و نفوس و مردمش کمتر است، یك سوم شهر ساختمان و دو سوم آن باغهای مختلف است . در همه کوچه‌ها ، خیابانها ، چنار کاشته‌اند و دور دایره بعضی از چنارها بقدری است که اگر چهار نفر دست‌بهم بدهند، بزحمت می‌توانند، تنه یك درخت‌را درمیان بگیرند واز این‌رو، تهران را از نظر فراوانی چنار باید (چنارستان) خواند .»

به‌قول صاحب روضه‌الصفای ناصری بعداز ویرانی شهرری، اهالی این شهر در تهران گردآمده وبه احداث آبادیهای مختلف همت گماشته‌اند .

تهران در دوره قاجاریان

ناصر نجمی مؤلف کتاب «دارالخلافهٔ تهران» دوره پس از انقراض صفویه‌را چنین تشریح کرده است :

«در سال ۱۱۵٤ نادرشاه افشار تهران را به پسر خود رضاقلی میرزا به عنوان تیول داد . پس از افشاریه کریم‌خان زند به‌علت نزاع و کشمکش با آقامحمدخان قاجار و نزدیك بودن این شهر به طبرستان که مقر سلطنت این سلطان در آنجا قرار داشت ، صلاح خود را در توقف در تهران دید و در آبادی آن تا حدی کوشید در تابستان سال ۱۱۷۳ وقتی کریم‌خان برای ییلاق به‌شمیران میرفت ، دستور داد عمارت سلطنتی‌یا دیوانی بزرگ و یك حرمخانه در آنجا بنا کنند. بعد از شهادت سلطان محمدحسن خان که پادشاه زندیه ، اطمینانی از دارالمرز یافت، غفور خان را حاکم تهران کرد و عمارت دیوانی را نیمه‌کاره گذاشته و رهسپار شیراز شد .»

چگونه تهران پایتخت شد ؟

زمانی که تهران به پایتختی انتخاب‌شد فقط بیست هزار نفر جمعیت داشت. درسال ۱۲۰۰ هجری آقامحمدخان‌قاجار سردودمان قاجاریه با انتخاب تهران به عنوان پایتخت فصل تازه‌یی در جهت ترقی و پیشرفت این شهر گشود . گزینش‌این شهر برای آقامحمد خان اهمیت نظامی و سیاسی داشت ، چه

روستاهای حاصلخیزی در اطراف تهران بود وانگهـی ایلات افشار ساوجـبلاغ و غرب ورامین سر سپرده او بودند و از همه مهمتر به استرآباد و مازندران که ستاد فرماندهیش بود ، نزدیك‌تر می‌شد . از آقامحمدخان که علاقه‌یی به‌ساختن بناهای تاریخی نداشت ، تنها یك تخت مرمر برجای مانده است .

«ژاك موریه» سیاح اروپایی که در زمان فتحعلی‌شاه قاجار به ایران آمده ضمن تهیه گزارشی درباره بناهای این شاه قاجـار می‌نویسد :

«پایتخت ایران ، تهران است ، طول باروی دور این شهر چهار میل و نیم است ، این شهر شش‌دروازه داردکه بدستور فتحعلی شاه اطراف آنها را کاشی کاری کرده‌اند ، شهر تهران به بزرگی شیراز است لیکـن عمارات آن به‌مراتب کمتر است، عمارات و بناهای تهران چندان خوب نیست ، زیرا غالباً از خشت خام بنا شده و شباهت چندانی به بناهای بزرگ ندارد ، تنها بنایی که قابل ذکر به نظر می‌رسد ، بنای مسجدشاه است که از بناهای فتحعلیشاه بشمار می‌آید و غیر از این مسجد بزرگ ، در تهران شش مسجد کوچکتر وجود دارد . تهران صد وپنجاه حمام و صد و پنجاه کاروانسرا و دو میدان بزرگ دارد ، یکی در شهر و یکی در ارگ است . دو عمارت ییلاقی سلطنتی دارد کـه یکی قصر قاجار و دیگری نگارستان می‌باشد که در دست بناست.»

«ژاك موریه» در سال (۱۲۲۲ م) به ایران آمده بود .

نام تهران

راجع به وجه اشتقاق و صور مختلف واژه «تهران» ، تحقیقات جامعی شده، احمد کسروی در دفتر یکم کتاب «نامهای شهرها

فرشته آزادی

سردر مجلس شورا

و دیه‌های ایران»، مرحوم محمد قزوینی درسال دوم‌مجله کاوه وشادروان سعیدنفیسی در سال دوم مجله آینده و روانشاد دکتر محمد معین در حاشیه برهان قاطع جلد یکم مفصلا در این مورد سخن گفته‌اند. (۱)

املاء کلمه «تهران» با «ط» عربی و «ت» فارسی آمده و هر دو درست است ، این اختلاف از کیفیت کتابت و املاء و نگارش مورخان و نویسندگان ناشی می‌شود .

نام‌محلات مهم تهران نیزکه درمحدوده نقشه دارالخلافه ناصری قرار داشت، عبارت بود از :

سنگلج ، چاله میدان ، چاله حصار ، عودلاجان ، سرپولك، خانی‌آباد، قنات‌آباد، پاچنار،دروازه‌قزوین، گاردماشین،باچمالوها گودزنبورکخانه،صابون‌پزخانه‌وبازار بزرگ

همانطور که آگاهیم نام بعضی از این محلات ، هنوز هم به گوش ما آشناست .

جغرافیای تهران

تهران ، مرکز استان مرکزی است . تهران از شمال محدود به مازندران ، از مشرق به شهرستان دماوند و از جنوب بـه شهرستان قم و از غرب به شهرستان کرج محدود است . تهران از جهت طبیعی ، شامل دو قسمت کاملا متمایز است :

یکـی قسمت کوهستانی کـه شمال و مشرق‌ان رااحاطه کرده، دیگرناحیه جلگه‌ای که از رسوبات رودهـا و سیلابها تشکیل شده که در آن ، بعضی از کوههای شمالی دیده می‌شود. کوههای شمال وشرق دنباله رشته جنوبی البرز است که قله معروف آن در سمت شمال تهران «توچال» نام دارد و بیشتر ایام سال پوشیده از برف است ، در مشرق تهـران رشتـه دیگری از فیـروز کوه منشعب شده که تا حوالی کویر ادامه دارد ، و جلگه تهران در دامنه این کوههـا، با شیب ملایمی به سمت جنوب کشیده شده ودر شرق آن جاجـرود و در غرب رود کرج جریان دارد .

آب و هوای تهران‌در نواحی کوهستانی در زمستان سرد و پر از باران و برف ، در تابستان معتدل‌ودر نواحی جلگه‌یی دارای آب و هوای نسبة خشك و بری است و در این نواحی هر چه ارتفاع زمین کاسته می‌شود ، خشکی و گرمی هوا افزایش می‌یابد. مرکز شهرستان تهران ، شهر «تهران» و کن، ورامین و ایوانکی بخش‌های آن است.

خود شهر تهران ، در ۳۵ درجه و ۴۱ دقیقه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده و ارتفاع متوسط آن از سطح دریاهای آزاد ۱۱۹۱ متر است .

عامل عمدهٔ جغرافیایی توسعه سریـع تهران ، صرفنظر از پایتخت بودن ، ازدیاد بودجه‌کشورو تمرکز امور اداری واقتصادی و بازرگانی و بانکی مملکت است که باعث توسعه فراوان امور ساختمانی و ایجاد صنایع گوناگون می‌باشد .

زبان مردم تهران، فارسی است ولهجه تهرانی یکی از لهجه‌های پاکیزه و ساده شدهٔ فارسی است . در تهران اکثر مردم شیعی مذهب هستند ولی پیروان مذاهب وادیان مختلف به‌تعداد فراوان در این شهر زندگی می‌کنند.

بدنیست بدانید: مقدار متوسط‌بارندگی سالانه به‌میلی‌متر ۲۲۳٫۵ و مقدار متوسط رطوبت هوا بین ۳۲ و ۵۳ درصد در صبح و ظهر است .

بادهای تهران ۲۱ روز درماه غـربی بوده و حداکثـر سرعت وجهت آن شمال غربی و ۸۰ گره در مردادماه است.

تهران امروز ، هفتصد سال عمر دارد ، مساحت این شهر در روزگار شاه طهماسب فقط شش کیلومتر مربع بود و اکنون بیش از دویست کیلومتر مربع است . وسعت آن براساس طرح جامع پیش‌بینی شده، درسال ۱۳۷۰ به ۶۱۵ کیلومتر مربع خواهد رسید. رشد جمعیت تهران بیش‌از شش درصد در سال است و این رقمی است که در کمتـر شهر جهان سابقه دارد و برآوردهای بخش جمعیت‌شناسی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران ، حکایت از آن دارد که تهران ۱۳۷۰ میان ۷ تا ۱۲ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت .

تهران در سال ، ۵۲ میلیون متر مکعب آب و ۱۸۰۰ میلیون کیلووات ساعت برق لازم دارد ،

تهران هر چه قویتر و وسیعتر می‌شود بی‌مهری بیشتری را در حق شهرهای دیگر ایران روا می‌دارد . هم‌اکنون ۵۳ درصد پزشکان و ۴۶ درصد مهندسان ایران در

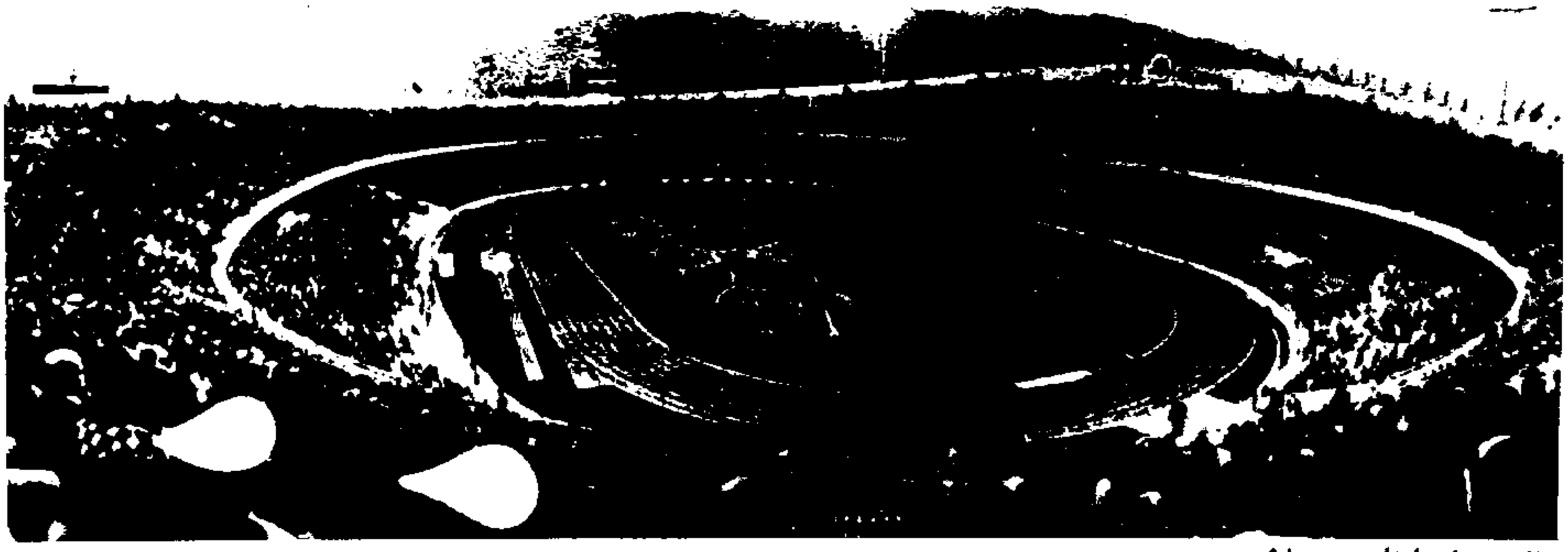

منظره‌یی از استادیوم ورزشی

تهران اقامت دارند .

و عجیب‌تر اینکه ۲۶درصد تحصیل کردکان کشاورزی نیز ساکن تهران‌اند .

تهران درهرپنج‌سال ۷۰ هزار نفرجمعیت اضافی را جذب می‌کند ، ٤۱ درصد زنان با سواد شهرنشین ساکن تهران‌اند ، ٤۹ درصد نفت و گاز جامعه شهری ایران ، در تهران مصرف می‌شود. در سال ۱۳٤٥ — ۲۸ درصد مردم شهرنشین ساکن تهران بودند درحالیکه این رقم امروزه به ۳۲ درصد رسیده است.

شاید تعجب کنید ولی واقعیت این است که ۳٥ درصد کارمندان شهرنشین دولت ، در تهران خدمت می‌کنند و ۳۲ درصد از خانواده‌های تهرانی را ، خانواده‌های یك نفره تشکیل می‌دهد .

٥۰ درصد از مردم تهران ، تهرانی هستند ، یعنی شناسنامه صادره تهران دارند و بقیه مهاجران شهرها و روستاهای کشورند.

۱۲٫۹ درصد برمصرف آب تهران و ٤۸٫۲ بر مصرف برق تهران در طول یکسال افزوده شده است .

هم‌اکنون یك سوم قدرت کار کشور در تهران متمرکز است ، تعداد اتومبیل‌های تهران که در سال ٤٥ تقریبا ۱۲۰ هزار بود در حدود ۱۷ سال بعد به یك میلیون‌و صد هزار خواهد رسید .

نگاهی به معماری تهران

مهندس عبدالحمید اشراق یکی ازکارشناسان معماری درباره تهران می‌گوید :

«معماری اصیل ما متأسفانه بجای آن‌که الگویی برای مهندسان شهرساز ما باشد ، تا براساس آن نمونه‌های بهتری را ارائه دهند با بی‌اعتنایی مواجه شده و معماران ما بدون اعتناء به خصوصیات این معماری ، شهر تهران‌را به‌صورت نمونه‌یی ازبی‌قوارگی و بی‌تناسبی ساخته‌اند که در این مورد مسؤولان شهری و سپس بساز و بفروش‌های غیرمجاز و نیزسازمانها ومؤسسات خصوصی ساختمانی مسؤول‌اند.»

درحال‌حاضر قریب‌هشتاد درصد ساختمان های تهران‌توسط افرادی‌غیراز آرشیتکتهای تحصیل کرده طرح و ساخته می‌شود.

واقعیت این است که تهران شهر بی‌قواره‌یی است. هر روز مردم ساختمانهای بیشتری می‌سازند ولی مسائل معماری رعایت نمی‌شود ، مثلا در شش‌ماهه اول ۱۳٥۲ بخش خصوصی حدود ۱٤٫۳۲۰ میلیون ریال در ساختمانهای جدید تهران سرمایه گذاری کرد که نسبت به رقم دوره مشابه سال گذشته۲٥٫۷ درصد افزایش نشان میدهد. ارقام متوسط هزینه و سطح زیربنای هر ساختمان از ساختمانهای تهران نسبت به ارقام متوسط شش‌ماهه اول ۱۳٥۱ به ترتیب ۱۲٫٤ درصد و ۲۱ درصد کاهش داشت .

البته وضع امروز معماری‌تهران بمراتب بهتر از گذشته است . شهر تهران در سال ۱۳۰۰ یعنی ٥۳ سال قبل بدست سازمانی بنام بلدیه سپرده شد ، یعنی زمانی که تهران شکل و شمایل یك شهر قرون وسطایی داشت بلدیه بوجود آمد ، در تهران خیابانی به مفهوم امروزی وجود نداشت. تهران به دو خیابان کالسکه‌رو و واگن اسبی‌رو محدود می‌شد و بقیه محلات تهران دارای کوچه‌های تنگ و تاریك بود .

اینك ، اکثر نقاط تهران خیابان‌کشی ، اسفالت و نوسازی شده و تسطیح‌و نهرسازی، تعمیر اسفالت‌های خراب شده و مرمت پل‌ها و جویها و رفت و روب خیابانهای تهران از وظایف مهم شهرداری است .

در تهران قبل از ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۳۲ فقط یك‌پارك عمومی‌وجود داشت ولی اکنون دهها پارك درتهران احداث شده و یا در دست تأسیس است.

آثار تاریخی در تهران

تهران پر از آثار تاریخی است . در این شهر آثارگذشتگان را بیشتر از هرشهر دیگری می‌توان یافت، منتهی اکثر این آثار بیش از پانصد ویاحداکثر ششصد سال‌عمر ندارد .

نوشته‌اند آقامحمدخان ارکان دولت و بزرگان حکومت را از شیراز به تهران کوچ داد و آنها را در شمال «چاله میدان» و «چاله حصار» ساکن کرد . وی ارگ دولتی را در شمال قبرستان امامزاده زید بنا نهاد و اطراف آن را خندقی کند . خندقهای دو ارگ رادر دوران سلطنت ناصرالدین شاه پر کردند و امروزبجای‌آن خیابان ناصرخسرو، خیابان خیام ، خیابان بوذرجمهری و میدان سپه واقع است .

فتحعلیشاه در قبرستان امامزاده زید ، مسجد سلطانی را بنا کرد ، ملاعباس مشهور به حاجی‌میرزا آغاسی ، بازار عباس‌آباد را ساخت وبرای سکونت وزیر مختار روس ، باغ‌ایلچی در جنوب تهران را در اختیار دولت روس گذاشت ، حاج میرزاآغاسی برای آبیاری تهران ، مجرایی از کرج کشید که حدود چهل سال پیش مرحوم بوذرجمهری شهردار تهران آن را از نوپاك کرد و «حقابه»ی تهران را به تهران برگردانید .

حاجی‌میرزا آغاسی قصد داشت در حاجی‌آباد شمال لشگرك سدی بسازد و آب آن را برای مشروب ساختن تهران به این شهر برساند ، این طرح با مخالفت مردم ورامین روبرو شد و معوق ماند. حاجی‌میرزا آغاسی در شمال تهران ، قناتی حفر کرد و ده‌عباس‌آباد را ایجاد نمود

از آثار وبناهای آقا محمدخان قاجار

کتابخانه ملی

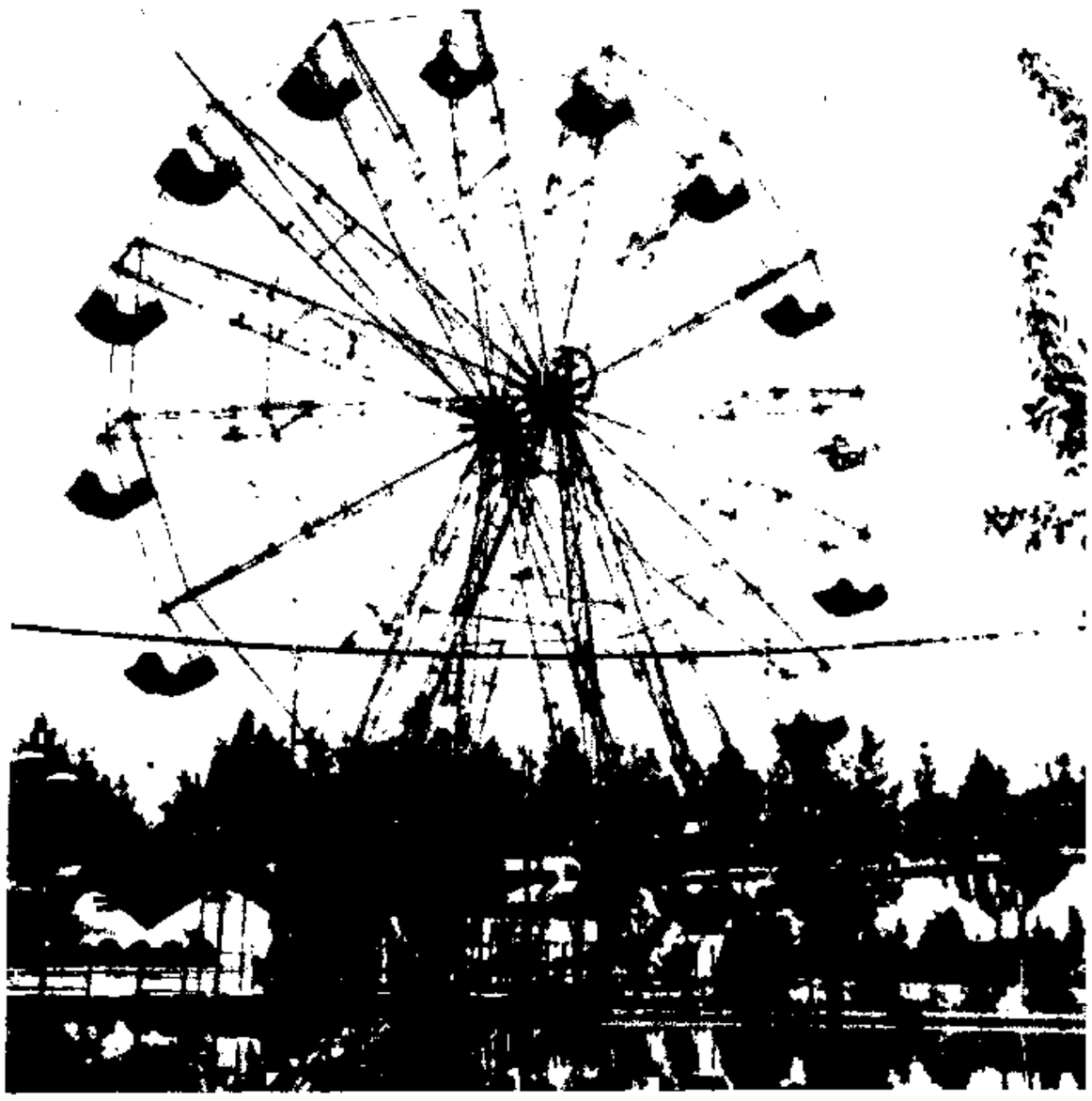

فان فار

و فتحعلیشاه یاد کردیم واینك به‌دوره ناصری میپردازیم **که تهران بیش از هر موقع** دستخوش تحولات و تغییرات عمده و اساسی شد. این تغییرات منحصر به‌توسعه و گسترش دارالخلافه نبود بلکه در زمان ناصرالدین‌شاه ساختمانها ، قصرها و کاخ‌ها و آثار تازه ساخته شده و قنوات متعددی حفر گردید . میدانگاهها و بازارها و اماکن این دوره **بیشتر تاکنون باقی مانده است.**

درزمان‌ناصرالدین‌شاه ساختمانهای‌جدید وعمارات دولتی که با اصول هندسی ساخته می‌شد ، چهره تهران‌را عوض کرد، در ایجاد بناهای تازه و تغییر قیافه تهران ، میرزا تقی خان امیرکبیر دارای نقش عمده بوده و باید از او به نیکی یاد کرد .

زمین «کاخ گلستان» برای ایجاد کاخ توسط شاه طهماسب انتخاب شد و بعد شاه عباس صفوی چندین بنا و کاخ در آنجا **ساخت وآنگاه کریمخان ارگ نسبتاً بزرگی** در محوطه وسیع میدان‌بزرگ امروز ایجاد نمود ، در زمان فتحعلی‌شاه قاجار تمام **محوطه‌یی که بعدها بنام کاخ‌سلطان معروف** شد فقط یك تالار بزرگ بود که بعد از بازگشت ناصرالدین‌شاه از سفر اروپا ، ساختمانهایی به سبك اروپایی در قسمت‌های مختلف‌آن‌بناشد وبه‌کاخ‌گلستان شهرت‌یافت. **تالار سلام یا تالار موزه ، تالار آیینه ،** سفره‌خانه ، تالار برلیان یا تالار تشریفات . عمارت بادگیر ، تالار الماس و کاخ ابیض‌از بناهای کاخ گلستان بود که بیشتر آنها هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد . حرمخانه و خوابگاه ناصری ، کوشك شمس‌العماره، سلطنت‌آباد، ساختمان‌دارالفنون، باب‌همایون و سراها و بازارها ، میدان ارگ، دروازه‌های تهران و تکیه‌ها از آثار این دوره‌است.

ترقی و توسعه تهران ، تقریبا از چهل سال پیش یعنی از زمان روی کار آمدن اعلیحضرت فقید شروع شد و مخصوصا از شهریور ۱۳۲۰ به‌بعد ، وسعت شهر از هر لحاظ افزایش یافت‌و دارای خیابانهای متعدد و وسیع و عمارات عظیم گردید از جمله آنها کاخ‌های سلطنتی، دانشگاه وموزه‌ایران باستان ، بناهای وزارت دادگستری و دارایی بانك‌ملی، شهربانی، شرکت‌ملی‌نفت، مجلسین‌و صدها مؤسسه دولتی وملی دیگر است.

تهران مرکز بازرگانی‌ایران‌و ازشهرهای‌معتبر آسیای غربی و خاورمیانه است و توسط راه آهن و راه شوسه به تمام نقاط کشور و نیز به دریاچه خزر و خلیج فارس ارتباط دارد و با اتصال راه‌آهن تهران به راه‌آهن جلفا و نیز ترکیه ، تهران به اروپا نیز متصل شده است . تهران با دهها وسیله ارتباطی نظیر رادیو و تلویزیون، تلفن‌کاریر به‌کلیه نقاط جهان پیوسته است وهواپیماهای اغلب شرکت‌های بزرگ هواپیمایی بین‌المللی به این شهر رفت و آمد دارند .

در اطراف تهران ، کارخانه‌های متعدد پارچه و بلور ، سیمان ، اتومبیل‌سازی ، چرمسازی ، قند ، مواد شیمیائی، اسلحه‌سازی و غیره احداث شده و تهران امروز بیشتر به یك شهر صنعتی‌شبیه است تا شهر کشاورزی سابق .

در گذشته‌های دور ، مردم تهران ، به امراضی‌نظیرتراخم، اسهال، اریون، دیفتری سرخك ، سیاه سرفه ، ابله‌مرغان و تیفوئید مبتلا بودند که اینك با احداث هزاران‌مرکز بهداشتی و درمانی این امراض مسری بکلی ریشه‌کن شده است .

در تهران بیش از چهل مؤسسه عالی وجود دارد در حالیکه روزگاری حتی یکی از آنها هم وجود نداشت ، اینك در تهران ٤٥ باشگاه ورزشی ، ۱۵ سالن ورزشی و ۱۱ استادیوم ورزشی و دویست استخرشنای خصوصی و دولتی وجود دارد . در گذشته فقط گروهی از لوطیان ورزش می‌کردندوتعدادباشگاههای‌سنتی‌وزورخانه‌ها از شمار انگشتان تجاوز نمی‌کرد .

در تهران‌امروز مردم‌کتاب می‌خوانندو روزنامه ومجلات متعددی که منتشر می‌شود مطالعه می‌کنند ، بیش از ده خبرگزاری خارجی و داخلی در تهران فعالیت دارند و این امر دلیل و برهانی ندارد بجز اینکه تهران به عنوان بزرگترین مرکز خبری جهان پذیرفته شده است .

تهران ۱٤ موزه برای هنرهای تزیینی مردم شناسی ، صنعتی ، هنرهای ملی ، لباس واثارباستانی‌دارد. تعدادکتابخانه‌های تهران از یکصد متجاوز بوده‌و هرگاه کتابخانه‌های کودك تهران بر آن افزوده شود رقم قابل توجهی بدست می‌آید ، در تهران بیش از ٦۰ هزار کودك عضو کتابخانه‌های مخصوص خودشان هستند .

مرکز کلیه وزارتخانه‌های ایران ، در تهران واقع شده و این مساله یك چهره اداری و سیاسی ، اقتصادی به تهران میدهد.

تهران ، سیاست پیشه شده ، قراردادها، کنفرانس‌ها و مذاکرات بسیار مهمی درتهران انجام می‌گیرد و بی‌جهت‌نیست که

در سالهای اخیر اکثر کشورها به ایجاد سفارتخانه و کنسولگری ، البتــه با توافق ایران، اقدام کرده‌اند.

تهران ، ۱۸ کلانتری دارد و این رقم غیر از پاسگاههای‌مختلفی است که در اطراف تهران ، انتظامات را برعهده دارند .

۱۲ شرکت بیمه ، ۳۵ انجمن فرهنگــی خارجی و داخلی و چندین کانون ، باشگاه، جامعه و سندیکا در تهران فعالیت دارند و بتدریج کلیه بانکهای معتبر جهان در تهران شعبه دایر می‌کنند . تعداد بانکهای تهــران بر **۳۲ واحد اصلی وصدها شعبه‌وابسته بالغ** می‌گردد .

پل تجریش ، دربند ، سربند و استخر تهران پارس از گردشگاههای مهم اهالی تهران هستند.

تالار رودکی ، تالار شهر ، تالار موزه ایران باستان ، تالار ۲۵ شهریور، تالارهایی برای برگزاری تئاتر ، برنامه‌های موسیقی، باله ، اپرا و ... سایر هنرهای عامه‌پسند ، سنتی و نیز در سطح جهانی است و علاوه برآن شش تئاتر برای توده مردم در خیابان لاله‌زار فعالیت می‌کنند . آمار منتشر شده نشان میدهد که تعداد سینماهای تهران بیش ازیکصد است واین رقم علاقه مردم را به‌هنر هفتم نشان می‌دهد .

صنایع غذایــی ، مشروبات الکلی ، غیــر الکلی ، نساجــی ، تهیــه پوشاك ، وغیره، **چوب ، مبلسازی، کاغذ، صحافی و چاپ و انتشار، چرمسازی، اشیاء پلاستیکی** و کائوچویی ، شیمیایی ، معدنی ، فلزات اساسی ، ماشین‌های الکتریکی ، وسایط حمل و نقل از جمله کارگاههای صنعتی در تهران است .

آمار آژانس‌های مسافربری و باربری، گاراژها ، شرکت‌های هوایی ، کشتیرانی انبارها ، هتل‌ها ، مهمانخانه و مسافرخانه‌ها هردم رو به تزاید است و این مسأله معنی‌یی بجز این ندارد که تهران با پیشرفت جهان، همگام شده است .

تهران در شناسایی، ایران به‌سایر کشور-های جهان‌سهم عمده‌یی دارد، آخرین کوشش او در بازیهای آسیایی معلوم و روشن است .

مردم و تهران

تهران امروز ، چهره قدیم خود را دگرگون‌کرده دیگراز واگن اسبی، درشکه، کالسکه و اتوبوس‌های دانمارکی در خبری نیست ، چهره سورچی و وسایل استفاده مسافرتی برای تهرانی‌ها بیگانه است ، از راه‌آهن تهران ــ حضرت عبدالعظیم که یك شرکت بلژیکی ساخت فقط افسانه‌یی برجای مانده. روزگاری تهرانی از سوار شدن به گاردماشین لذت می‌برد ولی اینك در انتظار برقی شدن راه‌آهن تهران است و در این باره ، شاهنشاه آریامهر اوامر لازم را صادر فرموده‌اند .

از عصارخانه‌ها، قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها، پیشه‌ها هرگاه نامی نمانده باشد لااقل سیمای کار و پیشه در تهران تغییر یافته و دیگر کسی دندانهای خود را به سلمانی سرگذر خانه‌اش نمی‌سپارد ، تهرانی مطابق آخرین مدهای جهانی ، لباس می‌پوشد و در همین **حال لباسهای سنتی خود را حداقل فراموش** نکرده است .

حمامهای تهران که مورد تمسخر سیاحان بود، اینك پاکیزه ، آبرومند و بــهداشتی ساخته شده و دیگر جای دزدان و حرامیانی که «کنت دومونت‌فرست»رئیس‌نظمیه تهران درزمان‌ناصرالدین شاه به آنها اشاره می‌کند، نیست .

مرده‌های تهرانی نیز گویی به آرامش واقعی دست یافته‌اند بهشت‌زهرا ، مدرنترین گورستان ایران است که در جنوب تهران جاده تهران قم احداث شده ، وسایل زندگی مردم دیگر جاجیم ، مشمع ، کرسی ، خاکه ذغال‌و غیره نیست ، تهرانی‌از بهترین وسایل زندگی مدرن که در ایران و خارج ساخته میشود استفاده می‌کند ، درخانه‌های تهرانی داشتن گیرنده‌های تلویزیونی و رادیویــی یخچال ، فرگاز چیز پیش‌پاافتاده‌یــی است دست‌کم خیلی ازخانواده‌های تهرانی ایــن وسایل زندگی را دارند .

(۱) واژه‌تهران ازدوجزء «ته» و «ران» ساخته شده که ته، تب، تاو، تاب، تفت همه بمعنی گرم است و از ترکیب این کلمــه لغت تابستان آمده است . کلمات ران ، دان، لان ، مان و کان همه معنی جا میدهد، پس معنی تهران «جای گرم» است . مخالف کلمه تهران ، شم ، سم ، چم ، زم بمعنی سرد است که آن را در واژه ترکیبی شمران ، چمران، سیمرم و شمیران می‌توان یافت .

میدان شهیاد آریامهر

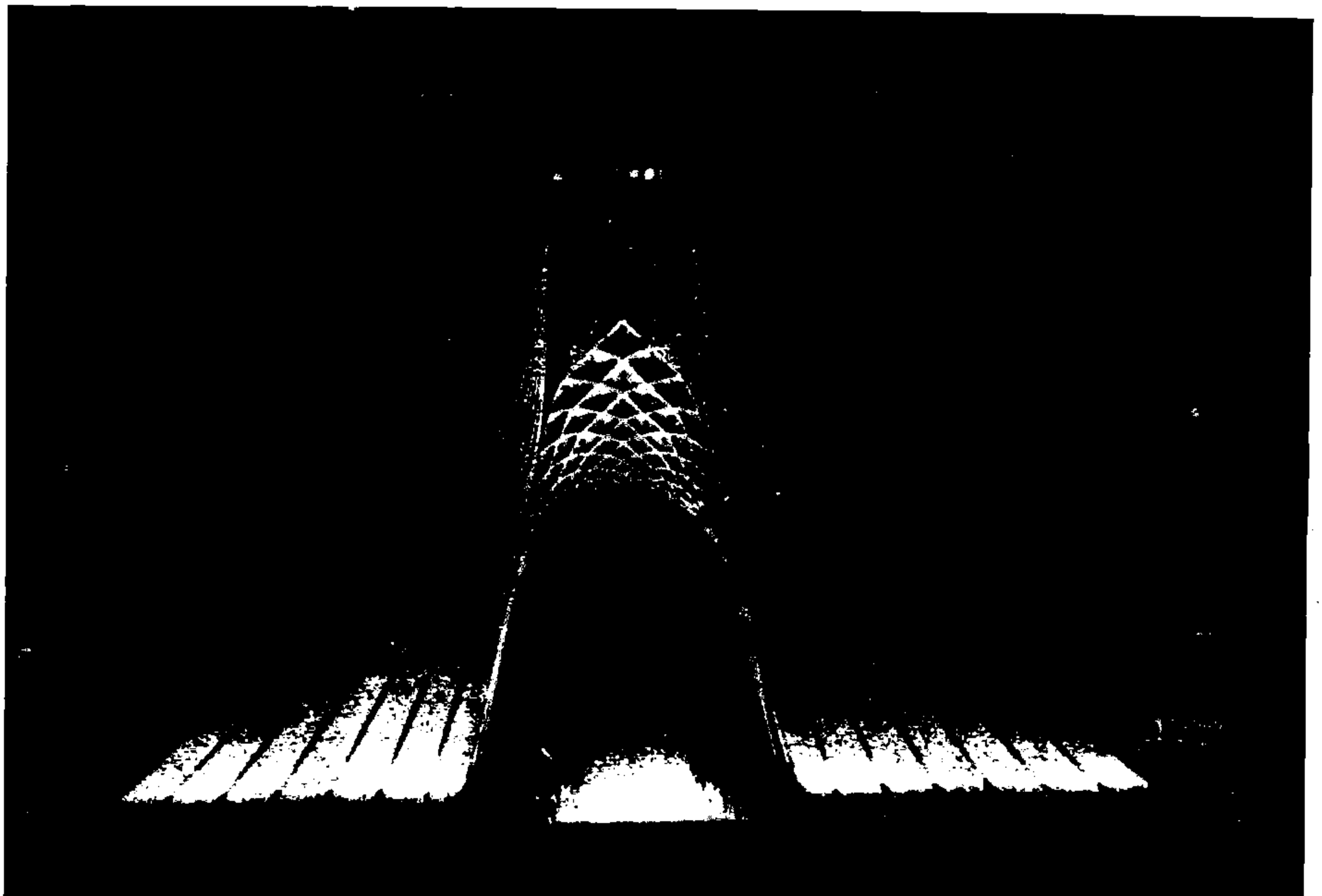

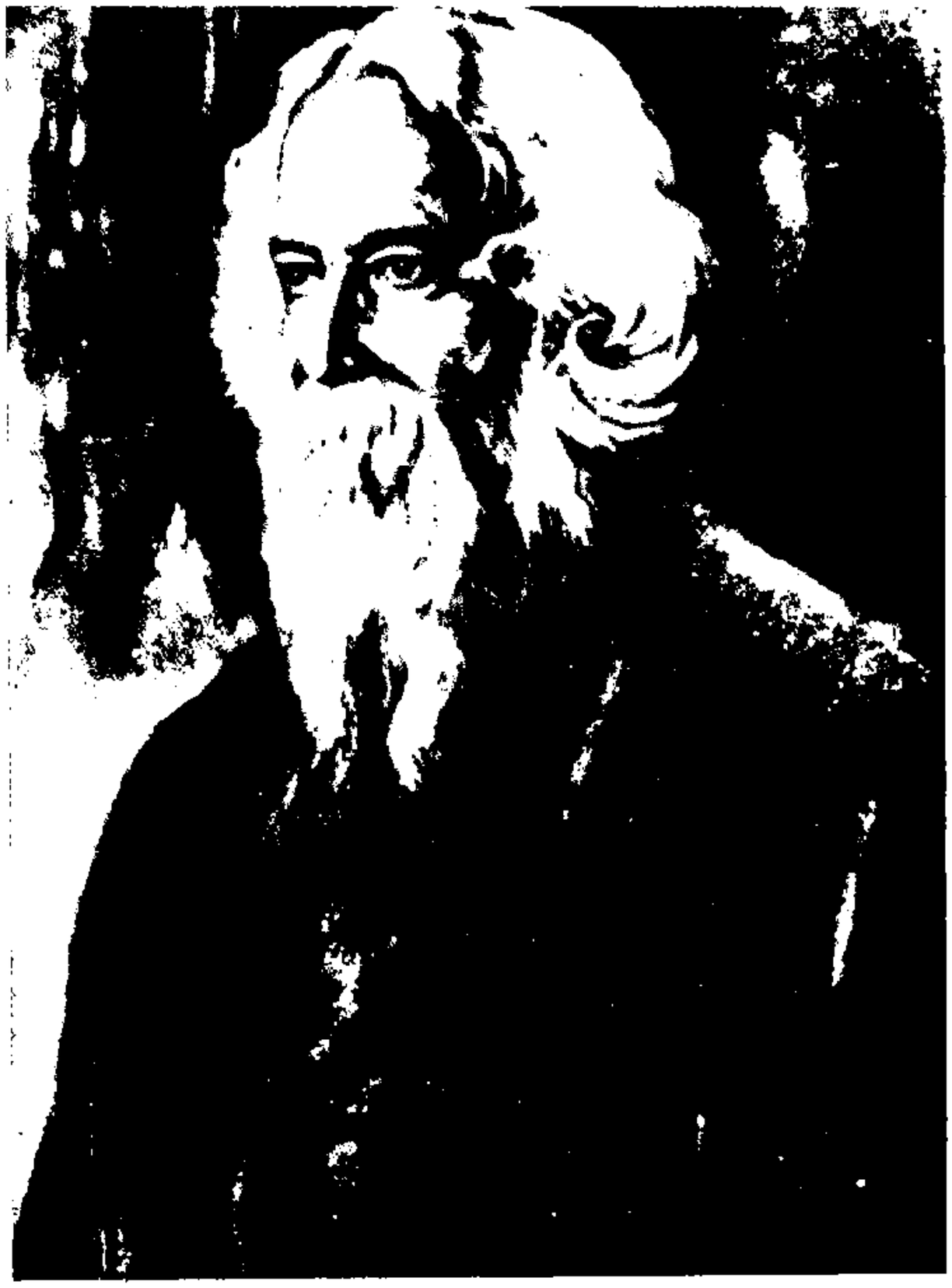

رابیندرانات تاگور

شاعر و فیلسوف بزرگ هند در شیراز

از علی‌نقی ــ بهروزی

بپاس احترام مقام مهــم ادبی و فلسفی «**رابیندرانات تاگور**» شاعربزرگ وفیلسوف مشهور هندی که برندهٔ جایزه نوبل بود، در سال ۱۳۱۱ شمسی که مصادف بود باهفتادمین سال تولدش ، بفرمان «**اعلیحضرت رضاشاه کبیر**» وزارت فرهنگ (آموزش‌وپرورش کنونی) از وی رسماً دعوت کرد که به‌ایران سفر کند. تاگور این دعوت را با میل و رغبت پذیرفت و به‌اتفاق عروس و منشی و بهمــراهی «**دینشاه ایرانی ــ زردشتی**» و همسرش عازم ایران شدند.

تاگور وهمراهانش‌روز ۲٤ فروردینماه ۱۳۱۱ با هواپیما وارد بوشهر شــد و پس از دو روز اقامت، بااتومبیل بشیراز حرکت کردند.

نمایندگان ادارهٔ استانداری و فرهنگ وشهربانی و شهرداری با عده‌ای از اهالی شیراز و نمایندگان دانش آمــوزان تا باغ «**جنت**» که یك فرسنگــی شیراز بود، از تاگور و همراهانش استقبال کردند.

در اینموقع که شور بهار شیراز بود، جلگه شیراز طراوت و خرمی خاصی داشت که بقول سعدی دل مرد مسافر را از وطنش پر می‌کند !

چون تاگور مهمان رسمی دولت بود، او را وارد «**ارگ کریمخانی**» کــه محل ادارهٔ استانداری بود، کردند.

تاگــور آن شب را در ارگ و ادارهٔ حکومتی که بادیوارهای بلندش حکم زندان را داشت اقامت جست واز پذیرایی خشك رسمی خوشش نیامداز اینرو گفت: من وصف شیراز و گل و بلبل آنرا بسیار شنیده‌ام‌ــ میل دارم در باغی باشم و باگل وبلبل شیراز هم‌نشین شوم و از مناظر زیبای شهر سعدی و حافظ وآواز مرغان خوش الحان آن بهره برگیرم !

بهمین‌سبب تاگور را به«**باغ خلیلی**» که از باغهای خوب و مصفای شیراز است و درختان و گلهای کم‌نظیر وزیبادارد، انتقال دادند و تاگور در مدت سه روزیکه درشیراز بود، در باغ خلیلی اقامت داشت و از منظرهٔ دل‌انگیز وهوای فرح‌بخش‌آن‌وآواز مرغان خوش‌الحان غرق در لذت وخوشی شده بود.

آقای خلیلی ، مهماندار تاگور، نقل کرده است که روزی موقع ناهار خوردن، ناگاه صدای چهچه هزاردستانی که برروی شاخه گلی نشسته و آواز می‌خواند، بلند شد. در اینموقع تاگور لقمه‌یی برداشته و می‌ــ خواست آنرا بدهان بگذارد ولی بقــدری تحت تأثیر آواز بلبل قرار گرفت که دست خود را نگهداشت و نتوانست آنرا حرکت دهد و لقمه را در دهان گذارد ــ تاگور از آواز دلنشین بلبل چنان از خود بیخود شده بود که مدتی مانند مجسمه‌یی بی‌روح مانده و به آواز دل‌انگیز بلبل گوش می‌داد و می‌ترسید که اگر حرکتی کند آواز بلبل هم قطع شود.

روزی ادیبان و شاعران و سخن‌سرایان شیراز بحضور تاگور رسیدندواز وی تجلیل کردند و چند ساعتی با او مصاحبه کردند وشعر خواندند. درهمین جلسه بود که‌شاعر فقید شیراز ، مرحوم احمد حشمت‌زاده، این رباعی را فی‌البدیهه بسرود:

از هند رسیــده بلبل شیدایی
من می‌شنوم نغمه‌اش ازهرجایی

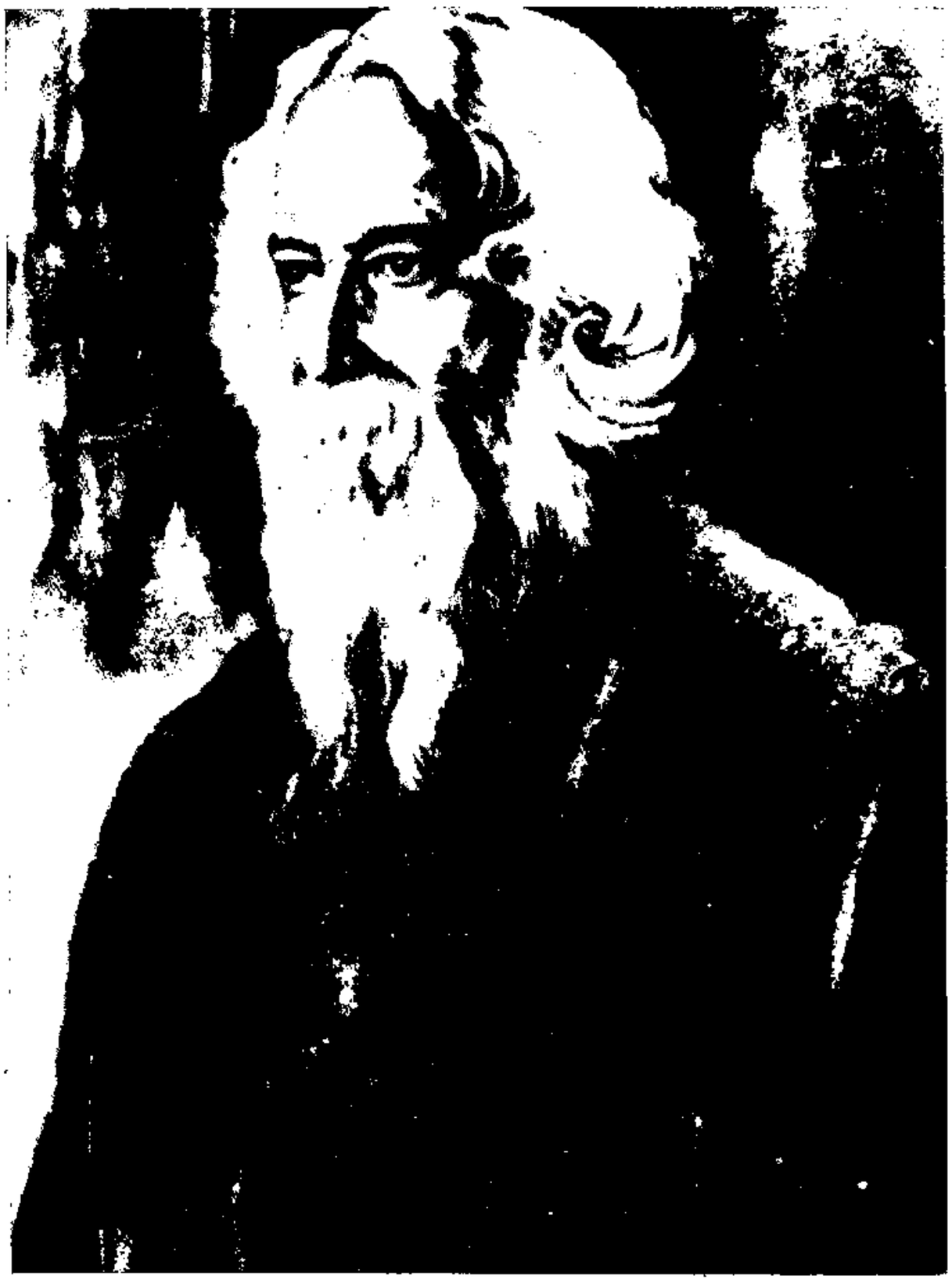

باید که تحیتی به او برگـوید
هرجا که خزیده بلبل گویایی

تاگور علاقه زیادی داشت که بزیارت تربت پاك سعدی و حافظ برود ــ از اینرو برنامه‌یی برای بازدید او از ایندو آرامگاه ترتیب داده شد.

روزیکه برای زیارت حافظیه رفت، با کمال ادب و احترام ، در کنار قبر حافظ نشست (چنانـه در عکس دیده می‌شود) و مدتی در عالم روحانی با روح پاك حافظ راز و نیاز کرد و آنگاه دیوان خواجه را خواست ــ دیوان حافظ را کـه بدست او دادند، آنرا بوسید وبردیده نهاد و سپس فالی زد و دیوان برگشود ، این غزل کـه متضمن تمجیدی از شاعر آزاده هند بـود آمد:

غلام نرگس مست تو تاجدارانند
خراب بادهٔ لعل تو، هوشیارانند
بزیرزلف دوتا چون گذر کنی بینی
که از یمین ویسارت چه بیقرارانند
تورا صبا و مرا آب‌دیده شد غماز
وگرنه عاشق ومعشوق راز دارانند
گذار کن‌چوصبا بربنفشه‌زار وببین
که از تطاول زلفت‌چه سوگوارانند
رقیب‌درگذروبیش ازاین‌مکن‌نخوت
که ساکنان در دوست خاکسارانند
نصیب‌ماست بهشت‌ای خداشناس‌برو
که مستحق کـرامت گناه‌کارانند
نه‌من‌برآن‌گل‌عارض‌غزل سرایم‌وبس
که عندلیب‌تو ازهرطرف هزارانند
تودستگیرشوای‌خضرپی‌خجسته که‌من
پیاده می‌روم وهمـرهان سوارانند
بیا بمیکده وچهره ارغـوانی کن
مرو بصومعه کانجـا سیاهکارانند
خلاص حافظ‌ازآن زلف‌تابدار مباد
که بستگان کمند تـو رستگارانند

چون مفاد آن غزل‌را تحت‌اللفظی‌برایش ترجمه کردند فوق‌العاده تحت تأثیر قرار گرفت و چـون در آن تاریخ هند، تحت تسلط انگلستان بود وشاعر آزاده هند علاقه زیادی به آزادی واستقلال هند داشت، برای دانستن آزادی هند، فال دیگری زد و با نهایت تعجب این غزل آمد:

یوسف گم‌گشته بازآید بکنعان غم مخور
کلبهٔ احزان‌شود روزی گلستان، غم‌مخور
این دل غمدیده حالش به‌شود، دل‌بدمکن
وین سرشوریده بازآید بسامان، غم‌مخور
دور گردون گردوروزی برمرادمانگشت
دائماً یکسان نماند حال دوران، غم‌مخور
گر بهار عمر باشد باز برطـرف چمن
چترگل برسرکشی ای‌مرغ خوشخوان، غم‌مخور
هان‌مشونومید چون‌واقف‌نه‌ای‌زاسرارغیب
باشد اندر پرده بازیهای پنهان، غم‌مخور
هرکه‌سرگردان‌بعالم گشت‌وغمخواری‌نیافت
آخرالامراوبغمخواری‌رسدهان، غم‌مخور
دربیابان گر بشوق کعبه خواهی‌زد قدم
سرزنشها گرکند خار مغیلان، غم‌مخور
حال ما درفرقت جانان وابـرام رقیب
جمله می‌داند خدای‌حال گردان، غم‌مخور
ایدل ارسیل فنـا بنیاد هستی برکنـد
چون تورا نوح است کشتیبان زطوفان، غم‌مخور
گرچه منزل‌بس‌خطرناکست ومقصدناپدید
هیچ‌راهی‌نیست‌کورانیست‌پایان، غم‌مخور
حافظا در کنج فقر وخلوت شبهای تار
تابود وردت دعا ودرس قرآن، غم‌مخور

این غزل که متضمن بشارت آزادی‌هند بود در تاگور تأثیر بسیاری کرد وچون‌شب بباغ خلیلی برگشت، اظهار تمایل کرد که سازنی بیاید تا غزلهای حافظ را باموسیقی دوباره بشنود. از اینرو «رحیم قانونی» که در نواختن قانون مهارت داشت ورضاخان کمانچه را که استاد کمانچه زنی بودطلبیدند ودر باغ خلیلی، وسط گلها، بزمی آراستند وهمراه آواز بلبلها، غزلهای شیوای حافظ را درهوای طرب‌افزای بهار شیراز خواندند وزدند ــ این ساز و آواز و غزلهای پرشور حافظ بقدری در تاگور مؤثر واقع شد که بحالت خلسه فرو رفته ، اشك از چشمهایش جاری گردید و تامدتی بهمان حال مانده بود.

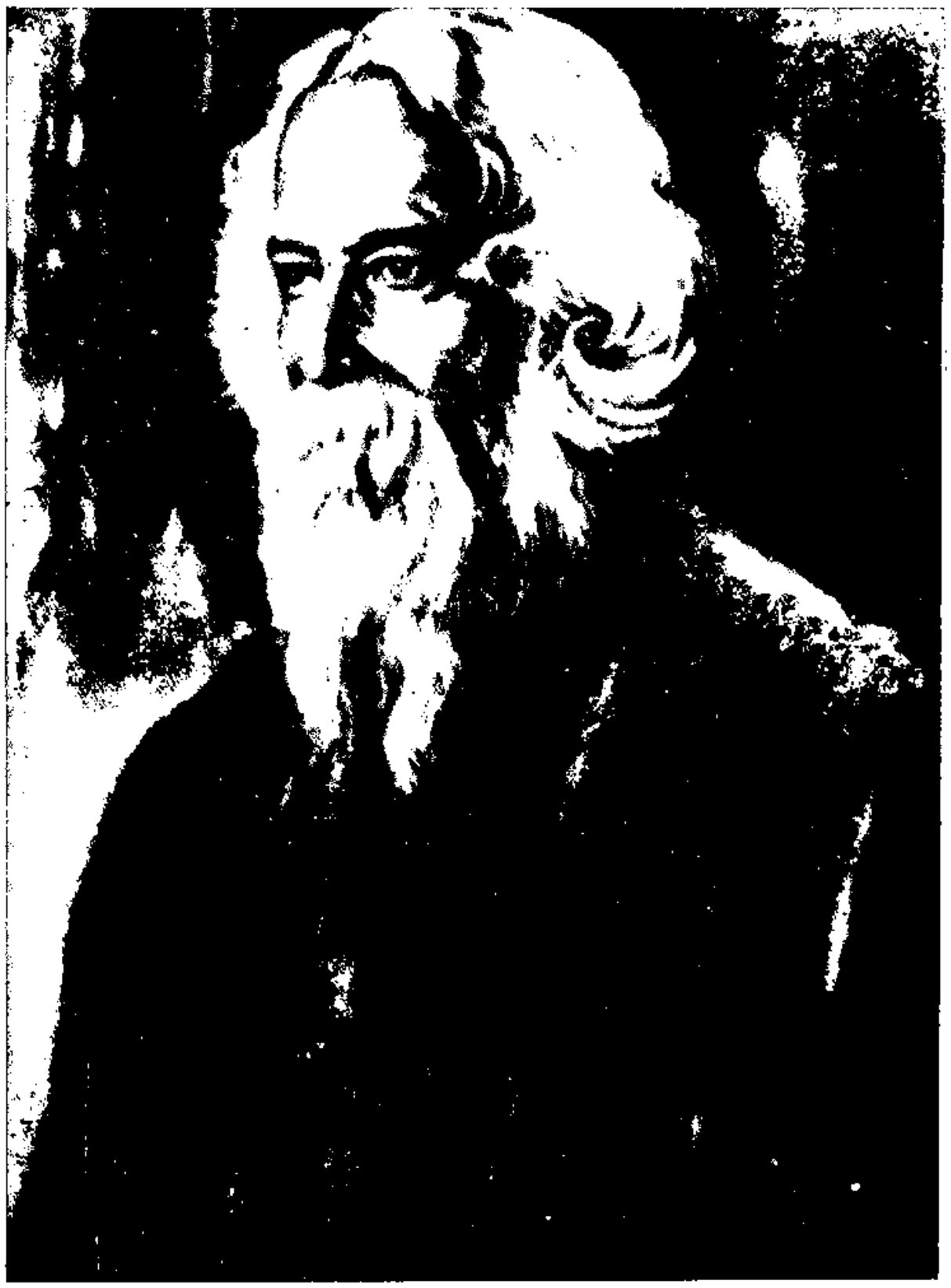

روز دیگر تاگـور بزیارت خاك سعدی رفت ــ در آنجا نیز مدتی در کنار قبر سعدی بتفکر پرداخت و با روح سعدی راز ونیاز کرد ــ سپس درمجلس پذیرایی که در صحن آرامگاه سعدی به‌افتخار او تشکیل شده بود، شرکت کرد.

در این مجلس دانشمندان و شاعران و بزرگان شیراز شرکت داشتند و خطابه‌ها و اشعاری در مدح تاگور خواندند واز مقام ادبی و فلسفی او تجلیل کردند.

موقعیکه تاگور در شیراز بود دو واقعه رخ‌داد که آنها را در اینجا ذکر می‌کنم:

روزی پیشاهنگان شیرازبه‌افتخار تاگور ودینشاه جشنی در دبیرستان شاهپوربرگزار کردند ــ در آنوقت ریاست پیشاهنگی‌شیراز بعهدهٔ مرحوم بهاءالدین پازارگاد معروف به «حسامزاده» بود ــ از جمله برنامه‌یی که برای آن جشن تهیه شده بود ، افروختن آتش و خواندن سرود آتش بود که سازنده آنهم خود مرحوم پازارگاد بود.

از اینرو در وسط حیاط دبیـرستان شاهپور توده‌یی هیزم چیده شده‌بود ونزدیك غروب آفتاب که هوا بتاریکی می‌گرایید، پیشاهنگان دور آن توده هیزم حلقه زدند وبوسیله کوچکترین آنها ، آتش افروخته شد ــ همینکه شعله‌های آتش سر به‌آسمان کشید، همه پیشاهنگان دستجمعی به‌خواندن سرود آن پرداختند ــ آنچه در نظرم هست، جمله‌های اول آن چنین بود:

آتش! آتش! تو ای فروغ یزدانی ــ تو ای نور آسمانی!

اگرچه افروختن آتش و طنین سرود مهیج آن ، آنهم مقارن غروب آفتاب، خیلی جالب و مؤثر بود و شاید گنجانیدن این مراسم برای جلب توجه دینشاه زردشتی بود ولی‌انعکاس آن در جامعه روحانیت ومیان عالمان و طبقات مؤمنان و متدیان معکوس بود زیرا که همه زبان به‌انتقاد گشودند که می‌خواهند دین زردشتی و آتش پرستی را رواج دهند و بچه‌ها را زردشتی کنند وهزار پیرایه دیگر بدان بستند و مرحوم حسامزاده را بباد ناسزاها گرفتند !

موضوع دیگر راجع به اقدام مرحوم روحی است ــ مرحوم‌سید عنایت‌الله روحی (اعتمادالتولیه) که در آن تاریخ مـدیر دبستان کمالیه بود، از مدتها پیش علاقـه غریبی به «**حافظ**» پیدا کرده بود ــ ورود مرحوم «**دبیراعظم بهرامی**» بسمت‌استانداری فارس و اقدام به ساختن آرامگاه آن شاعر ومخصوصاً قراءت خطابه غرای او برسر قبر حافظ، مرحوم روحی را تشویق کرد و لذا جمعیتی را بنام «**حافظیون**» تشکیل داد.

حافظیون همه شب در قهوه‌خانه‌یی که در ضلع شمالی حافظیه بود، جمع می‌شدند واشعار حافظ را می‌خواندنـد و هنگـام برخاستن «**ساقینامه**» حافظ را بالحن خاصی باهم زمزمه می‌کردند و پس‌از طواف قبر حافظ و بوسیدن در و دیوار آرامگاه او، عقب عقب بیرون می‌رفتند و خود مرحوم روحی در اینکارها ازهمه بیشتر ذوق وشوق نشان می‌داد.

مرحوم‌روحی بقدری درمقام حافظ غلو کرده بود کـه او را «**صاحب شریعت**» و «**مصلح بزرگ دنیا**» می‌نامید و روزی هم حافظیون را در جلو قبر حافظ گردآورد وخود باپای برهنه ، جارو بدست در برابر قبر حافظ ایستاد و عکس گرفت وغزلی را که مطلع آن این است:

بغیر از عشق واسـرار حقیقت
نباشد حافظیـون را طـریقت

ساخت و در زیر همان عکس نگاشت.

آمدن دینشاه زردشتی و هیاهوی سرود آتش‌موجب شدکه مرحوم روحی هم‌تحریك شود واز اینرو خطی به دینشاه نوشت بدین مضمون که:

اکنون که به‌ایران آمده‌ای و بحضور اعلیحضرت رضاشاه پهلوی می‌رسی، کوشش کن تا بقول حافظ :

بباغ تازه کـن آیین دین زردشتی
کنون که‌لاله برافروخت آتش نمرود

ودین رسمی ایران دین زردشتی بشود !

این مراسله پیش از آنکه بدست دینشاه برسد، بدست مرحوم فیوضات رئیس‌فرهنگ رسید وبهمین جهت مرحوم روحی راطلبید واو را از نوشتن آن نامه واظهـار افکار تند منع کرد.

قرار بود که تاگور دو روز در شیراز اقامت جوید ولی بقدری از شیراز خوشش آمده بود که سه روز در شیراز ماند و هم از لطافت هوای دل‌انگیز بهـار شیراز و منظره باغ خرم خلیلی لذت برد و هم از مردم صاحب کمالش ! ــ از اینرو بعداز سه روز اقامت، در موقع عزیمت ، تاگور از شیراز ، وصف حالش مضمون این شعر شیخ اجل سعدی بود:

«می‌روم وز سر حسرت بقفا می‌نگرم»

غلامرضا مریدی عضو انستیتوی فیزیك (بریتانیـا) دانشگاه برونل ـ انگلستان

مشکلات پژوهشهای علمی در ایران

در شمارهٔ ۲۸ فروردینماه نشریهٔ دانشکده فنی، دکتر محمدزاده فرحان‌مقاله‌یی دربارهٔ دشواریهای پژوهش علمی در ایران نوشته شده بود ومشکلات موجودرا در هفت‌قسمت طبقه بندی و بتشریح آنها پرداخته بود که باختصار عبارتند از: ۱. کمبود مغزها؛ ۲. نبودن و یا از دست رفتن تخصص‌هـا؛ ۳. نبودن همکاری و رابطه میان سازمان‌ها؛ ٤. عدم تشویق مالی؛ ٥. عدم‌تشویق‌معنوی؛ ٦. نقصان وکمبود وسایل‌علمی؛ ۷. پژوهش انفرادی.

اینجانب در این مقاله بدیگـر مسائل موجود در سر راه پیشرفت تحقیقات علمی درایران پرداخته و انتظار دارد این بحث را که واقعاً یك مسألهٔ مـلی است دیگـر پژوهندگان و محققان و دانشگاهـیان و مقامات مسؤول دولتی (وزارت علـوم و آموزش عالی) مورد توجه قـرار داده، و هریك باتوجه بتجربیات خویش نظـریات خود را در این زمینه بیان کنند. مشکلات تحقیقات علمی همانند دیگر مسائل اجتماعی در تمام کشورهای جهـان حتی کشورهای پیشرفتهٔ صنعتی وجود دارد. با این تفاوت که در این کشورها این مسائل در سطح و مرتبه دیگری از آنچه در ایران است بچشم می‌خورد. برای نمونه، مدتی است کـه در انگلستان این بحث پیش آمده است که توجه بیش از حد دانشگاهها به پژوهش‌های علمی مانع ازانجام صحیح امور آموزشی آنهاست ودرچند شماره اخیر بولتن فیزیك، نشریه انستیتوی فیزیك بریتانیا صاحب‌نظران در این مورد نظرات خود را بیان کرده‌اند.

تحقیقات و پژوهش‌های علـمی پایه پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی و علمی، و عامل اساسی بهبود زندگی افراد هر جامعه است. دردهه اول انقلاب اجتماعی ایران پیشرفت‌های صنعتی واقتصادی قابل توجهی نصیب ملت ما شده، ورشد اقتصادی ما در میان‌کشورهای جهان، مقام‌والایی‌یافته‌است. در این دهه صنایع مادر در مملکت ایجادشد ودیگر صنایع از مرحلهٔ «مونتاژ» وپس از آن تولید مستقل کار خود را آغاز کردند و با آهنگی سریع به پیشرفت خـود ادامه می‌دهند. مالکیت و اداره کامل صنایع نفت بدست ایرانی افتاده و صنایع عظیم گاز و پتروشیمی پدید آمده، و در آینده توسعه درخشانی خواهد یافت. در دهه اول انقلاب مقایسه پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی بـا پیشرفت درزمینه تحقیقات علمی نشان می‌دهد که‌در بخش تحقیقات علمی، دانشگاهها ومراکز تحقیقات ما خود را با پیشرفت‌های اقتصادی واجتماعی هم‌آهنگ نکرده‌اند و اگر رشد اقتصادی و پژوهش‌هـای علمی بهمین منـوال ادامه یابـد بگفته دکـتر «فرحان» دانش ما از اقتصاد مـا عقب‌تر خواهد افتاد.

اگر ما بخواهیم صنایع کشـورمان از مرحله مونتاژی «پیوندی» بمرحله تولید وسازندگی صددرصد قدم بگذارد، و گذشته از آن، در آینده نیز محصولات جـدید و متنوعی ببازار جهانی عرضه کنیم؛ که قابل رقابت باتولیدات کارخانه‌های‌دیگر کشورها باشد؛ اگر بخواهیم صنایـع کشورمان در آینـده از نظر نیـروی انسانی سطح بالا، بخودمان متکـی باشد وبجـای استفاده از ابداعات واختراعات تولیدی دیگران، خود ابداع کنیم و طرح بریزیم وتولید کنیم، چاره‌یی جزاین‌نداریم که: **پژوهش‌های علمی و صنعتی را در سطح مملکت رواج دهیم.** پژوهش‌های علمی اصولا شامل پژوهش در تمام‌زمینه‌های علمی‌واجتماعی است. همان‌گونه که پژوهش در ریاضی‌یا مهندسی‌معدن بنفع جامعه است، پژوهش در طب، ادبیات وهنر نیز برای‌جامعه ضرور است. بنابراین غرض از پژوهشهای علمی شامل پژوهش در تمام رشته‌های علوم، صنعت، ادبیات‌وهنر است و شامل همه دانشهای بشری است که در طول اعصار و قرون بوجود آمده و در اثر «پژوهش» دانشمندان و محققان هر زمان و عصری شکل گرفته، پیشرفت‌کرده وبصورت امروزی درآمده است. اینجانب دراینجا از همه دانشگاهیان و دانشمنـدان ایرانی ازپزشك‌تامهندس وازادیب‌وجامعه‌شناس تا هنرمند دعوت می‌کند که در این بحث‌ملی شرکت‌کنند چون این بحث خاص شیمی‌دان‌ها و فیزیك‌دان‌ها نیست وبایـد عمومیت بیابد.

انقلاب آموزشی ازهمان ابتدای انقلاب اجتماعی ایران (انقلاب شاه‌ومردم) بعنوان یکی از اصول محکم این انقلاب ظاهر شد وچندین کنفرانس سالانه انقلاب آمـوزشی رامسر که بفرمان رهبر انـقلاب برگـزار گردید، مسائل آموزشی‌دانشگاهها ومؤسسات آموزش عالی‌کشور را بررسی‌کرد ورامـ حل‌های جالبی نشان‌داد. دردههٔاول انقلاب دانشگاههای کشور از جنبه‌های آموزشی‌به پیشرفت‌هایی دست‌یافتند وپژوهش‌های‌علمی درچند رشته نسبتاً محدود پیشرفت‌هـایی نمود ولی چنانکه ذکر شد این پیشرفت‌ها باتوسعه صنایع و اقتصاد مملکت هم‌آهنگ نبوده است. باید توجه کرد که هم‌اکنون‌در کشور ما گذشته از دانشگاههـا، مؤسسات تحقیقاتی چند وجود دارنـد کـه وابسته بدانشگاهها ویاسایر مؤسسات عمل می‌کنند. مثلا مؤسسه ژئوفیزیك، مرکز اتمی دانشگاه تهران (که اخیراً زیر نظر سازمان انرژی اتمی ایران درآمده است)، مؤسسه‌تحقیقات

اقتصادی، مؤسسه تحقیقات‌اجتماعی، مؤسسه جغرافیا و چند مؤسسه دیگر که وابسته بدانشگاه تهران هستند و تاکنون فعالیت‌های علمی قابل توجهی داشته‌اند. موضوع تحقیقات علمی باید بعنوان یك مسألهٔ‌ملی و بعنوان زیربنایی برای اقتصاد شکوفان مملکت و رفاه زندگی نسل حاضر ونسلهای آینده اجتماع ایران مورد توجه عموم‌مردم قرار گیرد ودولت نیز باید مساعی خود را در این راه بکار برد واز سرمایه‌گذاری در انجام پروژه‌های تحقیقات علمی نهراسد. خرج پول درانجام‌طرح‌های پژوهشی واقعاً یك نوع سرمایه گذاری است نهایت اینکه سرمایه گذاری دراز مدت. سرمایه گذاری که نباید انتظار بهره‌گیری از آن‌را درمدت زمان کوتاه داشت. نفع سرمایه گذاری در تحقیقات علمی بهرحال عاید جامعه خواهد شد و چه بسا که نسل بعدی از آن بهرمند شوند. بطور کلی سیاست تحقیقاتی علمی کشور را می‌توان در دو بخش خلاصه کرد. اول: تحقیقات غیرپایه‌یی ؛ دوم : تحقیقات کاملا پایه‌یی در همه رشته‌های علوم، صنایع ادبیات وهنر.

منظوراز تحقیقات غیرپایه‌یی آن‌قسمت از تحقیقات علمی و صنعتی است که در آینده نسبتاً کوتاه، بویژه، مورد نیاز صنایع وکارخانه‌های کشور است . برای نمونه، کارخانهٔ اتومبیل سازی می‌خواهد در چند سال آینده اتومبیلی ببازار عرضه کند که استحکام بدنه آن ده‌درصد بیشتر ازاستحکام اتومبیل‌های فعلی آن باشد. ازدیاد ده‌درصد استحکام بدنهٔ اتومبیل باین سادگی نیست‌که کارخانه تولیدکننده مثلا ضخامت‌بدنه‌اجزاء ماشین‌را ده‌درصد اضافه‌کند. ازدیاد ضخامت بدنه گرچه ظاهراً استحکام آنرا افزایش می‌دهد ولی از جنبه‌های دیگر تولید مشکلاتی ایجاد می‌کند که قابل بررسی و تحقیق است. مثلا چه‌بسا که بجای ازدیاد ضخامت بدنه بشود همان استحکام مورد نظر را با استفاده از آلیاژ خاصی، یا باتغییرات در طرح بدنه ماشین و یا حتی استفاده از مواد غیرفلزی مانند مواد پلیمرودیگر مواد مشابه بدست آورد. این قبیل تحقیقات یا تحقیقات غیرپایه‌یی‌باید درجوار کارخانه‌ها وصنایع بعمل آید و صنایع کشور ما باید اهمیت تحقیقات علمی و صنعتی را دریابد ومسؤولان اقدام بتأسیس آزمایشگاههای تحقیقاتی در جوار کارخانه‌ها بکنند واین آزمایشگاهها را در آینده توسعه داده و بمؤسسات عظیم تحقیقاتی مبدل کنند. برای این قبیل تحقیقات ، دولت اصولا نمی‌تواند کمك مالی بکند وکمك دولت فقط ازطریق تربیت کادر متخصص ودانشمند و پژوهنده در دانشگاهها و مدارس عالی کشور اعمال می‌شود.

***

تحقیقات پایه‌یی آندسته از پژوهشهای علمی و صنعتی است که هدف‌های ملی ودور دست وتحولات بنیادی‌درعلوم وتکنولوژی را در بر دارد. این گونه پژوهشها پرواضح است که خود کمك و پشتوانهٔ تحقیقات غیر پایه‌یی است که بطور مستقیم در اعتلای زندگی افراد جامعه مؤثر است. تحقیقات پایه‌یی باید توسط دولت پایه‌گذاری شود و در دانشگاهها ومراکز عالی آموزشی کشور متمرکز گردد. اینجاست که اهمیت ونقش دانشگاه در اجرای تحقیقات علمی و تکنولوژی بمیان‌می‌آید. دانشگاههای‌کشور ما باید بوظیفهٔ خطیر خود در سازندگی جامعه آینده کشور آگاه شوند. اصولا باید این فکر در میان عموم مردم و بخصوص طبقات تحصیلکرده ودانشگاهی تقویت شود که دانشگاه بآن معنی نیست که فقط در آن علوم در سطح عالی تدریس می‌شود؛ بلکه تعریف دانشگاه خیلی وسیعتر از این است.

«دانشگاه محلی است که در آن گذشته از تدریس علوم، فراگیری صنایع، هنر و ادبیات در عالیترین سطح خود، پژوهش‌های اصیل وبنیادی دردانش ومعرفت بشری نیزبعمل می‌آید». بنابراین پژوهش وتحقیق همانند تدریس و تعلیم در نهاد کلمه «دانشگاه» نهفته است و این چیزیست که همگان باید توجه بدان‌داشته باشند. دانشگاه بدون پژوهش همانند دبیرستانی است باچند کلاس بالاتر از کلاس دوازدهم؛ و استاد دانشگاه بدون انجام تحقیقات علمی معلم ساده‌یی است که در کلاس بالاتری درس می‌دهد.

وقتی صحبت مقایسه دانشگاهها بمیان می‌آید اصولا نه بحثی از تعداد دانشجویان یا تعداد کادر آموزشی بمیان می‌آید ونه از مقدار آزمایشگاهها و عظمت ساختمانهای دانشگاه گفتگو می‌شود؛ بلکه عموماً اساس مقایسه، ارزش و تعداد پروژه‌های تحقیقاتی است که در آن دانشگاه ودرنشریات معتبر علمی بچاپ رسیده است. گذشته از این، دانشگاههای معروف جهان‌تنها به‌برآمدگان خود که توانسته‌اند مقام علمی والایی در جامعه کسب کنند و همینطور باستادان دانشمند خود که پژوهشهای باارزشی انجام داده‌اند، افتخار می‌کنند.

اکنون ببینیم که چرا دانشگاههای ما از نظر پژوهش‌های علمی موفقیت‌های چندانی کسب نکرده‌اند و حتی جوانان ایرانی پس از انجام تحقیقات و تحصیلات عالیه در خارج و مراجعت بایران از حالت محقق کاملا خارج شده و یا بمعلم ساده دانشگاه تبدیل می‌شوند و یا اینکه بدنبال کار اداری می‌شتابند. دکترفرحان چندعلت را تشریح کرده است که در ابتدای این مقاله بآنها اشاره شد. علت‌های دیگری که نظر اینجانب را بخود جلب کرده است واز ضروریات تحقیق علمی هستند درزیر بدانها اشاره خواهد شد. تا این علل و علل دیگر، تاحد مطلوب برطرف نشود کشور ما از نظر تحقیقات نخواهد توانست جای خود را در میان جامعه‌های پیشرفته بار کند. **باکمال تأسف باید باین نکته اشاره شود که درمیان مقالات علمی و تحقیقاتی که در نشریات بین‌المللی منتشر می‌گردد اسامی دانشمندان ایرانی حتی کمتر از بعضی از کشورهای منطقه بچشم می‌خورد. در حالیکه کشور ما از نظر اقتصادی و صنعتی مقام برتری را در منطقه داراست .**

* همانطور که در سطور بالا اشاره شد تحقیقات علمی احتیاج بسرمایه‌گذاری دارد واین وظیفهٔ دولت است که هرسال درصدی از درآمد ملی کشور را باین امر مهم اختصاص بدهد. «شورای توسعه و تشویق پژوهشهای علمی کشور» می‌تواند مرجعی باشد که باین سرمایه گذاری و توزیع آن بین رشته‌های مختلف علمی و مؤسسات و دانشگاههای‌کشورنظارت داشته‌باشد. تأسیس این شورا مایهٔ خوشوقتی فراوان است و امید است که در آینده وظایف خود را بنحواحسن برای گسترش تحقیقات علمی‌در کشورانجام‌دهد. آنچه ازمشکلات پژوهش‌های علمی مربوط به‌خود دانشگاهها می‌شود عبارتست از:

۱ . کتابخانه‌ـ کتابخانه‌های دانشگاه‌های ما متأسفانه فاقد کتابهای کافی علمی هستند و تعداد مجلات علمی که کتابخانه دانشگاهها خریداری می‌کنند شاید از چند ده‌مجله بیشتر نباشد. کتابخانه از عوامل مهم پژوهشهای علمی است و بدون آن پژوهش علمی امکان‌پذیر نیست. شایدبتوان برای پژوهش‌های علمی سه عامل : نیروی انسانی و مدیریت کتابخانه و آزمایشگاه‌را از ضرورترین عوامل شمرد. کتابخانه دانشگاه باید هم از نظر محتوی تاحدمطلوب غنی باشد و هم از نظر مدیریت روشهای جدید کتابداری مورد استفاده قرارگیرد تا کتاب‌ها و مقالات علمی منتشر شده در نشریات سریعا دراختیارپژوهنده قرارگیرد. محقق و پژوهنده احتیاج دارد که جهت پیشرفت کار خود سریعاً در جریان آخرین تحولات علمی در رشته خود قرار گیرد. فارغ‌التحصیلان رشته کتابداری که در دانشگاههای کشورتربیت‌می‌شوند، می‌توانند در این زمینه کاملا مفید واقع گردند.

باید پذیرفت که بیشتر دانشگاههای کشورنمی‌توانند همه‌نشریات‌علمی دنیاوحتی دست‌کم آندسته از نشریات و مجلات علمی وصنعتی که فقط بزبان انگلیسی منتشر می‌شود خریداری کرده، درکتابخانه نگهداری کنند. اینکار مستلزم‌هزینه‌های بزرگی‌است. برای حل این مسأله وجود یك کتابخانه جامع، مادر وملی در مملکت کاملا لازم است نباید غافل بود کتابخانه‌بزرگ پهلوی که بفرمان همایونی تأسیس گردیده‌درآینده نقش مهم و حیاتی خود را در این زمینه ایفا خواهد کرد. باید روابط و همکاری نزدیك میان کتابخانه‌های کشور وبخصوص کتابخانه‌های دانشگاهها برقرار شود وتبادل

کتب و نشریات علمی میان آنها به‌آسانی انجام گیرد. هرنشریه یا کتابی که در کتابخانهٔ پهلوی که‌حاوی‌همهٔ‌کتب ونشریات معتبر منتشر شده در جهان خواهد بودتأمین خواهد گردید. خدمات کتابداری در دانشگاه باید برای عموم دانشگاهیان اعم از دانشجوی دوره‌های لیسانس، فوق لیسانس ودکتری و کادر دانشگاهی الزامی ومجانی باشد و کتابخانه‌ها موظف‌اند حتی‌الامکان کتاب و یا اصل و یا فتوکپی مقاله علمی مورد نظر پژوهنده را اگر خود آماده نداشته باشند از کتابخانه‌های دیگر دانشگاهها و یا کتابخانه بزرگ پهلوی در اسرع وقت تهیه کرده، در اختیار پژوهنده قرار دهند. بطور کلی‌سرویس‌های کتابخانه‌ها باید بنحواحسن ومطلوب دراختیار محققان ودانشمندان کشور قرارگیردتاآنان بتوانند از طرفی معلومات ودانش خود را افزایش داده واز طرفی دیگر درجریان آخرین تحولات علمی و صنعتی قرار گیرند. اگر جزاین‌باشد محقق‌وپژوهنده نخواهدتوانست کار پژوهشی اصیل ودست اولی انجام دهد.

۲. مدیریت وروابط‌اداری دردانشکده‌ها ودانشگاهها :

مسألهٔ مدیریت چند سالی است که در کشورما از مسائل روز شده است وتلاشهای فراوانی برای بهبود کیفیت مدیریت در صنایع و دستگاههای اداری انجام می‌شود. نارسایی مدیریت در سازمان‌های اداری گروههای آموزشی، دانشکده‌ها و مؤسسات تحقیقاتی دانشگاه از عوامل بازدارنده تحقیقات علمی در دانشگاه‌هاست . روابط اداری در دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی دانشگاه و همینطور در سازمان مرکزی دانشگاهها بنحویست که کادر اداری خودرا حاکم برکادرآموزشی احساس‌می‌کنند. این تفکر و نظام غلط اداری کاملا باید ازمیان برود. در دانشکده و دانشگاه کادر اداری باید در خدمت کادر علمی باشد و اصولا برای همین منظور هم بوجود آمده است که کادر علمی دور از مشکلات اداری به‌انجام وظیفه خود مشغول باشد.

دانشگاههای ما اصولا فاقد یك طبقه از مردم بنام «تکنیسین» هستند و ترتیب آموزشی علمی مشاغل عبارتست از : مربی (دستیار) ــ استادیار ــ دانشیار واستاد. تکنیسین‌ها از عناصر مهم در آموزش علمی وتحقیقات علمی هستند. البته باید اذعان داشت که تکنیسین درکشور بسیار اندك‌است وکوشش‌هایی که در سالیان اخیر در زمینهٔ ایجاد مدارس فنی و هنرستانهای صنعتی و مؤسسات صنعتی پدیدار گشته یقیناً این نارسایی را برطرف خواهد کرد ولی آنچه بدانشگاه و تحقیقات علمی در دانشگاه مربوط می‌شوداینست‌که تکنیسین‌ها درانجام جنبه‌های عملی و تهیه مقدمات تحقیقات کاملا مؤثر هستند و بدون کمك وهمکاری آنها انجام پروژه‌های تحقیقاتی مدتهای مدیدی بطول خواهد انجامید. وقتی در مجلات علمی می‌بینیم که‌فلان‌محقق اروپایی یا امریکایی در سال ۱۰تا وشاید بیش از ده کار تحقیقاتی انجام داده ومنتشرکرده است آنوقت متوجه می‌شویم‌که بدون‌انجام کارهای نخستین و کمك و همکاری اهل فن انجام اینهمه کار تحقیقاتی در عرض یکسال مسلماً غیرممکن بوده است. عدم وجود تکنیسین دردانشگاههای مابآن‌حد محسوس است که چند سال پیش یکی از استادان انگلیسی ضمن بازدید از یك دانشگاه ایران با این تقاضا مواجه می‌شودکه جهت‌همکاری بادانشگاه مذکور، دانشگاه انگلیسی که‌استاد فوق بآن وابسته است تعدادی استادیار جهت تدریس بایران اعزام کند. استاد انگلیسی در جواب می‌گوید که: شما بیش‌از استادیار به تکنیسین احتیاج دارید! (این واقعه را استاد انگلیسی شخصاً برای اینجانب تعریف کرده است). نقش تکنیسین دردانشگاههای انگلیس تاآن حد زیاد است که مثلا حقوق سرتکنیسین باتجربه نه‌تنها از حقوق مربی بیشتراست بلکه‌ازحقوق‌استادیار (Lecturer) تازه استخدام شده نیز تجاوز می‌کند.

تا چند سال پیش گروهها ودانشکده‌ها فاقد انبار بودند واگر انباری هم وجود داشت درش قفل و محتوی آن جز کاغذو قلم و لوازم اداری چیز دیگری نبود واگر نیازی بیك وسیله خیلی ساده پیدا می‌شد کارپردازی دانشگاه از بازار فراهم می‌کرد که مسلماً مدت زمانی طول می‌کشید. این نظام تدارکات بدرد دوران متحول ایران‌و دانشگاه‌های آن نمی‌خورد. در هر گروه آموزشی ودانشکده باید انبار لوازم تأسیس گردد و با نظام انبارداری وتدارکات جدید اداره شود و وسایل نخستین و مصرفی مورد نیاز تحقیقات در آن نگهداری و در مقام ضرورت بدون تشریفات پیچیده اداری در اختیار پژوهنده قرار گیرد. وجود کارگاه در دانشکده‌های علمی و فنی ازواجبات کار است و دانشجویان و پژوهندگان در این کارگاهها خواهند توانست وسایل نخستین مورد نیاز خود را شخصاً و یا بکمك تکنیسین‌ها بسازند و یا بتعمیر وسایل‌معیوب بپردازند.

۳ . نقش دانشجویان در پژوهشهای علمی:

دانشجویان دوره‌های فوق لیسانس و دکتری (Ph. D.) که برای اخذ درجه علمی خود موظف بانجام کار تحقیقاتی هستند درپیشرفت وانجام کارهای تحقیقاتی در دانشگاه‌ها مانند کادر علمی دانشگاهی می‌توانند سودمند باشند. دانشجوی جوان و پر انرژی وقتی زیرنظراستادی باتجربه مشغول تحقیق می‌شود می‌تواند کارهای ارزشمندی انجام دهد. تعداد مقالات اصیل علمی که بهمکاری استاد ودانشجو در مجلات علمی جهان چاپ می‌شود کم نیست. تعداد دوره‌های فوق لیسانس دانشگاهها باید افزایش یابد و سیاست آموزشی در این دوره نه‌بآن صورت که اکنون دراکثر دوره‌های فوق لیسانس دانشگاهها رایج است یعنی ادامه دروس دوره‌های لیسانس وافزایش‌اطلاعات دانشجو درهمان مقیاس‌وکادر دوره‌لیسانس، بلکه باید ازطریق تخصصی کردن دوره‌های لیسانس عملی گردد. بطوریکه اطلاعات و معلومات دانشجو پس از اتمام این دوره بآن سطح در هررشته تخصصی برسد که او را قادر بانجام پروژه تحقیقاتی اصیل و دست اول دردوره‌های بالاتر (دوره دکتری (Ph. D.) بکند. ودر صورت عدم ادامه تحصیل ، تخصص کافی در رشته خود پیدا کند. در اینجا صحبت ازدوره دکتری‌بمیان آمد. در این دوره از تحصیلات دانشجو اکثر کوشش وفعالیت خودرا صرف تحقیق می‌کند و جنب وجوش خاصی را در گروه بوجود می‌آورد و از طرفی خود با انجام تحقیقات علمی آموزش می‌بیند و از طرف دیگر بطورناخودآگاه‌استاد راهنمای‌خویش را بتحرك علمی وامی‌دارد. بی‌جهت نیست که حتی در دانشگاههای جدیدالتأسیس انگلیس دوره دکتری تقریباً هم‌زمان با دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس نیز دایر شده است. دانشگاههای ما سرانجام باید روزی دوره‌های دکتری را در رشته‌های علوم وصنایع دایر کنندو دراینکار نباید تأخیر کنند. همان‌گونه که دوره‌های فوق لیسانس در این رشته‌ها دایر شده است دوره‌های دکتری‌را نیز می‌توان دایر کرد، وباین ترتیب روح‌تازه‌یی‌بکارهای تحقیقاتی کشور دمید. امکانات مالی وانسانی را در این زمینه می‌توان فراهم کرد و فقط باید بر شك وتردید و واهمه چیره شد. دراین‌جا باید باین موضوع نیز اشاره شود استادی که راهنمایی دانشجو یا دانشجویانی را در دوره‌های فوق لیسانس و دکتری بعهده می‌گیرد و گذشته از کار معمولی خود یعنی تدریس وظیفه دیگری را نیز انجام می‌دهد باید دربرابر هردانشجو مبلغی ماهانه‌دریافت کند. این در واقع حق استاد-راهنماست‌که وقت وانرژی خود را صرف تربیت دانشجو ورسیدگی بامور پژوهشی او می‌کند. این مسأله متأسفانه در دانشگاههای ما مورد نظر نیست و بهمین جهت است که بعضی از استادان اغلب‌ازپذیرفتن‌راهنمایی دانشجویان جهت تهیه پایان‌نامه فوق‌لیسانس خودداری می‌کنند و وقت اضافه خویش را صرف امورات خود می‌کنند. با برقراری یکنوع حقوق یا پاداش در برابر دانشجو که زیر نظر استادی مشغول تحقیق است، هم‌استادان تشویق بانجام تحقیقات علمی می‌شوند و هم از این طریق کمك مالی بآنها شده وتفاوت میان استاد محقق و استاد ساده محسوس می‌گردد.

٤ . نقش استادان وکادر علمی دانشگاه در پژوهشهای علمی:

کادر علمی دانشگاه عامل اساسی انجام تحقیقات علمی است که توسط عوامل دیگر مانند کتابخانه، کادر اداری، آزمایشگاه و غیره پشتیبانی می‌شود. بنابراین باید نقش اومورد‌توجه وبررسی بیشترودقیق‌تری قرار گیرد. گرچه عده‌یی عقیده دارند که برای تحقیقات علمی وسایل ودستگاههای مجهزی لازم است ولی باید اذعان کرد که نیروی انسانی قبل از هرچیز ضرورت دارد. طرز تفکر فوق سبب شده است کـه در بعضی دانشگاهها و دانشکده‌ها حتی وسایل علمی مجهزتری تهیه شده، ولی بعداً کسی نبوده است که بتواند از این دستگاهها استفاده کند وبااصولا رشته‌یی که درآن مایل بوده، نتوانسته برای آن رشته از ایندستگاه‌ها بهره برداری کند. در دانشگاهـها و مؤسسات تحقیقاتی خارج اصولا وسایل‌علمی برحسب نیاز وتقاضای پژوهشگران فراهم می‌شود، در حالیکه گاهی دیده شده است کـه در دانشگاههـای ما وسایل علمـی و حتـی آزمایشگاهی مجهز قبل از آماده کـردن نیروی انسانی خریداری شده است! بایـد توجه ودقت خـاص در انتخاب واستخدام کادر علمی دانشگاهی بعمل آید و از کادر فعلی آنهایی که علاقمند به تحقیقات علمی نیستند و جز معلمی ساده دانشگاه وظیفـه دیگری نمی‌دانند بدون توجه بسن وسال و سوابق کارباید بااصولی منطقی کنارگذاشته شوند. در هر رشته علمی باید گـروههای تحقیقاتی تشکیل شود و از استادان مسن و با تجربه ومحقق فعلی برای سرپرستی گـروهها راهنمایی بجویند . همچنین باید مسائل تحقیقاتی مورد علاقه وتخصص گروه معین گردد و هریك ازاعضای گروه‌بتواند بطور گروهی یاانفرادی درچهارچوب گروه خودبتحقیق مشغول‌شود. باتشکیل گروههای تحقیقاتی در دانشگاه نیروی انسانی موجود متشکل وتقویت می‌شود و تبادل افکار و نظریات علمی میان اعضاء گـروه برقرار می‌گردد که در پیشرفت امر تحقیق اثرات فوق‌العاده‌یی دارد. از طرف دیگر ارتباط میان گروههای تحقیقاتی دانشگاهـها نیز می‌تواند برقرار شود که آن نیز بسهم خود در ارتباط علمی و رد وبدل کردن اطلاعات پژوهشی میان پژوهندگان مؤثر است. یك محقق باید از نظر اطلاعات علمی وپژوهشی باآخرین دست‌آوردهای علمی وصنعتی‌زمان خود آشنا باشد. این منظور از طرفی بـا مطالعه کتب و مقالات علمی منتشر شده در مجله‌های بین‌المللی که از طریق کتابخا در دسترس محقق قرار می‌گیرد تأمین می‌شود؛ وازطرف دیگر شرکت درکنفرانس‌ها وسمینارهای علمی درداخل‌کشور ویاخارج از آن اطلاعات گرانبهایی را در اخـتیار پژوهنده قرار می‌دهد ودراین کنفرانس‌هاست که محقق باافکار ونظرات علمـی همکاران خود در مراکز علمی‌دیـگر از نزدیك آشنا می‌شود. بـدیهی است کـه دانشگاهها باید هزینهٔ مسافرت و هزینه‌های مربوط بشـرکت محقق را در این قـبیل کنفرانس‌ها بعنوان بخشی از هزینه‌هـای پژوهشی خود بپذیرند و بپردازند.

دانشگاهها وگروههای آموزشی وابسته

باید در برگزاری سمینارهای علمی کوشش کنند و حتی دانشجویان را نیز بشرکت در این سمینارها سوق دهنـد. بـرای تشویق پژوهشگران ودانشمندان به‌تحقیقات علمی، دانشگاههای ایران می‌توانند درجات علمی مانند .D.Sc و یا .D.Tech را باستادان و دانشمندان کشور که سهم ارزنده وبنیادی دراعتلای علوم‌وصنایع بعمل‌آورده‌اند اعطا کنند. بی‌مناسبت‌نیست باین نکته اشاره شود که در انگلستان درجات فوق که بالاتر از درجه .Ph.D است بدانشمندان طراز اول که سهم فوق‌العاده‌یی در پیشبرد دانش‌بشری داشته‌اند اعطاء می‌گردد. بهرحال این‌درجه افتخاری می‌تواند وسیله‌یی بـرای تشویق دانشمندان ایرانی باشد. تأسیس انجمن‌ها و مؤسسات علمی و مهندسی در کشور کاملا ضروری است. مثلا انجمن فیزیك ایران ، انجمن مهندسان مکانیك، انجمن مهندسان الکتریك و الکترونیك ، انجمن زمین ـ شناسی، انجمن شیمی ایران وانجمـن‌های مشابه دیگر. بالاتر از این انجمن‌ها، تأسیس «فرهنگستان سلطنتی علوم ایران» بعنـوان بالاترین مرجع علمی و آکادمیك کشور ضروریست. هیچگونه دلیلی نیست‌که کشور ما بااین همه پیشرفت‌هـای اقتصـادی و اجتماعی، فرهنگستان سلطنتی علوم نداشتـه باشد. خوشبختانه سالهاست که فرهنگستان زبان ایران بفرمان‌همایونی‌تأسیس گردیده ونقش مهمی در پژوهشهای علمی در زمینه زبان فـارسی انجـام داده . عضویت در «فرهنگستان سلطنتی‌علوم‌ایران» بزرگترین افتخاری خواهد بود که بدانشمندان طراز اول کشور اعطاء می‌گردد.

تحقیقات علمی و کارهای علمی منتشر شده توسط استادان ازنظر ارزش وتعدادباید همردیف بادیگر فعالیت‌های‌آنان مانندتألیف کتب، تدریس وغیره‌بعنوان‌معیاری بمنظور ترفیع آنان در نظر گرفته شود. درکشورـ های خارج تعدادوارزش کارهای تحقیقاتی بعنوان بالاترین معیارکار یك‌استاد دانشگاه منظور می‌شود.

از آنجا که ترجمه آنهمه نشریات علمی وصنعتی اززبانهای‌انگلیسی، فرانسه، آلمانی وغیره بزبان فارسی عملا گذشته ازهزینه‌ـ های سرسام‌آور واتلاف‌وقت فراوان، غیر ممکن بنظر می‌رسد بنابراین باید دست‌کم یکی از این زبانها را در دانشگاهها بطور جدی تدریس‌کرد. بطور مثال‌زبان انگلیسی که امروزه بعنوان زبان بین‌المللی در همه جای دنیا پذیرفته شده اصولا زبانی است‌که خاص مردم انگلستان نبوده بلکه‌مردم ایالات متحده امریکا، کانادا، استرالیا، نیوزلاند، باین زبان صحبت می‌کنند و در کشورهایی نظیرهند، پاکستان، سیلان، آفریقای‌جنوبی، ایرلند و غیره بعنوان زبان رسمی پذیرفته شده است و گذشته از این، شاید حدود ۸۰ درصد کتب ونشریات علمی و صنعتی دنیا باین زبان چاپ و منتشر می‌شود. بنابراین ما می‌توانیم در عین‌حالیکه زبان ملی خود یعنی‌زبان شیرین‌فارسی‌راکه یکی‌ازغنی‌ترین زبانهای ادبی دنیاست حفظ کنیم ودرتقویت آن کوشا باشیم، برای آینده کشور خودو برای‌پیشبرد تحقیقات‌علمی وتوسعه اقتصادی وتربیت متخصصان دانشمند در دانشگاههای خود زبان انگلیسی‌یا فرانسه را بطورجدی تقویت کنیم و نه‌تنها آنرا بعنـوان «زبان دوم» و یك زبان خارجی تـدریس نماییم بلکه چنان سیاست آموزشی‌را در دانشگاهها دنبال کنیم که از دانشگاه بیرون آمده‌های ما بتوانند پس از اخذ درجهٔ لیسانس کتب علمی بزبان انگلیسی یا فرانسه را بخوانند وضمن کار در صنایع و مؤسسات دولتی و در تماس شفاهی یا مکاتباتی با خارجیان از عهده وظایف خویش برآیند. تقویت زبان در دانشگاهها سبب خواهد شد که معلومات دانشجویان بمنابع علمی‌فارسی‌محدود نباشد. در نتیجه سطح استاندارد دانشگاههای ما بالا برود وهمراه‌باآن‌فارغ‌التحصیلان دانشگاهها ومحققان و مهندسان آینده کشور دربهره برداری از منابع عظیم و غنی علـمی و تکنولوژی مشکلات کمتری داشته بـاشند. برای رسیدن باین منظور، تدریس قسمتی از دروس علمی در سالهای ۳و٤ دانشکده‌های علوم و مهندسی وکشاورزی وسالهای آخر پزشکی (ورشته‌های‌مربوط) وتدریس‌قریب بتمام دروس دوره‌های‌فوق‌لیسانس ودکتری بـزبان انگلیسی یافرانسه می‌تـواند کمك مؤثری هم در یادگیری و هم جهت آشنا سازی دانشجویان فعلی ودانشمندان آینده کشور بامنابع علمی خارجی‌باشد. البته‌آنچه گفتیم همهٔ مشکلات پژوهش‌های علمـی و فنی و صنعتی را دربر ندارد، چه عوامل روحی واجتماعی و روحیات فردی نیز در این راه شایان توجه است و در این مقاله ما از آن نکات بحث نکرده‌ایم.

در پایان نگارنده یقین دارد همانگونه که دیگر مسائل اجتماعی و دانشگاهی‌ایران بطریق مطلوب و باتوجه بفرهنگ و سنن ملی ودیگرضوابط خاص‌اجتماعی کشورمان حل شده است موضوع پژوهشهای علمی نیز باتوجه به‌ضوابط ویژه جامعه ایرانی وارد تحول نوی خواهد گردید واقتصاد وصنایع شکـوفان کشورمـان در دانشگاههـا و آزمـایشگاههای تحقیقاتـی آن پایگـاه مستحکمـی برای توسعه و گسترش خـود خواهند یافت.

مقالهٔ ششم

انقلاب کوبا

۱ کاسترو

انقلاب کوبا، یك امـر استثنایی در آمریکای لاتین ودر عین حال در جـهان سوسیالیسم است. از آنجهت که این انقلاب کوبارا ازفشارهای مسلطخارجی برآمریکای لاتین می‌رهاند، و در منطقه‌یی پوشیده از سلطهٔ استعماری، رژیم فاسد آن را واژگون می‌سازد. و باز از آنرو، که نخستین انقلاب سوسیالیستی جهان است که بدون شرکت سوسیالیستها بوجود آمده‌است، جنبهٔاستثنایی دارد.

سرانجام، انقلاب کوبا از آنجهت کـه احزاب کمونیست آمریکای لاتین در انجام رسالت ادعایی خود شکست می‌خورند، ولی عده‌یی غیـر کمونیست، باهـدفهای غیر کمـونیستی و بـدون شـرایط رهبـری کمونیستی و حتی به‌رغم آن، می‌توانند آن رسالت‌را بانجام رسانند، جلب توجه می‌کند. اینکه انقلاب کوبا در کشور کوچکی، و در چند کیلو متری خاك بزرگـترین دولت کاپیتالیست جهان نغمهٔ انقلاب سوسیالیستی راه می‌اندازد وبه‌رغم مـداخلهٔ نظامی و خرابکاری مستقیم آن، بحیات خود ادامه می‌دهد باز بانقلاب کـوبا حالت استثنایی دیگری می‌بخشد.

انقلاب کـوبا ، عکس‌العمل سلطه‌های استعماری وناتوانی وافلاس رژیمهای فاسد از درك واجابت لزوم اصلاحات اجتماعی بصورت اعتدالی است. حتی توسل بزور هم دراین انقلاب، یك ضرورت یا اجبار محلی بشمار می‌رود. بنظر بـرخی از مفسران ، انقلاب کوبا، هرگاه بطور طبیعی و اصیل، بدون نفوذ تسلطجویانه وآمرانه‌خارجی، به پیروزی و مرحله عمل رسیده باشد؛ از آن مرحله ببعد درقبال مشکلات اقتصادی وملی، چندان درصدد جستجوی راه‌حلهای منطبق‌با طبیعت خود وارزیابی امکانات خویش بر نمی‌آید ، وراه حل کتابی و خشك وآمادهٔ سوسیالیستی، بدون مطالـعه کافی و درك شرایط محلی، بعنوان راه‌حل ودرمان قطعی پذیرفته می‌شود. ولی دهسال پس‌از استقرار نظام جدید، باعتراف رهبر کوبا چیزی از اهمیت مشکلات اساسی اجتماعی واقتصادی این کشور کاسته نمی‌شود. از طرف دیگر جاه‌طلبی‌های سیاسی و تبعیت از استراتژی غیرمحلی، برمیزان و دامنهٔ این کشمکش می‌افزاید، و کوبا را تحت رهبری کاسترو قهرمان انقلاب کوبا، بماجراهای خطرناکی می‌کشاند.

فیدل کاسترو دارای درجه دکترا در رشته حقوق، در ابتدا یك وکیل دعاوی‌بود. وی پیش از آنکه به سازمان دادن مبارزهٔ مسلحانه تمایل یابد، مدتها در شرایط علنی وقانونی با فشارهای سیاسی و ظلم ورژیم «باستیا» مبارزه می‌کند، براثر این مبارزات بزندان می‌افتد و بپای میز محاکمه کشانده می‌شود. در اکتبر ۱۹۵۳ وقتی در دادگاه از خود دفاع می‌کند، برنامه اساسی خود را چنین اعلام می‌دارد:

«فقر مردم کـوبا، ضرورت انـجام اصلاحات اساسی سریعی را در آن ایجاب می‌کند. هدف این اصلاحات صنعتی کردن کشور، ازراه تجهیز وجمع آوری سرمایه‌های غیرفعال، واگذاری‌زمینهای کشاورزی، بدهقانان، و پایین آوردن کرایه خانه‌ها تا میزان پنجاه درصد خواهد است.»

کاسترو از مبارزات سیاسی خـود در شرایط قانونی مأیوس می‌شود و از این‌رو تدریجاً تغییراتی در نحوهٔ فکر او بوجود می‌آید ومعتقد می‌شودکه دیگر شرایطقانونی برای تحقق هدفهای اجتماعی وبزانداختن ریشه‌های ظلم وجود واقعی ندارد، و رژیم کوبا در برابر چنین هدفهایی ، همچـون واگذاری اراضی بدهقانان، مقاومت می‌ورزد.

در مارس ۱۹۵۸، کاسترو در مانیفست سیاسی خود، تنها راه ممکن را برای انجام اصلاحات اجتماعی، جنگ قاطع وکامل با رژیم «باستیا» اعلام می‌دارد. و از این‌رو دست به‌انقلاب و شورش می‌زند. در دسامبر ۱۹۵۸ این شورشها برهبری کاسترو،باستیا را شکست می‌دهد و حکومت را در کف او می‌نهد.

دربارهٔ ماهیت طبقاتی این انقلاب اظهار نظرهای مختلفی می‌شود. ژان‌پل‌سارتر آنرا یك «انقلاب دهقانی» می‌خواند، درحالیکه در آن زمان تنها ۴۳ درصد از مردم کوبا در روستاها می‌زیستند.

در حقیقت تئوریهای طبقاتی، انقلاب کاسترو را بدرستی نمی‌تواند توضیح دهد: زیرا دراین انقلاب، قشرهای مختلفی شرکت می‌جویند و از این‌رو نمی‌توان آنرا بنام طبقه خاصی ثبت کرد. افکار عمومی بطور کامـل از کاسترو حمایت می‌کنـد ولی کمونیستها درتمامی مدت جنگ داخلی سعی می‌کنند خـود را از جنبش کاسترو دور نگهدارند، زیراآنهابشیوه همیشگی، نهضت‌های مستقل از خود را تا می‌توانند تخطئه می‌کنند، ومی‌کوشند آنها را باعدم موفقیت مواجه سازند.

در سالهای اول‌انقلاب، آنچه جلب‌توجه می‌کند، تمایلات اعتدالی و غیر مارکسیستی کاسترو است. کاسترو در سال ۱۹۵۹ اعلام می‌کند:

«من تاکنون بطور روشن و قاطعـی گفته‌ام که ما کمونیست نیستیم ... ماممتقدیم که مردم کوبا به‌آزادی... تأمینهای فردی، آزادی ابتکارات وکوشش‌ها، وانواع دیگر حقوق انسانی نیازمندند... ما دموکراتهای صمیم‌هستیم ... نه‌نان بدون‌آزادی، نه‌آزادی بدون نان؛ نه دیکتاتـوری فردی ، نـه دیکتاتوری یك طبقه، ونه دیکتاتوری یك گروه یااقلیت ممتاز، را می‌خواهیم، اینست معنی انسان بودن.»

اما کدام نیرویی جهت فکری کاسترو را تغییر میدهد واز کاستروی دموکرات، کاستروی کمونیست بوجودمی‌آورد؟ ظاهراً کلیه عواملی که این تغییر جهت را سبب

می‌شود برمحور فشارهای اقتصادی آمریکا می‌گردد. برعهده تاریخ است که قضاوت کند، آیا می‌شد این فشارها را بدون پیوستن به‌اردوگاه کمونیسم دفع کرد واز پیدا شدن زمینه‌های برخورد مرگ و زندگی باامریکا اجتناب ورزید، یا بدون چنین پیوستگی، ادامه حیات رژیم کاسترو حتی با ماهیت دموکراتیك غیرکمونیستی غیر ممکن بود. چنین می‌نماید که اگر مخالفت کورکورانهٔ رژیم باستیا، باهرگونه رفورم و آزادیهای اجتماعی منجر به‌پیروزی مرحله اول‌انقلاب کوبا می‌گردد ــ که‌یك انقلاب دموکراتیك بزیان اقتدار مطلقهٔ ظالمانه است ــ درمرحله دوم فشار اقتصادی و سیاست امریکا کوبارا بسوی کمونیسم، وبرچیدن مالکیت‌خصوصی در این کشور می‌راند وسرانجام آنرا بــه شوروی نزدیك می‌سازد.

اما گمان می‌رود که این استدلال قسمتی از حقیقت را در بردارد نه‌تمامی آنرا. زیرا اجبارهای داخلی نیز در رانــدن کاسترو بسوی کمونیسم کــم‌اثر بنــظر نمی‌رسد. کاستروی دموکرات، برنامه مدون و کاملی برای مشکلات اجتمــاعی و اقتصادی کوبا ندارد، و تازه احساس می‌کندکه غلبه براین مشکلات ویافتن راه‌حل‌های مناسب آنها ، حتی از انجام انقلاب و برانــداختن رژیم باستیا هم مشکل‌تر است. آن مرحله منفی و این مرحله مثبت انقلاب است. راه‌حل آماده کمونیسم، خیلی سهل می‌تواند کاستروی لیبرال را بسوی خود جذب کند.

دیری نمی‌پاید که‌افکار بی‌شکل کاسترو شکل می‌گیرد و هم‌چون بیماری کــه در جستجوی داروی‌درمانی خودباشد، کمونیسم را به مثابه این دارو در شریانهای اجتماعی واقتصادی کوبا جریان می‌دهــد. در سال ۱۹۶۱ سازمانهای مختلف‌چپ‌کوبا درسازمان واحدی گرد می‌آیند، حزب متحده‌انقلاب‌را براساس مارکسیسم ــ لنینیسم تشکیل می‌ــ دهند، از آن زمان، مارکسیسم ــ لنینیسم در کوبا رسماً پذیرفته می‌شود

اما خیلی زود در این اتحادیهٔ یکپارچهٔ نیروهای چپ ، شکاف بوجود می‌آیــد و ببرخورد شدید کاسترو با آنیبال اسکالانت (۱) منجر می‌گردد. کاسترو‌بزودی درمی‌ــ یابد کــه این کمونیست تابع مسکو قصد دارد یك دیکتاتوری بوروکراتیك از نوع استالینی در کوبا بوجود آورد، و کوبای سوسیالیست را بجرگــه کشورهــای مطیع کمونیست داخل سازد، بدین سبب وی متهم می‌شود که در داخل حزب «فراکسیون» بوجود آورده و اطلاعات سری کوبا را به شوروی می‌دهد: از اینرو از رهبری حزب برکنار می‌شود.

با اینهمه، تمایل به سوسیالیسم راهرا بروی کاسترو، در جلب همکاری شوروی می‌گشاید، ورخنه شوروی در منطقه‌یی که اتازونی سالها آنرا حوزه نفوذ می‌پندارد، بیش از پیش آمریــکا را برژیم کاستــرو حساس می‌سازد و همین حساسیت است که درسال ۱۹۶۲ بزرگترین بحران‌را در روابط آمریکا و شوروی بوجود می‌آورد.

حوادث متعاقب ان ، بویژه برچیــدن پایگاههای موشکی شوروی درکوبا، روابط کوبارا باشوروی‌متزلزل می‌کند. ورهبران کوبا گمان‌می‌برند که‌درسطح‌بین‌المللی باچین و آلبانی بیشتر نزدیك‌اند تا با شوروی . مع‌الوصف کوبا ، هم بصلح و هــم بکمك شوروی احتیاج دارد، واز اینرو، روابط دوکشور بزودی مجدداً «صمیمانه» می‌شود.

شوروی در اجرای سیاست همزیستی مسالمت‌امیز در روابط بین‌المللی برآنست که احزاب کمونیست طرفدار خودرا مدافع اصل استفاده از «راه‌حلهای قانونی» برای رسیدن بقدرت سازد، و حال آنکه در این زمان کوبا، در آمریکای لاتین ازاستراتژی «رسیدن بقدرت از طــریق انقلاب» دفاع می‌کند، واین امر باردیگر، برودتی میان کوبا و شوروی بوجود آشکار می‌کند.

هدف‌دیگر رهبری کوبا، بویژه چه‌گوارا، اینستکه برای شکست امپریالیسم جهانی در صحنهٔ پیکار جهانی «ویتنامهای دیگری» در جهان سوم بوجود آید.

استقلال کوبا درمقابل بلوکهای متخاصم جهانی، یکی دیگر از هدفهای کوبا است، در این باره چه‌گوارا می‌گوید:

«انقلاب کوبا، دنباله رو ومطیع هیچ کشور خارجی نیست وبرای تعیین موقعیت خویش درمسائل داخلی‌وخارجی ازهیچکس دستور یا اجازه نخواهد گرفت.»

۲ــ چه‌گوارا

ارنست چه‌گوارا (۱۹۶۷ ــ ۱۹۱۸)، در یك خانواده بورژوا در آرژانتین بدنیا می‌آید. باآنکه تحصیلات خود را در رشتهٔ پزشکی باتمام می‌رساند، ودکتر طب می‌شود معهذا وارد عالم سیاست می‌شود ودر انقلاب کوبا شرکت‌می‌کند، وبزودی یکی ازرهبران مهم این انقلاب می‌شــود، ودر سال ۱۹۶۱ وزیر اقتصاد ملی کوبا می‌گردد. اما در سال ۱۹۶۵ دومین حادثهٔ مهم که حاصل‌طوفانهای فکری ودرونی او است، درزندگی چه‌گوارا اتفاق‌می‌افتد. در۲۱ آوریل ۱۹۶۵ چه‌گوارا بطور ناگهانی از صحنه سیاسی خارج می‌ــ شود، و بزودی جنگهای پارتیزانی را در آمریکای جنوبی سازمان می‌دهد، سرانجام در اکتبر ۱۹۶۷ در جنگهــای پارتیــزانی بولیوی دستگیر می‌شود و بدون محاکمه تیرباران میگردد.

در سال ۱۹۶۰، چه‌گوارا در اثر خود بنام «جنگ پارتیزانی» اصول عمومی‌جنگ پارتیزانی، استراتژی و تاکتیك و مکانیسم جنبشهای‌انقلاب‌امریکای‌لاتین راتشریح‌میکند، در سال ۱۹۶۵ در نشریه «سوسیالیسم و انسان در کوبا» شکل جدیدی از مسائــل سوسیالیسم معاصر را مطرح می‌کند . تأکید او در این نشریه این است که : انقــلاب امریکای جنــوبی بجنبش مارکسیسم ملحق می‌شود ، اما بر اساس راه‌حلهای خاص و برمبنای کاملا «جدید». بعقیدهٔ چه‌گوارا : جنگ‌آزادی‌بخش، مبارزه‌بزیان فقر وبزیان طبقات استثمارگر و مبارزه بــزیان ایادی خارجی. این‌هاست‌عوامل‌اساسی تحرك‌جنبش انقلابی.

درآوریل ۱۹۶۷ چه‌گوارا ضمن‌بیانیه‌یی، بی‌تفاوتی و بی‌طرفی افکار عمومی جهان را نسبت به دخالت امریکا در جنك ویتنام انتقاد می‌کند و مردم آمریکای جنوبی را فرا‌ــ می‌خواند که در این منطقه‌ویتنام‌های دیگری بوجود آورند تا آمریکامجبور شوداز تمرکز نیروی خود در ویتنام چشم‌بپوشد و آنرا در چند منطقه تقسیم سازد . چه‌گوارا، در آخرین نوشتهٔ خود ، در جریان جنــك پارتیزانی بولیوی که بصورت خاطرات او انتشار یافته است ، بمشکلات اساسی در راه سازمان دادن مراکز جدید انقلابی اشاره می‌کند که از اینقرار است : عدم پشتیبانی احزاب کمونیست محلی (حزب کمونیست بولیوی طرفدارسیاست شوروی وترهمزیستی مسالمت‌آمیز بود) بی‌تفاوتی و روحیه‌تردید و بدبینی دهقانان ، مشکلات ایجاد ارتباط امدادی باکوبا، و عملیات سرویس پنهانی امریکاییها و پشتیبانان داخلی آنها.

۳ــ چهره‌های انقلابی:

بدون شك کاسترووچه گوارا چهره‌های انقلابی برجسته آمریکای لاتین هستند ،

ولی از این دو ، کاسترو در ایجادنظام جدید درکوبا باناکامیهایی روبروشده وچه‌گوارا، در سازمـان دادن انقلابـات پارتیـزانی که با بلند پروازی ناشی از عدم توجه بـه امکانات توأم بود باشکست روبـرو گشت و جان خود را نیز در این راه از دست‌داد.

آنچه پدید آمدن این چهره های انقلابی را که حماسهٔ آنان چه‌بسا که برخی‌از جوانان پرشور واحساسات را نیـز مجذوب خـود گرداند موجب شده یا تسهیل گردانیده باین شرح است :

۱ . بسیاری از حکومتهای آمریکای لاتین نمایندهٔ مردم خود نیستندو کوچکترین پیوندی با آنان ندارند . آمریکا در حوزهٔ این حکومتهای‌دست نشانده سرمایه‌داری‌همان نقش را دارد که امپراتوریهای انگلیس و فرانسه سابقا در آسیا و آفریقا داشتند .

۲ . حمایت سلطه جویانه سرمایه‌داران امریکا از حکومتهای فاقد پایگاه اجتماعی، تنفرتوده‌های‌ملل آمریکای لاتین‌را بمخالفت امپریالیسم تحریك می‌کند.

۳ . حـکومتهای دست نشانـده ، با هرگونه برنامه‌های اصلاح‌طلبانه اجتماعی و تعدیل وتصحیح روابط مادی وحقوقی‌مردم مخالفت می‌کردند و از این رو اجباراً مردم عادی و حتی لیبرالها که در ابتدا هیچگونه توجهی بروشهای تند وافراطی نداشتند ، شرایط قانونی و راههای پارلمانی را بروی خود بسته دیدند ، و راههای قانونی مبارزه را ، طریق مناسبی برای اصلاحات انقلابـی تشخیص دادند . در نتیجه ، توسل بزور و راههای تند در اندیشه آنان جوانه زد . کاسترو نمونـه بارز این دسته از رهبران اجتماعی آمریکای لاتین است . کاسترو در ابتدا اصلاح طلب دموکراتی بیش نبوده ، که هدفهای‌اصلاح‌طلبانه معتدل‌و قابل‌اجرائی را ارائه می‌کند . اما بی‌اعتنایی زمامداران وقت کوبا باین هدفها او را نه‌تنها بروشهای مبارزات اجتماعی، بلکه باصول دموکراتیك نیز بدبین می‌سازد، در نتیجه‌اجباراً بعناصری روی می‌آورد که آزادی را در راه نان فدا می‌کنند ، ولی در مقابل ، نان هم باندازه کافی نمی‌دهند.

از طرف دیگر ، چه‌گوارا یك چهرهٔ انقلابی است که در درجه اول انقلاب را از انحصار عناصری که با تظاهر به انقلاب و تبعیت از هدفهای خارجی ، بهدفهای انقلابی لطمه می‌زنند و بآن خیانت می‌ورزند ، خارج می‌سازد . موج جدیدی که در پشت سرآیین چه‌گوارابوجودآمد کوچکترین‌پیوندمرامی باکمونیسم بین‌المللی نداشت . نقش بارز چه‌گوارا آن بود که نشان داد انقلابیونی که بیش از نیم قرن در مناطق مختلف جهان، چشم خود را بیك مرکز آمرو دستور دهنده دوخته بودند ، به شرایط و امکانات انقلابی لطمه می‌زنند ، و کار اصلاح طلبان اصیل و غیر وابسته را مشکل می‌سازند . چه‌گوارا این سنت را بوجودآورد که در جهان‌کنونی الهام و اخذ دستور از مرکز واحدی برای تعقیب هدفهای اجتماعی مردود است و در نتیجه ، تئوریهای کلاسیك مارکسیستی که بوجود آوردن «بین‌الملل‌های مصنوعـی» را تجویز می‌کرد ، ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهد .

هیچیك از دو رهبر انقلابی انقلاب‌کوبا از پرولتاریا نبودند ، و در انقلاب آنـان پرولتاریا کمترین نقش را داشت . آنهـا مبارزان و سربازان خود را از میان تودهٔ مردم و از همه قشرهای آن گرفتند ، و خود نیز بی‌آنکه ، «وجدان طبقاتی» خودرا ملاك عقاید خود قرار دهند ، از بورژوازی برخاستند و طبق تصمیم واراده خود سوسیالیسم را پذیرفتند ، که شاید بتوان گفت برای آنها جنبه تاکتیکی داشت و یك «وسیله» محسوب می‌شد .

اما بزرگترین نقص انقلاب کوبا در آن بود که هدفهای ملی ومحلی خود را تحت الشعاع هدفهای قاره‌یی و حتی جهانی قرار داد .

بگمان رهبران انقلاب، رابطهٔ مستقیمی میان پیروزی ساختمانی انقلاب کـوبا، و پیروزی منفی انقلابات سایر کشورها وجود داشت. یعنی گمان رفت تا انقلاب در سایر مناطق جهان بثمـر نرسد ، مـرحله دوم انقلاب کوبا یعنی مرحلـه ساختمانی آن بـه نتیجه مطلـوب نخـواهد رسید ، و حال آنکه بنظر مفسران چنانچه کوبا این واقعیت را می‌پذیرفت که کشور «کوچکی» است و بنابرین هدفهای جاه‌طلبانه قاره‌یی و سیاستهای بلند پروازانه جهانی ، خارج از استطاعت مادی ومعنوی آنست می‌توانست زودتر و آسانتر ، هدفهای ساختمانی خود را دنبال کند و اقتصاد خویش را از تنگنای اختناق آوری که درآن محبوس شده، آزاد سازد .

کاسترو و چه‌گوارا ، راه‌حلهای خود را نه‌تنها راه‌حلهای آمریکای لاتین، بلکه راه حلهای آسیا و افریقا می‌پنداشتند . و حال آنکه تجربه نشان داد این راه‌ها نه‌تنها بکار مشکلات آسیا و افریقا نمیآید ، بلکـه راه حلهای آمریکای لاتین نیزبشمار نمیروند و اگر غیر از این بود ، آنها نمیبایست در آمریکای لاتین با شکست روبرو شوند .

فصل دوازدهم

تنوع نیروهای چپ در دنیای امروز

بطوریکه‌در آغاز مطالعه دیدیم نیروهای چپ از همان ابتدای پیدا شدن یعنی سدهٔ نوزدهم دارای تنوع بسیاری بودند ، بویژه آنکه اگر نیروهای چپ‌را باکلمه سوسیالیسم مشخص کنیم، باید بگوییم‌سوسیالیسم همان‌ـ وقت دارای اشکال مختلفی بود هرچنـد مارکسیستها انواع سوسیالیسم را فقط بدو نوع علمی و تخیلی تقسیم می‌کردند اما از هنگامیکه بلشویکها در نوامبر ۱۹۱۷ در روسیه حکومت را بدست گرفتند و با تغییر نام خود بکمونیست هرگونه پیوند خود را با سوسیال دمکراسی و تاریخ آن که دارای شاخه‌های بسیاری بود بریدند ، مارکسیسم با تعبیر روسی آن سیمای جهانی واحدی یافت وکمونیسم‌تحت رهبری حزب‌کمونیست شوروی مدعی شد که بعنوان تنها مرکز حقیقی، رسالت‌انهدام سرمایه‌داری واستقرار نظام سوسیالیستی را برعهده دارد . هر چند احزاب سوسیال‌دموکرات‌همچنان بموجودیت و فعالیت خود ادامه دادند ولـی کمونیسم با برخورداری از قدرت شوروی و نفوذ شخصی استالین رسالت انحصاری رهبـری نیروهای چپ را ازآن خود جلوه داد تا اینکه ظهور یك غول‌تازه کمونیست (چین) و تقبیح استالین در کنگرهٔ بیستم حـزب کمونیست شوروی ضربه‌یی بروحدت جهانی کمونیسم وارد ساخت و بر اثر این ضربه ناگهانی دیوار ایمان بسیاری از کمونیستها شکست و انها دچار حیرانی و سرخوردگی بیمانـدی ، که در تاریخ کمونیسم سابقه نداشت ، شدند . حال وقت آن بود که آنها بجای اطاعت تعبدی، سؤالهایی‌را برای خود مطرح سازند و از خود بپرسند : بچه سبب معبود آنها ، یعنی آموزگار خردمند بشریت مترقی که در چهره پدرانه و معصومانه‌یی جلوه‌می‌کرد یك‌جنایتکار وخونخوار فطری ازآب درآمد؟ چرا شرایط‌عینی سوسیالیستی شوروی به چنین جنایتکاری امکان تسلط داد تابتواند قریب سی‌سال یك‌حکومت استبدادی که روی استبداد تزاری را سفید کرد مستقر سازد؟ این‌سؤالها درذهن‌کمونیستها راه‌یافت وآنها از خود پرسیدند: آیا لازم نیست همه شخصیتهایی که‌بامهرباطل استالین درگورـ های فراموشی خفته‌اندونفرین کمونیستهای متعصب‌را بدنبال‌دارند باردیگر اززیر غبار تاریخ بیرون آورده شوند ودریك محکمه قضاوت خالی‌ازتعصب،تجدید محاکمه شوند؟ آیااصلا شوروی مرکز حقیقت دردنیا است و چه‌کسی این صفت‌را بدان اطلاق کرده‌است؟

باین‌ترتیب تخم تفرقه و تزلزل در میان کمونیستها رشد کرد . این سؤالهاادامه داشت تاآنکه غول کمونیست نوظهور دیگر یعنی چین با مهر باطل تجدید نظـر طـلبی و رویزیونیسم‌ودشمنی‌آشکارباشوروی بازماندهٔ آثار سیمای واحد کمونیسم را در هم فرو‌ـ ریخت و تفـرقه عملی جهان کمونیست را مسجل ساخت . حالا وقت آن بود که آن گروه از مارکسیستها کـه در شمار سوسیال دموکراتها نبودند و ماننـد آنها استقلال فکری نداشتند، شخصیتهایی همچون استالین

صفحه هشتم

تروتسکی ، مائو ، تیتو ، کاسترو وچه‌گوارا را در ترازوی سنجش وداوری مجدد خود قرار دهند واز آنجا که اغلب آنها باتکاء بیك شخصیت یاقدرت بعنوان مرکز حقیقت خوگرفته بودند ، در تلاش بودند که از میان این چهره‌های متضاد یکی را بعنوان نمایندهٔحقیقی مارکسیستی‌برگزینندو بااتکاء بر او خلاء ایمان خود را پر کنند. همین کنکاش و تلاش بود که منظره پر از تضاد وتنوعی در جهان کمونیست و سوسیالیسم امروز بوجود آورد و احزاب و گروههای سوسیالیستی وکمونیستی تنوع بیشتری‌یافتند که‌طبعاً استراتژی و تاکتیك واحدی ندارند و دچار اختلافات عقیدتی هستند . از طرف اغلب سوسیالیستهااین‌ازدیادتنوع درتشخیص و تجزیه و تحلیل سوسیالیستی و راههای مبارزه سوسیالیستی، غیرقابل اجتناب تلقی می‌شود ، زیرا برغم آنها تحقیقات فکری سوسیالیستها ، این چنین تنوع فکری را طبیعی می گرداند ، منتهی باید ببینیم منظور ازسوسیالیستها همان‌مارکسیستهای کمونیست هستند یا سوسیالیستهای غیر وابسته به مسکو یاپکن که‌از ابتدا بطور طبیعی استقلال فکری داشته‌اند .

سوسیالیستهای غیر وابسته و مستقل همیشه تنوع فکری داشته‌اند و آنچه اکنون جلب توجه می‌کند اختلاف فکری بین سوسیالیستها و در حقیقت کمونیستها است که سابقاً از وحدت ایدئولوژیك برخوردار بودند ولی اینك به گروههای مختلف و گاه متضادی تقسیم شده‌اند. برخی برآنندکه‌تعدد گروههای سوسیالیستی در هیچ موردی دلیل ضعف سوسیالیسم نیست و در بیشتر موارد این تعدد و برخورد عقاید و آراء در پیشرفت سوسیالیسم مؤثر است . حال آنکه می‌دانیم دست‌کم برخورد سوسیالیستها یا کمونیستهای شوروی و چین که هر دو پرچم مارکسیست لنینیستی بدست دارند به ضعف سوسیالیسم منجر می‌شود ، نه‌برعکس

دو گروه متمایز چپ

با این مقدمه امروز می‌توان گروهها واحزاب سوسیالیستی و مارکسیستی را ابتدا بدو گروه اصلی تقسیم کرد ، البته در این تقسیم‌بندی سوسیال دموکراتها را که روش مستقلی دارند داخل نکرده‌ایم :

۱ ــ احزاب کمونیستی سنتی (طرفداران شوروی) .

۲ ــ سایر احزاب و گروهها که خود بسیار متعدد هستند ، اما در عین حال در مبارزه بین‌المللی سوسیالیستی کم و بیش (با وجود اختلاف نظرها) دست بدست هم می‌دهند و علاوه برآن همگی بااحزاب‌گروه اول در حال مبارزه سخت فکری هستند .

اینك در مورد هریك از دو دسته بندی مذکور توضیحاتی می‌دهیم :

۱ ــ احزاب کمونیستی سنتی امروز از تز قدیمی مبارزه انقلابی برای بدست گرفتن قدرت دور شده‌اند و تحت نفوذ شدید اتحاد جماهیر شوروی سیاست وفعالیت خودرا بااصل همزیستی‌مسالمت‌آمیز کشورهای سوسیالیستی با کشورهای سرمایه‌داری مطابقت داده‌اند . بدیهی است که این اصل امکان مبارزه‌انقلابی‌رابرای دگرگون‌ساختن رژیمهای سرمایه‌داری سلب می‌کند . این احزاب‌که امروزه درکشورهای سرمایه‌داری غربی قوی هستند (از لحاظ تعداد اعضاء) طرفدار پارلمانتاریسم شده‌اند . باین سبب احزاب سوسیالیستی گروه دوم اینها را احزاب سوسیال دموکرات تازه و یا رویزیونیست می‌نامند ومعتقدند که‌تودهٔمردم از طریق انتخابات معمول در کشورهای سرمایه‌داری غربی بانحاء مختلف تحت نفوذ تبلیغاتی قوی قرار می‌گیرند و بخصوص اینکه طبقه کارگران از طریق تلویزیون، رادیو و روزنامه آگاهی طبقاتی خود را از دست داده است ودر جامعه مصرفی(جامعه‌یی که افراد آن برای مصرف کالاها تربیت شده‌است) که‌اصولا غریبه‌بخود (۲) گردیده است نمی‌شودبقدرت رسید. ودراین کشورها اگر احیانا حزب کمونیستی اکثریت بیاورد سرمایه‌داران بکمك ارتش یك حکومت فاشیستی بوجود می‌آورند. بنظر این گروه مثال شیلی و آلنده هنوز تازه و استثنائی است و گذشته از این اوضاع و شرایط شیلی باممالك دیگر بخصوص‌اروپا فرق‌کلی دارد و نمی‌تواند نمونه باشد .

بنظر گروه دوم اصولا دولت شوروی فعلا چندان علاقه‌یی برای بوجود آوردن کشورهای سوسیالیستی تازه ندارد . زیرا چنانچه این‌کشورهای‌سوسیالیستی جدیدقوی و بزرك باشند رهبری دولت شوروی را در بلوك سوسیالیستی بخطر می‌اندازند (مثل چین) ، اگر درشمار کشورهای کوچك و یا در حال توسعه فعلی باشند ، غالبا به چین تمایل نشان می‌دهند وموقعیت شوروی را در بین بلوك شرق تضعیف می‌کنند.

شوروی معتقد است که سایر ممالك دنیا دیر یا زود سرانجام سوسیالیستی‌خواهند شد و اگر اولین کشور بزرك سوسیالیستی یعنی خود شوروی یك اقتصاد قوی و زندگی مرفهی‌برای جامعه خودبوجود آوردخواهد توانست مردم کشورهای سرمایه‌داری دنیا را بیش از پیش طرفدار خود کند و تحول سوسیالیستی آن کشور ها را در حالت صلح بجلو بیندازد (یعنی زندگی سطح‌بالا و ترقی شوروی مردم غرب را تحت تأثیر قرارداده و آنها را به سوسیالیسم علاقمند خواهدکرد) حزب کمونیست شوروی در نامه خود به حزب کمونیست چین در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹٦٤ باین تز خود اشاره می‌کند و ضمن‌آن دلایل دفاعی خود را بیان می‌دارد، از طرف دیگر شوروی معتقد است که کشور های سرمایه‌داری سرانجام دچار گرفتاریهای اقتصادی شده و رفاه اجتماعی کنونی آنها بعدها بهم خواهدخورد. در مقابل این عقیده شوروی احزاب گروه دوم می‌گویند که کشورهای‌سرمایه‌داری پیشرفته‌اینك کشورهای در حال توسعه را استثمار می‌کنند و از اینرو باین زودی وضع اقتصادی آنها بهم نخواهدخورد وبعلت‌همین استثمار کشورهای درحال‌توسعه وضع‌طبقه‌کارگر درکشور های توسعه یافته بهتر است و آنها سطح زندگی نسبتاً خوبی دارند و نمونه عمومی کشور سوسیالیستی هم (یعنی اگر وضع اقتصادی ، و رفاه عمومی شوروی درآینده خیلی بیشتر بالا برود) خود بخود وبدون انقلاب در کشورهای در حال توسعه در کارگران‌آگاهی طبقاتی‌بوجود نمی‌آورد.

بنظر مارکسیست‌های غیرشوروی گروه دوبچك در چکوسلواکی و افرادی چون فیشر (۳) (رهبرسابق‌حزب‌کمونیست‌اطریش) وشاید گارودی (٤) (یکی‌از ایدئولوگهای حزب کمونیست فرانسه که از این حزب اخراج شد) که معتقد به سوسیالیسم لیبرال هستند ، در واقع عناصری از همین احزاب کمونیستی سنتی بشمار می‌روند که بعلت فشارهای استالینیسم و سیستمهای غیر آزاد بطرف لیبرالیسم رو می‌آورند و بجای «دموکراسی واقعی سوسیالیستی» می‌خواهند سیستم سوسیالیستی را با لیبرالیسم‌و «قواعد بازار رقابتی» مخلوط کنند . اینها از نظر گروههای‌سوسیالیستی‌دوم‌بطرف سرمایه‌داری گرایش می‌یابند و مثل حزب کمونیست شوروی رویزیونیست هستند .

۲ ــ احزاب و گروههای سوسیالیستی غیر از احزاب کمونیستی سنتی دارای تنوع بیشتری‌اند که از آنها بایجازیاد می‌کنیم :

الف : احزاب کمونیست مائوئیستی‌که اغلب از احزاب کمونیست سنتی جدا شده‌اند و مخالف رویزیونیسم ، تئوری دگرگون کردن جوامع سرمایه‌داری با روشهای مسالمت‌آمیز و پارلمانتاریستی یعنی فقط بوسیله پارلمان) هستند و معتقد بروشهای انقلابی‌اند . از آن جمله‌اند:

حزب کمونیست مارکسیست ــ لنینیست آلمان (٥) که حزب کوچکی است وازسال ۱۹٦۸ بفعالیت پرداخته است ــ سازمانهای دانشجوئی مختلف فرانسه که سه حزب و سازمان از ترکیب آنها بوجود آمده است :

۱ ــ حزب کمونیست مارکسیست لنینیستی CML

۲ ــ سازمان جوانان کمونیست که یك تشکیلات مائوئیستی است.

۳ــ چپ‌های پرولتاریایی که بویژه در بین‌دانشجویان فرانسه‌نفوذ دارند وژان‌پل‌سارتر هم از طرفداران آن بشمار می‌رود چندی پیش یکی از سخنگویان این گروه بنام گیسمار محکوم بدو سال زندان و

صفحه بیست و نهم

پرداخت ۱۰۰۰۰ فرانك جریمه نقدی شد.

٤ ــ در سایر کشورها نیز مانند ایتالیا وغیره احزاب مائوئیستی وجود دارند که غالباً با کلمه‌ای نظیر پرولتاریایی و مارکسیست لنینیست که بدنبال نام آنها اضافه شده است مشخص میگردند. احزاب کمونیست مائوئیستی در کشورهای در حال توسعه قوی‌تر از کشورهای توسعه یافته هستند زیرا در این کشورها کسانیکه بکمونیسم متمایل میشوند مائوئیسم را ترجیح می‌دهند.

ب ــ احزاب سوسیالیستی تروتسکیست ــ این دسته ازاحزاب سوسیالیستی ازتروتسکی، انقلابی معروف روسیه ملهم هستند، مخالف سرسخت استالینیسم و رویزیونیسم بشمار میروند و طرفدار ترهای انقلابات دائمی هستند (۷).

تروتسکیستها در اروپا سابقه‌ای طولانی دارند و سابقهٔ فعالیتشان به پیش از جنك می‌رسد و در حال در مقایسه باگروههای دیگر نسبتاً قوی‌هستند وانترناسیونال چهارم را بوجود آورده‌اند.

تروتسکیستهاهم مثل مائوئیستها بانقلاب در کشور های در حال توسعه اهمیت خاصی می‌دهند و در نهضتهای انقلابی آمریکای جنوبی تا اندازه زیادی‌نفوذ دارند. بخصوص که با چه‌گوارا و کاسترو موافق هستند و از لحاظ جهانی، افراطی بشمار می‌روند.

دسته‌های دیگر تروتسکیست‌باین شرح‌اند:

۱ . در فرانسه سازمان جوانان کمونیست انقلابی بنام JCR,PCI

۲ . سازمان دانشجویان : FER

۳ . سازمان کمونیستی انترناسیونالیستی. OCI

در آلمان

۱ . کلوب انترناسیونال؛

۲ . گارد سرخ(۸) که ترکیبی از تروتسکیست‌ها و مائوئیستها هستند واز سال ۱۹٦۹ بفعالیت پرداخته‌اند.

۳ . سازمانهای مختلف دانشجویی (که در میان آنها گروههای مائوئیست با یکدیگر همکاری دارند).

این دو گروه یعنی تروتسکیستها و مائوئیستها در سایر کشورها نیز مانند ایتالیا فعالیت می‌کنند و در برخی از کشورهای در حال توسعه (مثل سیلان) در کابینه هم شرکت دارند.

ج . آنتی‌اوتوریترها (۹) یا (ضد قدرتمندان) که‌مخالف هرگونه‌قدرت‌وتسلط آن‌برزندگی انسان‌هستند. اینان‌حتی قبل‌از انقلاب سوسیالیستی نیز میخواهندبا «اوتوریترها» مبارزه کنندو از این لحاظ شباهت زیادی به کاردهای سرخ چین و خصایص انقلاب فرهنگی دارند. البته بعقیده آنها در چین بر اثر انقلاب اول واصلی یعنی بازمیان رفتن بورژوازی «اوتوریترها» هم از بین رفته‌اند و بنابراین از این لحاظ مبارزه آنها در کشورهای سرمایه‌داری خواهد بود. دسته کوچکی از این گروه عقیده دارند که حتی می‌توان تأسیسات سرمایه‌داری را یکی بعد از دیگری خراب کرد و به این ترتیب مجموعه سرمایه‌داری را دچار بحران ساخت. ضد اوتوریترها بخصوص به‌دانشجویان‌و روشنفکران اهمیت زیادی قائل هستند و می‌گویند که تعداد این افراد در جامعه های غربی زیاد است و از اینرو در تحولات اجتماعی نقش‌بزرگی ایفا می‌کنند. ولی‌اکثریت‌این گروه معتقدند که سرانجام باید طبقه کارگر را آگاه ساخت و مبارزه را بکمك آنها بنتیجه رساند.

ضد اوتوریترها معتقدبسازمانهای حزبی متشکل نیستند و معتقدند که هر کس و هر گروهی باید در محل خود بطرز انقلابی مبارزه کند، از اینرو دسته‌یی از ضد اوتوریترهاشباهت زیادی‌به‌آنارشیستها دارند وبسیاری ازآنان‌به ایده‌های مائویا تروتسکی علاقه نشان می‌دهند.

از سخنگویان عمده این گروه باید از کن بندیت (۱۰) و رودی دوچکه (۱۱) نام برد.

بشخص اخیر در برلن از طرف جوانی سوءقصد شد ووی مجروح گردید. دو سال در انگلستان‌بسر برد، ولی‌حکومت محافظه‌کار او را از آن کشور اخراج کرد و اکنون در دانمارك اقامت دارد و تدریس می‌کند.

اینان معتقد بمکتب و تئوری انتقاد هستند.

وازافراد برجسته آنان می‌توان از مارکوزه (۱۲) و آدورنو (۱۳) وهوخینر (۱٤) نام برد. مکتب دونفر اخیر را فرانکفورت نیز می‌نامند.

مارکوزه که فیلسوف بسیار مشهوری است و قبلا شمه‌ای دربارهٔ نظرات او توضیح دادیم منقد جوامع سرمایه‌داری ضمن تجزیه و تحلیل ساختمان فعلی آنها است. مارکوزه در کتاب «انسان یك بعدی» و «جامعه‌های مسخ شده» جامعه‌های صنعتی غربی کنونی را بادیدی عمیق تشریح می‌کند و معتقد است که این جامعه‌ها بجامعه‌های مصرفی مبدل‌شده‌اند وسرمایه‌داران از راه مانیپولاسیون (۱۵) (تحت نفوذ قرار دادن) برتودهٔ‌مردم آنها حکومت‌می‌کنندو فرهنگ‌کنونی غربی فقط منافع سرمایه‌داران را محفوظ می‌دارد و موقعیت آنهارا مستحکم می‌سازد. ازاینرو بسیاری از ضد اوتوریترها حتی با لباسهای نامعمول وریش‌وپشم‌بلند وخلاصه باظاهر و باطن‌غیرعادی‌ظاهرمی‌شوندوباین وسیله‌می‌خواهند خود را از قیود فرهنگ (کولتور) غربی رها سازند و گذشته از این با ظاهر عجیب و غریب خود به نسلهای پیرتر ضربه (شوك) وارد سازند و باین ترتیب عقیده آنها را نیز باین فرهنگ (کولتور) ونظام اجتماع و سیستم سرمایه‌داری متزلزل سازند و آنانرا وادار بفکر و تعمق و تجزیه و تحلیل بقول خودشان سیستم استثماری کنند. آنها معتقدند که به‌این ترتیب وضع موجود (۱٦) را تضعیف و وادار به عقب‌نشینی خواهند ساخت.

در اینجا باید اشاره کرد که خیلی از مائوئیستها و تروتسکیست‌ها هم ظاهری غیرمعمول دارند وباین شیوه مبارزه معتقد هستند، اما آنرا کافی نمیدانند و عقیده‌دارند که‌باید بکمك طبقه‌کارگر یك‌سازمان انقلابی بوجود آورد و با تاکتیکهای حساب شده با رژیم های موجود به مبارزه پرداخت، والبته در این راه می‌کوشند با یکدیگر همکاری نیز داشته باشند.

آنچه درباره منظره کنونی نهضتهای چپ بیان داشتیم نشانه‌یی از تفرقهٔ بزرگی است که این نهضت‌هادر عمل دچارآن شده‌اند و علت آن اینستکه یك قدرت واحد نیرومند مانند دورهٔ استالین برای جذب آنها و ایجاد ایمان و اعتقاد جزمی در آنها وجود ندارد و حوزه‌های قدرت مهم کنونی یعنی مسکو وپکن بامبارزه خود بایکدیگر باین تشتت کمك می‌کنند و مهمتر آنکه این تضادها و تعارضهای فکری مانند همیشه محدود به حوزه های دانشجویی و روشنفکری است و چندان بعمق جامعه‌ها راه نیافته‌اند.

1. Enibal Scalant 2. Alien
3. Fisher 4. Caruady
5. Kommonistische partei dcutsch Lands Marxisten - Leninisten
6. parti, Comonist Marxisten-Leninist
7. Permanent Revelution
8. Rete Guarden
9. Anti Authority
10. Cohn Bendit
11. Rudi Ductschke
12. marcuse 13. Adorno
14. Hokheiner 15. Manipulation
16. Establishment

ابوالقاسم حالت

لاله خاتون

سرگذشت مادر و دختری که مدت سی سال برقسمتی از ایران فرمانروایی کردند

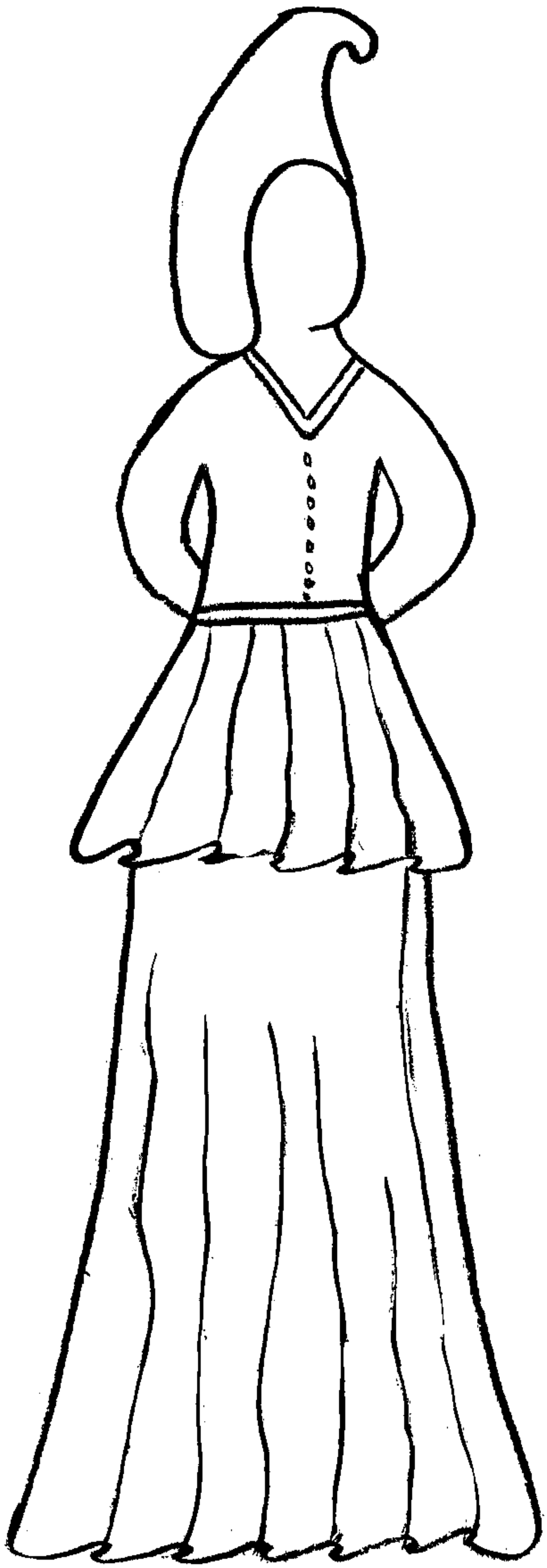

میان زنان نامدار ایران به مادر و دختری برمی‌خوریم که از نوادر روزگار بودند وسدهٔ هفتم هجری مدتها درکرمان فرمانروایی کرده‌اند .

مادر «عصمةالدین» نامیده می‌شود و دختر به «صفوةالدین پادشاه خاتون» موسوم است .

عصمةالدین زن سلطان قطب‌الدین بود که از طرف منکوقاآن پادشاه مغول به سلطنت کرمان منصوب شده بود .

سلطان قطب‌الدین به سال ٦٥٥ هجری قمری درگذشت و به فرمان منکوقاآن فرمانروایی کرمان به پسر قطب‌الدین رسید که «سلطان حجاج» نام داشت .

اما چون سلطان حجاج طفلی خردسال بود زن پدر او ، عصمةالدین ، که زنی با تدبیر و کاردان و خردمند محسوب می‌شد، زمام امور را بدست گرفت و به فرمانروایی پرداخت .

عصمةالدین از سلطان قطب‌الدین دارای دو دختر شد که یکی همچنانکه گفتیم پادشاه خاتون و دیگری بی‌بی‌ترکان نام داشت .

پادشاه خاتون که به لقب صفوةالدین ملقب بود ، از زیبایی و دانایی یا جمال و کمال بهرهٔ کافی داشت . مادرش چند سال لباس پسران به تنش کرد و او را به صورت پسران درآورد حتی نام پسر رویش گذاشت و او را «سلطان حسن» نامید و همین باعث شد که او بعدها که به فرمانروایی کرمان رسید با اینکه زن بود به «سلطان حسن‌شاه» معروف گردید .

او نه‌تنها لباس پسران می‌پوشید بلکه مانند پسران نیز در سواری و تیراندازی و شکار چابکی نشان می‌داد و مردانه رفتار می‌کرد بطوریکه فقط عدهٔ بسیار کمی می‌دانستند او دختر است .

علت اینکه عصمةالدین ، مادرش ، اصرار داشت که او مثل پسران راه برود ، چنانکه تاریخ روضةالصفا می‌نویسد ، این بود که: «سلاطین مغول دختران خوب صورت را از اطراف ممالك طلب داشته، بیش‌تر از یك دو روز پیش خود نگاه نمی‌داشتند و بعد از آن به امرا و ملازمان می‌بخشیدند !»

اما راز این دختر در پرده نماند و سرانجام آوازهٔ زیبائی او به گوش سلطان آباقاخان مغول رسید و او ، پیرانه‌سر ، ندیده عاشق جمال وی گردید و کسانی را نزد مادرش به خواستگاری فرستاد .

مادر که دید مخالفت با سلطان مقتدر مغول باعث لشکرکشی و خونریزی خواهد شد و جان و مال همهٔ اهالی کرمان را به خطر خواهد انداخت ناچار اطاعت کرد و دختر خود را به‌اردوی خان مغول روانه ساخت .

اما دامادی خان مغول از طرف دیگر به سود او تمام شد زیرا توانست به پشتیبانی او پایه‌های فرمانروایی خود را در کرمان مستحکم سازد .

او زنی بود که خوب می‌دانست چگونه با گسترش عدل و داد و فراهم ساختن وسائل رفاه مردم دلشان را بدست آورد و به محبوبیت و قدرت خود بیفزاید .

امیران و سپاهیان همه از عصمةالدین حساب می‌بردند و نفوذ او به جایی رسید که حجاج سلطان هیچگونه دخالتی در امور نمی‌توانست بکند و جز اطاعت اوامر زن‌پدر خود چاره‌یی نداشت.

اما این پسر کم‌کم بزرگ می‌شد و به مرحلهٔ بلوغ نزدیك می‌گشت و مثل سایر امیرزادگان فنون جنگاوری و پهلوانی می‌آموخت . و هرچه نیروی جسمانی و عقلانی وی بیش‌تر می‌شد بهتر به حقوق خود آشنا می‌گشت . و بهتر می‌فهمید که باید حق خود را که سلطنت کرمان بود از زن‌پدر خود بگیرد .

ولی عصمةالدین داماد مقتدری مثل سلطان آباقاخان مغول داشت و این دامادی در حقیقت پشتوانهٔ اقتدار وی محسوب می‌شد. با این وصف ، سلطان حجاج خوب می‌دانست که مخالفت با زن‌پدر به معنی مخالفت با سلطان آباقاخان مغول خواهد بود . بدین جهت ناچار بود که بنشیند و صبر پیشه گیرد تا سرانجام روزی دستی از غیب برون آید و کاری بکند .

سرانجام روزی این فرصت بدست آمد و بقول صاحب‌السیر: «در آن اوقات که آباقاخان جهت دفع براق اغلان متوجه خراسان بود ، عصمةالدین حجاج سلطان را با سپاه فراوان همراه اردوی عالی روانه ساخت . و حجاج سلطان در این سفر منظور نظر عاطفت اثر اباقاخان شد .»

بدین ترتیب درآن لشگرکشی حجاج سلطان باخدمت شایسته یی که به خان مغول کرد نظر او را نسبت به خود جلب کرد و چنان پیش او معزز و محبوب شد که یقین کرد اگر برگردد و برضد زن‌پدر خود قیام کند مورد غضب سلطان مغول واقع نخواهد شد .

این بود که شبی در یك مجلس بزم ، مستی را بهانه کرد و دست عصمةالدین زن‌پدر خود را گرفت و کشاند و اصرار کرد که برخیزد و میان جمع برقصد .

این عمل نسبت به عصمةالدین با سن و سال و جاه و جلالی که داشت توهین محسوب می‌شد ولی آن زن با تدبیر که نمی‌خواست فتنه‌یی برخیزد برای اینکه حسن‌نیت و گذشت خود را نشان دهد برخاست و چندبار چرخی زد و قری داد .

ولی مردانی که با حجاج سلطان همدست شده بودند و می‌خواستند عصمةالدین را از کار بیندازند و او را روی کار بیاورند شروع به خواندن این شعر کردند :

پیر است چرخ و اختر بخت تو نو جوان
آن به که پیر نوبت خود برجوان دهد !

بگفتهٔ صاحب تاریخ گزیده : «عصمةالدین از این کار برنجید و به‌درگاه آباقاخان شوهر دختر خود رفت . و حکم شد که سلطان حجاج به کار فرمان دخالت نکند و امر سلطنت را با عصمةالدین واگذارد .»

عصمةالدین به‌کرمان برگشت وباقدرت بیش‌تری به‌فرمانروایی پرداخت . در دورهٔ فرمانروایی او شهرهای کرمان آباد شد . امور بازرگانی و کشاورزی توسعه یافت و در وضع رفاه اجتماعی مردم آن استان رفاه کلی حاصل شد .

پس از در گذشت آباقاخان ، تکودار برتخت سلطنت نشست. تکودار آیین اسلام را پذیرفت و نام سلطان احمد را اختیار کرد و در تاریخ به نام سلطان احمد تکودار معروف شد .

او وقتی روی کار آمد ، سلطنت کرمان را به جلال‌الدین سیورغتمش پسردیگر سلطان قطب‌الدین واگذاشت ودست عصمةالدین را از کار کوتاه ساخت .

عصمةالدین پس از بیست و شش سال سلطنت نزد دختر خود رفت و یك سال بعد بسال ۶۸۱ هجری قمری در گذشت .

اما دخترش پادشاه خاتون سرگذشت جالب‌تری دارد.

این خانم زیبایی و ملاحت بسیار داشت . خط را بسیار نیکو می‌نوشت و شعر را بینهایت لطیف می‌سرائید .

او همچنانکه گفتیم برخلاف میل خود زن اباقاخان مغول شد . و هنگامی که به عقد او درآمد ، به علت شادابی و طراوت رخسار مخصوصاً رنگ گلفام صورتش او را «لاله خاتون» خواندند.

اباقاخان بقدری به «لاله خاتون» علاقه داشت که او را همیشه در جلسات رسمی سلطنتی نیز پهلوی خود می‌نشاند . در نتیجه ، زیبایی لاله خاتون بسیاری از ملازمان سلطان را مجذوب ساخت منجمله کیخاتو کوچکترین برادر اباقاخان را که سخت در آتش عشق لاله خاتون می‌سوخت .

لاله خاتون مدت پانزده سال در زنجیر همسری آباقا بسربرد. اباقاخان بواسطهٔزیاده روی دربادەخواری گرفتار بیماری قلبی شده بود . یك روز که مست شراب بود ناگهان‌صدای زنندهٔ کلاغ سیاهی را شنید و متوحش گردید و قلبش به طپش افتاد . فریاد زد: «این کلاغ را دور کنید .» کلاغ را از آنجا دور کردند ولی این پرنده بار دیگر برگشت و باز فریاد گوشخراشی کشید که پادشاه

ضعیف‌القلب مغول از شنیدن آن دچار سکته قلبی شد و کلاغی باعث شد که مرغ روحش از بدن پرواز کند .

چند روز بعد سلطان احمد تکودار برتخت‌نشست . دوران احمدخان هم بزودی سپری شد و مسند فرمانروایی بـه ارغون خان رسید . لاله خاتون که با او آشنایی کامل داشت شکایت نامه‌یی فراهم ساخته و سلطنت کرمان را که جلال‌الدین سیمورغتمش از دست مادرش بیرون برده بود مطالبه کرد . ارغون یکی از سرداران بزرگ خود را مامور رسیدگی بآن قضیه کرد . این سردار داستان عشق سوزان گیخاتو را شنیده بود از اینجهت لاله‌خاتون را بعقد گیخاتو درآورده به حکمرانی روم شرقی فرستاد و گردوجیـن نوادهٔ هولاکو را بسیورغتمش داده و او را در حکومت کرمان باقی گذاشت . این رباعی را لاله خاتون در روم راجع به رنج غربت سروده است :

هر چند که فرزند الغ سلطانم
یـا میوهٔ بستـان دل خـوبانم
میخنـدم از اقـبال سعادت لیکـن
می‌گریم ازین غـربـت بی‌پایـانم

شوهر خود گیخاتو را بسیار دوست می‌داشت و با وی عشق می‌ورزید این رباعی را در حضور او ساخته است :

آن روز که در ازل نشانش کردند
آسایش جـان بیدلانش کردنـد
دعوی لب چون شکرت کـرد نبات
در معرکه سیخ در دهانش کردند

وقتی گیخاتو جان او را در بغل گرفته بوسید و سیبی را برداشته بدهان او گذاشت . او فی‌البدیهه گفت :

سیبی که زدستت بدهان مـــی‌رسدم
زو بوی حیات جاودان مـــی‌رسدم
این سیب زنخدان تـــرا مـــی‌ماند
کز آن بمشام ، بوی جان می‌رسدم

روزی گیخاتو خان در آیینه به تماشای قیافهٔ خود مشغول بود. این شاهزادهٔ مغولی بخال کنج لب خود که در آن زمان از مختصات و جاهت بشمار می‌رفت زیاد می‌نازید و از تماشای آن در آینه لذت می‌برد . لذا وقتی که زوجه‌اش وارد اتاق شد ازو خواهش کرد که در وصف‌خال وی شعری بسازد . لاله خاتون گفت :

برلعل که دید هرگز از مشک رقم؟
یا غالیه بر نوش کجا کرد ستم ؟
جانا اثـــر خـــال سیه بر لب تـــو
تاریکی و آب زندگانی است بهـــم

در سال ٦٩٠ گیخاتو که بر بلاد روم حکومت داشت به پادشاهی رسید و دست به اسراف گذاشت و خزانه را خالی کرد و چون تهیدست شد پولی کاغذی باسم «چاو» انتشار داد که مورد قبول مردم واقع شد . گیخاتو گذشته از بی‌تدبیری ، در عیش‌ونوش و دست درازی به ناموس مردم افراط می‌کرد . لاله خاتون که در طی سه سال همسری با این جوان فاسد و عشق ورزی نسبت به او، حداعلای رنج و مشقت را تحمل کرده بود ، فرصت را غنیمت شمرد و فرمان حکومت کرمان را از شوهر تقاضا کرد. گیخاتو هم کـــه دیگر از وصال محبوبه سیر شده بود ، تمنای او را اجابت کـــرد. لاله خاتون با سپاهی انبوه بسوی کرمان حرکت کرد .

او که در مدت عمر خود جنگهای بیشمار دیده بود ، با مهارتی عجیب سپاه کرمان را در محاصره افکند و مجبور به تسلیم کرد . لاله خاتون پس از اینکه کرمان را گرفت و با سپاهیان‌وارد شهر شد برادر پدری خود سیورغتمش را که حاکم کرمان بود با چند تن از سردارانش محترمانه در قلعهٔ ارك زندانی کرد ولی زن او گردوجین را آزاد گذاشت او نیز توطئه‌یی کرد و طنابی را در مشك آبی نهاده بوسیلهٔ سقایی وارد زندان کرد و آنرا به شوهر خود سیورغتمش رساند و او شبانه باآن طناب از دیوار ارك فرود آمده با جماعتی از همدستان گریخت و پیش گیخاتو رفت . گیخاتو نیز او و تمام یارانش را دست بسته پیش لاله‌خاتون فرستاد که هر طور میل دارد با آنان رفتار کند و لاله خاتون پس از این پیروزی با لقب یا اسم «حسن‌شاه» زمام امور را بدست گرفت و با استقامتی مردانه اوقات خود را وقف خدمت بمردم کرد . در زمان حکومت او بار دیگر مملکت کرمان آباد گشته بناهای خیریه و مدارس متعدد بوجود آمد .

لاله خاتون در مدت زمامداری خود به اهل علم و فضل کمك های زیادی کرد . بیشتر اوقات خود را صرف دادرسی دادخواهان و دلجوئی ستمدیدگان می‌کرد . اگر چه قلمرو حکومت و دورهٔ فرمانروایی او بسیار کوتاه و کم بوده است معذالك ، هم در شمار زنان دلیر و فرمانروا و هم در صف بانوان سخن سرای ایران مقام بخصوص خود را داراست.

من آن زنم که همه کار من نکو کاریست
بزیر مقنعـــهٔ من بسی کلـــه داریست
بهر که مقنعه‌یی بخشم از سرم ، گویـــد
چه جای مقنعه ؟ تاج هـــزار دیناریست
درون کلهٔ عصمت که تکیه گـــاه منست
مسافـــران صبا را گـــذر بـــدشواریست
نه هر زنی بدو گز مقنعه است کدبانـــو
نه هر سری بکـــلاهی سزای سرداریست
جمال سایهٔ خود را دریغ مـــــــی‌دارم
زآفتاب که آن شهر گرد و بازاری است
اگر چه برهمه عالم مرا خداونـــدی است
ولی به نزد خدا پیشه‌ام پـــرستاری است

در سال ٦٩٤ که گیخاتو شوهر لاله خاتون کشته شد، بایدو خان داماد سیورغتمش برتخت سلطنت نشست .

درین وقت دختر سیورغتمش که زن بایدو بود فرصت را غنیمت شمرد که از قدرت شوهرش استفاده کند و انتقام خون پدرش سیورغتمش را از لاله خاتون بگیرد .

بدین جهت او را وادار کرد که لاله خاتون را از میان بردارد .

اوهم لشکریان فارس و شبانکاره را مأمور سرکوبی لاله‌خاتون ساخت .

لاله خاتون چون می‌دانست که کرمان تاب مقاومت در برابر لشکر جرار مغول را ندارد دستور داد که از مقابله با آنان بپرهیزند. و خود با چند تن از فدائیان خود دروازهٔ شهر را گشود و به‌سوی سپاه دشمن رفت و مردانه به زد و خورد پرداخت .

همراهانش یکان یکان از پای درآمدند . او خود نیز دلیری بسیار نشان داد و سخت جنگید ولی سرانجام گرفتار شد و به‌اصرار دختر سیورغتمش به قتل رسید .

مهندس تقی‌نعیمی

اهمیت اقتصادی و سیاسی

صنایع فولادی

در جهان و ایران و پیش‌بینی تولید و مصرف فولاد ایران تا سال ۱۹۸۲

سرآغاز زندگی اجتماعی و تمدن بشر، با شناخت و کاربرد فلزات بوده است . در پیشرفت و تکوین توسعه حیرت‌انگیز صنعت یا تکنولوژی جدید عناصر و مصالح فلزی مختلف دخالت مستقیم داشته و دارد .

ذوب فلزات که در قدیم بهمان ذوب‌آهن اطلاق می‌شد مربوط به امروز و دیروز نیست بلکه عمر زیادی دارد و حتی در کتب آسمانی باهمیت این موضوع اشاره شده است، منجمله در قرآن مجید هم آیه‌یی بهمین مضمون در سوره حدید آمده است.

واانزلنالحدیدفیه یأس شدید و منافع‌للناس

(ما نازل کردیم آهن را که استحکام شدید دارد و برای بشر سودمند است)

در قدیم ذوب و بدست آوردن فلزات انحصارا با وسایل اولیه انجام می‌گرفت که غالباً خرج تهیه آنها زیاد وگذشته از این همواره برای سلامت کارگران زیان‌بار بوده است . برای بدست آوردن فلزات خالص ناچار بودند از مواد معدنی بادرصد بیشتر استفاده کنند.بقیهٔموادمعدنی تقریباًبلامصرف بودند. ولی امروزه‌که سطح‌علم وتکنولوژی بطور جالبی فزونی یافته این امکان بدست آمده است که‌از همهٔمواد معدنی بنسبتهای متفاوت حداکثر بهره‌برداری را کرد.

بدنیست دربارهٔ تاریخچهٔ صنعت ذوب فلزات کلمه‌یی چند صحبت شود . آنچه مسلم است نخستین فلزی که مورد مصرف بشر قرار گرفته مس بوده چه ذوب آن با وسایل ابتدایی و قدیم ، امکان پذیر بوده است ؛ چون سنگهای مسی هیچوقت خالص نبوده و بیشتر با مواد کانی دیگر همراه است حاصل کار آلیاژهای مختلف بوده که از آنجمله آلیاژ مفرغ و برنج است . صنعت ذوب‌آهن نسبت بذوب مس جدیدتر است . روایات در این‌باره مختلف است که درکجا برای نخستین‌بار آهن را ذوب کردند. بیشتر براین عقیده‌اند که در حدود ۱۶۰۰سال قبل از میلاد مسیح در شمال غرب ایران قدیم یعنی در کوههای قفقاز باستخراج آهن پرداختند و سپس فن استخراج از آنجا بسوریه و سرانجام به‌اروپا رفته است . در ابتدا ازسنگهای آسمانی که درصد آهن آنها زیاد و نسبة خالص‌بود بهره‌برداری می‌شد . سپس با زیاد شدن احتیاجات برای ساختن سلاحهای جنگی از سنگهای کانی نیز استفاده شده است .

البته بایدگفت پیشرفت‌صنعت ذوب‌آهن مدیون‌کوشش اروپائیان است‌که با ایجاد

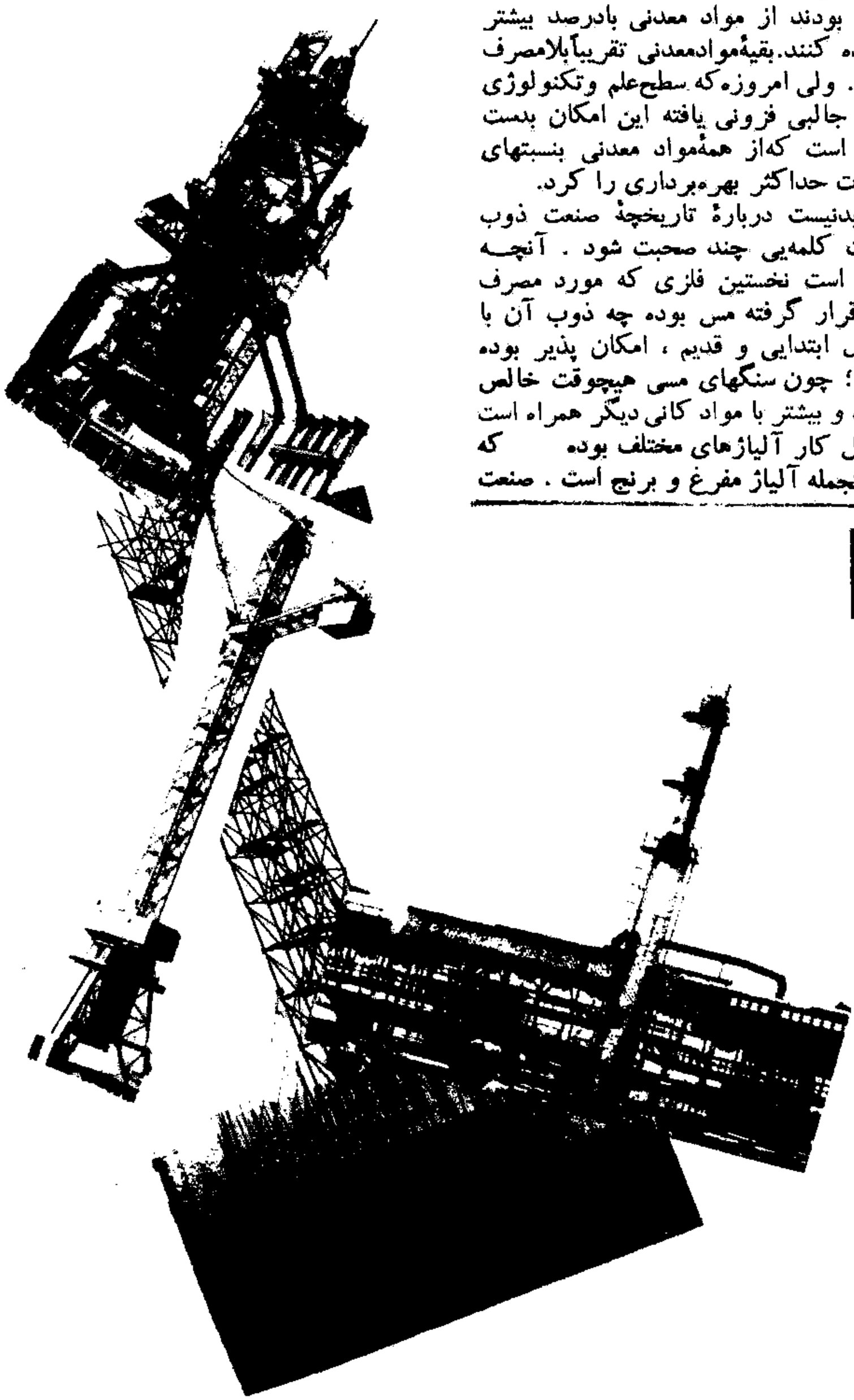

روش تهیه کك از ذغال سنگ‌در سال ۱۷۰۰ میلادی توانسته‌اند کوره‌های بلند برای تهیه اهن‌خام (که‌درایران به‌چدن‌معروف است) آغاز کند . کوره‌های بلند امروزی‌از لحاظ شکل ظاهری تفاوت زیادی با نخستین کورهٔ بلند که تقریبا صد سال قبل ساخته شده است ندارد .

برای اینکه درباره اهمیت صنعت ذوب‌آهن در دنیای امروز چیزی گفته باشیم‌باما متوسل می‌شویم . دنیای امروز تقریبا به سه دسته سیاسی تقسیم شده است : گروه کشورهای سوسیالیستی و وابسته به پیمان ورشو ــ دولتهای غربی عضو پیمان ناتو و بازار مشترك ــ و کشورهای بی‌طرف.

حال اگر تولید ومصرف فولاد را در جهان برحسب این دسته‌بندیها تقسیم کنیم اعداد زیر بدست می‌آید : تولید فولاد در کشورهای بلوك‌شرق ۱۷۵ میلیون تن، در کشورهای عضو پیمان ناتو وبازار مشترك ۳۲۰ میلیون تن، در کشورهای بی‌طرف ۱٤ میلیون تن است و این امار مربوط به سال ۱۹٦۸ بوده است .

صنایع‌سنگین که برپایه استفاده ازفلزات استوار است شالوده استقلال صنعتی‌ملتها است و استقلال اقتصادی بدون استقلال صنعتی امکان پذیر نیست و استقلال سیاسی خود بنوعی مولودقدرت نظامی واستقلال اقتصادی در دنیای امروز است .

حال پی می‌بریم که کوشش چند سال اخیر ایران و سایر کشور های‌بیطرف جهت تولید بیشتر فولاد برای چیست ؟

همانطوریکه معمولا بهداشت ملتی را با مصرف سرانه صابون آن ملت می‌سنجند صنعتی بودن یك کشور را با تولید و مصرف فولاد ان معین می‌کنند. مصرف سرانهٔ فولاد ژاپن ٦۷٤ کیلو ــ آمریکا ٦۲٤ کیلو ــ شوروی ٤۷۵ کیلو ــ وحد متوسط قاره آسیا ۳۵ کیلو ــ کشور عزیزمان ایران ۵۳ کیلو کشورهای عربی بطور متوسط ۲٤کیلوــ کشورهای آفریقائی بطورمتوسط ۱۲ کیلو در دو سال قبل بوده است .

ناگفته نماند با پیشرفت صنعتی ایران و بثمررسیدن طرح‌های‌بنیادی برنامه‌های قبلی وطرح اجرایی برنامه پنجم وپیش‌بینی‌برنامهٔ ششم و رشد اقتصادی که خوشبختانه بعلت سیاست مدبرانه شخص اول مملکت در چند سال اخیر نصیب این مملکت شده اقتصاددانان پیش‌بینی کرده‌اند که درآمد سرانه ایران در سال ۱۹۸۲ دست کم ۱۵۰۰ دلار خواهد بود . و از طرفی چون مصرف فولاد رابطهٔ مستقیمی با درآمد سرانه مردم دارد با در نظر گرفتن مصرف فولاد کشورهایی که اکنون چنین درآمد سرانه‌یی دارند می‌توان گفت مصرف فولاد ایران در سال ۱۹۸۲ حداقل ۱۰ میلیون تن خواهد بود . با توجه به نیات شاهانه‌که احتیاجات صنعتی ایران تا آنجا که عوامل طبیعی اجازه دهد در خود کشور تأمین گردد ، حال به‌بررسی این نکته‌که آیا منابع طبیعی موجود درایران تولید چنین مقدار فولادی را بما اجازه می‌دهد یا خیر ؟ می‌پردازیم .

خوشبختانه با اکتشافاتیکه در چند سال اخیر انجام گرفته از لحاظ سنگ‌آهن تقریبا هیچگونه محدودیتی نخواهیم داشت و ذخایر پیش‌بینی شده سنگ‌آهن در ایران تکافوی تولید مقدار خیلی بیشتر از ده میلیون تن در سال را بما می‌دهد .

می‌دانیم که وجود معادن سنگ‌آهن برای تولید فولاد لازم است ولی بتنهایی کافی نیست . بلکه باید موادیکه اکسیژن موجود در اکسید آهن را می‌تواند از آن جدا کند هم وجود داشته باشد .

جهت جدا کردن اکسیژن از سنگ‌آهن ، آنرا با اجسامیکه میل ترکیبی‌شان با اکسیژن بیشتر از آهن است در تماس قرار می‌دهند که باین اجسام «احیاء کننده» گویند . و آنها عبارتند از : اکسید کربن Co گازH_2 وهمچنین آلومینیوم وسیلیسیم. البته از آلومینیوم و سیلیسیم بعلت گرانی آنها مستقیماً در صنعت استخراج‌آهن استفاده نمی‌شود . اجازه بفرمایید قبل از پاسخ دادن کامل به سؤال مطرح شده مختصری دربارهٔ دو روش کلی جداکردن اکسیژن‌از اکسیدآهن بپردازیم

درکوره‌بلند، کك‌ماده اصلی احیاءکننده را تشکیل می‌دهد و تقریباً بطور متوسط برای تولید هر تن چدن (آهن خام) ٤۰۰ کیلوگرم کك لازمست و نخستین محصول بدست آمده از سنگ‌آهن به چدن مایع معروف است و این روش به ذوب‌آهن ککی معروف است .

در احیاء سنگ‌آهن بوسیله گاز طبیعی و نفت قبلا مادهٔ احیاءکننده را با احتراق ناقص بمخلوطی از گازH_2وCo تبدیل می‌کنند و در کورهٔ استوانه‌یی شبیه بکوره بلند برخلاف جهت حرکت سنگ‌معدن ، یعنی از پایین ببالا با فشاری بیش از فشار معمولی هوا بکوره می‌دهند و چون مقدار گاز H_2 زیاد است و قدرت احیاءکنندگی این گاز در حرارت بالا از گاز Co بیشتر میباشد لذا کوشش می‌شود تا آنجا که از لحاظ فنی مقدور باشد حرارت محیط احیاء را بالاتر از ۸۰۰ درجهٔ سانتی‌گراد انتخاب کنند . احیاء سنگ‌آهن بوسیله گاز را احیاء مستقیم می‌گویند اولین محصول بدست آمده آن‌شبیه اسفنج است وبه آهن اسفنجی معروف شده است. این‌روش‌را ذوب‌آهن گازی می‌نامند.

چنانکه قبلا توضیح داده‌شد خوشبختانه سنگ‌آهن باندازه کافی درایران وجوددارد

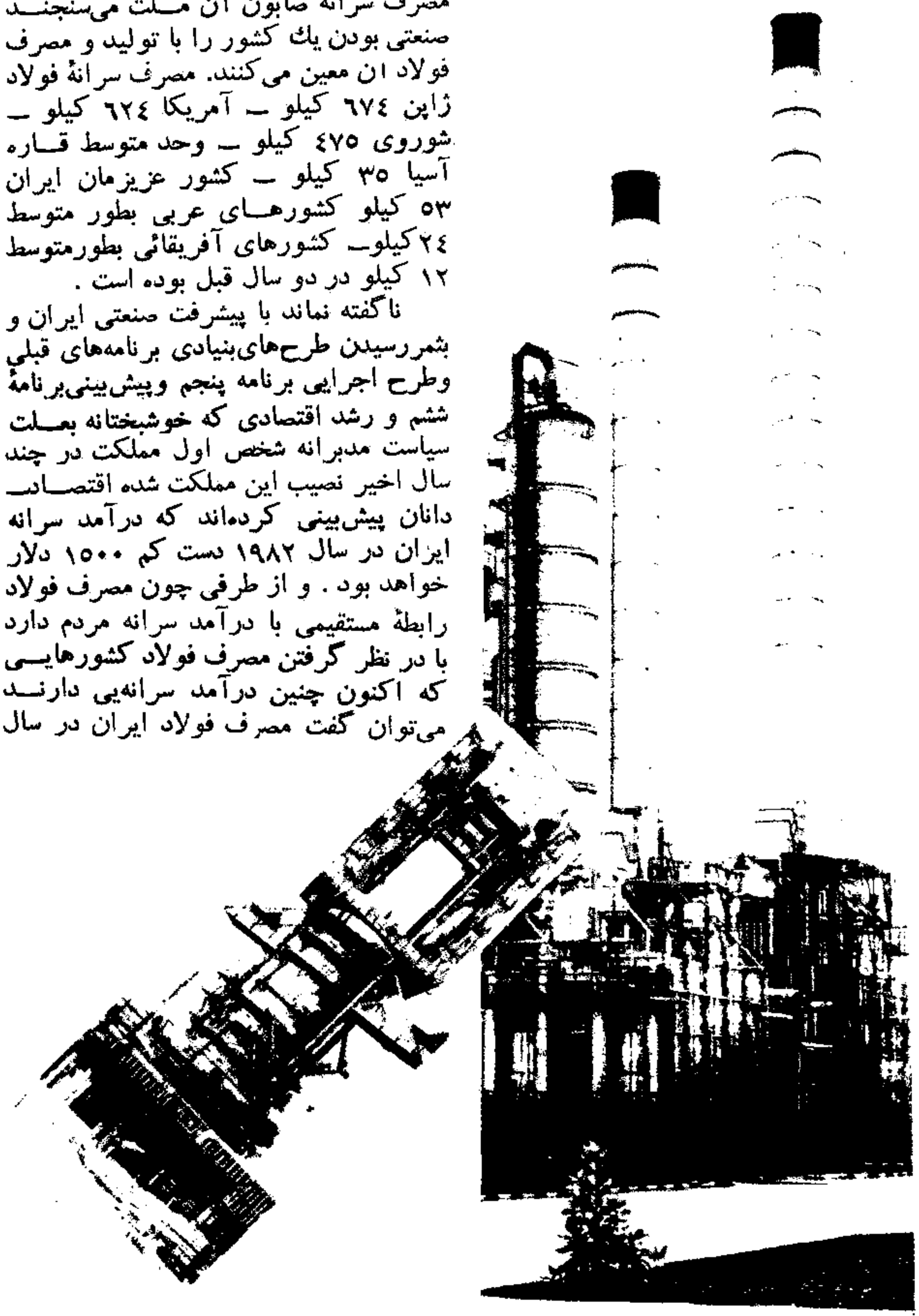

صفحه‌ی دیگر

اما باتوجه بپروانه‌های کشف واستخراج که از طرف وزارت اقتصاد صادر شده، تعداد معادن ذغال‌سنگ حدود ۱۱۹ معدن‌می‌باشد. ولی از این تعداد فقط ۶۰ معدن تقریباًفعال هست وازاین معادن نیز بعلت کمی ذخیره جهانی از نظر کمی بسیار ناچیز است و از نظر کیفی هم جهت صنعت متالوژی‌مرغوب نیست ، و از طرفی هنوز در کارخانه‌های قند ــ سیمان ــ و بعضی از صنایع دیگر ذغال سنگ مصرف می‌شود. باتوجه به اوامر شاهانه که احتیاجات صنعتی داخلی تا آنجا که مقدور باشد در خود کشور تأمین گردد باید گفت امکان تولید سالی ۱۰ میلیون تن فولاد بمدت زیادی با استفاده از کك در ایران مقدور نخواهد بود . اما چون گاز طبیعی ایران که ذخائر پیش‌بینی شده از آن تقریبا از سایر نقاط گیتی زیادتر است و اکنون هم با وجود ازدیاد مصرف گاز در خود ایران و فروختن گاز باتحاد جماهیر شوروی و ایجاد تأسیسات تولید گاز مایع و ایجاد صنایع پتروشیمی برای صادرات حدود ۵۰درصد از گاز طبیعی ایران بهدر رفته و بمصرفی نمی‌رسد .

ازآنجا که این‌منابع طبیعی ازمنابع غیر قابل تجدید ودرهرحال محدودجهان بشمار می‌رود و هرگونه افراط و تفریطی در این مورد دیر یا زود.بشر را در تنگنای فقدان این منابع پر اهمیت انرژی‌زا قرار خواهد داد، از این‌رو ، راهی جز استفاده از گاز طبیعی جهت احیاء سنگ‌آهن برای ایران اقتصادی نخواهد بود (رهبر عالیقدر ما دستوری جهت تأسیس کارخانه ذوب‌آهن گازی در سال ۱۳۵۱ صادر فرمودند) گرچه احیاء سنگ‌آهن‌بوسیلهٔ گاز تقریباًفقط ده‌سال سابقه صنعتی دارد ولی در چند سال اخیر حتی کشورهایی که خود خریدار گاز هستند (چون آلمان‌غربی) کارخانه‌مدرنی‌بااستفاده از تجربیات مکزیك و آمریکا ساخته‌اندکه از لحاظ فنی و اقتصادی در نوع خود بی‌نظیر است. این موضوع بقدری حائز اهمیت است

ذغال‌سنگ وعدم‌مرغوبیت جنس‌ذغال ازنظر کیفی فقط در چند معدن کار استخراج‌جهت تأمین احتیاجات ذوب‌آهن آریامهر بصورت مدرن انجام می‌شود . ذخیرهٔ پیش‌بینی شده ذغال‌سنگ بطورکلی در کره زمین محدود است و از نظر کمی در شوروی بیش از سایر نقاط گیتی ذغال سنگ موجود است . ذخیره ذغال‌سنگ‌پیش‌بینی شده در ایران درمقیاس که روسیه شوروی که‌صاحب منابع سرشاری از ذغال سنگ بوده و خود یکی از صادر کنندگان عمدهٔ ذغال سنگ و کك در دنیا است. را برآن داشت که در سال ۱۳۵۱ برای‌تأسیس کارخانه احیاء سنگ‌آهن بوسیله‌گازباآلمان‌غربی‌قراردادی‌منعقد کند

احیاء سنگ‌آهن بوسیلهٔ گاز هم‌از لحاظ سرمایه‌گذاری‌نخستین‌بمخارج کمتری‌احتیاج دارد و هم از لحاظ تأمین سوخت‌یعنی هزینه تولید بعلت وجودگازطبیعی فراوان‌درایران اقتصادی خواهد بود. بدین‌ترتیب با اتخاذ این شیوه‌تولید میتوانیم ازبهدررفتن بیمورد گاز جلوگیری کنیم . مثلا سنگ‌آهن «نیاسر» کاشان که ذخیره پیش‌بینی شده ان زیاد نیست ولی از لحاظ کیفی سنگ آهن خوبی است و از این رو ، کارخانهٔ کوچکی برای تهیه فولادهای مخصوص (نجیب) با ظرفیت سالانه ۴۰ هزار تن برای مصارف صنایع و سایر کارخانه‌ها در نزدیکی معدن می‌توان تأسیس کرد، ودر آذربایجان هم می‌توان کارخانه‌ای بظرفیت ۵۰۰ هزار تن تأسیس کرد، درخراسان هم می‌توان با استفاده از گاز سرخس کارخانه‌یی بظرفیت ۲۵۰ هزار تن جهت تأمین احتیاجات محلی تأسیس کرد تا هم از تمرکز صنعتی در یك نقطهٔ خاص جلوگیری گردد و هم از لحاظ اقتصادی بصرفه نزدیك‌تر باشد . در کارخانهٔ اصفهان و جنوب باید محصولاتی را تولید کرد که از لحاظ فنی اگر مقدار تولید آنها زیادنباشد اقتصادی نخواهند بود . قبلا برنامه‌ریزان صنعتی در اروپا و آمریکا و پیروان آنها در ایران معتقد بودند که برای پایین‌آوردن قیمت تولید محصولات مثلا کارخانهٔ ذوب‌آهن نباید تولیدش از ۳ میلیون تن در سال کمتر باشد ولی نادرست بودن این نظر، عملا در آلمان غربی باثبات رسیده است. در این کشور صنعتی با وجود کارخانه‌های بزرگ فولاد سازی چند کارخانهٔ جدید التأسیس کوچك توانسته‌اند باآنها بعلت‌نزدیکی ببازار فروش و علل دیگری که از بحث درباره آنها خودداری می‌کنیم رقابت ورزند .چون رقابت در امر صنعتی در بهبود محصولات و پایین آمدن قیمتها تأثیر بسزایی دارد برای صنایع فولادی ایران کارخانه‌یی که بوسیله بخش خصوصی اداره میشود کاملا ضرور است و باید چنین کارخانه‌یی حتی‌المقدور احتیاجات نخستین خویش را خودش تأمین کند نه اینکه مواد نیمه خام مانند شمش فولاد را از بخش دولتی دریافت کند ، در اینجا باید بگویم خوشبختانه کارخانهٔ نورد اهواز که تولیدات آن چندین سال است در داخل کشور مصرف می‌شود ، می‌تواند چنین رقیبی برای کارخانه‌های دولتی تأسیس شده و یا در حال تأسیس ، باشد . با در نظر گرفتن وجود گاز ارزان در اهواز تأسیس یك واحد احیاء سنگ‌آهن بوسیله گاز که مکمل کارخانه موجودخواهدبود کاملاضرور است چه‌گذشته‌ازتأمین احتیاجات توردفعلی، این کارخانه می‌تواند شمش فولاد را بعلت نزدیکی به‌قطروکویت برای‌کارخانه نورد آنهاصادر کند. سنگ‌آهن‌را می‌توان یا از معادن ایران‌ویا ازمعادن هندوستان تهیه‌کرد چه در نزدیکی پالایشگاه نفت مدرس که ایران در آن سهیم است معادن سرشاری از سنگ آهن وجود دارد. باتکمیل صنایع کشتی‌سازی در جهان کشتیهای نفت‌کش مخصوص می‌توانند از یکطرف نفت ایران را بهندوستان برده و در برگشت سنگ‌آهن لازم برای کارخانه اهواز بهمراه آورند در این صورت قیمت تمام شده سنگ‌آهن هندوستان برای کارخانه اهواز خیلی‌ارزانتر از سنگ معادن ایران تمام خواهد شد .

در اصفهان نیز می‌توان‌برای زیادکردن ظرفیت کورهٔ بلند از سنگ‌آهنی که ۸۰ ــ ۸۵ درصد آن قبلا وسیله گاز احیاء شده‌است بعنوان بار نخستین کوره استفاده کرد. بدین ترتیب اولا مصرف کك بینهایت پائین آمده و بازده کوره بلند فعلی هم با مصرف چنین بارنخستین بجای مقدارپیش‌بینی شده ۱۸۰۰ تن در روز که بوسیله کارشناسان روسی انجام شده می‌توان بدست مهندسان ایرانی تا ۳۲۰۰ تن روزانه چدن تهیه کرد.

برای تولید فولاد تنها بمواد نخستین احتیاج نیست بلکه وجودنیروی انسانی‌کارآزموده هم لازمست . در سطح جهانی برای تولید هر میلیون تن فولاد بستگی به کمیت و کیفیت مقدار تولید کارخانه به ۲۵۰ ــ ۳۰۰ نفر مهندس احتیاج است که با در نظرگرفتن حداقل مقدار تولید در سال ۱۹۸۲ ایران از این لحاظ ۳ هزار مهندس احتیاج خواهد داشت.

گپی با «مشدی اسماعیل»

مجسمه‌سازی هنرمند از میان مردم

- چرخ گوشت می‌خرم وسطش را می‌برم، تویش را خالی می‌کنم، به‌طرف بالا می‌چرخانم وزبان آدم فضول را می‌سازم
- برایم نشان دادن قیافه واقعی یك‌آدم مهم نیست، مجسمه‌های من طبیعی نیستند، ولی هنری‌اند.
- به مجسمه‌های خیلی مدرن اعتقاد ندارم
- مشدی اسماعیل سادگی و لهجه روستای خودرا هنوز حفظ کرده است
- هنرمندی که از کار هیچکس تقلید نمی‌کند، ۴۳ سال دارد و ۵ نمایشگاه برگزار کرده است
- مجسمه‌های مشدی اسماعیل در نخستین روز برگزاری هر نمایشگاه به فروش می‌رود.

به‌دفتر بزرگی که در دست دارم خیره می‌شود و به سادگی پاسخ می‌دهد.

ــ سلام !

می‌گوید دانشجو هستی، می‌گویم از طرف «تلاش» آمده‌ام تا باشما گپی بزنم ، گپی خودمانی...لبخند می‌زند و به عکاس تلاش می‌گوید: ترا خدا عکسهای قشنگی بگیری، عرقچین خودرا روی سرش جابجا می‌کند. باوجود این که‌مرا نمی‌شناسد اما با نوعی آرامش و شناسایی پیشین حرف می‌زند:

ــ مشدی اسماعیل که من باشم با همه بروبچه‌های مطبوعات میانه‌خوبی دارم چون حرفهایم را واقعاً درك می‌کنند، من از تمام آنها ممنونم.

قیافه‌اش ساده و بشاش است، هنوز هم چهرهٔ روستایی خود را حفظ کرده، بطوری که در نخستین برخورد تصورش‌را هم نمی‌کنی او یکی از بهترین مجسمه‌سازهای ایران باشد وبه‌عنوان دستیار و کمك مربی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران کار بکند. دستم‌را روی‌شانه‌اش می‌گذارم، می‌پرسم:

ــ مشدی چند سال داری ؟

ــ چهل و سه سال. بیست و پنج سال پیش از قزوین که زادگاهم است راه افتادم، آمدم به تهران.

مشدی اسماعیل ساده سخن می‌گوید، لهجهٔ خاص قزوینی خود را با امانت کامل حفظ کرده و ادامه می‌دهد:

ــ اول که به تهران آمدم جایی را نمی‌شناختم ، به‌انواع واقسام کارها دست می‌زدم، زمانی‌هم دوره‌گرد بودم، چیز می‌گرفتم ومی‌فروختم... برحسب‌تصادف‌باخانم متین‌دفتری برخورد کردم، اومرا به‌دانشگاه آورد، مرا فرستادند کارگاه مجسمه سازی دانشکده هنرهای زیبا ... در اینجا بود که با مجسمه سازی آشنا شدم ، دیدم بچه‌ها مجسمه می‌سازند اوایل جرأت نمی‌کردم، بعد شروع‌به‌قالب‌گیری ومجسمه‌سازی کردم، وشایدبهمین سادگی مجسمه‌ساز شدم. بعدها

صفحه‌ی هفتم

آقای پرویزتناولی استادکنونی رشته مجسمه سازی دانشگاه تهران، از «خارج» آمدندو برتزریزی را از ایشان آموختم. آشنایی‌من با کارهای تناولی سبب شد، به ساختن مجسمه های آهنی بپردازم، وقتی که نخستین گام به پایان رسید از آقای تناولـــی پرسیدم: چطوری است، گفت: بدنیست، منهم امیدوار شدم و کارم را دنبال کردم.

در این هنگام مشدی اسماعیل دستم را می‌گیرد، به‌اتاق کوچولوش که در کنار در ورودی کارگاه است می‌برد، در را می‌بندد و می‌گوید:

ــ می‌دانی بچه‌ها شلوغ می‌کنند ونمی‌گذارند تو حرفهای مرا ضبط کنی، ممکن است غلط بنویسی !..

از حرفش خنده‌ام می‌گیرد، قیافهٔجدی بخود می‌گیرد و می‌گوید:

ــ من الآن چهارده سال‌است دردانشگاه هستم ...

می‌پرسم:

ــ مشدی جای دیگر هم کار می‌کنی، ممر درآمد دیگری هم داری؟ شانه‌هایش را بالا می‌اندازد:

ــ دانشگاه‌خانه من‌است،فقط دردانشگاه کار می‌کنم . حتی **کارهایم را** در دانشگاه درست می‌کنم ولی مصالح وجنس آنها را خودم می‌خرم.

به‌کارهایش که درکارگاه چیده بدقت نگاه می‌کنم، می‌گویم:

ــ مشدی به‌جز اینها، چه چیزهایی را می‌سازی ؟

با لحن نمکینی می‌گوید:

ــ رستم می‌سازم، درویش می‌سازم، آدم فضول می‌سازم ...

ــ خودت فکر می‌کنی، می‌سازی ... می‌گوید: بله... برای ساختن آدم فضول، یك چرخ گوشت می‌خرم، وسطش را می‌برم، توی آن را خالی می‌کنم، بعد زبانه‌اش را به طرف بالا بلند می‌کنم، زیر زبانش را می‌چرخانم ، بدین تـــرتیب آدم فضول را مجسم می‌کنم ...

از هنرمندی که از میان مردم برخاسته وبه زبان مردم حرف می‌زند. می‌خـــواهم بهترین‌آثارش‌را نام‌ببرد. می‌گوید: مجسمه‌های رستم و درویش بهترین مجسمـــه‌هایم بودند که در شیراز فروختم.

در این هنگام دختر دانشجویی، دراتاق مشدی اسماعیل را می‌کوبد مشدی در را باز می‌کند ، به‌اتاقکش راه نمی‌دهـــد، با صمیمیت فراوان می‌گوید:

ــ دختر جان با خبرنگار مجله حرف می‌زنم، وقت ندارم.

دختر دانشجو کـــه با او کار دارد، اصرار می‌کند که از اتاقش بیرون بیاید، از اتاق بیرون می‌رود و زود برمی‌گردد، می‌خندد، می‌گوید:

ــ می‌دانی، بچه‌ها بامن خیلی مهربان و صمیمی‌هستند، مشکلاتشان را بامن در میان می‌گذارند. به حرفهایشان گوش می‌کنم و کمکشان می‌کنم.

روی صندلی رنگ و رو رفته‌یی که معمولا درکارگاهها دیده می‌شود، می‌نشیند، می‌پرسم:

ــ مشدی اسماعیل چـــند نمایشگاه از کارهایت برگزار کرده‌ای ؟ عرقچین خود را جابجا می‌کند و پاهایش را رویهم می‌اندازد :

ــ پنج نمایشگاه تاکنون داشته‌ام، اولین نمایشگاهم، نمایشگاه کارهای سرامیك بود. سرامیك را از تناولی یاد گرفته‌ام. تناولی باسرامیك کار می‌کرد، منهم به‌او نگاه‌کردم ومدل دیگری را با فکر خـــودم ساختم. نمایشگاههایم را در گالریهای سیحون ولیتو برگزار کرده‌ام. کارهایم طوری است که در همان روز اول به فروش می‌رود، کسی در فروش این مجسمه‌ها کمکم نمی‌کند، با پول خود وسائل مورد نیازم را تأمین می‌کنم و قیمت‌ها را خودم روی مجسمه می‌گذارم. آخرین نمایشگاه از مجسمه‌هایم را در گالری لیتو تشکیل شد، ۳٤ کار را در آنجا عرضه داشتم. این کارهایم را تقریباً هیجده هزار تومان فروختم. برای برگزاری این نمایشگاه تقریباً شش‌ماه کار کرده بودم.

«مشدی دیگر چکار می‌کنی؟!» این سؤالی است که یکی از دانشجویان از این هنرمند مردم می‌کند. می‌گوید:

ــ تا ساعت دوبعدازظهر که کار اداری دارم ، بعد که بچه‌ها رفتنـــد می‌روم برای خودم کار می‌کنم.

هوای اتاق مشدی که چسبیده به اتاق پرویز تناولی است، گرم است بیرون می‌آییم، تعارف می‌کند، می‌پرسم:

ــ مشدی چندتا بچه‌داری ؟

ــ شش‌تا .

ــ آیاآنها دوست دارند، دنباله کار ترا بگیرند ؟

ــ من که نه‌پدرم ونه‌دیگر فامیلم مجسمه ساز بودند، اما خودم آمدم یاد گـــرفتم، آنها هم‌اگر بخواهند، می‌توانند یادبگیرند، مغزم را تشویق کردم ودر این راه موفق شدم، هیچیك ازبچه‌هایم‌مجبور نیستندصنعت پـــدرشان را یاد بگیرند ، به هرچه ذوق داشته باشند، باید آن را دنبال کنند، ولـــی هرگاه‌یکی ازآنها مجسمه‌سازبشود، خوشحال می‌شوم.

ــ بچه‌هایت دربارهٔ کارهایت چه می‌گویند؟

ــ یکی از آنها کارم را دوست دارد، یکی ندارد، یکی می‌خواهد دنبال کارهایم بیاید، یکی نمی‌خواهد. بچه‌هایم خوب‌درس می‌خوانند. می‌خواهند مهندس بشوند. ولی من دلم می‌خواهد معلم و دبیر بشوند. چون این کار را دوست دارم. مهم این است که کاری که انتخاب می‌کنند، دوست داشتـــه باشند، من هشت ساعت برای خودم و هشت ساعت برای دولت کار می‌کنم، هیچ گله‌یی از کار کردن ندارم، چون هرکس کارش را دوست داشته باشد، خسته نمی‌شود. دلم می‌خواست، سرمایه داشتم، آتلیه‌یی می‌خریدم، با برنج و فلز تابلو بزرگی را از جنگ، از خانه‌های خراب شده وآدمهای تیرخورده تهیه می‌کردم.

مشدی می‌افزاید:

ــ هیچیك از کارهایم مدل ندارنـــد، خودم فکر می‌کنم، از هیچکس تقلید نمی‌کنم، وکار خودم‌هم طوری است‌که هیچکس نمی‌تواند از آن تقلید بکند چون نمی‌تواند!

زندگینامهٔ مشدی اسماعیل پراز بلندی و پستی است ، آدم از حـــرفهای ساده این روستایی کـــه اینك یکـــی از بزرگترین هنرمندان مجسمه ایران است، هرگز خسته نمی‌شود و مشدی نیز حرفهای زیادی برای

گفتن دارد؛ می‌گوید:

ــ هرگز درس نخوانده‌ام، ازاین جهت که درس نخوانده‌ام متأسف هستم، ولی از طرفی خوشحالم که نمی‌توانم کتاب بخوانم، زیرا اگرکتاب می‌خواندم حرفهای کتابهارا به صورت مجســـمه درمی‌آوردم واین کار درست نبود، زیرا حرفهایم را نمی‌توانستم بزنم. پنجاه، شصت‌تا عکس از کارهایم تهیه کرده‌ام، مایه داشته باشم ، آنها را به‌صورت کتاب چاپ می‌کنم.

از مشدی اسماعیل می‌پرسم:

ــ آیا نقاشی کرده‌ای ؟

می‌گوید:

ــ نقاشی را دوست دارم جـــز اینکه اگر دنبال نقاشی بروم به‌کار مجسمه سازیم لطمه می‌زند، آدم باید دنبال کاری برود که از دستش برمی‌آید و می‌تواند به‌خوبی آن را انجام بدهد.

مشدی اسماعیل ، پرویـــز تناولی را بهترین استاد مجسمه سازی ایران می‌داند اما می‌گوید:

ــ من مجسمه سازی مـــدرن را دوست

صفحه سی و نهم

ندارم، چون برخلاف مجسمه‌های قدیم، این مجسمه‌های جدید به واقعیت نزدیك نیستند. سال پیش‌من رفتم‌وسنگ‌بریهای تخت‌جمشید را دیدم، خیلی خوشم آمد. من با فکـــر خودم کار می‌کنم و این کار را می‌پسندم.

درهرنمایشگاه می‌کوشم چیزهای‌تازه‌یی را عرضه بکنم، مجسمه‌های من هریك روی فکر و مفهوم خاصی دور می‌زند، یك آهن پاره‌را خردمی‌کنم، مجسمه‌می‌سازم بعد از این مجسمه خوشم نمی‌آید، دوباره خردش می‌کنم تا آنچه را که می‌خـــواهم بسازم، می‌سازم . برای ساختن مجسمه‌های مادر و بچه، ورستم‌خیلی زحمت‌کشیدم. مجسمه‌مادر وبچه برنده جایزه دوم شد و علیاحضرت شهبانو برایم جایزه مرحمت کردند. من در این مجسمه کوشیده‌ام ترحم یك مادر را نسبت به بچه‌اش نشان بدهم. بچه ناراحت است‌و مادرش برای اینکه بچـــه‌اش آرام بگیرد، بچه را بغل کرده و به هواخوری برده است !

من‌اصراری ندارم‌اصل مجسمه‌را بسازم، چون این کار را ضرور نمی‌دانم، می‌خواهم مجسمه‌هایم حالت هنری داشته باشند.

از «مهدی درویش» و نیز «عابدین» که برایمان چای می‌آورد مجسمه ساخته‌ام، خیلی از کارهایم را به خارج از کشور، بخصوص امریکا فرستاده‌ام.

عکاس مجله مـــرتباً عکس می‌گیرد ، دانشجـــویان سربه‌سر مشدی اسماعیل می‌ـــ گذارند ومشدی هم بخوبی از عهدهٔ تمام آنها برمی‌آید. حالت دوستانه مشدی بابچه‌ها قابل توجه است. لبخند می‌زند و می‌گوید:

ـــ من هم دانشجویان را دوست دارم، بعضی ازاینها هیچ‌چیز بلد نیستند، کمکشان می‌کنم، وقتی که دانشگاه را تمام می‌کنند، بهترین دوستان من می‌شوند . به وجودشان افتخار می‌کنم.

از مشدی اسماعیل می‌پرسم:

ـــ نظرت دربارهٔ «هنر» چیست ؟

می‌گوید:

ـــ هنرمند باید هنرش را نشان بدهد، من تصور می‌کنم، کسانی که دنبال هـــنر مجسمه سازی می‌آیند باید بیشتر از این‌ها تلاش بکنند وگرنه کلاهشان پس‌معرکه است،

من با خیلی‌ها سلام‌علیك دارم نمی‌ـــ خواهم پشت سرشان حرف بزنم، اما رك و راست بگویم باکسانی که‌برای خاطر پول ویا مثلا نمرهٔ استاد کار می‌کنند، خوب نیستم. من شاهد مجسمه‌سازان بزرگی بودم که از این دانشکده فارغ‌التحصیل شده‌اند، جـــز اینکه آنها خودشان ، به هنر مجسمه‌سازی علاقه داشتند و در این راه تلاش فراوانی کرده‌اند. جوانها کمتر به‌سراغ مجسمه‌سازی می‌آیند، به سینما بیشتر می‌روند ، من نمی‌ـــ گویم که به‌سینما نروند، اما نباید بکلـــی این هنر خوب را فراموش کنند، پـــدرم قزوینی بود و مادرم از اهالی احـــمدآباد همان شهر بود، به‌تهران آمدم‌وبه‌این هنر علاقمند شدم، سواد ندارم لیکن از بچه‌هایی که سواد دارند انتظار دارم مجسمه‌سازی را دنبال کنند.

به بازدیـــد کارهای مشدی اسماعیـــل مشغول می‌شویم. عکاس تلا ش‌مرتباً عکس برمی‌دارد، یك دختر دانشجو بـــه مشدی اسماعیل می‌گوید:

آقا اسماعیل کارهای مومی‌ات را هم بیاور و ...

مشدی اسماعیل به‌دختر چشم غره می‌ـــ رود، می‌گوید:

ـــ برو جـــانم مجسمه‌ات را تمام بکن، سربه‌سر من نگذار وگرنه از نمرهٔ خـــوب خبری نیست !

دست مشدی اسماعیل را می‌فشاریم. از این که بایکی از هنرمندان متعلق به تودهٔ مردم آشنا شده‌ایم ، خوشحالیم.

از : شهره مهدوی اردستانی

اردستان مهد انوشروان

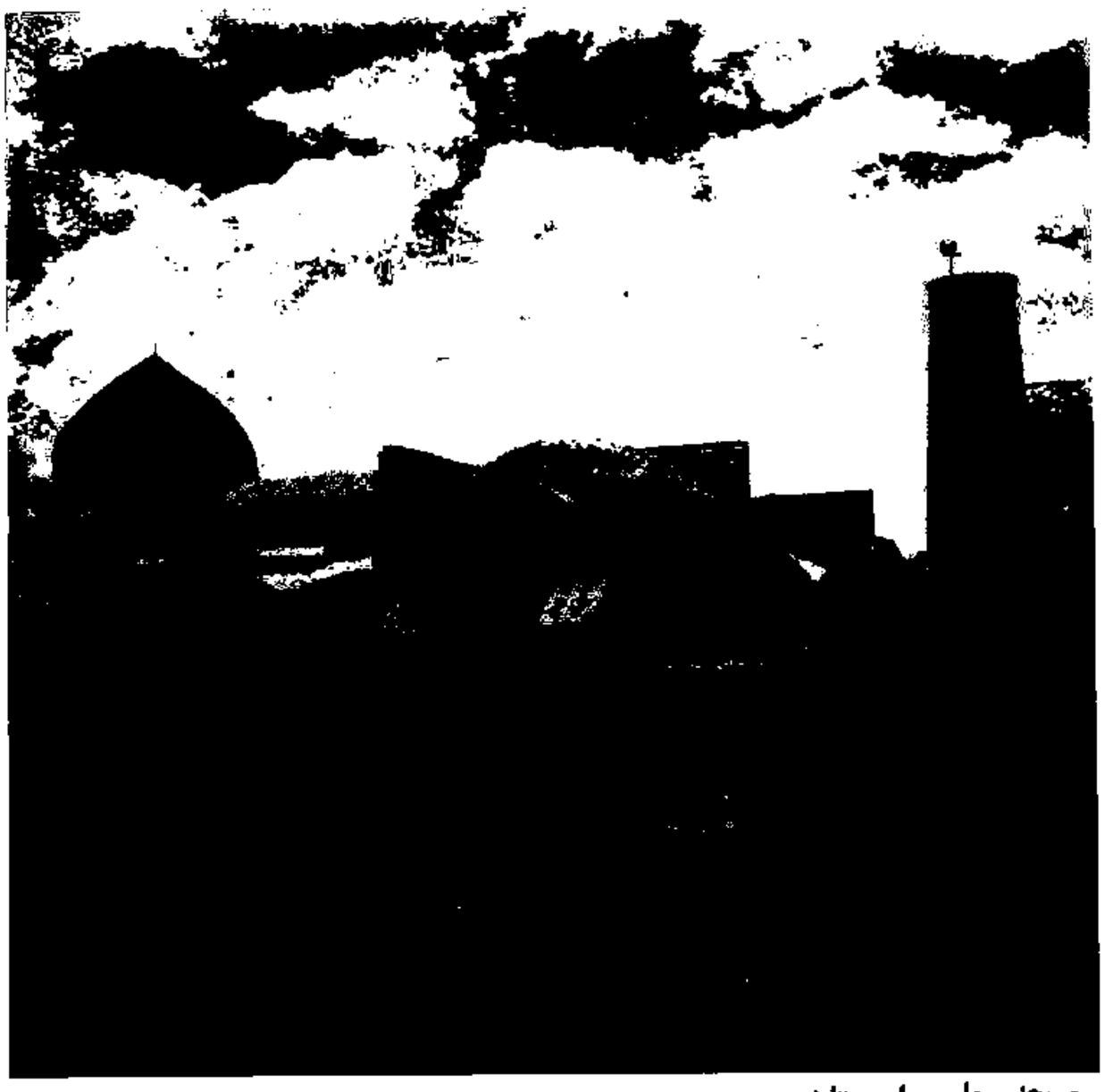

مسجد جامع اردستان

۱ . وجه تسمیهٔ اردستان

گفته‌اند که : اردستان مرکب است از دو کلمه ارد به معنای غیور و خشمگین و ستان بمعنای مکان . با این فرض می‌توان گفت شهر اردستان در بدو امر بنام یکی از محلات آنجا ، ظاهراً قلعه میان شهر یا دژ «اردنه» خوانده می‌شده و سپس چون اغلب ساکنان آنجا ازبزرگان ونجبا بوده‌اند تمام بلوك و مرکز آن بنام اردستان معروف شده است مانند لرستان، خوزستان و نظائر آن .

بعضی دیگر گفته‌اند اردستان مرکب است از اردا نام موبد معروف زمان اردشیر بابکان که برخی او را پیغمبر خوانده‌اند و ستان و معنای تـرکیبی آن محـل و مکان «اردا» است و شاید وجه تسمیه این باشد که‌این موبد سرپرست آتشکده اردستان بوده و بکثرت استعمال الف آن ساقط شده است.

۲ . اوضاع جغرافیایی اردستان

عقاید و گفتـه‌های جغرافـی نویسان پیشین راجع به اوضاع اردستان متقارب و بهمدیگر نزدیك است .

در «جغرافیای سیاسی کیهان» مسطور است‌که: اردستان درجنوب نطنز واقع شده و دارای آب و هوای گرم و خشك است . محصولات آن جو وگندم وصیفی، وباغهای انار وانجیر وپسته وبادام آن فراوان است و مرکز آن نیز اردستان است . حد شمالی آن نطنـز و سیاهکوه ورامین ، حدشرقی آن : نایین و بیابانك و حد جنوبی آن کوهپایه ، و حد غربی آن برخوار است .

جغرافیای کنونی اردستان

اردستان دارای آسمانی صاف و شفاف است . بطوریکه کمتر در آن مه دیده می‌شود و از این حیث می‌توان گفت نظیر کرمان است . آب آن نوعاً شیرین و خوشگوار است و هوای آنجا را به سه قسم تقسیم می‌کنند :

اول : قسمتی که هوای آن بسیار گرم است. ازقبیل قبصه‌زواره وتمام گرمسیر ؛

دوم : منطقه‌یی که هوای آن ملایم و معتدل است مانند برخی از دههای علیا و «برازوند»؛

سوم: قسمت بسیارسرد، بطوریکه‌محصول آن در آغاز زمستان نیمه رسیده بدست می‌آید، مانندبیشتر قریه‌ها ومزرعه‌های‌برازوند مثل کهنگ .

بلوك اردستان از نظر حاصلخیزی مقام متوسط دارد ولی از لحاظ وجود میوه‌های گوناگون در درجه اول است امـا زیادی وکمی همهٔ محصولات‌آن تابع‌بارندگی است.

بطوریکه از مجموع کتب جغرافیا و تواریخ پیشین معلوم می‌شود نمکزار فعلی اردستان که در امتداد کویر لوت بزرگ قرارگرفته است در زمان قدیم دریا بوده که از ساوه شروع وتاکرمان ممتدو بالاخره بدریای بزرگ جنوبی متصل می‌شده‌است و احتمال داده می‌شود که هفت شهر لیلازکه مرکز آن لاسون ودرکنار دریای مذکور واقع‌بوده وفعلا جز تپه و آثار مختصری چیزی بازنمانده است، همان هفت‌شهر لوط معروف باشد که مطابق آیات قرانی ، دراثر عذاب الهی از میان رفته است.

۳ . معادن اردستان

اردستان دارای معادنی است که برخی از آنها اهمیت دارد و گذشته‌از نیازمندیهای ساکنان شهرستان اردستان‌به شهرهای مجاور و بعضی از آن به مرکز نیز حمل می‌شود .

از جملهٔ معادن مذکور معدن‌سنگی‌است که در بلوك علیا (لاسیب) وجود دارد . این معدن سنگهای گوناگونی دارد از قبیل سنگهای آسیا و ستون و لوحه قبر و هاون و درب منزل و سایر سنگهایی که برای ساختمان لازم است .

دیگر از معادن اردستان ، گل سفید است که در منتهی سفلی در محلی که متصل به نایین است یافت می‌شود وپس‌از استخراج به اصفهان و تهران و سایر شهرهای ایران فرستاده می‌شود .

بزرگترین معدن اردستان معدن نمك است که تمام رشته کویر نمکزار است و نمك آن بسیار سفید و متبلور است و هیچ تلخی ندارد و نزدیك بلوك گرمسیر و سفلی واقع است و در حقیقت دنباله دریای قدیم ساوه است . نمك معدن مذکور گاهی هم به اطراف حمل می‌شود .

معدن دیگر که دارای اهـمیت است «معدن تاغی» است که از پنج فرسخـی امیرآباد و شهراب شروع و تا جندق و بیابانك امتداد دارد .

در بالای ده «نصرند» از توابع بلوك سفلی چاهی است معروف به چاه تفرچـی که در زمان صفویه از آن نقره استخراج می‌کرده‌اند ولی معروف است که چون با تحمل ده ریال هزینه معادل نه ریال نقره استخراج می‌شده متروك گردیده است .

دیگر معدن سرب است که در اغلـب دیه‌های سفلی مخصوصاً در ده محمدآباد وجود دارد.

احتمال وجود معدن نفت در اطراف کویر اردستان که دنباله کویر مرکزی است و در اثر تغییرات ارضی وجوی تبدیل به نمکزار شده ، نیز وجود معدن ذغال سنگ در نزدیکی جنگل تاغ اطراف بامیان شهراب قریب به یقین است .

کیفیت رنگ و ساختمان و سختی و نرمی کوههای بلوك اردستان حاکی است که خالی از فلزات متفرقه نیست و شایسته است در محلهای مورد احتمال وجود معدن

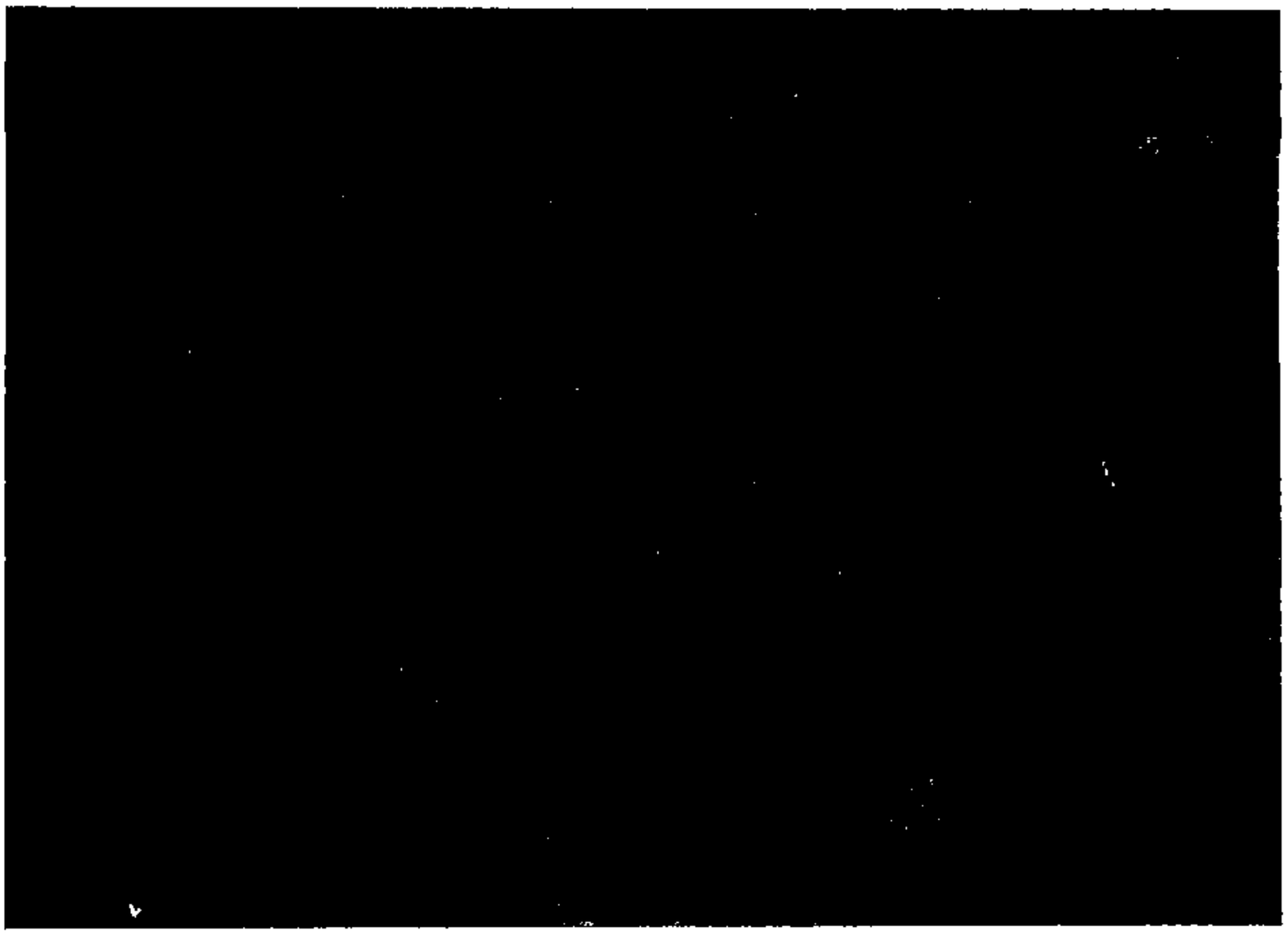

از طرف مقامات صالحه آزمایشی بعمل آید که در صورت وجود منافع مذکور مورد استفاده واقع گردد ؛ و این موجب خواهد شد که اهالی این شهرستان کمتر به نقاط دیگر مهاجرت کنند.

رودخانه‌ها ــ رودخانه مهمی در این شهرستان جریان ندارد و چشمه‌های قابل ذکر عبارتند از : چشمه‌رنگان و چشمه «میناوند» و «مارسار» که چشمه‌مارسار در دهستان بالا اراضی زراعتی قریه موقوفی موسوم به رنگان را سیراب می‌کند . چشمه میناوند نیز زمینهای زراعتی میناوند را مشروب میکند. چشمه مارسار نیز که در حدود دو سنگ آب دارد ، در قریه مارسار واقع است .

قنوات شهر اردستان : مهمترین قنات اردستان کاریز ارونه است که گویند از ساخته‌های ارونه شاه از ملوك کیان است. و اوضاع و آثار مکانیکی هم‌دلالت برقدرت بنای آن دارد و میتوان با توجه به اصول علمی عمر آن را معلوم کرد وآنچه به نظر بدوی میرسد ، در حدود دو هزار سال از تاریخ احداث آن می‌گذرد . دیگر قنات مون است که در محله مون ظاهر میشود و دو سهم آن مختص به محله مون و یك سهم متعلق به‌قریه تلك‌آباد است. قناتهای باب‌الرحی و خسروشاه و سهراب و کچورستان و کیجب وامهران و طجره ازدیگر قناتهای شهرستان اردستان است .

قنات فیض‌آباد که در رامیان، ظاهر و فیض‌آباد را که متصل به‌شهر است مشروب مینماید ، یکی دیگر از قناتهای‌مهم اردستان میباشد .

٤ . جغرافیای اقتصادی شهر اردستان

حاصلخیزترین محلات اردستان محله محال است که بواسطه وجود قنات ارونه و سایر قنوات که در پیش ذکر شد و زمین حاصلخیز و نرم که بنرمی آرد است. مورد استفاده کشاورزان قرار می‌گیرد.

نوع محصولات اردستان عبارت‌است از: گندم ، جو ، ذرت سفید، ذرت زرد، جورنه، کرچك، کنجد، شاهدانه و انواع دانه‌های نباتی و کلیه میوه‌های زمینی مانند : خربزه هندوانه ، خیار و غیره.

میوه‌های درختی‌در اردستان‌عبارتند از: انار ، انجیر ، سیب ، گلابی ، زردآلو و گوجه که انار از همه آنها بیشتر و بهتر بعمل میآید و از قدیم شهرت بسزایی داشته است .

صنایعی که در شهر اردستان در قدیم معمول بوده بیشتر صنعت بافندگی بوده است که در دو عصر به منتهای درجه کمال و ترقی رسیده یکی در دوره ساسانیان تا قرن سوم و چهارم و پنجم و ششم هجری و دیگر در عصر سلاطین صفوی .

در این ازمنه بخصوص دوره صفوی جامه‌های گران‌بها وزربفت بافته‌می‌شده و به اطراف جهان حمل می‌گردیده و بازار تجارت آن رواج داشته و شاید بهمین جهت است که در قرون اولیه اسلام بازار اردستان معروف بوده است. صنایعی که در قرن اخیر معمول بوده بافتن کرباس ، چادر و اقسام آنها ، عبای پشم شتر ، قالی و قالیچه ، گلیم و مانند اینها بوده است .

صنعتی که فعلا رواج دارد همان قالی‌بافی‌است وشرکت فرش‌تهران نیز شعبه‌یی در اردستان دارد .

در اردستان بواسطه بودن اشجار توت کرم ابریشم نیز تربیت می‌شود و یکی از صادرات‌آنجا پیله ابریشم است و این‌صادرات در قدیم‌الایام نیز بوده است و در ازمنه باستان که منسوجات این محل شهرهٔ آفاق بوده از ابریشم بافته می‌شده است و می‌گویند زربفتهای زیادی از اردستان در ایوان کسری وجود داشته است.

اوضاع فرهنگی ــ بامراجعه به احوال علماء و دانشمندان اردستان بخوبی معلوم میشود که مردم آن استعداد خاصی برای فراگرفتن علوم مختلفه داشته‌اند و افراد برجسته‌یی در رشته‌های مختلف علمی ازآنجا برخاسته‌اند.

دلایل زیادی وجود دارد که معلوم می‌کند چراساکنان‌شهراردستان رغبت‌خاصی به فراگرفتن علم و معرفت دارند .

اولا چون مولد انوشروان عادل بوده از طرف کسری توجهی بمردم اردستان از هر جهت شده است چنانچه برای همدرسهای خود قصوری بنا نهاده و باید اذعان کرد پادشاهی که قصوری برای همدرسهای خود بنا می‌کند بطریق اولی نسبت به تعمیم فرهنگ و نشر علم نیز توجه خاص مبذول می‌دارد. ثانیاًبعدازنفوذاسلام در ایران چون اردستان معبراغلب‌بلاد به‌نیشابور که‌دارالعلم آن زمان بوده واقع شده است ، در اثر این ارتباط مردم از مزایای آن دارالعلم (نیشابور) استفاده کرده‌اند . چنانچه اغلب محدثان بزرگ اردستان در مدارس نیشابور تحصیل و تدریس کرده‌اند.

طبق سرشماری آبانماه‌سال ۱۳٤٥ تعداد ۹ دبیرستان و۲۸ دبستان و۷کودکستان در شهر اردستان بوده است و در حدود ۸ درمانگاه و یك مطب و یك داروخانه نیز در آنجا دایر شده است.

در اردستان ۸ گرمابه و در حدود ٥ قهوه‌خانه ویك‌چلوکبابی‌مشغول بکارهستند.

٥. زبان مردم اردستان

آنچه از مجموع آثار وتواریخ گذشته استنباط می‌گردد اینست که در بسیاری از قریه‌ها ودهکده‌ها علاوه‌برزبان فارسی‌بزبان بومی محلی که می‌توان گفت همان زبان پهلوی قدیم است ودر عرف ساکنان گبری نامیده می‌شود تکلم می‌کنند. مثلا بادنجان‌را می‌گویند بانجون بروزن رانکوه و یا اینکه (دوت) با واو مجهول بزبان بومی برابر است با دختر.

دهقانان قصبه‌زواره هم‌به‌زبان مخصوص گبری حرف می‌زنند. دیگر از محلهاییکه به زبان گبری سخن می‌گویند کچویه مثقال و توابع آن و نیز مهرآباد وتوابع آن وتمام‌بلوك برزاوند می‌باشد. زبان بومی مردم بلوك سفلی با زبان بومی برزاوندیها اختلاف دارد.

۶. مذهب مردم اردستان

مردم اردستان در قدیم‌الایام و قبل از نفوذ اسلام بمهرپرستی و آتش‌پرستی عقیده داشتند واز هنگام نفوذ اسلام در ایران یعنی از همان قرن اول هجری به توحید و پرستش خدای یگانه گراییده‌اند. اسامی دیه‌ها و قنوات مانند امهران و مهرآباد و مهراندو وموغار وماه‌آباد و همچنین آتشکده‌هایی که به‌اردستان منسوب است این نکته را تأیید می‌کند.

بتدریج که دین اسلام قوت یافت و مبلغان اسلام درممالك‌وبلاد شروع‌براهنمایی ودعوت بدین اسلام کردند در این خطه هم تبلیغ دین اسلام رایج و شایع گردید و از نظر اینکه اردستان جایگاه آتشکده‌ها و پرستشگاه بزرگ مغان بوده بیشتر مورد توجه مسلمین واقع گردید. بطوریکه در همان نیمه اول قرن اول هجری مساجدی در اردستان ساخته شده است و حضرت امام حسن هم در مسجد اردستان (مسجد امام حسن) و کهنك (از توابع برزاوند) نماز گزاردند ودر زمان دیالمه که مروج مذهب تشیع بودند، مذهب تشیع در آنجا رواج یافت.

مسلك تصوف هم در بین مردم اردستان رواج دارد که از پیروان آن پیرمرتضی علی اردستانی و پیرجمالی شناخته‌ترند.

جمعیت اردستان طبق سرشماری آبانماه سال ۱۳۴۵ بالغ بر ۴۴۰۶۱ نفر می‌باشد که از این عده ۲۲۵۶۶ نفر مرد و ۲۱۴۹۵ نفر زن هستند.

ودر سالهای اخیر طبق نشریه‌های استانداری اصفهان‌جمعیت‌شهرستان اردستان در حدود ۵۲ هزار نفر می‌باشد.

شهر اردستان در زمان قدیم اهمیت زیادی داشته. چنانچه معروف است اردستان در زمان باستان پایتخت اردوان چهارم‌بوده که بعضی از سکه‌ها نیز این نکته را تأیید می‌کند.

انوشروان دادگر بطوریکه خواهد آمد در اردستان متولد و تاهنگام عزیمت به مدائن در اردستان مقیم بوده است و نیز در دوره آل‌بویه که اردستان و نطنز ضمیمه یکدیگر بوده‌اند مرکز آن اردستان و مقر فرمانروایی بوده است.

شهرستان اردستان تاسال ۱۳۲۷ شمسی از نظر تقسیمات کشوری بخش بوده ولی‌از آن تاریخ به‌بعد که دولت متوجه اهمیت آنجا گردید تبدیل به‌شهرستان شد و مرکز آن شهر اردستان می‌باشد.

محلات شهر اردستان عبارتند از:

رامیان، فهره، مون، باب‌الرحی، محال، لب‌جوی خشك، بازار، کبودان.

طبق آخرین نشریه آموزش و پرورش شهرستان‌اردستان این‌شهردارای ۹ دبیرستان و۴۵ دبستان و ۴۴ دبستان سپاه دانش می‌باشد و همچنین یك دانشسرای تربیت معلم نیز دراین شهرستان دایر می‌باشد.

هم‌اکنون در اردستان یك دندان‌پزشك و دو پزشك بیمارستان شیروخورشید ویك پزشك درمانگاه سازمان خدمات اجتماعی و یك پزشك درمانگاه شیروخورشید و یك پزشك پیشگیری و رئیس بهداری مشغول بکار هستند.

۷. مروری در تاریخ اردستان

تاریخ عمومی اردستان به‌نسبت ازمنه حدوث وقایع مهمه به ۵ عهد تقسیم می‌گردد.

در عهد مهابادیان اتفاق مهمی رخ‌نداد واز وقایع عهد کیانیان می‌توان احداث دژ ارونه را که همان قلعه میان شهر می‌باشد نام برد و یا احداث نهرارونه و بنای شهر اردستان را در این عهد بدانیم . در عهد اشکانیان اثر مسلمی در اردستان دیده نمی‌شود دیگر اینکه قنات خسروشاه دراردستان و در زواره مربوط به خسرو اشکانی اشك ۳۳ می‌باشد که‌جلوس‌او (۱۰۷) میلادی و فوتش (۱۳۳) میلادی بوده است.

در عهد ساسانی اتفاق مهمی افتاد که همان تولد انوشروان عادل بود مطابق گفته‌های عده‌یی از مورخان انوشروان از قباد و زنی که دختر یکی از دهقانزادگان اردستان و از نژاد فریدون بوده در شهر اردستان تولد یافته است.

۸. زادگاه انوشروان اردستان است

بنابرروایاتی که ورود وخواستگاری قباد را به‌اردستان نسبت داده‌اند دیگر جای هیچ تردید نیست که ولادت انوشیروان در شهر اردستان بوده است.

بطوریکه از روایت حمزه اصفهانی معلوم می‌گردد از زمانی که قباد با دختر دهقان ازدواج کرد تا تاریخ مراجعت از سرزمین هیاطله چهار سال طول کشید. این نکته کاملا روشن نیست که هنگام مراجعت قباد به‌مدائن وجلوس مجدد به‌تخت‌پادشاهی آیا انوشیروان و مادرش وهمبازیهای اورا همراه برد ویا انوشیروان تازمانیکه نوبت سلطنت به‌اورسیده در اردستان اقامت داشته است.

کارهای مهمی که به‌انوشیروان نسبت داده‌اند بردوگونه است.

اول کارهایی که مورخان وجغرافی‌نویسان نقل کرده‌اند مانندکوشکهای رفیعی که بنا بدستور خسرو بناشد وامروز اثری از آن باقی نیست و دوم کارهایی که سند تاریخی ندارد ولی در بین مردم شایع است ودهان به‌دهان نقل شده است از قبیل اینکه در زمان انوشیروان عادل آتشکده اردستان رونقی داشته و نیز دستورهای مؤکدی برای نشر فرهنگ زمان در اردستان صادر کرده بود . بخصوص صنعت بافندگی را در آنجا تشویق کرده بود .

عهداسلام ــ درقرن اول بعثت‌وهجرت اتفاق مهمی را که می‌توان پذیرفت شیوع دین اسلام در اردستان وبنای چند مسجد می‌باشد که از آنجمله مسجد معروف امام حسن (ع) واقع در محله کبودان است و دیگر مسجد امام حسن کهنگ از قراء برزاوند است.

در قرن دوم نیز انتشار دین اسلام‌قوت گرفته تااینکه در اواخر قرن مزبور واوایل قرن سوم مردم‌به‌تحصیل علوم‌اسلامی متمایل شده و درصدد برآمده‌اند آتشکده‌ها وسایر

معابد را تبدیل به مسجد کنند . از جمله دشت رامیان اردستان ودیگر مسجد بن‌کوپه زواره ودیگر کنیسه دیه‌ویلان و آتشکده امهران بوده است.

در اواخرنیمه‌اول قرن‌سوم بنای‌نخستین مسجد جامع اردستان و نیز مسجد جامع زواره ساخته شده است که احتمال می‌رودبه دستور عمربن عبدالعزیز نامی که همان زمان حکمرانی همان حدود را داشته است انجام گردیده باشد. درپایان قرن‌سوم عده‌یی از محدثان بزرگ و طلاب علوم اسلامی از اردستان برخاسته‌اند و آثاری از تصوف و تشیع نیز دیده شده است. دراوائل قرن چهارم که‌دوره اقتدار سلاطین آل‌بویه است چون قسمت اردستان هم در قلمرو امارات آنان‌بوده مذهب تشیع رواج‌بیشتری داشته است. بخصوص در اطراف اردستان و نقاط نزدیك به‌نطنز و نایین و زواره زودتر از شهر اردستان تشیع رواج یافته و در اواسط قرن مذکور در اغلب محلات‌اردستان بین مردم مذهب تشیع رواج یافته، ولیکن مردم محله‌محال تادوره شاه‌اسمعیل صفوی خلفای‌اربعه‌را متابعت می‌کرده‌اند ودرسنگی که‌درمسجدجامع‌اردستان نصب‌است ونظیرآن درمسجدآقابزرگ کاشان‌است‌این‌نکته مشهود گردیده است. اتفاق دیگر وقفی است که در سال (۳۱۶) احمدبن محمدبن رستم‌بن‌مطیار قرشی از عمال فارس واصفهان بشرحی که در جغرافیای زواره ذکرشده انجام داده. دراین قرن معارف اسلامی نیز در اردستان بحد کمال ترقی کرده و مدارس نیشابور پر از بزرگان عالمان و محدثان و حافظان و ادیبان بوده است.

درقرن پنجم نیزمعارف اسلامی‌در اردستان رواج‌کامل داشته‌است. ازاتفاقات مهمه این قرن ساختن‌مناره‌یی‌در زواره و وفات‌عده‌یی از بزرگان علماء بوده است.

در قرن ششم هجری نیز مانند قرن‌پنجم معارف اسلامی به‌اوج ترقی رسیده است و مدارس نیشابور واصفهان و نظامیه بغداد خالی از علماء اردستان نبوده است.

در قرن هفتم مردم اردستان به‌تصوف گراییده‌اند واز اینرو دراین‌قرن براردستان خاموشی حکمفرما گردیده و حادثه قابل توجهی اتفاق نیفتاده است تا اینکه هلاکوخان درکشور ایران بقتل و غارت پرداخت و در موقع عبور از اردستان با مقاومت مردم زواره که بارویی محکم داشتند مواجه گردید و چون باروی آن بسیار استوار بود بسهولت نتوانستند داخل زواره شوند منتهی‌کاری‌که کردند کاریزهای زواره را که آبریزش خارج حصار بود کوبیدند و آب زواره قطع گردید . معروف است که خواجه نصیر طوسی همراه هلاکوخان بود برای راهنمایی سادات طباطبایی کاغذی نوشت و بوسیله تیری به حصار انداخت که متن آن این بود که با کندن نقب شبانه از زواره خارج شوند . سادات هم این دستور را بکار بستند وشبانه فرار کردند وقتی بامداد سپاه هلاکوخان دریافتند صدایی‌ازبرج وباروی زواره‌شنیده نمی‌شود بداخل حصار رفتند ولی کسی را نیافتند. می‌گویند چون دراین کارزار یکی از نزدیکان هلاکوخان کشته شده‌بود دستور داد هرچه بتوانند خانه‌ها را خراب کنند و نیز اسبها را در مسجد جامع بستند و هیچ احترام مسجد را رعایت نکردند.

در قرن هشتم مردم اردستان با اینکه دچار تاخت و تاز مغول بوده‌اند عده‌یی به تصوف گراییده‌اند. ازوقایع مهمتر این‌قرن یکی کشته شدن امیر شمس‌الدین محمد اردستانی ندیم و وزیر شاه منصور و دیگر تولد پسرش پیر مرتضی‌علی عارف معروف بوده است.

از علمای این قرن محمدبن احمدبن ابراهیم زواری است که کتاب نهج‌البلاغه رابخط خویش تحریر کرده وازخوشنویسان خط نسخ بوده است.

در قرن نهم که دوره اقتدار پادشاهان تیموری بوده، حوادثی اتفاق افتاد که ذیلا ذکر می‌گردد.

در موقعی که امیر تیمور گورکانی در شام بعنوان خونخواهی از حضرت سید الشهداء بااهل شام و بخصوص بنی‌امیه مبارزه می‌کرد جماعتی از اعراب نجد و خابور بهمراه او بودند که در رأس آنان از اعراب نجد شیخ منصور کور از طایفه بنی عامر واز اعراب خابوری شیخ سرحان بود. چون پیکار خاتمه یافت، امیر تیمور اعراب مزبور را با ایل وحشم آنان به‌ایران آورد وبه پاس خدمات گذشته آنانرا در اردستان جای داد وفرمانی صادر کرد و بموجب آن مراتع زیادی از قبیل چاه باباکوه و چاه باباخاله و آبگاههای بسیار و مرتع تاغ شهراب را باین اعراب واگذار نمود واین فرمان بطوریکه ازمرحوم میرزا حسین‌خان سهام‌السلطنه شنیدم درخانواده اعراب‌عامری باقی است.

در قرن دهم بمناسبت ظهورشاه‌اسمعیل صفوی مروج مذهب شیعه وجنگهایی که‌بین شیعه و سنی در تمام نقاط ایران بوده در اردستان نیز درهفدهم رمضان سال نهصد و بیست جنگی اتفاق‌افتادکه درآن‌جنگ امیر اویس‌بن محمدنجیبا که از امرای وقت و از احفاد امیر شمس‌الدین محمد اردستانی بوده کشته شده است و نیز سلطان سیدحسین‌نامی که در آن موقع حاکم اردستان بوده کشته شده و در نتیجه این مبارزات مردم محله محال که سنی بوده‌اند به مذهب تشیع گرویده‌اند واز این تاریخ به‌بعد دیگر در اردستان و توابع اثری از مذهب تسنن باز نمانده است.

در قرن یازدهم در اثر توجه سلاطین صفویه بترویج علم وادب و اشاعه مسلك تصوف و نشر فرهنگ اسلامی عده زیادی مساجد مختلفه در نقاط اردستان بنا گردیده است از آنجمله است:

صفهٔ میر و نیز صفه حکیم‌الملك در مسجد جامع اردستان که تعمیر نموده‌اند و مساجد محلات رامیان‌وسایرمحلات اردستان و زواره ودر سایر قسمتها مانند مسجد مهرآباد وماربین وتعداد دیگری ازمساجدو تکیه سلطان‌بك در محله رامیان اردستان.

در قرن دوازدهم تا ظهور فتنه افغان بازار علم و ادب و شعر و شاعری ومشرب تصوف رواج داشته است. پس از هجوم افغان‌ها به‌اصفهان‌واشغال‌اطراف آن‌گروهی ازآنان به‌اردستان و زواره‌رفتند ودر زواره آنچه توانستند کشتند و زواره را ویرانه‌یی ساختند وبرای بار دوم سادات به اطراف متواری گردیده ودسته‌یی بنایین و نطنز و کاشان وسایر بلاد متفرق شدندو مختصر آبادانی که بعداز مغول مانده بود تبدیل به ویرانه‌یی گردید.

یك کشیش ایتالیایی که در آن زمان در اصفهان بوده می‌نویسد، در اثر پافشاری مردم اردستان که در بدو امر بعمل آمد، اشرف افغان دیوانه شد.

در قرن سیزدهم که دنباله خرابی‌های افغانها بوده واز طرفی در اثر فوت کریم خان زند و وقوع‌اختلاف بین آغامحمدخان قاجار و کسان کریم خان زند و خودسری امیرمحمدخان طبسی وامیر اسمعیل خان و محمدحسین خان عرب عامری اردستان تا مدتی مورد تاخت وتاز بوده‌وآنطوریکه در قرنهای گذشته مردم متوجه به‌امور معنوی بوده‌اند بواسطه توارد حوادث نتوانسته‌اند بعلم و فرهنگ و نشر مبادله اسلامی بطرز شایسته‌یی توجه نمایند. از بناهایی که دراین قرن ساخته شده باغ قلعه اردستان و چهل ستون سرنج‌آباد و میدان بزرگ زواره و قلعه مزدآباد بالا وقلعه شهراب وقلعه میشاب در برزاوند وقلعه محمدآباد، وهمت‌آباد در سفلی واحداث قنوات امیرآباد، جهان‌آباد، نجف‌آباد، نیرآباد و باقرآباد بوده است.

در قرن چهاردهم چون از طرفی از خرابی‌های گذشته مغول و افغان واختلافات زندیه و افشاریه و ملوك‌الطوایفی مدتی سپری شده بود و اوضاع کشور روبه‌آرامش می‌رفت ، وضع مردم اردستان نیز در اوائل این قرن آرام بود، ولی پس از کشته شدن ناصرالدین شاه و تغییر سلطنت بتدریج در این منطقه ناامنی حکمفرما گردید و قشقایی‌ها نیز در این زمان آنچه شتر و گوسفند در اردستان بود بغارت بردند و تا قبل از دوره پهلوی کسی در این شهرستان تأمین حیاتی نداشت وپیوسته مردم در حال فرار بودند. در آغاز سلطنت پهلوی یاغی‌ها و ستمکاران بجای

خود نشسته و بتدریج مردم به کسب و کار خود مشغول شدند ولی به‌اندازه‌یی مـردم فقیر و ناتوان شده بودند که خواه ناخواه بیشتر ساکنان‌بطرف تهران‌وخوار و ورامین وکاشان واصفهان و ساوه مهاجرت کردند وآنهاهم که در اردستان ماندند فقط وارث فقر بودند.

آثار تاریخی اردستان

خرابه‌های ساسانی ــ خرابه‌های ساسانی یا اردستان قدیم در شمال زواره واقع و جزء تپه‌هاست وهیچ‌شهری‌ازآن باقی‌نمانده است . فقط در موقع بارندگـی و تابش آفتاب اشیایی از قبیل خرده طلا ونظائرآن پیدا می‌شود معذلك این آثار حکایت از آن دارد که در گذشته بناهای مهمی وجود داشته که در اثر حوادث مختلف در زیـر خاك مدفون گردیده است و بهمین جهت خرابه‌های مزبور از لحاظ اهمیت تاریخی بنام خرابه‌های ساسانی و شهر اردستان به موجب تصویبنامه سال ۱۳۱۰ هیأت وزیران کشور شاهنشاهی ایـران جزء آثار ملی محسوب و حفاظت آن طبق قانـون حفظ آثار عتیقه بعهده اداره‌کل باستان‌شناسی‌قرار داده شده است.

آتشکده مهراردشیر ــ بنابرگفته‌ها و نوشته‌های جغرافی‌نویسان بنای‌نخستین شهر اردستان قلعه‌یی بوده که دارای حـصار و باروی بسیار استواری بـوده و نزدیك به حصار خندقی وجود داشته که هنوز آثار آن باقی است و طبق نقل حمزه اصفهانی و مؤلف مجمل‌التواریخ والقصص در مـیان قلعه آتشکده‌یی وجود داشته که به آتشکده مهر اردشیر موسوم بوده‌است وآنرا بهمن‌بن اسفندیار معروف به‌اردشیـر درازدست از سلسله پادشاهان کیان بنا نموده است.

مسجد جامع ــ مطابق تحقیقاتی کـه آقای آندره گدار باستان‌شناس فـرانسوی بعمل آورده، مسجدجامع اردستان ازبناهای عهد سلجوقیان است که جزء آثار ملی‌ایران ثبت گردیده است. بنای گنبدوار بطور کلی متعلق به‌عهدی است که شیوه وسبك مساجد چهار ایوانی پیدا نشده و یا اگر هم پیدا شده بوده معمول نبوده است. چنانچه این بنا را از نظر معماری با گنبدهای مسجـد جامع اصفهان بسنجیم اینطور استنباط می‌ــ شود که‌بنای جامع اردستان دراوائل‌سلطنت ملکشاه سلجوقی ایجاد شـده است. با این وجودنمی‌توان گفت که‌این بنای‌گنبدواری که هسته اصلی مسجد فعلی است قدیمترین قسمتهای مسجد جامع است بلکه در حقیقت این بنا برروی جایگاهی که بنای دیگری بوده و خراب شده یا خراب کرده‌اند برپا گردیده است و در موقع توسعه مسجد برای تبدیل آن به چهار ایوانی با بقیه ساختمان قدیمی توأم و پیوسته شده است. آثار مزبور عبارتست از چندین جرز و ستون وطاقهایی که متعلق به قرن چهارم هجری است. ابتدا مسجد جامع عبارت از بنای مفرد و از سه طرف گشاده بوده‌است. تاریخ کتیبه ازپانصد وپنجاه وسه تا پانصد وپنجاه و پنج هجری بوده است. تاریخ اول در کتیبه بـزرگ شبستان گنبدی وتاریخ دوم در ایوان‌جنوبی واقع است.

ایوان شمالی درتاریخ نهصد وچهل‌و شش‌دوباره‌ساخته شده‌است وایوانهای جانبی راترمیم‌نموده‌اند. مسجدجامع اردستان‌بسبك مسجد جامع اصفهان بنا شده است نهایت تفاوت آنست که این مسجد کـوچکتر از مسجد جامعی است که در اصفهان می‌باشد. در قسمت جنوبی مسجد دارای سه محراب است که هرکدام کتیبه‌یی مفصل دارد و محراب دوم که در قبه پهلوی گنبد است گچ‌بری مفصلی دارد و درآن کتیبه‌یی‌نوشته شده است. قسمت شرقی مسجد را امیرحملته الملك اردستانی ساخته است وتاریخ‌ساختمان در روی درب مسجد که در همین قسمت شرقی بوده حك شده است .

قسمت شمالی مسجد معروف است به‌صفه صفا که آنرا سلطان‌بك حاکم اردستان در زمان شاه طهماسب صفوی در سال (۹٤٦) هجری بنا نموده است . این بنا بدست استاد حیدرعلی معمار اردستان‌انجام گردیده‌است.

قسمت غربی مسجد که در این زمان سقف ایوان آن خراب شده است تاریخ و گچ‌بری ندارد و فقط داخل ایوان نقاشی شده است و در قسمت جنوبی مسجد وایوان جلو گنبد و قبه‌ها سوره توحیـد و آیات قرآن بخط کوفی و خطی شبیه بخط میخی نوشته شده است.

این مسجد دارای چهار درب است که دو درب آن در قسمت جنوبی ویك درب در قسمت شرقی و درب دیگر در شمال واقـع گردیده است. با مراتبی که تقریر گردید می‌توان استنباط‌نمود که‌مسجد جامع‌اردستان سه مرحله را طی کرده است.

مرحله اول که ظاهراً همان قرن دوم هجـری باشد بر طبق نقشـه عربی و بطور گنبدوار بنا شده است.

مرحله دوم که مقارن قرن سوم وچهارم باشد از گنبدی شکل تبدیل به‌مسجد کوشك مانند شده است.

مرحله سوم که مقارن قرن‌ششم ودولت سلاجقه بوده است.

مسجدهای گذشته رو به‌ویرانی رفته و مسجد بطور چهار ایوانی ساخته شده است. این مسجد پس از رسیدگیهایی که ازطرف اداره کل باستان شناسی بعمل آمد در سال (۱۳۱۱) شمسـی بمـوجب تصـویبنامـه ۱۳۱۱ر٤ر۲۹ هیأت وزیـران وقت کشور شاهنشاهی جزء آثار ملی محسوب و حفظ ومرمت آن بعهده اداره کل باستان شناسی محول گردید.

از مساجد دیگر اردستان مسجد امام حسن (ع) را می‌توان نام برد که در بازار محله کبودان واقـع است و دارای مناره مرتفعی است که مربوط به‌قرن اول هجری می‌باشد و چون حضرت امام حسن (ع) در موقع مراجعت از قم در مسجد مزبور نماز گذارده‌اند از این‌رو بنام‌آن حضرت موسوم گردیده است.

دیگر مسجد سفید سردشت می‌باشد که در محله فهره واقع شده و مسجد دشت که در دشت رامیان می‌باشد.

بقعه پیر مرتضی ــ در محله فهره در غرب مسجد سفید سردشت بقعه‌یی است بنام بقعه پیرمرتضی این‌بقعه دارای گنبدی‌بطول ده‌متر وایوان جنوبی وشمالی ودرب‌ورودی ازایوان جنوبی است. مساحت‌گنبد وایوانها جمعاً یکصد وچهل متر است. از مرکز گنبد تا آخر گنبد در حدود ده‌متر است وته‌گنبد که مربع می‌باشد شش درشش (٦×٦) است.

در میان گنبد اثر سه‌قبر پیرمرتضی علی و زن پیرمرتضی وپیرجمالی اردستانی‌عارف معروف قرن نهم هجری پهلوی یکدیگـر موجود است.

گنبد مزبور بوضع‌خاصی بناشده وطرز ساختمان وآجرهایی که بکار رفـته قابل توجه است و آنچه معروف می‌باشد این‌است که این بقعه خانقاه و مدرسه بوده که‌بوسیله خود پیرمرتضی علی اردستانی که در زمان امیر تیمور وشاهرخ میزیسته ساختـه شده است وبعد ازوفاتش در آنجا مدفون گردیده وبا این قدمت بنا که احتمال کلی دارد در رأس نیمه دوم قرن نهم هجری ساخته شده باشد، هیچگونه‌آسیبی به گنبد وارد نشده است. نهرآبی هم‌از زیر گنبداز طرف‌مشرق آن جاری است که برصفای این محل می‌ــ افزاید.

دیگر از اماکن قدیم اردستان بقعـه پیر اسحق می‌باشد که در محله رامیان واقع شده و بقعه امامزاده سید اسماعیل در محله محال و بقعه گنبد سبز که می‌گویند سه‌نفر در آنجا مدفونند و بعضیها می‌گویند سه‌تن از امامزادگان می‌باشند.

از مدارس قدیمه اردستان یکی مدرسه حاج حسین نورالدین را می‌توان نام‌برد و دیگر مدرسه علمیه طاهریه را که در جنب بقعه پیر مرتضی واقع بوده است.

سنگ سفید ــ در قسمت غـربی دشت محال اردستان قبری است که با آجرهای بسیار بزرگ ساخته شده و دارای دو سنگ مرمر عالی و عتیقه و زیبا می‌باشد، یکی در بالای قبر بطور عمودی و دیگـری افقی طوری روی قبر نصب شده که با سنگ قائم تشکیل زاویه‌قائمه‌یی را می‌دهد.

از عباراتی که روی سنگ‌قبر نقش‌بسته است معلوم می‌شود که نام صاحب قبر امیر اویس و لقب او امیر جلال‌الدوله و نـام

پدرش محمد نجیبا و لقبش شمس‌الـدوله بوده است.

امیر اویس که مردی شجاع و دلاور بوده است از بزرگان و امراء زمان خـود بوده و در سن ۳۰ سالگی در سال (۹۲۰) در حال مبارزه وجنگ شهید گردیده است.

از دیگر اماکن قدیمه شـهر اردستان مسجد حاجی میرزا هاشم و مسجد دروازه و مسجد باب‌الرحی و مسجد سنلماته را می‌توان نام برد.

حمامهای شهر اردستان ــ در محلـه رامیان دو حمام هرکدام موسوم به حمام میرزا زکی در پهلوی یکدیگر وجود دارد که معـروف است میرزا زکی نام یکی از سادات طباطبائی اردستان می‌باشد. این حمام فعلا متعلق بعموم اهل محل و مورد استفاده همگانی است.

دیگر حمام باب‌الرحی است که درمحله باب‌الرحی واقع است و برای عموم مردم می‌باشد.

حمام مون عرب و حمام خان وحمام کبودان وحمام اسپریس وحمام پایین‌مسجد جامع و حمام کوشك واقع در محله فهره از دیگر حمامهای شهر اردستان می‌باشد.

کاروانسراهای شهر اردستان:

کاروانسراهای کب‌جوی کوشك واقع در محله رامیان.

کاروانسرای حاجی‌میرزا نورالله‌واقع در محله محال.

کاروانسرای حـاجی میرزا ابـراهیم واقع در محله محال

کاروانسرای معین‌الحرم واقع درمحله محال.

کاروانسرای رامیان واقع در محلـه رامیان که فعلا تبدیل به باغ شده است.

تیمچه سید نصرالله واقع‌در محله‌بازار.

گاراژ حاجی میرزا نورالله واقع در نزدیکی باغ مهدیه جزء محله محال.

گاراژ بالا واقع در نزدیکی تلگرافخانه و جزء محله محال است.

گاراژ پایین‌واقع درمحله‌محال نزدیکی قسمت ابالی.

در احوال عارفان اردستان

پیر مرتضی علی اردستانی ــ فـرزند امیر شمس‌الدین محمد اردستانی ندیم شاه منصور می‌باشد ومادرش‌ازاحفاد انوشیروان عادل بوده است. بطوریکه در کتاب روح‌ـ القدس پیر جمالی‌اردستانی‌مرید پیرمرتضی مسطور است، امیر شمس‌الدین محمد در یکی از جنگهای شاه منصور با تراکمـه مقتول می‌گردد. پیر مرتضی در آن موقع بیش از چهار سال نداشته است. سپس شاه منصـور بشیرازمنتقل می‌شود. وپیرمرتضی باخانواده امیر شمس‌الدین محمد به‌شیراز می‌روند و تا کشته شدن شاه منصور در شیراز بوده‌اند واز آن تاریخ به‌بعد تقریباً پسری ۸ ساله بوده وبه‌اردستان می‌رود ودر آنجا مشغول کسب فضل و بذل و بخشش می‌گردد. چون از پـدرش ثروت هنگفتی باز مانده بود پیوسته مشغول دستگیری بوده است وچون بسن بلوغ می‌رسد و از محضر عرفای‌زمان استفاده می‌کرده ، خانقاهی در محلـه فهره اردستان می‌سازد ودر مجاورت مسجد سفید سردشت مدرسه و خانقاهی بپا می‌کند و از اطراف عارفان بدورش جمع می‌گردند.

از مریدان معروفش پیراسحق اردستانی و پیر علی و پیر جمالی اردستانی می‌باشند.

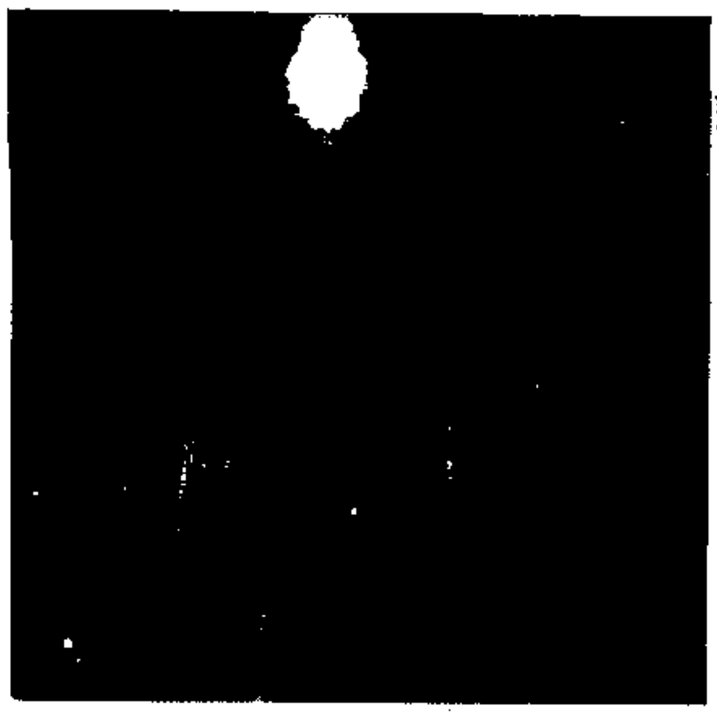

مهراب مسجد جامع اردستان

فهرست مآخذ و منابع

۱ ــ آتشکده اردستان جلد اول تألیف‌ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

۲ ــ آتشکده اردستان جلد دوم‌تألیف ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

۳ ــ راهنمای شهرستانهای ایران . نشریه سازمان فار . اسفند ۱۳٤٥

٤ ــ نشریه آمار ایران آبانماه ۱۳٤٥

٥ــ برهان قاطع‌ــ محمدحسین‌بن‌خلف‌تبریزی، جلد اول.

٦ ــ آرشیو سازمان شهرستانهای ایـــران مؤسسه اطلاعات

۷ ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران سال ۱۳٤٥

۸ــ نشریه استانداری اصفهان در سال ۱۳٥۱

۹ــ نشریه آموزش و پـرورش اردستان سال ۱۳٥۲

طرحهای انجام شده برای

کارگران

کنفرانس ملی کار هرسال در تهران برپا می‌شود و در جلسات آن نمایندگان سه‌گانهٔ دولت، کارفرما و کارگر به بحث مسایل گوناگون می‌پردازند. تاکنون ٦ کنفرانس در تهران برپا شده و چند اقدام سودمند، در جهت رفاه کارگران صورت گرفته است .

اقداماتی که در تعقیب قطعنامهٔ پنجمین کنفرانس ملی کار بعمل آمده براساس گزارش وزارت کار شامل توسعهٔ خدمات اشتغال و کاریابی، تعادل عرضه و تقاضای کار ، گسترش امور آموزشی کارگران، تدوین فرهنگ مشاغل ملی، تهیهٔ مقررات مربوط به بیمهٔ بیکاری و مسایل مختلف دیگر است.

دبیرخانهٔ دائمی کنفرانس اقداماتی را که در اجرای مفاد مادهٔ ۲۸ آیین‌نامهٔ کنفرانس و تصمیمات پنجمین کنفرانس ملی کار و مواد مختلف قطعنامهٔ مصوب آن کنفرانس، توسط وزارت کار وامور اجتماعی ودیگر سازمانهای دولتی و سازمانهای کارگری و کارفرمایی باید صورت گیرد، پیگیری کرد و نتیجهٔ اقدامات خودرا اعلام داشت:

مادهٔ ۱ــ قطعنامه تصریح دارد که خدمات اشتغال و کاریابی یکی از اجزاء مهم برنامهٔ ملی وابزار اساسی‌تحقق هدفهای سیاست اشتغال است. بنابراین لازم‌است دولت برای این منظور سازمان مجهزی با شعب متعدد در سراسر کشور بوجود آورد.

بمنظور ایجاد شبکهٔ مجهز اشتغال و کاریابی در سراسر کشور گذشته از توسعه دادن و تجهیز ادارات نیروی انسانی کرمان، کرمانشاه، تبریز، رشت، اصفهان و شیراز ۱۷ مرکز جدید کاریابی در مناطق مختلف کشور تأسیس شده است. واحدهای مذکور در نیمهٔ دوم سال ۵۲ شروع بکار کرده‌اند. بمنظور تحقق‌هدف فوق در خلال برنامهٔ پنجم عمرانی در همهٔ مناطق صنعتی‌و شهرهایی که بیش از ۲۵ هزار نفر جمعیت دارند یك مرکز کاریابی بوجود خواهد آمد و بدین ترتیب تعداد واحدهای خدمات کاریابی واشتغال که در حال حاضر ۳۱ واحد است در پایان سال جاری به ۵۱ مرکز ودر آخر برنامهٔ پنجم به ۹۰ مرکز افزایش خواهد یافت.

مادهٔ ۲ ــ قطعنامه می‌گوید: واحدهای اشتغال و کاریابی کشور باید به نحوی از نظر جمع‌آوری وارائه اطلاعات مجهز باشد که بتواند درهر لحظه وضعیت محلهای خالی شغل و خصوصیات و جویندگان کار را دقیقاً اعلام کند.

از نظر جمع‌آوری اطلاعات و اعلام وضعیت محلهای خالی شغل و خصوصیات جویندگان کار، اقدامات زیر معمول گردیده است: براساس اطلاعات جمع‌آوری شده از مراکز کاریابی و ادارات نیروی انسانی هرسه‌ماه یکبار گزارشهایی در زمینه نوسانات بازار کار و خصوصیات محلهای خالی و جویندگان کار و نحوه تطابق‌آنها تهیه وبرای سازمانها و دستگاههای مربوط ارسال می‌شود.همچنین‌بمنظوراعلام مشخصات جویندگان کار هرماه گزارشی تحت عنوان اخبار عرضه بازار کار تهیه می‌شود. در این گزارشها که در بیش از ۱۲۰۰ نسخه تکثیر می‌شود، خصوصیات جویندگان کار اعم از فارغ‌التحصیلان مدارس عالی ودانشگاهها و یا افرادی که دارای تخصص حرفه‌یی و یا فنی هستند درج شده وبرای آگاهی کارفرمایان فرستاده می‌شود.

ضمناً بمنظور آگاهی از خصوصیات جویندگان کار و وضعیت محلهای خالی، ارتباط مستمر و مستقیم با مراکز کاریابی واشتغال کشور از طریق سیستم مخابراتی سرتاسری برقرار گردیده و آمار واطلاعات لازم در این زمینه جمع‌آوری می‌گردد. همچنین اعتباری جهت خرید دستگاههای رادیو و تلکس به منظور ارتباط با مراکزی که امکان تماس با آنها از طریق شبکه فوق میسر نیست اختصاص داده شده که پس از جلب‌موافقت‌سازمانهای‌مربوط، این‌دستگاهها خریداری ومورد بهره‌برداری قرار خواهند گرفت.

همچنین در طی سال گذشته برای آزمایش ، یکهزار نفر کارگر بین مناطق تهران ، کرمانشاه ، قزوین ، خرمشهر ، آبادان، اهواز، بندربوشهر وکاشان جابجا شده‌اند. باتوجه به‌نتایج‌رضایت‌بخش اقدامات مذکور دستورالعملهای لازم برای اقدامات وسیع در این زمینه آماده شده است.

مادهٔ ۳ــ قطعنامه تصریح می‌کند که برای تنظیم امور اشتغال و استقرار تعادل در عرضه وتقاضای نیروی‌کار ونقل‌و انتقالات کارگری، تهیه و تصویب مقررات خاص ضرور است. هنگام تدوین این‌قوانین توصیه می‌شود که اعلام اجباری محلهای خالی شغل واستخدام از طریق مراکز کاریابی و ایجاد یك شورای عالی‌مرکزی وشوراهای‌منطقه‌یی اشتغال پیش‌بینی گردد. این شوراها که سه جانبه خواهد بود با شرکت مقامات مربوط ومسؤولان اجرای برنامه‌های آموزشی و نمایندگان سازمانهای کارگری وکارفرمایی ومسؤولان خدمات اشتغال تشکیل می‌شود.

در مورد اعلام اجباری محلهای خالی شغل‌و استخدام از طریق مراکز کاریابی و اشتغال، نظر براینستکه با شمول بیشتر طبقه بندی مشاغل درکارگاههای متوسط وبزرگ واز طریق دادن سرویس‌های مورد نیاز بخش خصوصی از قبیل آموزش حرفه‌یی و کاریابی، موقعیتی فراهم‌گردد تااین واحدها نیازهای نیروی انسانی خود را از طریق مراکز کاریابی و اشتغال وزارت کار وامور اجتماعی تأمین‌کنند .

ضمناً باتوجه به سیاست عدم تمرکز در برنامهٔ عمرانی پنجم و با در نظر گرفتن هدفهای اشتغال در سطح منطقه‌یی ، کمیته‌های اشتغال با اختیارات لازم زیر نظر استاندار و با شرکت نمایندهٔ وزارت کار و امور اجتماعی، رئیس دفتر برنامه ریزی و بودجهٔ استان، نمایندهٔ سازمان اموراداری و استخدامی کشور ونمایندگان سایرسازمانهای مربوط به‌بخش عمومی وخصوصی برپا می‌شود.

در ماده ٤ قطعنامه گفته شده است: برنامه‌های آموزش کوتاه مدتی که بوسیله بخش عمومی یا بخش خصوصی، از آن جمله مؤسسات رفاهی اجرا خواهد شد، بایدباتوجه به نیاز بازار کار و از طریق همکاری‌مراکز کاریابی واشتغال انجام گیرد.

بمنظور تطبیق نیازهای بازار کار با برنامه‌های آموزشی کوتاه مدت ، به مأموران شبکهٔ کاریابی کشور که مسؤول ارتباط با کارفرمایان هستند دستور داده شده است در تماسهایی که با کارفرمایان می‌یابند، نیازهای آموزشی آنانرا بررسی‌کنند تاباهمکاری

مراکز اموزش حرفه‌یی وزارت کار وامور اجتماعی و صندوق کارآموزی، اقدامات لازم برای آموزش نیروهای انسانی مورد نیاز بازار کار در بخش صنایع انجام گیرد.

گذشته از این، ضمن تعیین مراکز رفاه خانواده جهت برپا کردن کلاسهای آموزشی اقدام به آموزشهای کوتاه مدت زنان ونو جوانان شده، و تلاش می‌شود آن سلسله آموزشهایی مدنظر قرار گیرد که پس از دورهٔ آموزشی، امکان اشتغال آنها افزونتر باشد. باین منظور گزارش‌های بازار کار بررسی ومشاغل مشخص گردیده و هم‌اکنون براین روش مراکز رفاه خانواده سازمان زنان به آموزش مشغولند.

ضمناً دو واحد آموزش حرفه‌یی و اشتغال وزارت کار وامور اجتماعی از نظر اطلاع مراکز تعلیماتی از نیازهای بازارکار تماس مستمر و همکاری دارند ودر برنامه‌های تنظیمی معرفی کارآموزان از طرف مراکز کاریابی مطرح و مورد توجه قرار می‌گیرد.

ماده ٥ ــ قطعنامه صراحت دارد که «تدوین فرهنگ ملی مشاغل توسط وزارت کار وامور اجتماعی بامشارکت وزارت علوم و آموزش عالی‌و وزارت آموزش وپرورش به منظور استقرار رابطه مستقیم میان وقایع عینی بازارکار ومحتوی برنامه‌های آموزشی کشور ضرور است.

درتعقیب‌این‌هدف، کمیته‌یی‌ازمتخصصان وکارشناسان ورزیده در این زمینه به‌منظور تعیین زمینه‌های تحقیق و نظارت کامل بر تهیه واجرای طرح و تدوین فرهنگ ملی مشاغل، برپا شده است.

گذشته از این، قسمتی ازفرهنگ بین‌المللی مشاغل تجدید نظر شده درسال ۱۹٦۸ بعنوان اساس کار وانتخاب عناوین مناسب برای هر شغل باتوجه به محتوی وظائف شغلی آنها ترجمه شده است.

همچنین دستورالعمل تهیهٔ فرهنگ ملی مشاغل که توسط سازمان بین‌المللی کار بادر نظرگرفتن تجارب‌سایر کشورهادراین زمینه‌بررسی‌وتهیه‌شده‌طرح‌مقدماتی،تحقیقاتی واجرایی فرهنگ ملی مشاغل شامل مراحل زیر تهیه گردیده است:

ــ انجام مطالعات و تعیین اولویت بررسی مشاغل در صنایع وفعالیتهای‌مختلف.

ــ تعیین محتوی مشاغل ملی.

ــ ترکیب اطلاعات بدست آمده جهت یافتن تعریف دقیق و جامع از هر شغل.

ــ مقایسهٔ تعاریف‌بدست‌آمده با محتوی وظائف مشاغل مندرج در فرهنگ بین‌المللی وانتخاب عناوین مناسب برای مشاغل وکد گذاری آنها به‌منظور امکان‌مقایسه باکدهای بین‌المللی.

ــ تشکیل کمیته‌یی ازکارشناسان اداره کل اشتغال به‌منظور تجدید نظر ودرصورت لزوم تغییر شرح مشاغل باتوجه به تغییر روشهای کار در اثر توسعهٔ تکنولوژی.

ــ مقدمات امر در این زمینه توسط وزارت کار وامور اجتماعی فراهم می‌گردد تابرمبنای نتایج بدست آمده با همکاری وزارتخانه‌های مربوط اقدام نهایی انجام شود.

عرضه و تقاضای کار

ماده ٦ ــ قطعنامه می‌گوید: بمنظور آگاهی بیشتر از کمیت و کیفیت عرضه و تقاضای کار ونیل به‌هدف اشتغال تام لازمست برنامه‌های بلند مدت تنظیم گردد به‌طرزی که هرسال برنامهٔ پنجسال آینده تهیه وارائه شود. گذشته از این، به‌منظور تعیین حدود وتحقق هدفهای سیاست اشتغال ، لازم است در هر سال وضع اشتغال ازطریق آمارگیری های وسیع نیروی انسانی ارزیابی شود و اطلاعات بدست آمده از مراکز کاریابی و اشتغال مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

ضرورت تدوین برنامه‌های‌سالانه اشتغال در چهار چوب برنامه‌های سالانه عمرانی مورد توجه وزارت کار قرار گرفته است‌و گزارشهای بازار کار که بطور مستمر منتشر شده موقعیت بازار کار را بطور معینی در هر زمان مشخص کرده است. این گزارشها سال بسال باتوجه به تعداد مراکز کاریابی واشتغال جامعتر می‌شود و از نظر گرفتن تصمیم‌های اقتصادی واجتماعی‌اعتبار بیشتری می‌یابد.

بمنظور شناسایی دقیق‌نیروی کارمشاغل کشور لازم‌است برای‌همهٔ کارگران شناسنامه کارگری حاوی مشخصات اساسی کارگر تهیه شود. این توصیه مادهٔ هفتم قطعنامهٔ پنجمین کنفرانس ملی کار است.

در این مورد با استفاده از نظرات کارشناسان خارجی وهمچنین مطالعه و اقدامات کشورهایی که در این زمینه دارای تجارب کافی هستند، بررسیهایی بعمل آمده است تا از اقدامی که‌معمول می‌گردد، نتیجه مطلوب حاصل شود.

مادهٔ ۸ــ قطعنامه تصریح می‌کند که با توجه به اهمیت مسألهٔ اشتغال فارغ‌التحصیلان لازم است کیفیت آموزش عالی با نیازهای بازار کار دقیقاًتحت نظارت‌قرار گیرد و در مورد کاریابی واشتغال این‌افراد برنامه جامعی توسط وزارت کار وامور اجتماعی و با همکاری وزارت علوم و آموزش عالی تنظیم واجرا شود.

در چهارچوب فعالیت شبکه کاریابی و اشتغال‌کشور وباجمع‌آوری اطلاعات مربوط به‌نیازهای بازارکار وعرضه فارغ‌التحصیلان عالی و باتوجه به‌فعالیت‌های شورایعالی هماهنگی فارغ‌التحصیلان خارج و کمیته مرکزی اشتغال اقدامات لازم معمول شده و خواهد شد.

ضمناً وزارت علوم وآموزش عالی اعلام داشته است که باید در تنظیم برنامه‌های آموزش مدارس عالی با سازمانهای دولتی که به‌استخدام فارغ‌التحصیلان آن رشته‌ها می‌پردازند تبادل‌نظر بعمل آید وبرنامه‌های آموزشی بانظر آنها تهیه شود.

برقراری نظم بیمه بیکاری

در ماده ۹ قطعنامه آمده است که بمنظور برقراری نظم بیمه بیکاری باید بررسیها و تحقیقات لازم بعمل آید و برمبنای نتایج بدست آمده مقررات بیمه بیکاری تدوین و نتایج حاصل در اجلاس آتی کنفرانس مطرح گردد.

برای اجرای این طرح، واحدی‌مرکب از چند کارشناس جهت تمرکز مطالعات‌و تحقیقات بیمهٔ بیکاری وانجام همهٔ اقدامات لازم اداری در این زمینه تشکیل شده و همچنین یك شورای هماهنگ کننده بنام شورای تحقیق بیمهٔ بیکاری و دو کمیته حقوقی و طرح وبرنامه متشکل از صاحب‌نظران و کارشناسان فنی در جهت تهیه و تدوین طرح و مقررات بیمه بیکاری تشکیل گردیده است.

گذشته از این، متون و قوانین مربوط به بیمه بیکاری در سایر کشورها، به‌منظور انجام مطالعات تطبیقی و گزینش مناسبترین طرح باتوجه به‌شرایط موجود کشور ترجمه شده ، واز خصوصیات جویندگان کار ــ که قبلا شاغل بوده‌اند ، آمارگیری شده و شناخت علل برکناری آنان از کار براساس کارتهای موجود در مراکز کاریابی مورد مطالعه قرار گرفته است.

همچنین اطلاعات لازم در زمینه‌شناخت کمی و کیفی بیکارانی که قبلا شاغل‌بوده‌اند براساس اطلاعات گردآوری شده درسالهای ٤۸، ٤۹، ٥۰ ، ٥۱ اداره کل آمار ونیروی انسانی استخراج شده و طرح مقدماتی‌بیمه بیکاری باتوجه به شرایط موجود کشور و تدوین مقررات مربوطه در دست تهیه است و همچنین در زمینهٔ استفاده از همکاری و خدمات یکنفر کارشناس سازمان بین‌المللی کار اقدام شده است.

افزایش سطح سواد ومهارت کارگران

مادهٔ ۱۰ــ می‌گوید: در زمینه آموزش حرفه‌یی واجتماعی وافزایش سطح سواد و مهارت کارگران زن و نیز تشویق آنان به مشارکت در فعالیتهای سندیکایی و تعاونی باید اقدامات لازم انجام گیرد.

در این زمینه بامعرفی کارگاههایی که زنان بیسواد در آنها بکار اشتغال دارند کلاسهای مخصوص برپا می‌شود ، تعداد کارگران زنی که تاپایان سال ۱۳٥۲ به کلاسهای سوادآموزی راهنمایی شده‌اند ۳٤٦۸ نفربوده‌است وتاکنون ٤٤٥٤ نفر از کارگران‌زن‌موفق به‌اخذ گواهینامه شده‌اند.

در مورد تشویق زنان به فعالیتهای سندیکایی و تعاونی اقدام لازم از طریق سازمان کارگران ایران انجام می‌گیرد. گذشته‌ازاین، بامراجعه بکارخانه‌ها، جلساتی

به منظور آشنایی زنان به حقوق اجتماعی خودشان برپا شده است و بیش از ۲۰ نفر از زنان کارگر در فعالیتهای سندیکایی توفیق داشته‌اند که در سمتهای رئیس‌هیأت، نایب رئیس، خزانه‌دار و عضو علی‌البدل مشغول فعالیت باشند.

کارشناسان وزارت کار وامور اجتماعی به‌کارگاهها مراجعه می‌کنند و درباره فوائد واثرات تعاون در پیشرفت وضع اقتصادی واجتماعی ورفاه کارگران سخنرانی خواهند کرد. درکارگاههایی که‌کارگر زن دارند، زنان اقدام به خرید سهام شرکت تعاونی کرده‌اند و در تأسیس شرکت تعاونی کارگاه خود با کارگران دیگر همکاری نزدیك دارند. جز اینکه کارگران زن بیشتر بعلت مسؤولیت‌های خانوادگی از لحاظ شرکت در ادارهٔ امور شرکتهای تعاونی، امکانات کمتری دارند. آموزش حرفه‌یی کارگران‌از لحاظ کمی و کیفی در یك نظم رضایتبخش توسعه و گسترش می‌یابد. در سال جاری مرکز آموزش حرفه‌یی تبریز کار خود را آغاز می‌کند و ساختمان مراکز آموزش حرفه‌یی تربیت مربیان در کرمان، سمنان، همدان، قزوین، زاهدان و بندر عباس آغاز می‌گردد . در این مراکز زنان در حدود استعداد و توانایی خود در رشته‌هایی نظیر تعمیرات رادیو و تلویزیون و نقشه‌کشی پذیرفته می‌شوند و در آیندهٔ نزدیك در رشته‌های جدید ادارهٔ ماشینهای ریسندگی وبافندگی نیز تحت تعلیم قرار خواهند گرفت.

ضمناً سازمان کارگران ایران اعلام داشته‌است که ازمیان‌زنان کارگر کارگاههای مختلف تهران ، مخصوصاً کارگاههای الکترونیك و داروسازی رابطهایی انتخاب وبرای آنها جلسات هفتگی برپا کرده‌اند و بوسیلهٔ کارشناسان مربوط، به‌آنهاآموزش داده می‌شود.

همچنین از طرف اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی در زمینهٔ تشویق کارگران زن‌به‌شرکت‌درفعالیتهای سندیکایی اقدامات ارشادی لازم انجام می‌شود.

مؤسسهٔ کار وتأمین اجتماعی اعلام داشته است که در همهٔ برنامه‌های آموزشی اعم از آموزش مسائل سندیکایی، شرکتهای تعاونی وتنظیم خانوادهٔ مؤسسه مذکور، زنان همگام با مردان شرکت می‌کنند و کوشش می‌شود در آینده تعداد بیشتری در این برنامه‌ها شرکت کنند.

توسعهٔ اشتغال زنان

در مادهٔ ۱۱ تصریح شده است که به منظور شناخت فعالیتهای اقتصادی که امکان استفاده ازخدمات زنان در آنها بیشتر فراهم است‌لازم است باهمکاری‌سازمانهای مربوط‌به زنان، بررسیهای‌مقتضی انجام‌گیردوامکانات آموزشی با همکاری وزارت کار وامور اجتماعی در این زمینه‌ها برای زنان توسعه داده شود تا مبانی منطقی برای توسعهٔ اشتغال زنان فراهم آید.

در زمینه استفاده از خدمات زنان، با سازمان زنان ایران مذاکرات و تبادل‌نظر بعمل می‌آید و در مراکز تعلیمات حرفه‌یی در رشته‌هایی که امکان فعالیت بانوان‌وجود دارد نظیر رشتهٔ نقشه‌کشی و الکترونیك کارآموزان زن پذیرفته می‌شوند.

ضمناً سازمان کارگران ایران نیز اعلام داشته است که همهٔ نمایندگان کارگرانی که از میان زنان انتخاب می‌شوند به‌مؤسسه کار وتأمین اجتماعی اعزام می‌شوند و دوره‌های کلاسهای کوتاه مدت و دراز مدت طی‌می‌کنند. دختران جوان و فرزندان کارگر در آموزشگاههای حرفه‌یی وزارت کار وامور اجتماعی ثبت‌نام می‌کنند و دوره‌های مربوط را می‌گذرانند تابتوانند درکارگاهها مشغول شوند. همه زنانیکه برای ارجاع کار به‌این سازمان مراجعه می‌کنند به‌مؤسسات کاریابی وزارت کار وامور اجتماعی معرفی می‌شوند واز لحاظ اشتغال زنان، تاکنون موفقیتهایی بدست آمده است.

در مادهٔ ۱۲ قطعنامه گفته شده‌است که: بمنظورارتقاء منطقی‌سطح حمایتهای‌اجتماعی از کارگران زن وبه‌لحاظ ممیزات‌طبیعی که دارا هستند لازم است باهمکاری کارفرمایان تدابیر مقتضی اتخاذ شود و در مقررات مربوط تجدید نظر بعمل آید.

باتشکیل کمیتهٔ رسیدگی به مسائل اجتماعی زنان‌کارگر مرکب از نمایندگان دولت، کارفرما و کارگر در مورد ارتقاء سطح حمایت‌های اجتماعی کارگران زن کوشش بعمل آمده است که نتایج حاصله از کار کمیته که‌بطور مستمرادامه خواهدداشت به‌صورت راه حل‌هایی ارائه گردد تا در صورت لزوم در مقررات مربوط تجدیدنظر بعمل آید.

ارتقاء سطح رفاه خانواده

مادهٔ ۱۳ قطعنامه تصریح دارد که به منظور افزایش میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و ارتقاء سطح رفاه خانواده لازم است‌برنامه‌های بهداشت وتنظیم خانواده توسعه و گسترش یابد.

در این زمینه با همکاری سازمانهای مربوط کوشش شده است پوشش آموزش لازم، در سطح کشور گسترش یابد. اقدامات عملی که تاکنون صورت گرفته از این‌قرار است:

ـ تربیت مددیار کارگاه طی دو دوره به ترتیب ٤ ماهه و ۲ ماهه از طریق تشکیل کلاس آموزش مسؤولان امور اجتماعی کارگاهها و نیز باهمکاری مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، تعداد ٦١ نفر از کارکنان دیپلمه به بالای کارگاههای سراسر کشور آموزش فنون وتدابیراجرایی اموراجتماعی کارگاه را دیده‌اند که پس از دریافت گواهینامه با کارگاههای معرفی کنندهٔ‌آنها مکاتبه بعمل آمده تا آنانرا در سمتهای‌امور اجتماعی بکار گمارند.

ـ برگزاری سمینار (۲۷ ـ ۳۰ شهریور ماه) مرکب از مسؤولان امور اجتماعی کارگاههایی که در سال گذشته از نخستین کلاس مددیاری کارگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند برای شناخت مشکلات وتبادل‌تجارب حاصله ودریافت نتیجه لازم.

ـ آموزش ازطریق نمایش فیلم واسلاید باهمکاری وزارت فرهنگ و هنر.

ـ آموزش بهداشت و تنظیم خانواده.

ـ تشکیل ۲۸ دوره کلاس ۵۰ ـ ۷۰ نفری در کارخانه‌ها وتشریح راهها واصول رعایت بهداشت وتنظیم خانواده برای ٦۰۵۰ نفر همراه بانمایش فیلم.

ـ آموزش ازطریق تنظیم دستورالعمل، بروشور و جزوه راهنما.

ـ ارسال ۱۰۵۰ جلد راهنمای ایجاد تسهیلات و تأسیسات رفاهی به‌واحدهای صنعتی و تولیدی برای بکار بستن آنها در توسعه و تکمیل تأسیسات رفاهی.

گذشته ازاین،سازمان بیمه‌های اجتماعی درزمینهٔ گسترش برنامه‌های بهداشت وتنظیم خانواده در سال ۵۲ اقدامات زیر را معمول داشته است:

در سال ۵۱ هشت مرکز بهداشت و تنظیم خانواده در تهران و دو مرکز درمحل کارخانه‌های فخر ایران ومقدم (در ۸۵ کیلومتری جاده قزوین) و شهرستانهای مشهد، شیراز، اصفهان، آبادان ، اهواز، رشت، تبریز، کرمان، کرج، رضائیه، کرمانشاه، یزد، بندر عباس، بندر بوشهر، بندر پهلوی، بهشهر، قزوین، همدان، اراك، ورامین، تربت حیدریه، نیشابور و قم وجود داشت که اقدام مذکور در سال ۵۲ بشرح ذیل گسترش داده شده است:

در تهران پنج مرکز بهداشت و تنظیم خانواده به مراکز سابق اضافه شد.

در محل کارخانه‌های ارج یك مرکز بهداشت ایجاد گردید.

در شهرستانهای ساری، شاهی، چالوس، لاهیجان ، دزفول، مسجد سلیمان، زاهدان، خرم‌آباد نیز در سال ۵۲ مرکز بهداشت و تنظیم خانواده دایر گردیده است.

باکمك سپاهیان کار که‌از طرف‌وزارت کار وامور اجتماعی در اختیار سازمان قرار گرفت (و تعداد آنها بیست نفراست) مراکز بهداشت و تنظیم خانواده کوچکی در محل درمانگاههای تهران و درمانگاه شمارهٔ ۱ مشهد دایر گردیده است. سپاهیان مذکور نیز زیر نظر مامای درمانگاه انجام وظیفه می‌کنند.

ـ در مورد آموزش بهداشت و تنظیم

صفحه چهل و نهم

خانواده گروههای آموزشی بهداشت وتنظیم خانواده درسال ۵۲ آموزش باایراد سخنرانی ونمایش فیلم را در ۵۱۸ کارخانه انجام داده‌اند. تعداد کلاسها از ۱٤۱٦ در سال ۵۱ به ۱٦۹٦ درآخر اسفند ۵۲ افزایش یافته است. همچنین در سال ۵۲ بیش از ده جلسه برنامه آموزشی از برنامه‌کارگران رادیو و تلویزیون پخش گردیده است . بعلاوه کلیه مراکز بهداشت و تنظیم خانواده بطور دائم هر هفته دو کلاس برای زنان بیمه شده در محل درمانگاهها برپا می‌کنند که در آن پزشکان و ماماها بیمه شدگان را در مورد بهداشت مادر و کودك و تنظیم خانواده راهنمایی می‌کنند.

ــ تعداد مراجعان به مراکز بهداشت وتنظیم خانواده درسال ۵۲ به ۳۸۵٦۵٦نفر رسیده است.

ــ در سال ۵۲ سازمان بیمه‌های‌اجتماعی گروهی را از کادر تنظیم خانواده مأمور تحقیق درمورد مسائل‌جمعیتی‌کرد. تحقیقات بعمل آمده در اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده در سازمان بسیار مؤثر بوده است.

ــ برای نجات زنانیکه به‌سرطان رحم تهدید می‌شوند مدیریت بهداشت در محل درمانگاه هشت بخش اسمیر دایر کرده است که از اول سال ۵۳ همهٔ زنان بیمه شده‌یی که به مراکز بهداشت مراجعه می‌کنند در صورت مشکوك بودن به‌این بخش معرفی می‌شوند. این بخش باهمکاری انستیتو تاج پهلوی ، بیمه شدگان را آزمایش می‌کنند. در مراکز بهداشت مشهد، رشت، شیراز نیز اسمیر تست انجام می‌شود.

ــ همهٔ فعالیتهای تنظیم خانواده در سازمان بیمه‌های اجتماعی همراه برنامه‌های بهداشت مادر وکودك است ودر تمام مراکز بهداشت و تنظیم خانواده کودکان بزیان بیماریهای واگیر واکسینه شده و مادران را در امر تغذیه راهنمایی می‌کنند.

مؤسسهٔ کار و تأمین اجتماعی نیز در سال گذشته ۸ دورهٔ آموزشی اختصاصی ترتیب داده است.

در مادهٔ ۱٤ قطعنامه گفته شده : «لازم است در واحدهای صنعتی وتولیدی تأسیسات رفاهی‌بویژه مهدهای‌کودك وشیرخوارگاهها ایجاد و توسعه یابد و در نواحی کارگرنشین واجتماعات صنعتی، مراکز خدمات اجتماعی چند وظیفه‌یی و مهدهای کودك بوجودآید.

گذشته از این، پیگیری احداث‌مراکز رفاهی (شیرخوارگاه، مهد کودك) در کارگاهها و یا جوار آنها نسبت به‌ایجاد مراکز چند وظیفه‌یی و مهدهای کودك در داخل مراکز رفاه خانواده که در نقاط کارگر نشین ایجاد می‌گردد اقدام‌شده است.

اشتغال مستمر کارگران ساختمانی

به‌منظور کاهش دوره‌های بیکاری و حصول اشتغال مستمر درفعالیتهای ساختمانی لازم‌است برنامه‌های ساختمانی ازلحاظ‌تسلسل زمانی وتوزیع منطقه‌یی باهمکاری سازمان برنامه و وزارت کار وامور اجتماعی و مؤسسات اجرایی، طرحهای ساختمانی و سازمانهای کارفرمایی و کارگری مربوط هماهنگ گردد.این پیشنهادمادهٔ ۱۵ قطعنامه است.

در تعقیب این پیشنهاد جلسه‌یی با حضور گروههای خاصی از کارشناسان خدمات و اشتغال ، به‌منظور ایجاد ارتباط با مسؤولان طرحهای اجرایی ساختمانی در سراسر کشور و سندیکای کارگران ساختمانی از طریق شبکه کاریابی واشتغال کشورتشکیل‌شده وکمیته هماهنگی طرحهای ساختمانی درسازمان برنامه درجهت تعیین خطمشی برای استفاده از امکانات این طرحها در مناطق مختلف کشور وایجاد هماهنگی و زمینه کافی برای اشتغال مستمر کارگران ساختمانی نیز برپاشده است.

در جلسهٔ هشتم بهمن ماه ۵۲ کمیتهٔ مذکور که با شرکت نمایندگان سازمان برنامه و بودجه ، وزارت آبادانی و مسکن، وزارت کار وامور اجتماعی، شرکت ملی پتروشیمی، شرکت ملی گاز و وزارت راه برپاشد، تصمیم‌های زیر گرفته شد:

باتوجه به‌اجرای طرحهای‌عظیم ساختمانی در صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، ذوب‌آهن ومس سرچشمه وفعالیتهای ساختمانی نیروهای سه‌گانهٔ ارتش شاهنشاهی و ایجاد فرودگاهها، راهها وبنادر، سدها، شبکه‌های آبیاری وایجاد مسکن و واحدهای صنعتی ومدارس ودانشگاهها در بخش عمومی و خصوصی در برنامه پنجم و کمبود نیروی کار ماهر و متخصص در کلیه رشته‌ها و سطوح و لزوم اشتغال مداوم کارگران‌بخش ساختمان و جلوگیری از بیکاری آنها وجا بجایی به‌موقع کارگران در نقاط مختلف کشور و همچنین عدم توقف پروژه‌های ساختمانی که دارای تعهدات بین‌المللی است وآموزش افراد مورد نیاز، لزوم مطالعات وبررسیهای مداوم در این بخش را تأکید می‌کند.

بدین منظور اطلاع از نیروی کار در بخش ساختمان و توزیع وپراگندگی آنها در طرحهای مختلف کشوری و در مناطق مختلف باید بدو طریق انجام پذیرد:

طریق اول اینکه همه طرحهای بزرگ ازنظر جذب تعداد افراد درزمانهای مختلف، تخصص‌های مورد نیاز ساختمانی، آغاز و انجام کار و محل جغرافیایی مورد بررسی قرار گیرد و فهرست کاملی از این نوع طرحها و مشخصات لازم تهیه گردد.

دوم اینکه پرسشنامهٔ جامعی تهیه و به موافقتنامه طرحها ضمیمه گردد و مجریان طرحها موظف شوند که اطلاعات لازم را در زمینه نیروی کار مورد نیاز در بخش ساختمانی برای دوران اجرای طرح مشخص کنند تا بتوان دست‌کم برای بخش عمومی در دورهٔ کوتاه مدت و میان مدت از نیروی کار مورد نیاز بخش ساختمان اطلاع حاصل کرد و در زمینه برآورد نیازهای بخش خصوصی نیز باید اقدامات لازم انجام شود؛

گذشته از آن تسهیلات لازم اداری در مراکز کاریابی درجهت تأمین نیروی انسانی مورد نیاز طرحهای ساختمانی فراهم شود و روشهای مؤثر به منظور کارگماری کارگران ساختمانی از طریق شناسایی و گردآوری فرصتهای اشتغال در فعالیت‌های ساختمانی اتخاذ گردد .

همچنین کمیته‌های مربوط و جلسات توجیهی بانمایندگان سازمانهای‌کارفرمایی‌و سندیکای کارگران‌ساختمانی درزمینه‌بررسی وتبادل نظر برای اتخاذ خطمشی مشخص و تدابیر مؤثر در جهت تأمین اشتغال مستمر برای این قبیل کارگران تشکیل شود ؛

ضمناً ثبت نام و تهیه کارت مشخصات وتعیین نوع مدارك تحصیلی و سطح مهارت کارگران ساختمانی عضوسندیکای کارگران ساختمانی وایجادسیستم منظم‌جهت نگهداری کارتهای مذکور توسط گروهی از کارشناسان خدمات اشتغال ضرور است .

گذشته ازاین، تشویق‌وترغیب کارگران ساختمانی برای قبول عضویت در سندیکا به منظور جلوگیری از پراگندگی و تفرق آنها برای تسهیل در بهره‌برداری از امور اشتغال باید مورد توجه قرار گیرد.

ضمناً اقدامات لازم نسبت به تعیین نسبت کارگر ماهر و متخصص و ساده در انواع ساختمانها وسهم و نقش هر کارگر در انجام کار بعمل آید.

همچنین سازمان کارگران ایران دراین مورد طی شرحی اعلام کرده است که برای ارتقاء سطح مهارت کارگران به آنان توصیه شده است که به صندوق کارآموزی ومراکز آموزشی وزارت کار وامور اجتماعی‌مراجعه کنند. گروهی ازکارگران، دوره‌های‌کوتاه مدت و کلاسهای مختلف را طی کرده گواهینامه گرفته‌اند. کلاسهای سیار صندوق کارآموزی نیز برای کارگرانی که نمی‌توانند از این دوره‌ها استفاده کنند، وجود دارد.

مادهٔ ۱٦ قطعنامه مزبورتصریح می‌کند: نظر باینکه عدم تشکل کارگران ساختمانی مانع تحقق هدف اشتغال مستمر است باید موجبات تقویت و توسعهٔ بیشتر سندیکاهای کارگری ساختمانی فراهم شود.

در این زمینه سازمان کارگران طی شرحی اعلام کرده است که در حال حاضر به‌توصیهٔ این سازمان سندیکاهای مختلف کارگران ساختمانی در استان مرکز مبادرت به تشکیل اتحادیه کرده واتحادیه آنان‌ثبت گردیده است. در مراکز استانها وشهرستانها نیز اقداماتی در جریان است که کارگران

ساختمانی برای خود سندیکا تشکیل‌دهند. ضمناً سازمان کارگران پیشنهاد کرده است که به ادارات کار وامور اجتماعی توصیه شود که با همکاری شعب سازمان مذکور برای تشکیل‌سندیکاهای کارگری باسندیکاهای کارفرمایی قراردادی منعقد کنند که سندیکاهای کارفرمایی نیازمندیهای نیروی انسانی خودرا ازطریق سندیکاهای کارگری ساختمانی تأمین کنند و یادآور گردیده‌است که برای اجرای منظور فوق باید ترتیبی داده شود که برای همهٔ کارگران ساختمانی از طریق شبکه‌های کاریابی نوعی کارتهای شناسایی که شامل مشخصات و نوع مهارت کارگرباشد، آماده‌شود. همکاری‌شهرداریها، وزارت آبادانی‌ومسکن، وزارت‌راه وسازمان برنامه بخصوص انجمن‌های شهرستان دراین مورد نهایت ضرورت را دارد.

مادهٔ ۱۷ قطعنامه گفته است : سازمان‌های اجرایی طرحهای‌ساختمانی وپیمانکاران ساختمانی، واتحادیه‌های صنفی مربوط به امور ساختمانی موظف شوند سه ماه پیش از پایان هرمرحله از کار فهرستی مشتمل بر تعداد کارگرانیکه بیکار خواهند شد باذکر مهارت آنان تهیه ودر اختیار مراکز اشتغال وکاریابی قرار دهند و همچنین نیازهای استخدامی لازم را از طریق این مراکز و باهمکاری سندیکاهای کارگری تأمین کنند.

در این زمینه اقدامات زیر انجام یافته است:

ـ ایجاد زمینهٔ مساعد برای همکاری سازمانهای اجرایی و پیمانکاران واتحادیه‌های صنفی مربوط به امور ساختمانی برای اعلام فرصتهای اشتغال به مراکز کاریابی و اشتغال .

ـ جلب همکاری مجریان طرحهای ساختمانی و پیمانکاران مربوط بطوریکه پیش ازپایان یافتن عملیات‌هرطرح مشخصات کارگرانی را که از خدمت منفصل خواهند شد با ذکر تخصص و مهارت آنها به مراکز کاریابی واشتغال درسراسرکشور اعلام کنند تامراکز کاریابی و اشتغال در این فرصت موجبات اشتغال به کار این کارگران را در عملیات ساختمانی درطرحهای دیگر فراهم سازند.

حمایت‌از کارگران ساختمانی

بمنظور حمایت بیشتر از کارگران ساختمانی لازم است در مقررات کار وبیمه‌های اجتماعی تغییرات لازم داده شود تا به تدریج همهٔ کارگران ساختمانی ازحمایتهای قانونی و مزایای بیمه‌های اجتماعی بطور عادلانه برخوردار گردند. این توصیهٔ مادهٔ ۱۸ قطعنامه است.

قانون بیمه‌اجباری کارگران ساختمانی پس از تصویب مجلسین به توشیح مبارك ملوکانه رسیده، واردمرحله اجرایی گردیده است. بموجب این قانون کارگران شاغل در کارهای ساختمانی اعم از ایجاد ساختمان یا توسعه ساختمان و یا تجدید بنا وتخریب مربوط به آن به‌ترتیب مندرج در این قانون نزد سازمان بیمه‌های اجتماعی در مقابل حوادث ناشی از کار بیمه خواهند شد.

در مورد کارگران مشمول قانون فوق بخشنامه‌یی به‌شرح زیر صادر گردیده است:

حق بیمه آندسته از کارگران شاغل در امور ساختمانی مؤسسات دولتی و وابسته به دولت که انجام کار از طریق مقاطعه‌کار به پیمانکار واگذار می‌گردد باتوجه به‌مادهٔ ۲۹ قانون بیمه‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و کارگران مذکور از مزایای بیمه‌های اجتماعی برخوردار می‌شوند.

اینك به منظور رفع تبعیض میان گروه مذکور و افرادیکه توسط کارفرمای اصلی بکار گمارده می‌شوند. و فراهم کردن‌امکان استفادهٔ همه کارگران شاغل در فعالیتهای ساختمانی از مزایای بیمه‌های اجتماعی در اجرای مادهٔ ۵ قانون بیمه‌های اجتماعی از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۵۳ کارگران ساختمانی و همهٔ فعالیتهای وابسته به‌امور ساختمانی وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و وابسته‌به‌دولت، شرکتهای‌دولتی، شهرداریها، مؤسسات خیریه وعام‌المنفعه اعم از اینکه کارهای مربوط تحت نظارت کارفرمای اصلی و یا بوسیله پیمانکار انجام شود مشمول مقررات بیمه کامل ۱۸٪ (۵٪ سهم بیمه شده و ۱۳٪ کارفرما) قرار گرفته‌اند.

تهیه استانداردهای آموزشی

ماده ۱۹ قطعنامه می‌گوید: بمنظور رفع نیازمندیهای رشته ساختمان از لحاظ‌نیروی انسانی متخصص لازم است سازمانهای مربوط بخصوص صندوق کارآموزی ، برنامه‌های خود را به نحوی تنظیم و اجرا کنند که امکانات اجرای برنامه‌های ساختمانی بطور مطلوب فراهم گردد. ضمن همکاریهای همه جانبه‌یی که‌باسندیکاهای شرکتهای ساختمانی و سندیکای کارگران ساختمانی بعمل‌آمد با در نظر گرفتن اینکه کارگران ساختمانی بعلت پراگندگی کار و فصلی بودن کارهای ساختمانی نمی‌توانند جای ثابت‌ومعینی داشته باشند. این نتیجه بدست آمد که اصولالازم است کارگر ساختمانی را در حین انجام کار و در نزدیکی کارگاه مربوط به او آموزش داده، موجبات تکمیل مهارت اورا فراهم ساخت.

برای تهیه استانداردهای آموزشی و مهارت ، در طی بیش از ۱۰۰ جلسه ودعوت بیش از ۱۵۰ کارشناس متفرقه که از سندیکاهای کارگری تا سندیکای شرکتهای ساختمانی واستاد دانشگاه و کارشناسان آزاد ساختمانی بعمل آمده بود ، برحسب اولویت بازار آزاد، استانداردهای مهارت در مورد رشته‌های زیر تهیه و توزیع گردیده است:

بنای سفت کار ـ بتن‌کار ـ اسکلت سازـ آرماتوربند ـ کاشی کار ـ گچ‌کار سیم‌کش ـ گچ‌بر ـ نقاش ساختمان ـ بند کش ـ نجار و دروپنجره ـ قالب‌بند ـ لوله‌کش ـ داربست فلزی ـ پیمانکار ـ سنگ‌کار ـ راننده بیل مکانیکی ـ راننده بلدوزر ـ راننده لودر ـ رانندهٔ اسکریپرـ راننده گریدرـ راننده‌غلطك ـ راننده‌دامپر سرویسکار ـ ماشین‌آلات سنگین وتعمیرکار ماشین‌آلات سنگین.

در مورد پیاده کردن استانداردهای مهارت در سطح کارگری ضمن تماس با شرکتهای ساختمانی و سندیکای کارگران مربوط نتیجه بدست آمده حاکی ازین مطلب بود که تنها می‌توان به‌کارگاه مراجعه و در حین‌کار کارگرباو همکاری آموزشی‌کرد.

نظر به‌اینکه شرکتهای ساختمانی به‌علت داشتن پروژه‌های بزرگ راهسازی وداشتن ماشین‌آلات سنگین نیاز زیادتر به‌راننده و سرویسکار ماهر دارند اقدامات لازم جهت آموزش‌تعدادی‌راننده وسرویسکارماهرانجام گرفته وتعداد ۱۵۰ نفر دراردکان‌یزد وبیش از ۲۰۰ نفر در شرکتهایی‌که درمسیر جاده اتوبان کرج ـ قزوین قرار دارند و نیز ۲۰۰ نفر راننده ، تعمیرکار و سرویسکار در دزفول مورد آموزش قرار گرفته‌اند.

در مورد همکاری باسندیکای کارگران ساختمانی بیش از ۸۰۰ نفر مورد آزمون قرار گرفته‌اند که از این تعداد پس از تکمیل مهارت ۵۰۰ نفر از آنان موفق به گرفتن گواهینامه مهارت شده‌اند. برای همکاری بیشتر با کارگران ساختمانی جهت آموزش در ساعات بیکاری کارگران در سندیکاهای مربوطه کلاسهای آموزشی‌نقشه خوانی، کفراژبند وبنای سفت‌کار گذاشته ودرسه دوره‌کلاسهای ۳۰ نفری آموزشهای لازم نظری و عملی تعداد ۷۵ نفر پس از پایان دوره قبول شده‌اند.

برای کارآموزی و آموزش بیشتر کارگران تعداد ۱۳ استاندارد آموزشی تهیه و جزوات آموزشی به‌زبان بسیار ساده از قبیل‌بتون کار ، ابزاربنایی، راهنمایی ایمنی لودرـ راهنمای ایمنی گریدر ـ راهنمای ایمنی بلدوزر ـ راهنمای ایمنی اسکریپر جداول تیرآهنـ تعمیرکاران ماشین‌آلات، تهیه وبه چاپ رسیده که میان کارگران مربوط توزیع گردیده است.

وزارت کار وامور اجتماعی در این زمینه همکاری‌لازم‌را باسندیکای پیمانکاران ساختمانی و صندوق کارآموزی بعمل‌آورده ویادآور شده است که‌مرکز تعلیمات‌حرفه‌یی کرج هردوره تعدادی‌کارآموزدر رشته‌های بتون آرمه ولوله‌کشی ونصب وسائل خانگی تربیت می‌کند و در مراکز جدید نیزرشته‌هایی در ارتباط با ساختمان تأسیس می‌شود.

از : عبدالله فرخی

صفحه پنجاه و یکم

دومین نمایشگاه بین‌المللی تهران

یکبار دیگر قدم به محوطه نمایشگاه عظیم ودیدنی تهران گذاردم و دوباره آخرین پدیده‌های عظیم‌صنعت مقابل‌دیدگان مردم قرار می‌گرفت. بازهم آن‌میدان‌بزرگ با فواره‌های زیبا، آن ساختمانهای عظیم و رنگارنگ و آن خیابانهای چمنکاری شده مردم را به هیجان می‌آورد. لحظهٔ اول که وارد نمایشگاه شدم تصور کردم که تمام تماشاگران از اهالی تهران هستند ولی در غرفه‌های مختلف با لهجه‌های زیبای دیگر شهرهای ایران روبرو شدم. از تمام ممالك در غرفه‌های نمایشگاه محصولاتی از آرد گرفته تاکف‌پوش وماشین‌آلات سنگین راهسازی در معرض نمایش بود. تسهیلات زیادی برای‌رفاه تماشاگران فراهم شده‌بود. غذا، نوشابه، سیگار وبستنی در کیوسکهای مختلف بفروش می‌رسید و ضمناً رستوران زیبای نمایشگاه هم از تماشاگران بگرمی پذیرایی می‌کرد. پارکینگهاپراز اتومبیل‌ها بود وتماشاگر در محوطه نمایشگاه وغرفه‌ها موج‌می‌زد. آنچه درغرفه‌های امریکا، ژاپن وآلمان تماشاگر فراوان داشت ماشینهای عظیم پارچه و تریکو بافی بود. طرز کار این ماشینها و نیز شکل ظاهری آنها بسیار جالب بود. در غرفه امریکا تجهیزات دوربین‌های عکسبرداری پزشکی‌را می‌توان نام برد. راهنمایان در مورد طرز کار و نوع استفاده از آنها توضیحات جامعی به زبانهای ایرانی وانگلیسی می‌دادند.

یکی از غرفه‌های امریکا مربوط می‌شد به‌تجهیزات و بناهایی که‌ترافیك‌هوایی را تسهیل می‌کنند والبته همه بصورت‌ماکت ساخته شده بودند. از دیگر وسائلی که در غرفه امریکا دیده می‌شد انواع ابزارهای صنعتی وپمپهای مختلف را می‌توان نام برد. غرفه جالب مربوط به یکنوع از سیگارهای امریکایی نیز تماشاگران فراوان داشت که بیشترش بچه‌ها بودند. مسؤولان این‌غرفه لباسهای فیلمهای وسترن بتن داشتند و به دیوارهای غرفه انواع هفت‌تیر ، کلاه ولباس سرخپوستان امریکا، کارد و زین و خلاصه بیشتر چیزهایی‌که درفیلمهای‌وسترن دیده می‌شود، در آنجا نصب شده بود.

غرفه ژاپن

در غرفه ژاپن انواع پارچه، ابزارهای صنعتی، وسائل گازسوز ، ظروف چینی و بخصوص صنایع الکترونیك زیاد دیده می‌شد. دستگاههای کارخانه‌های پلاستیك سازی، موتورسیکلت، پمپ‌آب واتومبیلهای زیبای ژاپنی، تماشاگر و خریدار زیاد داشت. ماکت‌های بسیارزیبای کارخانهٔذوب آهن وکشتی سازی زینت‌بخش غرفه ژاپن بود. آنچه در تمام غرفه‌ها مورد توجه قرار می‌گرفت پوسترهایی بود که مناظر شهرهای مختلف و کارخانه‌ها و مراحل مختلف آنها را نشان می‌داد.

غرفه آلمان غربی

در نمایشگاههایی که در سالهای قبل نیز تشکیل شده بود غرفه آلمان غربی از غرفه‌هایی بودکه گذشته‌از تماشاگر خریدار هم فراوان داشت. امسال هم بروال سابق اتومبیل بسیار زیبا و مجهزی متعلق به‌یکی از کارخانه‌های معروف‌اتومبیل سازی‌آلمان غربی در نمایشگاه توجهٔ بسیاری را جلب کرده بود. پوسترهایی نیز از اتوبوسهای گازسوز ساخت همان کارخانه با ذکر مشخصات بدیوار نصب بود. همچنین یك موتور کامل با ذکر همهٔ مشخصات در وسط غرفه روی پایه قرار داده شده بود. ماشین‌های عظیم بافت پارچه و تریکو که قادر هستند پارچه‌های زیبا از انواع جنسها در نقوش ورنگهای مختلف ببافند فضای زیادی را در غرفه آلمان غربی اشغال کرده بود. سایر محصولات آلمان غربی عبارت بود از ماشینهای مدرن ریخته‌گری، چرخ خیاطی، لاستیك‌های مختلف، غرفه وسائل ورزشی، انواع آچارها و ماکت زیبا از تأسیسات عظیم دارو سازی . وسائل الکتریکی و الکترونیکی.

چکسلواکی

در غرفه چکسلواکی موتور سیکلت، لوستر، انواع لاستیك، ماشینهای صنعتی و ماشین‌آلات عظیم راه‌سازی دیده می‌شد. اما دستگاه جالبی که برای عده زیادی از تماشاگران تازگی داشت دستگاهی بود که هسته گیلاس و آلبالو را بطور اتوماتیك خارج می‌کرد.

بلژیك

در غرفه نسبتاً کوچك بلژیك انواع پارچه، کف‌پوش، پوشش سقف و خلاصه وسائل تزیینی اتاق که بسیار زود نصب می‌شوند جای زیادی را اشغال کرده بود. محصولات صنایع الکترونیك نیز در این غرفه جالب بود.

سویس

در غرفه سویس انواع شیرهای صنعتی، وسائل رابطه لوله برای مصارف صنعتی ساخته شده از مواد پلاستیکی ، انواع‌وسائل الکتریکی، ماکت کارخانه‌ها وتعداد زیادی پوسترهای زیبا بچشم می‌خورد. غرفه صنایع آلومینیوم در این نمایشگاه تماشاگران زیادی داشت.

هلند

در غرفه‌هلند نظیر دوربین‌های‌پزشکی که در غرفه امریکا بود دیده می‌شد ولی جالبتر، ازغرفه‌های‌وسیع‌دیگر غرفه‌ماشین‌های صنعتی‌بود که همه بانیروی بخار کار می‌کنند وغرفه‌موادغذایی‌ولبنیات. پوسترهای بسیارزیباازشهرهای‌هلند، کارخانه‌های داخل‌شهر وفضای‌خارج شهروباغها که در تمام‌آنها باغچه‌های وسیع گل دیده می‌شد، جای خالی غرفه گل را در نمایشگاه هلندتا حدودی پر کرده بودند. وقتی غرفه گل را در نمایشگاه هلند ندیدم وجه تشابهی بین آن بانبودن غرفه ساعت در نمایشگاه سویس پیدا کردم. مسؤولان غرفه‌های مختلف در زمینه دیگری هم مشترکاً حسن‌سلیقه بخرج داده بودند و آن مسأله انتخاب راهنما بود.

غرفه عربستان سعودی

در غرفه عربستان سعودی بیش از هر چیز تصاویر خانه کعبه جلب توجه می‌کرد فرش درب ورودی خانه‌کعبه هم تماشاگران زیادی داشت. تعدادی پوستر مربوط به‌آثار باستانی ، مناظر شهرهای مختلف و نیز کارخانه‌های عربستان سعودی بدیوارهای غرفه نصب شده بود.

غرفه یوگسلاوی

انواع ماشینهای تراش یوگسلاوی که شهرتی جهانی دارد قسمت اعظم سطح غرفه را بخود اختصاص داده بود. ظروف چینی بسیار زیبا توجه بسیاری از خانمها را جلب کرده بود.محصولات‌الکتریك والکترونیك یوگسلاوی نشان می‌داد که در این رشته کشور مذکور پیشرفت مهمی کرده است.

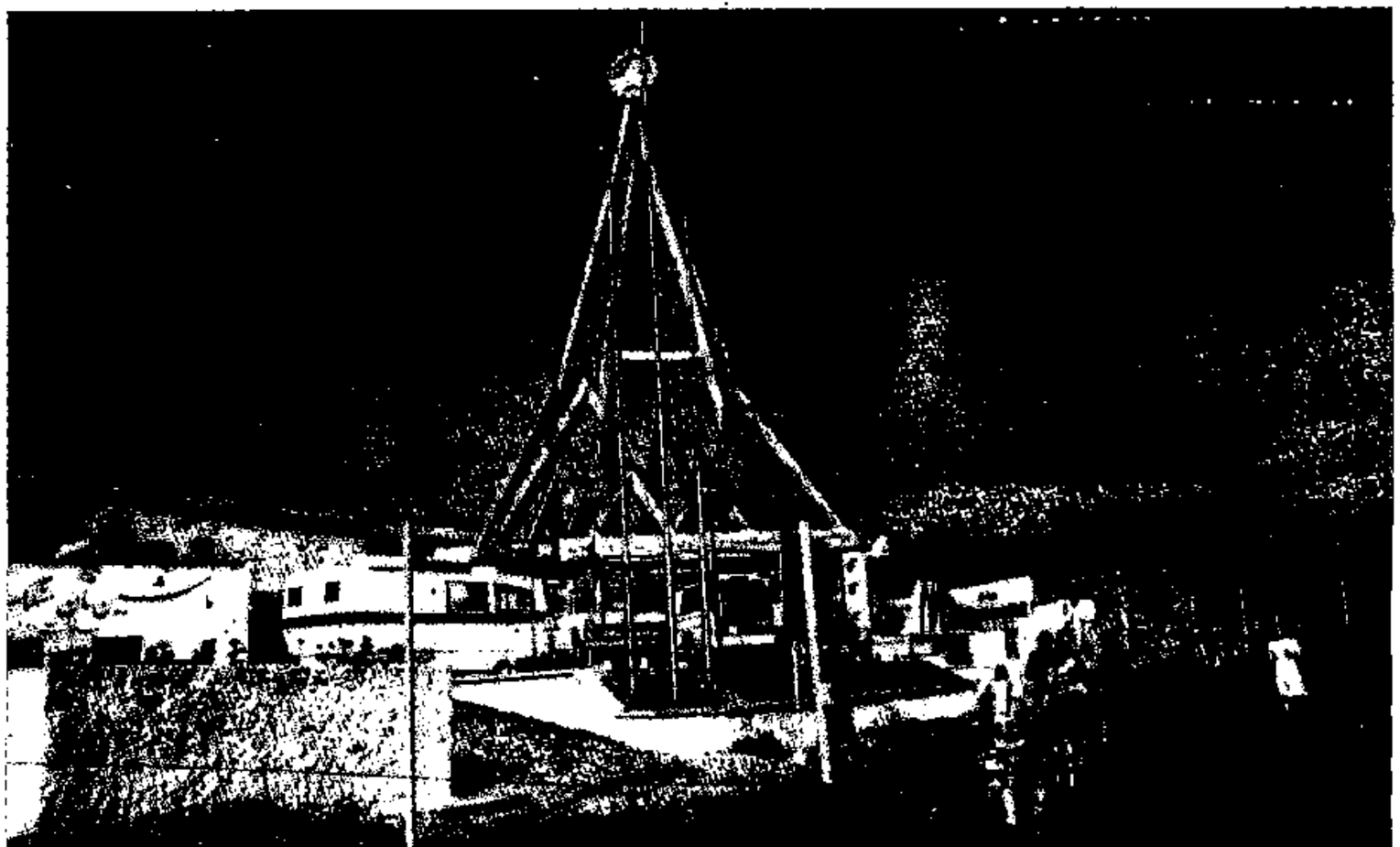

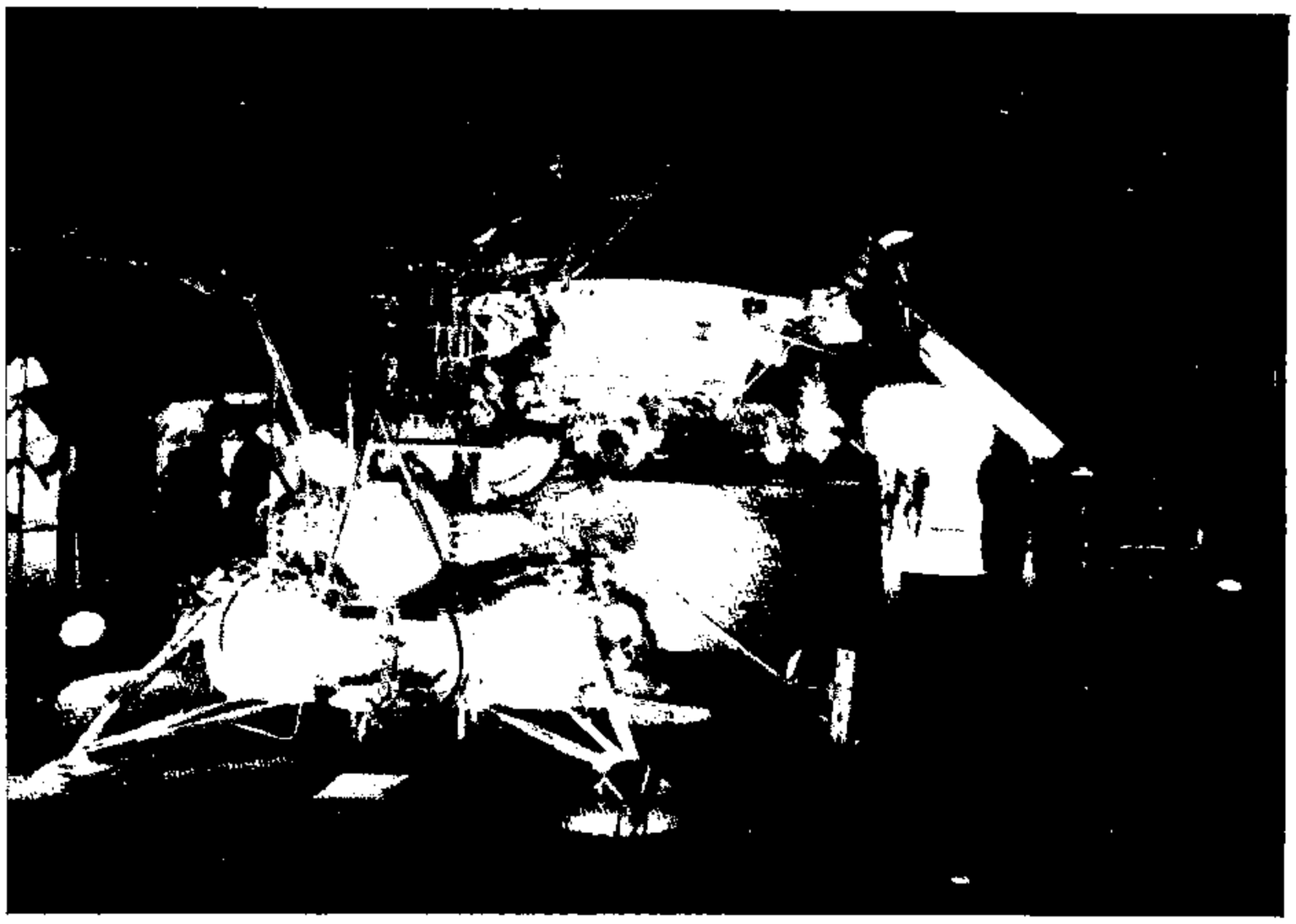

دیگر غرفه‌های اختصاص‌داشت به‌پارچه ولباسهای مختلف، لوازم ورزشی، لاستیك برای مصارف مختلف، رنگ وچسب.

رومانی

محصولات غرفه رومانی‌در بیشترموارد همان نوع محصولاتی بـود که در غرفه یوگسلاوی دیده می‌شد. انـواع ماشینهای عظیم تراش، محصولات صنایع الکتریك و الکترونیك، ظروف‌چینی، محصولات‌صنایع عظیم آلومینیوم ، انواع لاستیك، انواع دارو، لوازم آرایش، محصولات شیمیایی و انواع وسائل اندازه‌گیری نظیر ولت‌مترو آمپرمتر.

ایتالیا

در غـرفه ایتالیا ، وسائـل مختلـف توزین، ماشینهای عظیم پارچه بافی، انواع مختلف کابل، ماکت کارخانه‌های مختلف، انواع شیرهای صنعتی، دوچرخه وموتورسیکلت، انواع ماشینهای لباس‌شویی وانواع پمپ ودستگاههای جوشکاری از محصولاتی بود که بمعرض نمایش گذاشته شده بودند.

سوئد

انواع ماشینهای تایپ و حساب ساخت سوئد که شهرتی جهانی دارد ، ابزارهای صنعتی، وسائل الکتریکی ، ماکت واگنهای باری و مسافـری ساخت سوئد و انـواع فولادهای صنعتی ساخت این کشور که در نوع خود کم‌نظیر است از محصولات عرضه شده در غرفه سوئد بود.

اتریش

در غرفهٔ اتریش محصولات زیر جلب توجه می‌کرد. انواع‌دوربین، انواع‌فرمیکا، انواع وسائل ورزشی، انواع‌پمپ ودستگاه‌های جوش. لوازم‌الکتریکی‌والکترونیکی، انواع ماشینهای نجاری، ظروف چینی زیبا، انواع مختلف کف‌پوش و وسائل توزین.

جمهوری دمکراتیك آلمان

این غرفه از بهترین غرفه‌های نمایشگاه بود. محصولاتی که در این غرفه بنمایش گزارده شده بود عبارت‌بود ازانواع وسائل الکتریکی و ماشین‌آلات عظیم رشتـه‌های مختلف صنعتی از قبیل ماشینهای جوش و تراش فلز، یك ماکت زیبا از یك‌نیروگاه عظیم برق وتعـدادی ماکتهای دیگـر از کارخانه‌های مختلف، انواع ماشینهای بافت تریکو وپارچه، لوازم مختلف الکترونیکی، انـواع دوربین و میکروسکوپ، شیرهای صنعتی، موتورسیکلت در شکلها وقدرت‌های مختلف، تعداد زیادی پمپ و ماکت واگنهای مسافری و باری.

اتحاد جماهیر شوروی

می‌توان گفت غرفهٔ شوروی را غرفه ماکت بود چون بیشترین تعداد ماکت نسبت به سایر غرفه‌ها در این غرفه موجود بود، ماکتهای بسیار زیبا از کارخانه‌های عظیم و پیچیده ، تعداد زیادی پوسترهای زیبا مربوط به سفرهای فضایی، لوناخود مه‌نورد روسی و لونا ۱۶ سفینه‌یی که برسطح کره ماه فرود آمد.

دیگر محصولات شوروی عبارت بود از وسائل الکتریکی و الکترونیکی ، انواع ماشینهای فلزتراشی. ماکت‌سیستم‌استخراج، ابزارهای مختلف صنعتی، پوسترهای زیبااز شهرهای مختلف ودر تمام مدت تعـدادی تلویزیون که در غرفه شوروی نصب شـده بودند رقصهای محلی را همراه باآهنگهای شاد نشان می‌داد که سخت دل‌انگیز بـود. انواع دوربین و میکروسکوپ، صنایع طبی و انواع الکترومـوتور و ساعت دیگـر محصولات صنعتی غرفه شوروی را تشکیل می‌داد.

صنایع دستی شوروی نیز قابل توجـه بود، از جمله این صنایع می‌توان توربافی، آلات مـوسیقی ، انواع فـرش نام برد . انواع پوست از انواع قره‌کل وپارچـه و ودکای معروف روسی آخرین محصولاتی بود که در این غرفه دیده می‌شد.

پاکستان

لباسهای سنتی، فرشهای نفیس، ظروف وتزیینات سنگی، صنایع چوبی خیلی زیبا و پارچه، غرفه پاکستان‌را بصورت غرفه‌صنایع دستی درآورده‌بود، رنگ، انواع دوچرخه، فرآورده‌های غذایی، البسه و وسائل چرمی نظیر زین دیگر محصولات غرفه پاکستان بودند.

هندوستان

بدون آنکه‌بدانم واردکدام غرفه می‌شوم از چند قدمی درب ورودی متوجه شدم که غرفه متعلق به هندوستان است چـون آوای موسیقی اصیل هند، از همان فاصله شنیده می‌شد.

صنایع دستی در این غرفه نیز دیدنی و فوق‌العاده جالب بود. از جمله صنایع‌زیبای چوبی، نقره کاری و ماکت بسیار زیبا از بنای تاج‌محل که ازسنگ مرمر سفید ساخته شده بود. محصولات دیگرهند عبارت بود از انـواع پارچه، وسائل ورزشی، وسائل آتش‌نشانی، وسائل الکتریکی وانواع پمپ. غرفه چای معروف هندوستان هم خریداران زیاد داشت. به‌تمام دیوارهای غرفه پوسترهایی از کارخانه‌های مختلف و سدها نصب شده بود، از کشتیهای مختلف ساخت این کشور هم ماکتهایی درغرفه مشاهده می‌شد.

ایران

و اما ایـران ، بسیاری از محصولات گوناگون کشورهای مذکور را دربرداشت. چیزهای گوناگونی در غـرفه‌های مختلف ایران دیده می‌شد. از تابلوهای عظیم برق، انواع جرثقیـل و ماشین‌آلات راه‌سازی، محصولات صنایع عظیم آلومینیوم، الکترو موتور، ماشینهای مختلف فلز تراشی ساخت کارخانه ماشین سازی تبریز، انواع پمپ، کابل، چرم، تراکتور ، کاغذ دیـواری، اتومبیل، اتوبوس، انواع کامیون، غـرفه ذوب آهن ایران، غرفه دخانیات ایران ، محصولات صنایع فلزی، محصولات نـورد لوله اهواز و غیره.

غرفه‌های کشورهای مختلفی‌که درباره آنها مطالبی خواندید از مجموع غرفه‌های این کشورها انتخاب شده بود : اتریش ــ بلژیك ــ بلغارستان ــ دانمارك ــ جمهوری دمکراتیك آلمان ــ جمهوری فدرال‌آلمان فنلاند ــ فرانسه ــ بریتانیا ــ مجارستان ــ هندوستان ــ ایران ــ ایتالیا ــ ژاپن ــ اردن هاشمی ــ کنیا ــ کویت ــ هلند ــ پاکستان ــ فیلیپین ــ لهستان ــ جمهوری کره ــ رومانی ــ عربستان سعودی ــ سوئد سویس ــ چکسلواکی ــ ایالات متحـده امریکا ــ اتحادجماهیرشوروی ویوگسلاوی.

تجدید نظر در برنامه پنجم

بیانات شاهنشاه آریامهر

مبارزه بافساد چه در بخش دولتـــی و چه در بخش خصوصی تا مرحله‌ریشه‌کنی پی‌گیری میشود وافـــراد فاسد طبق موازین قانونی به‌اشد مجازات میرسند. شاهنشاه‌فرمودند برای مبارزه بافساد در بخش خصوصی دادگستری‌ایران باید مجهز شود وهمگام با روحیه انقلابی ایران فساد را در این مملکت محکوم وریشه کن کند. شاهنشاه فرمودند برای ریشه کن ساختن‌فسادباید مجسم کردکه فسادچیست وبه‌چه چیزی می‌تواند اطلاق‌شود. فساد فقط‌دزدی و سوء استفاده نیست ــ امروزه دراین دوره انقلابی که باید ما را بتمدن بـــزرگ برساند تنبلی را می‌توان فساد دانست. اگر شخص باید هشت ساعت کار کند واو حتی فقط هفت ساعت ونیم کار می‌کند نیم‌ساعت کار نکردن یك دزد است آنهم نه از نوع دزدی مصطلح چرا که نه‌فقط نیم ساعت کار نکرده است بلکه‌موجب می‌شود کـــه ساعت‌ها فقط وقت هـــزاران نفر نیز باطـــل بماند. آن‌کسی که جنسی کمتر می‌فروشد ویاگرانفروشی می‌کند آیا فاسد نیست؟ وآن کسی که احیاناً درس نمی‌ــ خواند ولی باهیاهو می‌خواهد دیپلم بیسوادی بگیرد آنهم در مملکتی که چهار اسبه بسمت تکنولوژی می‌تازد آیافاسد نیست؟ شاهنشاه اضافه فرمودند باتمام توجهی کـــه ما بـــه کارگران داریم واز جمله آنان‌را در ۲۰ درصد سود کارخانه سهیم ساخته‌ایم و همه کارگران و کارمندان صنایع ایران می‌توانند تا ۴۹ درصد در سهام کارخانه‌ها شریك بشوند و نیز باتسهیلاتی که برای تأمین مسکن، آموزش و تربیت‌و تحصیلات مجانی فرزندان آنها فراهم ساخته‌ایم‌اگر کارگری خود را تامین شده بداند و کم‌کار کند من این کم‌کاری را فساد می‌دانم چراکه هیچ‌مملکتی باندازه‌ایران برای‌کارگران حقوق و مزایا قائل نشده و فکر هم نمی‌کنم که هیچ مملکتی بتواند چنین مزایایی را به کارگرانی بدهد زیرا بیشترین این مزایا ازخزانه‌دولت تأمین می‌شود نظیر تحصیلات‌رایگان ودهها مورد دیگر. شاهنشاه فرمودند بهرصورت باید بافساد در هرزمینه‌یی که باشد بشدت مبارزه شود و در این مبارزه که تامرحله ریشه‌کنی پی‌گیری خواهد شد نه‌تنهـــا دولت موظف است که‌هرگونه فساد دردستگاههای دولتی‌را سرکوبی کند بلکه مردم ایران نیز مسؤولیت دارند که هرگونه فسادی را از بین ببرند زیرا این کار هرگز بطور یکطرفه به‌نتیجه نخواهد رسید. شاهنشاه آریامهر که خطمشی‌های اساسی در تجدید نظرهای برنامه عمرانی پنجم کشور را در کنفرانس ترسیم می‌فرمودند بااشاره به‌تجدید نظرهایی که در برنامه عمرانی پنجم بعمل خواهد آمد فرمودند تحقق هدفهای این برنامه بیش از هرچیز به‌نیروی انسانی متخصص بستگی دارد بعنوان نمونه برای تأمین رشدی بمیزان حداقل ۲۵ درصد بقیمت‌های ثابت دست‌کم به چهارصد هزار کارگر نیاز است. این نیروی انسانی اضافی را چگونه می‌توان تأمین کرد. آیا باید از خارج وارد کنیم. من از فرد فرد ملت ایران توقع دارم هرکس در هرکاری که هست ودر انجام هروظیفه‌یی خواسته می‌شود بعنوان یك وظیفه ملی بیشتر کار کند. من این کار را می‌کنم و مطمئنم کـــه وزراء و رؤسای بالای دستگاههای مملکتی نیز این‌کار را انجام می‌دهند ولی انتظار من اینست که همه ملت ایران درانجام این وظیفه ملی بنحوی همین کار را انجام دهند. شاهنشاه آریامهر در قسمت دیگری از بیاناتشان فـــرمودند در تجـــدید نظرهایی که در برنامه پنجم صورت خواهد گـــرفت باید کاری کنیم که رشدسریع توسعه اقتصادی کشور همچنان حفظ شود.

در مورد بخش کشاورزی شاهنشاه فرمودند باتوجه به رشد جمعیت کشور که اکنون از سه درصد در سال بیشتر شده است باید برنامه‌ها بگونه‌یی تنظیم شود که نه فقط بخش کشاورزی وتولیدات آن بتواند جوابگوی این‌رشد جمعیت باشد بلکه کلیه احتیاجات ملت ایران را تامین کند بهمین جهت رشد بخش کشاورزی در تجدید نظرهای برنامه پنجم باید به‌هفت درصد درسال برسد البته این کار آسانی نیست و حتی خیلی هم مشکل است ولی توقع من اینست که بخش خصوصی و همچنین زارعان ایرانی که آزاد و مالك زمین خود هستند بوظایفی که برای افزایش تولید فرآورده‌های کشاورزی برعهده دارند عمل کنند. دراین زمینه اطمینان دارم دستگاه کشاورزی مملکت با کارکردن بیشتر وحتی تا ۱۵ ساعت کار در روز این وظیفه را انجام می‌دهد. شاهنشاه آریامهر در قسمتی دیگـــر از بیاناتشان بـــا اشاره به توسعه برنامه‌های اجتماعی واقتصادی ایران فرمودند ما همانطور که برای توسعه اقتصادی واجتماعی کشور برنامه‌ریزی می‌ــ کنیم برای تقویت قوای دفاعی کشور نیز برنامه‌هایی در دست اجرا داریم بااین وجود بملت ایران مژده می‌دهم که قوای دفاعی ایران تا ۵ سال دیگر چنان قدرتی خواهد بود که بهتر است کسی هیچوقت خیال بد نسبت به‌ایران پیدا نکند. ما در عین حال پیشنهاد کردیم در منطقه‌یی که ایران نیز جزء آنست سلاح اتمی وجود نداشته باشد. شاهنشاه در اجلاسیه کنفرانس تجدید نظر دربرنامه عمرانی پنجم همچنین رئوس طرحهای رفاهی کشور را ترسیم فرمودند و متذکر شدند بعضی از طرح‌های رفاهی که دولت اجرای آنها را در طول سه سال ونیم باقیمانده از برنامه پنجم بعهده خواهد گرفت بیش از چهارصد و بیست و هفت میلیارد ریال هزینه خواهد داشت و در حدود ۲۱۰ میلیارد ریال آن برای‌جبران گرانی قیمت مواد غذایی اساسی نظیر گندم ، گوشت ، قند وشکر، برنج وروغن نباتی بمصرف می‌رسد همچنین بیش از ۲۰۵ میلیارد ریال برای گسترش تعاونیها وافزایش درآمد بازنشستگان اختصاص خواهد یافت. بدیهی است کـــه ارقام دیگری نیز برای طرحهای رفاهی اختصاص می‌یابد که تأمین اعتبارات مربوط به آموزش رایگان از جمله آنـــها است. شاهنشاه در مورد بهداشت و درمان نیز فرمودند اقدامات رفاهی به‌بهداشت رایگان خاتمه پیدا نمی‌کند که خود کاری مهم است بلکه ما اعلام کرده‌ایم که هرکسی چه از داخل کشور وچه از خارج در ایران بیمارستان ایجاد کند و کادر پزشکی و درمانی و اداره آن را فراهم سازد کلیه هزینه‌هایی را که متحمل شده است به او پرداخت خواهیم کرد. این بدان جهت است که بتوانیم بملت ایران خدمات درمانی وسیع و گسترده‌ای عرضه کنیم. در اینصورت مردم خواهند توانست با استفاده از امکانات بیمه‌های درمانی با پرداخت مبلغ مختصری از بهترین خدمات درمانی برخوردار شوند.

شاهنشاه در اینجا فرمودند بخش‌های عمده‌یی از این امکانات از درآمدهایی ناشی می‌شود که در جریان مبارزات طولانی و ضد استعماری ایران در کار نفت وبدنبال حاکمیت برنفت بدست آمده است.

ضمناً دستگاه دارایی کشور نیز بتدریج بااصول‌دریافت مالیاتها آشنا شده است. شاهنشاه افزودند هرکس باید این وجدان وشرافت را داشته باشد که درقبال استقبال ازامکانات و وسایلی که اکنون در اختیار دارد دین خود را نیز ادا کند . این دین یا جنبه معنوی دارد نظیر مواقعی که حتی باید در راه میهن از جان گذشت و دیگر مواردی است که برای رسیدن به یك جامعه پیشرفته کمکهای مالی ضرورت دارد البته ما در ایران درآمدهای کم یعنی تا ۱۲۰۰ تومان درماه را ازپرداخت مالیات معاف کرده‌ایم. همچنین‌مالیات حقوق‌های تا هفتاد هزار تومان در سال نیز کاهش یافته است اما در برابر باید از حقوق‌های بالاتر مالیات بیشتری گرفته شود تا تعادل بیشتری بوجود آید. در اینصورت می‌ــ توان گفت جامعه ایرانی جامعه‌ایست کاملا پیشرفته و متکی بعدالت اجتماعی است. شاهنشاه فرمودند در پایان برنامـــه عمرانی دیگر درآمد سرانه ایران مسلماً از درآمد ملی که امروزه ممالك اروپایی دارند بمراتب بیشتر خواهد بود. شاهنشاه آریامهر در جلسه کنفـــرانس رامسر همچنین از تحولات مربوط به‌حاکمیت برنفت سخن گفتند و متذکرشدند که تثبیت حق تعیین قیمت‌های نفت برای کشورهای تولید کننده از جمله مهمترین پیروزیهایی بود که‌نصیب ایران و دیگر کشورهای تولید کننده نفت شده است. شاهنشاه در پایان فرمایشاتشان بموقع بین‌المللی ایران اشاره کردند و فرمودند ملت ایران باید بداند که اکنون در جهان روی ایران حساب می‌شود اما ما ضمناً می‌دانیم که درجهان امروز وقتی می‌توان خوب زندگی کرد که‌دنیایی وجود داشته‌باشد بهمین جهت ما مصلحت ایران را در آن می‌دانیم که به‌ممالك در حال رشد یا آنها که ثروت زیادی ندارند و حتی ممالك پیشرفته ولی گرفتار در مشکلات مالی کمك کنیم. زیرا اینگونه کمکها در واقع بیمه‌یی است در برابر حوادث و احتمالات بین‌المللی. شاهنشاه فرمودند ما بسهم خود بیش‌از هرکشوری به‌ممالك نیازمند کمك کرده‌ایم‌والبته این کمك‌ــ های ما بدور ریخته نشده ومنفعت پولمان را خواهیم گرفت ضمن‌آنکه به‌ثبات بین‌المللی کمك کرده‌ایم. شاهنشاه آریامهر یکبار دیگر خطمشی‌های اساسی در تجدید نظرهای برنامـــه پنجم و بویژه فراهم ساختن زمینه لازم برای کار وکوشش بیشتر وتوجه بیشتر به بخش کشاورزی همراه با حفظ رشد اقتصادی کشور را تأکید فرمودند.

گزارش نخست وزیر در اجلاسیه نهایی تجدیدنظر در برنامه پنجم عمرانی کشور

در پیشگاه شاهنشاه آریامهر پیش از ظهر روز دهم مرداد اجلاسیهٔ نهایی تجدید نظر در برنامه پنجم عمرانی کشور در رامسر گشایش یافته کار خود را آغاز کرد.

در آغاز آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر گزارشی باین شرح بعرض رسانید.

شاهنشاها، چاکر افتخار دارد در حالیکه بیش از سه سال و نیم بپایان برنامه پنجم عمرانی کشور مانده است تجدید نظری را که بنابرامر و به‌الهام و رهنمودهای شاهانه در برخی ازهدفها وسیاستها وخط‌مشی‌ها وبخصوص محتوای عملیاتی برنامه مزبور پیش‌بینی شده است در پیشگاه مبارك مطرح نماید تا مانند همیشه بابرخورداری ازهدایت وارشاد شاهنشاه خطوط اصلی ومحتوای عملیاتی برنامه‌ها به‌بهترین و مؤثرترین وجه مشخص و تنظیم و پس از طی مراحل قانونی بموقع اجرا گذاشته شود. برنامه چهارم عمرانی باموفقیت در شرف پایان یافتن بود که رشد اقتصادی کشور با شتابی استثنایی با جهشهای بلند و مؤثری روبرو شد واین کیفیت البته در طرح‌ریزیهای برنامه‌پنجم عمیقاً مدنظر قرار گرفت ولی مرحله اجرایی این برنامه تازه آغاز شده بود که شرایط مساعدی در قلمرو فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مابمنصه ظهور رسید که از آنجمله‌اند: افزایش چشمگیرو سریع درآمدهای نفتی درجهت اعمال حق‌حاکمیت ملی برمنابع و صنایع نفت و انتقال حق قیمت گذاری بکشورهای تولید کننده برهبری شخص شاهنشاه و همچنین حصول زمینه‌های تازه بسود همکاریهای وسیع اقتصادی و فنی با برخی از ممالك صنعتی و از سوی دیگر ظهور مشکلات دامنه‌دار در اقتصاد کشورهای صنعتی از قبیل تورم و عدم موازنه پرداختها و ایجاد نابرابری بیشتر درنرخ مبادله کالا باخارج، نیاز روزافزون به‌انرژی ولزوم تأمین منابع کافی تولیدی برای آن ــ توسعه مصارف داخلی ــ اقتصاد و بویژه کالاهای مورد نیاز عامه و در نتیجه احتیاج به گرایش بخشهایی از اقتصاد کشور بسوی مقصد (خود کفایی) عموماً باعث شدند که در طرح اولیه برنامه پنجم بمنظور کسب ابعاد بیشتر تجدید نظری صورت پذیرد. باین دلیل بنابرامر وهدایت شاهنشاه بررسیهای پردامنه‌یی در تمامی دستگاه‌های اجرایی و مطالعاتی از سر گرفته شد و پیشنهادهای گوناگونی چه از لحاظ وضع کلی اقتصاد ایران و ارتباط آن با اقتصاد جهانی وچه از نظر وضع و موقع حال و آینده هریك از بخشها در کنفرانسی که با شرکت اعضای دولت طی روزهای ۲۹، ۳۰ و ۳۱ تیرماه در گاجره تشکیل شد مطرح گردید واینك طرح‌تجدیدنظر شده برنامه پنجم که حجم آن نسبت به برنامه قبلی افزایش حدود ۲ برابر را نشان می‌دهد تهیه و تنظیم گشته است . بدیهی است سخن از تنگناهایی که ضمن گزارشهای مسؤولان امربشرفعرض‌خواهد رسید هرگز بدین معنا نیست که از این رهگذر بیم وهراسی بما راه می‌یابد زیرا کشور ما بااستفاده از اراده مشکل‌گشای شاهنشاه عادت کرده است از راههای انقلابی حتی بسیاری از غیر ممکنها را ممکن سازد و پیداست در این مورد هم ایمان و اعتقاد همگان براین اصل استوار است که در رهگذر رشد بیسابقه واستثنایی اقتصادی واجتماعی ما هیچ مشکل لاینحلی وجود نخواهد داشت که کشور مارا ازتوسعه‌یی این چنین سریع وچشمگیر در مقیاس جهانی باز دارد.

شاهنشاه بما آموخته‌اند که چگونه بایدهمواره پیش از حوادث گام برداریم و با روحیه انقلابی برای مسائلی که در متن اجتماع متحول ما مطرح میشوند راه‌حلهایی انقلابی بیابیم. درزمینه مسائلی که درموارد مختلف برنامه وجود دارد راه‌حلهایی گوناگون پیش‌بینی شده است که یکایك بشرفعرض خواهد رسید تا بنابر ارشاد شاهنشاه به بهترین و مؤثرترین راه‌حلها که مارا هرچه سریعتر و هرچه کاملتر به‌مقصد برساند دست پیداکنیم. درخصوص آماده ساختن نیروی انسانی کارآمد و لازم وکافی باتوجه به گسترش ابعاد برنامه‌های گوناگون عمرانی‌و اجتماعی راه‌حلهایی بنظر رسیده است که اصول آنها در اینجا از شرفعرض خواهد گذشت و پس از کسب راهنماییهای لازم جزییات آن در کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی مطرح گردد.

در برنامه تجدیدنظر شده پنجم امور چندی از اولویت خاص برخوردار شده‌اند که اساسی‌ترین آنها عبارتنداز ۱ــ تأمین هرچه بیشتر رفاه‌عمومی واز جمله اجرای هرچه دقیق‌تر فرمانهای شاهانه مبنی برآموزش و بهداشت رایگان. ۲ــ حفظ رشد اقتصادی و تداوم آهنگ سرعت آن. ۳ــ تقویت بنیه دفاعی کشور باتوجه به مسائل بین‌المللی و بویژه منطقه‌یی در مقام حافظ استقلال و تمامیت وامنیت کشور و حراست از دست‌آوردهای انقلاب درزمینه‌های متنوع اقتصادی‌ــ اجتماعی ــ رفاهی.

٤ــ رفع تنگناها و تأمین زیربناهای کافی بدان‌سان که برنامه ششم از تمامی زمینه‌های اساسی ولازم برای پیشرفت واجرای بی‌وقفه برخوردار باشد. ٥ــ کوشش در راه اجرای اصل عدم تمرکز و سوق دادن عملیات اجرایی بسوی مقامات محلی. اینك همه افرادیکه بنحوی از انحاء دراین طرح‌ریزیها مشارکت داشته وهم‌اکنون افتخار شرفیابی دارند مانند همیشه باامید بسیار مترصدند از راهنماییهای پرارزش و کارساز شاهنشاه در زمینه تحقق هدفها و سیاستها و برنامه‌های اجرایی‌مورد نظر برترین بهره‌ها را دریافت دارند تا بتوانند برنامه‌های انقلابی و جامعی باراه‌حلهای جدید و کاملا عملی که هر غیرممکن را ممکن خواهد ساخت تهیه و تنظیم نمایند.

سخنان آقای دکتر عبدالمجید مجیدی در کنفرانس تجدیدنظر برنامه پنجم

اقتصاد پیشرو و شکوفان ما در چند سال گذشته (بویژه از آغاز دوران برنامه پنجم عمرانی کشور) توانست بارهبری پیروزمندانه شاهنشاه در زمینه نفت از مدار بسته تنگناهای مالی که غالب کشورهای در حال رشد باآن مواجه هستند خارج شود. اما این موفقیت خود الزامات و مسائل جدید و بی‌سابقه‌یی نظیر تنگناهای زیربنایی و نیروی انسانی پدید آورد که دیگر هدفهای منظور در برنامه پنجم مصوب در مواردی پاسخگوی این الزامات و مسائل نبود و بهمین سبب طبق اوامر مطاع ملوکانه برنامه قبلی باتوجه به تغییرات و تحولاتی که در اقتصاد جهانی و اقتصاد ایران رویداده است مورد بررسی و تجدید نظر قرار گرفت. از پیشگاه مبارك ملوکانه اجازه می‌خواهد ضمن تشکر از همکاری واشتراك مساعی تمام دستگاههای اجرایی باسازمان برنامه وبودجه‌نکات برجسته در تجدید نظر برنامه پنجم‌را به‌شرف‌عرض مبارك برساند.

الف ــ بررسی مقدماتی تجدیدنظر دربرنامه پنجم باتوجه بنقش عظیم دولت و توسعه اقتصادی کشور درشرایط فعلی نقطه حرکت وضابطه اساسی میزان سرمایه گذاری‌ثابت دولت‌تلقی‌شد. مجموع اعتبارات درخواستی اولیه دستگاههای اجرایی برای سرمایه گذاری ثابت در حدود ٤٫٩٠٦ میلیارد ریال بود ولی با بررسیهایی که در سازمان

برنامه وبودجه بعمل آمد و تبادل نظری که با دستگاههای اجرایی صورت گرفت مجموع اعتبارات مذکور در سه فرض :

فرض یك ۲٫۰۲۸ میلیارد ریال .

فرض دو ۳٫۰٤٦ میلیارد ریال .

فرض سه ۳٫۷۳۰ میلیارد ریال .

جهت مطالعه اثراتی که هریك از فروض مزبور روی اقتصاد کشور می‌توانست داشته باشد در جلسات گاجره طرح گردید. نتایج حاصل از اعمال هریك از سه فرض از جهات مختلف اشاره شده بخصوص از لحاظ کمبود نیروی انسانی، کمبود مصالح و مواد اولیه، میزان تورم معقول و قابل تحمل، کمبودهای زیربنایی و تشکیلات و قدرت جذب دستگاههای اجرایی و محدود بودن میزان تأمین انرژی مورد نیاز بررسی گردید.

خوشبختانه پیش‌بینی می‌شود که درآمدهای دولت از محل نفت وگاز در دوران برنامه پنجم حدود ۹۸٫۵ میلیارد دلار معادل ٦٦٥۳ میلیارد ریال بالغ گردد ولی باتوجه به شرایط کنونی پیش‌بینی تحولات آینده نزدیك مصرف تمامی این درآمد و نیز سایر منابع مالی دولت در داخل کشور به مصلحت نمی‌باشد بعبارت دیگر با توجه به‌دشواریها و تنگناها و کمبودهایی که در زمینه‌های مختلف وجود دارد حجم سرمایه گذاری ثابت تاحد معینی می‌تواند در افزایش میزان رشد مؤثر شود. ولی تجاوز از این حد علاوه برآنکه دوم آثار تورمی شدیدی را در اقتصاد بدنبال خواهد داشت عملا دارای تأثیر چندانی برافزایش میزان رشد اقتصادی نخواهد بود.

از طرف دیگر اختصاص کلیه این منابع به سرمایه گذاری دولت نیز باتوجه به فلسفه انقلاب شاه و ملت که برای فعالیت بخش خصوصی زمینه گسترده‌یی را در صنعت و کشاورزی و خدمات ارائه می‌نماید موجد جلوه نمی‌نمود.

بنابراین در تأمین هدفها وسیاستها وتخصیص منابع باید دو نکته اساسی مورد توجه قرار گیرد یکی مجموع سرمایه‌گذاری ثابت بخش دولتی و نیز سیاست دولت در مورد سرمایه گذاری بخش خصوصی، دیگری نحوه‌توزیع‌منابع، میان‌بخشهای مختلف، باتوجه به‌اولویت‌هاست. بدانگونه که بر اثرآن، تنگناهای موجود در کوتاهترین زمان از میان برداشته شود. دشواریها و تنگناها بطور کلی از نتایج مهم مذاکرات گاجره آن بود که صرف نظر از منابع مالی، جهت‌گیری برنامه و تعیین هدفها و سیاستها و خطوطمشی آن تاحد قابل ملاحظه‌یی با دشواریها و تنگناها ارتباط می‌یابد. نکات عمده و برجسته این دشواریها و تنگناها که باید به شرف‌عرض مبارك برسد به این شرح است.

۱ــ تورم ناشی از رشد اقتصادی در داخل کشور و تورمی که از خارج تأمین می‌شود و نیز مسأله قیمتها بویژه درمورد کالاهای اساسی مورد نیازمردم یکی ازمهمترین عوامل مؤثر درتصمیم‌گیری در مورد سطح اعتبارات‌می‌باشد. نکته‌عمده دراین زمینه بشرح زیر است:

اجرای برنامه‌های وسیع عمرانی با آهنگ بسیار سریع به‌خاطر وجود تنگناها و کمبودعرضه خدمات و کالاها به‌ناچار تورم بیشتری را بدنبال خواهد آورد ولی این یك اصل کلی نباید تلقی شود زیرا گروهی از طرحهای سرمایه گذاری در زمینه‌های تولیدی و زیربنایی وحتی بعضی از برنامه‌های اجتماعی (مانند تربیت نیروی انسانی) بخاطر آثار آنها از لحاظ افزایش عرضه کالاها وخدمات دراز مدت خود دارای آثار تورمی هستند. هرقدر که امکانات ما از لحاظ منابع مالی زیاد باشد ضابطه اساسی آن خواهد بود که سطح سرمایه گذاری و مصرف داخلی در بخشهای‌عمومی وخصوصی درحدی معین گردد که باتوجه به میزان تورمی که از خارج به ما تحمیل می‌شود فشار تورمی در کشور را به‌نحوی غیرقابل تحمل برای جامعه افزایش ندهد.

میزان سرمایه گذاری در بخش خصوصی از طرفی تابع سطح قیمتها، چگونگی کنترل آن و برگشت معقول سرمایه می‌باشد. و بهر نسبت که قیمت کالاها باهزینه تولید نامتناسب باشد بخش خصوصی شوق و رغبت کمتری به سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد واز طرف دیگر افزایش نامعقول قیمتها نیز به‌نوبه خود از لحاظ افزایش حجم هزینه‌های سرمایه گذاری و نیز از لحاظ اجتماعی و حفظ رفاه طبقات کم درآمد دارای اثرات‌زیان باری است.

۲ــ نیروی انسانی :

یکی از مهمترین و برجسته‌ترین عوامل (در عین حال تنگناها) از لحاظ اجرای برنامه‌های عمرانی و توسعه اقتصادی کشور چه در بخش عمومی و چه دربخش خصوصی کمبود نیروی انسانی است.

طبق آمارهای موجود در مورد کارگران نیمه ماهر و ماهر، تکنیسین‌ها وافراد متخصص چه در زمینه‌های علمی و چه در زمینه‌های فنی کمبود نیروی انسانی وجود دارد.

پیش‌بینی کمبود نیروی انسانی:

شرح	تقاضای نیروی انسانی (میلیون نفر)	عرضه نیروی انسانی (میلیون نفر)	کمبود (میلیون نفر)
برنامه پنجم مصوب	۱٫٤	۱٫٤	ندارد
فرض یك	۱٫۸	۱٫٤	۰٫٤
فرض ۲	۳٫٤	۱٫٤	۱
فرض ۳	۲٫٦	۱٫٤	۱٫۲

۳ــ ۲ــ انرژی :

توسعه اقتصادی کشور و مصرف انرژی اثرات متقابل وزنجیری بریکدیگر دارند بدینسان که از یکسو توسعه اقتصادی کشور وضع اجتماعی واقتصادی جامعه را بهبود می‌بخشد و براثر آن مصرف انرژی افزایش می‌یابد. واز سوی دیگر اجرای تعداد بالنسبه زیاد طرح‌های صنعتی وحمل ونقل که خود مستلزم مصرف انرژی زیاد است، در زمانی کوتاه بااجرای طرحهای نیرو وسوخت که در زمانی بلند باید بانجام برسد هماهنگ‌نبوده و بالنتیجه تأمین انرژی مورد نیاز را دشوار خواهد ساخت. از طرف دیگر در حال حاضر قسمت عمده‌ای از انرژی مورد نیاز کشور از نفت تأمین می‌شود و بین تولید و مصرف انواع فرآورده‌ها هماهنگی وجود ندارد و برای مواد بین تقطیر یعنی نفت سفید ونفت گاز در مقایسه باسایر فرآورده‌ها تقاضای بیشتری وجود دارد.

این عدم تعادل خود مشکلاتی برای کشور ایجاد نموده‌است. رشدسریع‌اقتصاد ایران وافزایش مصارف مختلف انرژی برای صنایع حمل ونقل و مصارف شهری و جایگزین شدن انرژیهای غیر تجارتی با انرژیهای تجارتی باعث شده است که مصرف انرژی افزایش قابل‌ملاحظه‌یی یابد وبهمین سبب تأمین آن بخصوص در سه سال آینده با اشکالاتی مواجه خواهد بود. باوجود فراوانی منابع گاز طبیعی در ایران استفاده از این منبع بسیار دیر شروع شده است. استفاده از گاز طبیعی بجای مواد میان‌تقطیر نفت مستلزم آنست که‌گاز طبیعی در شهرهای بزرگ کشور توزیع شود و عرضه گاز برای مصارف خانگی و تجاری نیز توسعه یابد. انجام این کار در مناطق صنعتی‌و شهرها ودرنتیجه حفر جاده‌ها وخیابانها بااشکالات فراوان مواجه خواهد بود که بالمال اصول سرعت مطلوب در پیشرفت شبکه گازرسانی را دشوار خواهد ساخت.

٤ ــ ۲ ــ تنگناهای زیربنایی :

آهنگ رشد اقتصادی واجرای برنامه‌های تولیدی اجتماعی و غیره در بیشترین موارد بخاطر تنگناهای زیربنایی از قبیل بنادر ، راه‌آهن ــ شبکه راهها و نیز کمبود مسکن و تأسیسات کافی شهری و سایر کمبودهایی که در این زمینه وجود دارد از سرعت مطلوب برخوردار نبوده است. ظرفیت کنونی بنادر و نیز ظرفیت سایر وسایط ارتباطی در حال حاضر برای حمل و نقل داخلی و نیز مبادلات بازرگانی خارجی کافی نیست و علیرغم افزایش نسبی ظرفیت وسایل ارتباطی ودر پایان برنامه پنجم باتوجه به توسعه بسیار سریع مبادلات بازرگانی و قطبهای صنعتی و معدنی و کشاورزی هنوز بامقداری کمبود در این زمینه روبرو خواهیم بود. در کنار مسایل مربوط به تنگناهای زیربنایی مسأله کمبود مصالح ساختمانی مانند سیمان، آجر وغیره نیز هنوز تااندازه‌یی وجود دارد.

٥ ــ ۲ ــ دوگانگی در کیفیت و شرایط زندگی و توزیع عادلانه‌تر درآمدها:

هم‌اکنون در بخشی از جامعه کیفیت و شرایط زندگی و امکانات اجتماعی و اقتصادی بسیار پیشرفته و جلوه‌های زندگی نوین بخوبی نمایان است و حال‌آنکه در بخشی دیگر این کیفیت وشرایط درسطح پایین‌تری قرارگرفته است. اگر اقتصاد ما درآینده در شرایط تورمی شدید برشد خود ادامه دهد، اختلاف سطح کنونی بین‌درآمدها و طبقات گوناگون اجتماع پیوسته بیشتر خواهد شد. بررسیهای انجام شده نشان داده است که بطور کلی افزایش نامعقول هزینه‌های دولت این اختلاف سطح را تشدید میکند مگر آنکه تدابیر خاص در این باره اتخاذ گردد خوشبختانه باصدور فرامین ملوکانه درزمینه آموزش رایگان وتأمین بهداشت و اوامر مؤکدی که در زمینه تأمین مسکن صادر فرموده‌اند طلیعه بهبود شرایط زندگی همه گروه‌های مختلف در جامعه فراهم شده است واین سیاستی‌است که‌باید راهنمای‌ما درتجدید نظر برنامه پنجم باشد در این زمینه اتخاذ سیاستهای مالیاتی سنجیده و کمك به تثبیت قیمت کالاهای اساسی مصرفی وتضمین قیمت‌محصولات‌کشاورزی و گسترش مالکیت صنعتی نیز از جمله عوامل مؤثر خواهندبود. به‌پیروی ازالهامات وتعلیمات عالیه شاهنشاه آریامهر خدمات اجتماعی که به جامعه بویژه طبقات کم درآمد عرضه میشود در زمینه‌های تأمین مسکن ، آموزش ، بهداشت و درمان، تهیه غذای ارزان، تغذیه بهتر، حمل‌و نقل شهری ، رفاه و تأمین اجتماعی ، باید وسعت و گسترش بیشتری یابد .

٦ ــ ۲ ــ تمرکز بیش از حد امور :

دروضع کنونی مواضع عمده تعیین‌سیاستها، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در پایتخت و یا چند شهر مهم دیگر کشور متمرکز شده است و این امر خود مانع از شرکت مؤثر مردم و مقامات محلی در تصمیم‌گیری درباره سرنوشت خویش و موجب کندی نسبی کارها و توسعه بی‌تناسب بوروکراسی در دستگاههای اداری است.

۷ ــ ۲ ــ تشکیلات و نظام اداری:

درمواردی تشکیلات کنونی ازلحاظ ترکیب سلسله مراتب خطوط ارتباطی بین واحدها ، حدود اختیارات ومسؤولیت‌ها، روشن و مشخص نیست و گاه نیز توزیع وظایف میان دستگاهها به‌ترتیبی است که ایجاد هماهنگی و جلوگیری از دوباره کاری را بسیار دشوار میسازد و این خود اصل مسؤولیت‌مدیران را لوث میسازد. در گروهی از واحدهای تشکیلاتی سطح کارآیی پائین است و از نیروی انسانی و نیز سایر وسایل و تسهیلاتی که در اختیار آنها قرار میگیرد بصورت کارآمد استفاده نمیشود . پائین بودن سطح کارآیی از یك سو موجب هدر رفتن منابع مالی دولت میگردد و از سوی دیگر همانطور که آثار آن در بعضی از بخشها پیداست قدرت جذب دستگاههای اجرائی و پیشرفت برنامه‌های عمرانی را کند یا متوقف میسازد . بخشی از قوانین و مقررات و دیگر نظامات اداری بسیار پیچیده میباشد و بخاطر اشکالاتی جزیی اجرای برنامه‌های مهم به تعویق می‌افتد و بالاخره قانون کنونی استخدام کشوری نیز به‌هیچ‌روی پاسخگوی نیازهای جامعه متحول کنونی نیست و ناهماهنگی‌ها و تبعیضات ناشی از آن موجب نارضائی و کاهش سطح کارآیی شده است .

ب ــ هدفها ــ برای آنکه بتوان این مسائل دشواریها و تنگناها را از میان برداشت، باید در تجدید نظر برنامه پنجم عمرانی کشور هدفهای زیر را منظور نظر قرار داد.

۱ ــ هدفهای کلی :

۱ــ۱ ــ نخستین هدف ایجاد جامعه خواهد بود که با اتکاء به‌بنیه دفاعی و سیاسی نیرومند از حداکثر مزایای توسعه اقتصادی و اجتماعی برخوردار بوده و از مواهب یك فرهنك و تمدن بزرگ بهره‌مند گردد و در افزایش تمدن والاتر جهانی سهم عمده‌ای ایفا نماید . چنین هدف کلی همانست که در گزارش دورنمای بیست ساله توسعه اجتماعی و اقتصادی ایران در پیشگاه مبارك ملوکانه به تفصیل مطرح خواهد شد اما هدفهای اساسی برنامه پنجم که بمنظور رفع مسایل و چارهجویی دشواریها و تنگناهای مورد اشاره اتخاذ میگردد باین شرح است :

۲ ــ ۱ ــ ارتقاء سطح و کیفیت زندگی عموم خاصه گروه‌های کم درآمد از طریق تقلیل نابرابریها، بالا بردن سطح اشتغال، گسترش کمی وکیفی خدمات اجتماعی، توزیع عادلانه امکانات از طریق ارائه آموزش عمومی و تعمیم بهداشت و تأمین مسکن و بیمه‌های اجتماعی و نظایر آن ــ مهار کردن گرایشهای تورمی و ارائه کالاها و خدمات عمده مورد نیاز عمومی به نرخهای منطقی و کمکهای مختلف دولت بمصرف کنندگان از جمله راههای حصول به همین هدف محسوب میشود ضمنا درآمد افرادی که در وضع محدودیت نسبی قرار دارند بویژه طبقه دستمزد و حقوق بگیر بطور نسبی با رشد اقتصادی کشور و افزایش قیمتها منطبق و هماهنك خواهد شد .

۳ــ۱ــ پی‌ریزی یك اقتصاد صنعتی مترقی با بهره‌گیری از آخرین پیشرفتهای علمی و فنی در دیگر کشورها و ارتقاء سطح تکنولوژی ایران بحد ممالك راقیه جهان.

٤ــ۱ــ ادامه‌رشد اقتصادی باسرعت مطلوب ضمن توجه به‌لزوم کنترل گرایشهای تورمی همراه با کوشش‌وسیع در توسعه وتحکیم زیربنای فیزیکی مملکت و رفع تنگناهای موجود از این جهت من‌جمله در زمینه راه، راه‌آهن، بنادر و وسایل مخابراتی ــ منابع آب، انرژی و بهره‌برداری مؤثر از تأسیسات موجود. ادامه توسعه اقتصادی ایران بستگی کامل به تحقق انقلاب در وضع کشاورزی ایران از طریق استفاده از پیشرفته‌ترین تکنیکها و اصول و حداکثر بهره‌وری و در نتیجه اعتلا قدرت خرید کشاورزان و روستاییان دارد و ضمناً با واردکردن صنایع کوچك در روستاها باید به افزایش سطح زندگی آنان یاری مؤثر کرد .

۵ ــ ۱ ــ اصلاحات عمیق و وسیع و در عین حال سریع در نظام آموزشی کشور چه از نظر کمی و چه از جهت کیفی بنحوی که بتواند نیازهای رو به‌افزایش نیروی انسانی کاردان پاسخگو باشد.

٦ ــ ۱ــ تأکید شدید براقدامات مربوط به تطبیق ساختمانها و نظامهای اجتماعی ، اقتصادی و اداری کشور و نیز مقررات و قوانین موجود با نیازهای یك جامعه متحول و مترقی از طریق اصلاحات وسیع درسیستم‌های آموزشی، استخدامی نظامات اجرایی واجرای قاطع‌سیاست عدم تمرکز و بالابردن ظرفیت و امکان مشارکت هر چه بیشتر عموم مردم در امر سازندگی.

۷ــ ۱ ــ حضور فعال و پر تحرك ایران در صحنه اقتصاد و سیاست جهانی از طریق سرمایه‌گذاری و مشارکت در فعالیتهای اقتصادی در خارج کشور و نیز توسعه کمکها و همکاریهای بین‌المللی خاصه بنفع کشورهای در حال رشد .

۸ ــ ۱ ــ بدیهی است که تحقق هدفهای مذکور به ثبات اجتماعی و سیاسی کشور و امنیت منطقه و موقعیت نیرومند کشور در جهان متلاطم امروز بستگی تام دارد و بهمین سبب است که در برنامه تجدید نظر شده تقویت بنیه دفاعی کشور و مدرنیزه کردن آن از بالاترین اولویت‌ها برخوردار خواهد بود .

ج ــ پیش‌بینی وضع کلی اقتصاد و آثار ناشی از برنامه پیشنهادی . در بررسی درخواستهای دستگاههای اجرائی همانطورکه قبلا به شرف‌عرض رسید نقطه حرکت و ضابطه اساسی اعتبارات، سرمایه‌گذاری ثابت بوده است وهر یك از فرضهای سه‌گانه دشواریها و تنگناها به دقت مورد بررسی قرار گرفت و با آنکه انتخاب و قبول فرض کمترین رقم ۲۰۲۸ میلیارد ریال موجب آن میشد که با حداقل تورم ممکن یعنی ۱۵درصد رشد تولید ناخالص داخلی به قیمتهای ثابت ۲۵٫۷ درصد برابر گردد معهذالزوم اجرای گروهی از طرحهای زیربنایی و تولیدی که از لحاظ وضع تنگناها در اولویت نخستین قرار میگرفت باعث شد که رقم اعتبارات سرمایه‌گذاری ثابت دولت در کشور به مبلغ ۲۸٤۸ میلیارد ریال پذیرفته و پیشنهادشد. اینك پیش‌بینی وضع کلی‌اقتصاد، وضع مالی دولت و آثار ناشی از این فرض بطور خلاصه به شرف‌عرض خواهد رسید .

۱ ــ هدفهای کمی و برنامه مالی دولت :

۱ ــ ۱ ــ تولید ناخالص ملی به قیمتهای جاری از ۱۱٦۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۱ به حدود ۵۸۰۹ میلیارد ریال در پایان برنامه پنجم خواهد رسید و بطور متوسط ۳۸ درصد در سال رشد خواهد یافت .

تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۵۱ از ۱۱۱۱ میلیارد ریال پایان برنامه چهارم به ۳۵۱٤ میلیارد ریال در سال ۱۳۵٦ خواهد رسید تا حدود ۲۵٫۹ درصد در سال رشد خواهد یافت .

با توجه به اینکه در همین مدت جمعیت کشور از حدود ۳۱ میلیون نفر به حدود ۳٦ میلیون نفر میرسد تولید ناخالص ملی سرانه از حدود ۳۷۵۰۰ ریال (۵۵٦ دلار) در سال ۱۳۵۱ بحدود ۱۵۲٫۷۰۰ ریال (۱۵۱۲ دلار) در سال ۱۳۵٦ افزایش خواهد یافت . برمبنای بررسی امکانات تولید بخش‌های عمده اقتصاد از یکطرف و توزیع منابع مالی براساس اولویت‌های تهیه شده از طرف دیگر هدفهای رشد متوسط ارزش افزوده هر یك از بخش‌های عمده به قیمتهای ثابت سال ۱۳۵۱ بدین شرح میباشد :

رشد متوسط ارزش افزوده دربخشهای‌عمده به قیمتهای ثابت سال ۱۳۵۱ براساس اعتبارات تجدید نظر شده :

۱ ــ کشاورزی ۷٫۰ درصد .
۲ ــ نفت و گاز ۵۱٫۵ درصد
۳ ــ صنایع و معادن ۱۸٫۰ درصد
٤ ــ خدمات ۱٦٫٤ درصد

۱ ــ ۲ ــ سرمایه‌گذاری ثابت در دوره برنامه پنجم ــ تحقق دادن به هدفهای فوق‌الذکر مستلزم انجام حدود ٤٫٦۳٤ میلیارد ریال (٦۸٫٦ میلیارد دلار) سرمایه گذاری ثابت خواهد بود. حدود ۳٫۰٦٤ میلیارد ریال (یا ٦٦ درصد) از سرمایه‌گذاری ثابت فوق سهم بخش دولتی و ۱۵۷۰ میلیارد ریال بقیه سهم بخش خصوصی برآورد میگردد . پیش‌بینی میشود که از کل ۳٫۰٦٤ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری بخش دولتی حدود ٤٤۵ میلیارد ریال مستقیما از محل منابع مؤسسات انتفاعی و بازرگانی وابسته به دولت و ۲٫٦۱۹ میلیارد ریال بقیه از بودجه عمومی دولت تأمین شود. ضمناً حدود ۲۲ میلیارد ریال برای انتقال از منابع دولتی به بخش خصوصی بصورت وام از طریق بانکها و مؤسسات اعتباری در نظرگرفته است .

۲ ــ اشتغال و نیروی انسانی :

پیش‌بینی میشود که در پایان برنامه پنجم در حدود ۲٫۱ میلیون شغل جدید با اجرای برنامه بوجود خواهد آمد که قسمت عمده‌یی از ان مربوط به بخش‌های صنایع و ساختمان خواهد بود. در برابر این مقدار شغل جدید حداکثر میزان عرضه در حدود ۱٫٤ میلیون نفر خواهد بود . به این ترتیب هنوز کمبود نیروی انسانی بویژه افراد ماهر و متخصص در سطوح مختلف وجود خواهد داشت . برای رفع این کمبود سیاستها و تدابیری پیشنهاد شده است که اینك به شرف‌عرض خواهد رسید .

سیاستهای اجرائی برای تأمین نیروی انسانی :

۱ ــ بمنظور شناخت ظرفیت بالقوه بازار کار در مناطق کشور برای عرضه نیروی کار اضافی بررسی سریع و دقیق انجام خواهد گرفت وهمچنین برای گرایش زنان به بازا رکار مشوق‌هایی در نظر گرفته خواهد شد. برای تسریع نقل و انتقالات نیروی کار ضمن اینکه شبکه کاریابی توسعه پیدا میکند از کاریابیهای بسیار نیز استفاده خواهد شد و در نقل و انتقالهای کارگری در واحدهای تولیدی و بین‌بخش خصوصی و عمومی مکانیزم لازم بوجود آمده ونظم‌خاصی برقرار خواهد شد تااز افزایش غیر منطقی سطح دستمزدها و توقف فعالیتهای تولیدی جلوگیری شود .

۲ ــ در کلیه طرحهای عمرانی نیازهای نیروی انسانی برآورد میگردد و طرق تأمین باآموزش افراد باتعیین مسؤولیت مشخص می‌شود تا منجمله فعالیتهای ساختمانی برای جلوگیری از تراکم از نظر نیروی انسانی بطور منظمی در دوره برنامه توزیع شود .

۳ ــ با توجه به اینکه بیشتر کارگران ماهر و نیمه ماهر و حتی تکنیسین‌های کنونی ضمن‌کار آموزش لازم را فرا گرفته‌اند از طریق مشوق‌های مالیاتی وامکانات خرید خدمات آموزش موجبات آموزشی افراد در واحدهای تولیدی و صنعتی فراهم خواهد گردید. از واحدهای سیار آموزش

حرفه‌یی دوره‌های خدمات نظام وظیفه و مراکز تعلیمات حرفه‌یی کوچك در جوار کارخانه برای تأمین نیازهای آموزشی کارگران ماهر استفاده کامل خواهد شد. برای تأمین مربیان مورد نیاز **جهت گسترش امکانات توسعه آموزش حرفه‌یی** هنرستانها و انستیتوهای تکنولوژی و همچنین از همکاری بین‌المللی در زمینه اعزام کارگران متخصص خارجی استفاده خواهد شد.

۵ ــ بمنظور ایجاد تسهیلات لازم برای بازگشت فارغ‌التحصیلان از خارج اقدامات لازم معمول شده و بدین منظور سازمانهای دولتی‌نیازهای خود را باتعیین محل کار، میزان حقوق و مزایا وتاریخ استخدام به‌آنان اعلام می‌کنند و همچنین برای ایجاد تعادل در بازار کار در سطوح بالا از منابع بازار کار سایر کشورها با رعایت مصالح مملکت استفاده خواهد شد.

با بیانات شاهنشاه آریامهر اجلاسیه نهایی تجدید نظر در برنامه عمرانی پنجم کشور بکار خود پایان داد

شاهنشاه آریامهر پس از استماع گزارش نهایی مربوط به‌تجدید نظر در برنامه عمرانی پنجم کشور بوسیله آقای مجیدی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه بیاناتی باین شرح ایراد فرمودند: گزارشی که‌از مطالعات این دو روزه دادید منعکس کننده تصمیمات‌اساسی راجع به تجدید نظر دربرنامه پنجم است وارد جزییات نمیشویم ولی تأکیداتی باید برای انجام برنامه‌ای که باین صورت معرفی گردید و برسبیل و برحسب تجربه میتوانم بگویم که بی‌تردید کارهایی که در باقیمانده برنامه انجام خواهد شد از چیزهایی که پیش‌بینی کردید تجاوز خواهد کرد. یعنی مضیقه‌هایی که به آن اشاره کردید ممکن است حتی شدیدتر باشد جواب این اشکال در چند چیز است یکی به حداکثر استفاده از ماشین آلات و تا جایی که میشود جای انسان را ماشین بگیرد و برای این کار به آخرین تکنولوژی، به آخرین مهارت و به آخرین دستگاههای ماشینی احتیاج است یکی اینکه تا چه حدی بشود از نیروی فعاله زنان مملکت بیشتر استفاده کرد. شاهنشاه افزودند قبلا صحبت از برنامه‌های ضربتی برای دوره‌های محدود تربیت کارگران وباحتی‌کشاورزان برای‌بعضی‌ازمهارتها بود امیدوارم در زمره این اشخاص که تربیت میکنید قسمت زنها را هم فراموش نکنید. برای بعضی کارها که حتی زنان بهتر از مردان هستند مثل کارهایی که بیشتر دست و انگشت مورد استفاده است، مثل صنایع الکترونیك مثل رادیو تلویزیون و حتی کارهای اداری و پشت‌میزی پرکار هستند، موقع شناس هستند و پر حوصله سروقت میآیند ولی اگر احتیاج به استفاده از آنها در بعضی کارهای عادی کارگری باشد باید با همان ترتیب‌های ضربتی مهارت داده شوند و یك مقداری از کمبودهای نیروی انسانی را جبران کنیم. شاهنشاه افزودند اشاره‌ای کرده بودیم که هرکدام از افراد این مملکت باید حس کنند که دوره بخصوصی در تاریخ مملکتشان دارد میگذرد و هر فردی نسبت به دوره و مملکت خود در هر رشته‌یی و هر موقعیتی مسؤولیتی دارد. مملکتی که به او این همه مزایا و افتخارات را ارزانی می‌کند مال خودش است و او هم نسبت به مملکت مسؤولیت و وظایفی دارد. اینها البته طبیعی است که احساسات میهنی و وطن‌پرستانه جای‌خود دارد. ولی امروز میتوانیم این را بیشتر محدود بکنیم بکار کردن این قبیل دوره‌ها، این قبیل امکانات هر روز به آسانی برای هیچ مملکتی در دنیا پیش نمیآید گاهی اتفاق می‌افتد و امکانی با هم در یك موقع و در یك‌جا جمع می‌شود و فرصتهایی ایجاد می‌کند که امروز خوشبختانه برای ما فراهم است که اگر از آنها استفاده نشود حیف است. نه‌تنها حیف است بلکه گناه نابخشودنی است. پس افراد ما باید سعی کنند اگر در حال درس خواندن هستند حداکثر تلاش را برای بهتر درس خواندن بکنند. اگر در فعالیتهای خلاقه و تولیدی هستند تولیدشان را بالاتر ببرند و نه‌فقط کار مقرره خود را در مدت معینی انجام بدهند اگر امکان داشته باشد کار اضافی هم‌بکنند البته در مقابل پاداش، ما انتظار این را نداریم که افراد ایرانی امروزه کمربندها را سفت کنند، غذا کمتر بخورند برای بهشت موعودی که همینطور رسیدنش هر روز به چند سال بعد موکول می‌شود. ماآن راحتی، رفاه و آسایش را به بعد حواله نمیدهیم سعی میکنیم از همین امروز تاجائی که امکان هست کارها را شروع کنیم. دیدید که تحصیلات مجانی عدالت اجتماعی و ۱۲ ماده انقلاب بهشت موعود نیست اینها امروز وجود دارد و از آن‌ها استفاده می‌کنیم و تمدن بزرگی که به شما وعده‌می‌دهند بهشت موعود نیست خیلی‌زودتر از آنچه فکر می‌کردیم ما صحبت از ۱۲ سال بعد می‌کردیم که به مرز تمدن بزرك برسیم، در بعضی از قسمتها اکنون وارد آن شده‌ایم یکی از مواردی که ما زودتر میتوانیم به آن برسیم قبل از ورود به تمدن بزرگ و آن مطالعه وکم‌کم ارائه طریق وفراهم کردن وسایلی که از لحظه‌یی که نوزاد به دنیا می‌آید تا سن ۶ سالگی او و مادرش چه‌گونه تغذیه کنند به‌این مرحله هم زودتر از تمدن بزرگ انشاءالله خواهیم رسید. شاهنشاه افزودند در سرویسهای درمانی که میخواهیم اضافه بربهداشت بدهیم از هیچ خرجی فروگذار نخواهیم کرد تا بهر قیمتی و از هر کجا که ممکن است این سرویسها را به ملت ایران عرضه بداریم همانطور که در روز اول گفتم در برنامه‌هایی‌که مطرح کردید قسمتهایی که باید رعایت بشود قراردادهایی است که با ممالکی که ذکر کردم امضاء کرده‌ایم و با ایالات متحده امریکا نیز امکان صحبتهایی هست و قراردادهای عظیم اقتصادی که شاید وسعتش خیره‌کننده بشود. این‌ها مطالبی است که شاید در این برنامه گنجانده نشده باشد ولی مآلا باید اضافه بشود. شاهنشاه اضافه فرمودند مسؤولیتهایی که هرفرد ایرانی اکنون به میهن خودش، اجتماع و جامعه خود دارد روز به روز روشنتروسنگین‌تر می‌شود. البته‌مسؤولیتهای انسانی و بین‌المللی که داریم آنرا هم نه‌فقط انجام میدهیم بلکه شاید به‌تناسب خودمان خیلی هم در این راه جلو باشیم، مسلما پس از این تجدید نظر تا حدودی که فعلا معلوم است و از این حد هم تجاوز خواهد کرد، برنامه پنجساله تولید مملکت را خیلی بیش از دو برابر برنامه تهیه شده اولی اضافه خواهد کرد. این افزایش-تولید اشکالاتی بوجود آورد که نه فقط اشکالات کمبود کارگر ماهر و حتی کارگر عادی است بلکه این همه قدرت پولی و زندگانی مادی و آن چیزی که بعنوان تمدن غربی مصطلح است یك نقاط ضعف‌و ابتلاعاتی دارد که ما باید از حالا خودمان را نسبت به آنها در واقع واکسینه و حفظ کنیم و مصونیت ایجاد نماییم. این‌نقاط ضعف‌باید شناخته شود، باید از دبستانها تا سایر مدارج تحصیلی توضیح داده شود. در اجتماع نیز بوسیله دستگاه‌های وسایل ارتباط جمعی این نکات باید توضیح داده شود و موشکافی بشود، امید ما اینست که تمدن تکنولوژیك پیشرفته دنیای خارج را یاد بگیریم و حداکثر استفاده از آنرا بکنیم و ضمناً سعی کنیم که نقاط ضعف و یا حتی فساد و سیاهی که بعضی اوقات همراه پیشرفت‌های تکنولوژیك هست، راهی به مملکت ما پیدا نکند، شاهنشاه افزودند برای اینکه زندگی سالم اخلاقی داشته باشیم این کار لازم است زندگی سالم اقتصادی نیز ضوابط و مقرراتی دارد که اساسش اینست که در برابر هرکاری یك دستمزدی هست، در دوره‌های استثنائی مثل دوره‌ای که مادر آن هستیم شاید نمیشود این ضوابط را رعایت کرد چون تقاضا زیاد و عرضه کم است. ولی این را باید دوره استثنایی نام گذاشت. دوره استثنایی ما بقدری زیاد است که شاید بتوان نام آنرا دوره طولانی گذاشت در اینصورت ضوابط باید روشن و مشخص شود، بخصوص که ما میکوشیم هر ایرانی در برابر این مملکت و این قانون در اجتماع انقلابی ما مساوی باشد. همانطور که مساوی بدنیا می‌آیند ومسلماً مساوی ازدنیا می‌روند ولو اینکه مقبره قشنگی برای شخص وقتی که زیر خاك میرود درست کنند اصل کار یکی است. تنها تفاوتی که بین دو ایرانی میتواند وجود داشته باشد حاصل کارشان است این چیزی از حقوق و احترامش کم نمیکند و چیزی از آن چه که من میگویم شرافت ذاتی کم نمیکند، فقط در زندگی مادی روزانه تفاوت بین دو ایرانی حاصل کارش است و این دیگر بستگی دارد به استعداد هر کس، باینکه استعداد هرکس چه باشد، توقعات افراد باید محدود باشد بهمین‌چیزی که ذکر کردیم، البته برای اینکه زندگی بهتری بکنند، ما درموقعیتی هستیم که‌برای عموم افراد مملکت وسائل لازم را فراهم کنیم و خارج از ما حاصل دسترنج کارشان تسهیلاتی در زندگی‌شان فراهم شود و امکان تهیه مسکن با شرایط‌بسیار ساده، تحصیلات‌مجانی‌برای‌بچه‌هاشان، بیمه‌های گوناگون، کمك که به‌اقلام اصلی‌ارزاق عمومی میکنیم، حتی موضوع تردد (اتوبوس). قیمت برای سایر ممالك دنیا که حقیقتاً قیمت مختصر و مسخره‌ای است. روی فرآورده‌های نفتی این مملکت گذاشتیم، نفت، گازوئیل، نفت‌کوره، نفت‌سنگین بدون خرج تحصیل در حدود ۴۲۱ میلیارد ریال. این کمك را بجامعه ایرانی خواهیم کرد. چرا که جمعیت مازیادتر خواهد شد. با تشویقهایی که می‌شود و با تعیین ضوابط در جامعه‌ای که اساسش برعدالت اجتماعی قرارگرفته، براساس فلسفه انقلاب ما که هر روز یك چیزی بآن اضافه می‌شود ما براصولش چیزی اضافه‌نمی‌کنیم ولی‌براساس فلسفه‌آن اضافه‌می‌شود. من امیدواری کامل دارم که با وجود «مضیقه‌ها» ومسؤولیت‌هایی‌که ذکرشد مااین برنامه‌را باتمام اضافات ممکن بخواست خداوند و همت ملت ایران و زحمت شبانه‌روزی کسانی که مستقیما در اجرای برنامه‌مسؤولیت دارند باموفقیت بانتهابرسانیم‌واز حالابفکر تهیه نه فقط برنامه ششم بلکه ترسیم ۲۰ یا ۲۵ سال آینده مملکت و نسل دیگر باشیم که از حالا طرح‌ریزی بشود که در خیلی موارد قبل از ۱۲ سال دیگر نه فقط بمرز تمدن بزرك برسیم بلکه وارد آن بشویم و مسلما هر چه زودتر یعنی ما به آرزوی خود که رسیدن به تمدن بزرگ باشد برسیم (میگویید پس از رسیدن بتمدن بزرگ که من فکر می‌کنم) که وسعت دید بشر هیچوقت انتها ندارد، استعداد بشر در آینده چیزهایی پیدا خواهد کرد که امروز بنظر ما نمیرسد اگر اینها نبود دنیا ترقی نمیکرد و مدتها پیش در نقطه‌ای متوقف میشد و ما امروز شاهد پیشرفتهای محیرالعقول و تکنولوژیك پیشرفته نبودیم. شاهنشاه در پایان بیاناتشان فرمودند پس با امید فراوان تجدیدنظر برنامه پنجساله‌پنجم‌را هم‌تأیید می‌کنیم و بملت ایران تبریك میگوئیم و باز اظهار می‌کنیم که ایران بیش از آن چیزی که امروز در اطراف آن صحبت کردیم پیشرفت و ترقی خواهد کرد.

بازیهای آسیائی

مقدمه

امسال، شاهدبزرگترین رویداد ورزشی سال در آسیا بودیم که از دهم تا بیست‌و پنجم شهریور ماه در تهران برگزار شد.

بیاد داریم که این رویداد بزرگ ورزشی، هفتمین دوره بازیهای آسیایی بود که آغاز آن به‌سال ۱۹۵۱ باز می‌گردد.

در تهران، ۱۶ روز پیکار و تلاش‌روح وجسم را شاهد بودیم. آنچنان که از شرق تا غرب و از جنوب تا شمال آسیا، جوانان از نژادها ومذاهب متفاوت در کنار هم برادرانه وخواهرانه مبارزه کردند تاپیروز شوند.

قهرمانان، در میدانهای مسابقه پنجه درافگندند و بعد، آن زمان که یکی شاهد پیروزی را در آغوش کشید، دیگران با صمیمیت باو تهنیت گفتند و گرم وصمیمانه، دستهای یکدیگر را فشردند و دگربار میثاق تجدید بازیها، تلاشها و مبارزه‌های صمیمانه را در گوش هم نجوا کردند.

این همه رقابت و دوستی، تنها در میدانهای ورزشی تجلی می‌یابد که تهران، میزبان هفتمین دوره آن در میان ملل آسیا بود.

***

حال، اجازه دهید چند سالی به قبل برگردیم و مروری کوتاه برتاریخچه بازیهای آسیایی داشته باشیم.

بدون تردید ، مبتکر برگزاری این بازیها، هندیها هستند زیرا مرد ورزش دوست و انسانی که نامش «سوندهی» است از سالهای قبل از ۱۹۵۰ بفکر برگزاری مسابقه‌هایی در میان ملل آسیایی بود . تلاشهای فراوان کرد ، از گاندی و نهرو یاری گرفت و برای اجرای این هدف در المپیك ۱۹۴۸لندن نیزشرکت وباسرپرستان ومسؤولان کشورهای آسیایی شرکت‌کننده در المپیك لندن مذاکره کرد. برخی با او پیمان بستند و گروهی با شك وتردید انجام این مقصود را تلقی کردند. او می‌خواست دست‌کم در سال ۱۹۵۰ در برخی رشته‌های ورزشی دیدارهای آسیایی را برگزارکنند که متأسفانه میسر نشد. اما ازآنجا که هدف عالی و زیبا بود، در سال ۱۹۵۱ این فکر و اندیشهٔ جالب جامهٔ عمل پوشید. دهلی‌نو ، درسال ۱۹۵۱ میزبان نخستین دوره بازیهای آسیایی شد.

۱۹۵۱ ــ دهلی‌نو :

در نخستین دوره بازیهای آسیایی که در سال ۱۹۵۱ در دهلی‌نو برگزار شد از یازده کشور مجموعاً ۴۸۹ ورزشکار حضور یافتند. ایران، افغانستان ، برمه، سیلان، هندوستان، اندونزی، ژاپن، سنگاپور، نپال، فیلی‌پین وتایلند حاضران دراین دوره‌بازیها بودند.

مجموعاً شش رشته دوومیدانی، وزنه‌برداری ، فوتبال، بسکتبال، شنا، شیرجه، واترپلو و دوچرخه سواری در نخستین بازیهای آسیایی بمسابقه گذارده شد.

۱۹۵۴ ــ مانیل :

سه سال بعد ، یعنی در سال ۱۹۵۴ دومین دوره بازیها در مانیل پایتخت فیلی‌پین برگزار شد. تعداد ورزشکاران به ۹۷۰ افزایش یافت، هرچند که ایران در این‌بازیها غایب‌بود. هیجده کشورافغانستان، برمه ، تایوان ، سیلان ، هنك‌کنگ ، اندونزی ، هندوستان ، اسرائیل ، ژاپن، کامبوج (خه‌مر) ، کره، مالزی، پاکستان، برنئو شمالی، فیلی‌پین، ویتنام، سنگاپور، وتایلند حاضران در ایندورهٔ بازیها بودند.

۱۹۵۸ ــ توکیو:

دوره سوم بازیها و میعاد قهرمانان آسیا در سال ۱۹۵۸ توکیو (ژاپن) قرار داده شد. در ایندوره تعداد کشورها به ۲۰ وتعداد ورزشکاران شرکت کننده به ۱۴۲۲ نفر رسید . ایران برای بار دوم یکی از حاضران در بازیها بود. دیگران نیز کشورهای افغانستان، اندونزی ، برمه، سیلان، تایوان، هندوستان، هونك‌کنگ، اسرائیل، ژاپن، کامبوج ، کرهٔ جنوبی، مالزی، نپال، برنئو شمالی ، فیلی‌پین ، پاکستان، ویتنام، سنگاپور و تایلند بودند. در توکیو نیز مجموعاً ۱۴ رشته ورزشی که عبارت از دوومیدانی، فوتبال، بسکتبال، وزنه‌برداری، شنا ــ شیرجه ــ واترپلو، دوچرخه‌سواری، تنیس، مشت‌زنی ، والیبال ، کشتی آزاد، تنیس روی‌میز (پینگ‌پنگ)، تیراندازی، بمسابقه گذاشته شد.

۱۹۶۲ ــ جاکارتا :

دیدارهای آسیایی سال ۱۹۶۲ که به چهارمین دوره می‌رسد اینبار در جاکارتا پایتخت اندونزی برگزار شد. در ایندوره مقامات دولت اندونزی باشرکت‌ورزشکاران اسرائیل مخالفت کردند وچند کشور نیز به

جهت این اقدام شرکت نکردند وبازیها را تحریم کردند.

در دوره چهارم هفده کشور با ۱۵٤۵ ورزشکار دربازیها شرکت کردند. حاضران عبارت بودند از کشورهای افغانستان، برمه، سیلان، هونك‌کنگ، اندونزی ، هندوستان، ژاپن، کامبوج، کره جنوبی، برنئو شمالی، مالزی، پاکستان، فیلی‌پین ، ساراواك، سنگاپور ، ویتنام و تایلند.

تعداد رشته‌های ورزشی نیز به ۱۵ افزایش یافت. در این دوره قایقرانی نیز برورزشهای دوره قبل افزوده شد.

۱۹٦٦ ــ بانکوك :

بازیهای آسیایی همچنان اوج‌می‌گرفت. روح ورزش ، شرافت واهمیت آن که روز بروز مورد توجه قرار می‌گرفت، بخصوص دوستیها و مودت که از این دیدارها در میان جوانان مشاهده می‌شد ، خود بخود گسترش این رویداد آسیایی را واقعیت روزافزون می‌داد. در سال ۱۹٦٦، پنجمین دوره بازیها، تایلند میزبان ورزشکاران هجده کشور شرکت کننده بود. در ایندوره ۱۹٤۵ ورزشکار از ایران ، افغانستان ، اندونزی،برمه، سیلان،تایوان، هونك‌کنگ، هندوستان، اسرائیل، ژاپن، مالزی، کره جنوبی، نپال، پاکستان، فیلی‌پین، سنگاپور، ویتنام و تایلند حضور یافتند. ورزشهای ایندوره عبارت بود از : رشته دوچرخه‌سواری، کشتی آزاد، تنیس روی میز، شنا شیرجه ، واترپلو، بسکتبال، وزنه‌برداری، فوتبال، مشت‌زنی، دوومیدانی، بدمینتون، والیبال، هاکی، تیراندازی وقایقرانی.

۱۹۷۰ ــ بانکوك:

بانکوك، برای دوره ششم بازیها نیز مجدداً به‌میزبانی برگزیده شد. زیرا کره جنوبی که برای برگزاری بازیهای دوره ششم انتخاب شده بود بجهات مختلف از برگزاری بازیها در سئول (پایتخت کره جنوبی) پوزش خواست وباپرداخت سیصد هزاردلار جریمه به‌تایلند، قرار شد ایندوره بازیها مجدداً در بانکوك برگزار شود.

دردوره‌ششم، مجموعاً ۱۷۵۲ ورزشکار از هجده کشور در بازیها شرکت کردند. ایران، برمه، تایوان، سیلان، هندوستان، هونك‌کنگ ، اندونزی، اسرائیل، ژاپن، خه‌مر (کامبوج) ، کره جنوبی ، نپال ، پاکستان، مالزی، فیلی‌پین، سنگاپور، ویتنام وتایلند حاضران در دوره ششم بازیهای آسیایی بودند.

در ایندوره ورزشها عبارت بود از: دوومیدانی ، کشتی آزاد ، شنا، شیرجه ، واترپلو ، فوتبال ، والیبال ، بسکتبال ، دوچرخه سواری، تیراندازی، وزنه‌برداری، مشت‌زنی، هاکی، بدمینتون و قایقرانی.

۱۳۵۳ ــ هفتمین دوره بازیهای آسیا در تهران

وحالا بعداز بیست وچهارسال، نگاهی به کارنامه بازیهای آسیائی که از دهم تا بیست و پنجم شهریور ماه امسال درتهران برگزار شد بیفگنیم. دوره‌یی که از هربار باشکوه‌تر و پربارتر و مهمتر جلوه‌گر شد.

۳۲۰۰ ورزشکار

امسال، تهران میزبان هفتمین دوره بازیهای آسیایی بود. در ایندوره قرار بود ۲٦ کشور شرکت کنند ، لکن در روزهای نزدیك به پایان مهلت نام‌نویسی کشور عربستان سعودی از حضور در بازیها عذر خواست و نتیجتاً ۲۵ کشور برمه، جمهوری خلق چین، ژاپن، افغانستان، جمهوری کره (کره جنوبی)، جمهوری خلق کره (کره شمالی) ، مغولستان ، خه‌مر (کامبوج) ، پاکستان، هندوستان، سری‌لانکا (سیلان)، تایلند، فیلی‌پین، ویتنام‌جنوبی، هونك‌کنگ، نپال، مالزی، لائوس، سنگاپور، اندونزی، عراق، کویت، بحرین واسرائیل حاضران در بازیهای تهران بودند.

دراین‌دوره ۳۲۰۰ دختروپسر ورزشکار از ۲۵ کشور که نام بردیم مجموعاً در ۱٦ رشته برقابت پرداختند.

نکته قابل توجه اینکه ورزشکاران جمهوری خلق چین که تابحال از شرکت‌در بازیها و مسابقه‌های جهانی محروم بودندو در عوض «تایوان» به نام کشور چین در مسابقات شرکت می‌کرد درنتیجه اهتمام و تلاشهای ایران موفق شدند به‌عنوان نماینده چینی‌ها درهفتمین دوره بازیهای آسیا رسماً شرکت کنندواین کاری بود که حضورچین را دربازیها ومسابقه‌های‌آینده هموارساخت.

پس از ایران ژاپن با بیشترین و لائوس با کمترین (چهار نفر) شرکت کننده در بازیها حضور یافتند.

در هفتمین دوره‌بازیهای آسیایی‌شانزده رشته دوومیدانی، بدمینتون ، مشت‌زنی، دوچرخه‌سواری، شمشیر بازی، ژیمناستیك، تیراندازی، شنا، تنیس روی میز، تنیس ، وزنه‌برداری ، کشتی ، بسکتبال ، فوتبال، هاکی، والیبال بمسابقه گذاشته شد که کشورها به‌شرح زیر در آن شرکت داشتند:

دوومیدانی: در این رشته کشورهای برمه، خلق چین، هندوستان، عراق، ژاپن، ایران، جمهوری‌کره، کویت، خه‌مر، مالزی پاکستان، اسرائیل، فیلی‌پین، خلق کره، سنگاپور، سیلان وتایلند شرکت‌داشتند (۱۷ کشور).

بدمینتون : در مسابقه‌های بدمینتون کشورهای‌خلق‌چین، هونك‌کنگ، هندوستان اندونزی، ایران، عراق، ژاپن، جمهوری کره، مالزی، پاکستان، فیلی‌پین، خلق‌کره، سنگاپور و تایلند رقابت کردند (۱٤ کشور).

مشت‌زنی : شرکت کننده‌های این رشته اندونزی، هندوستان، ایران، عراق، ژاپن، خه‌مر، جمهوری کره، پاکستان، فیلی‌پین، خلق کره، سنگاپور، سیلان و تایلند بودند. (۱۳ کشور).

دوچرخه‌سواری: خلق‌چین، هونك‌کنگ، هندوستان، ایران، عراق، ژاپن، خه‌مر، جمهوری کره، مالزی، پاکستان، فیلی‌پین، خلق‌کره، سنگاپور، سیلان وتایلند حاضران دراین رشته مسابقه بودند (۱۵ کشور).

شمشیربازی : دراین رشته قهرمانان کشورهای خلق‌چین، ایران، هونك‌کنگ ، جمهوری کره، خه‌مر، ژاپن، اسرائیل، خلق کره، سنگاپور و تایلند شرکت داشتند (۱۰ کشور).

ژیمناستیك : هندوستان ، خلق چین ، هونك‌کنگ، ایران، عراق، خه‌مر ، ژاپن، جمهوری کره، کویت، فیلی‌پین وخلق‌کره در ژیمناستیك شرکت کردند (۱۱ کشور).

تیراندازی: شرکت کننده‌های این‌رشته کشورهای خلق چین ، هونك‌کنگ ، هندوستان، ایران، عراق، اسرائیل، ژاپن، خه‌مر، جمهوری کره، مالزی، پاکستان، فیلی‌پین، خلق کره، سنگاپور، سری‌لانکا، ویتنام جنوبی و تایلند بودند (۱۷ کشور).

شنا: خلق‌چین، ایران، عراق، اسرائیل،

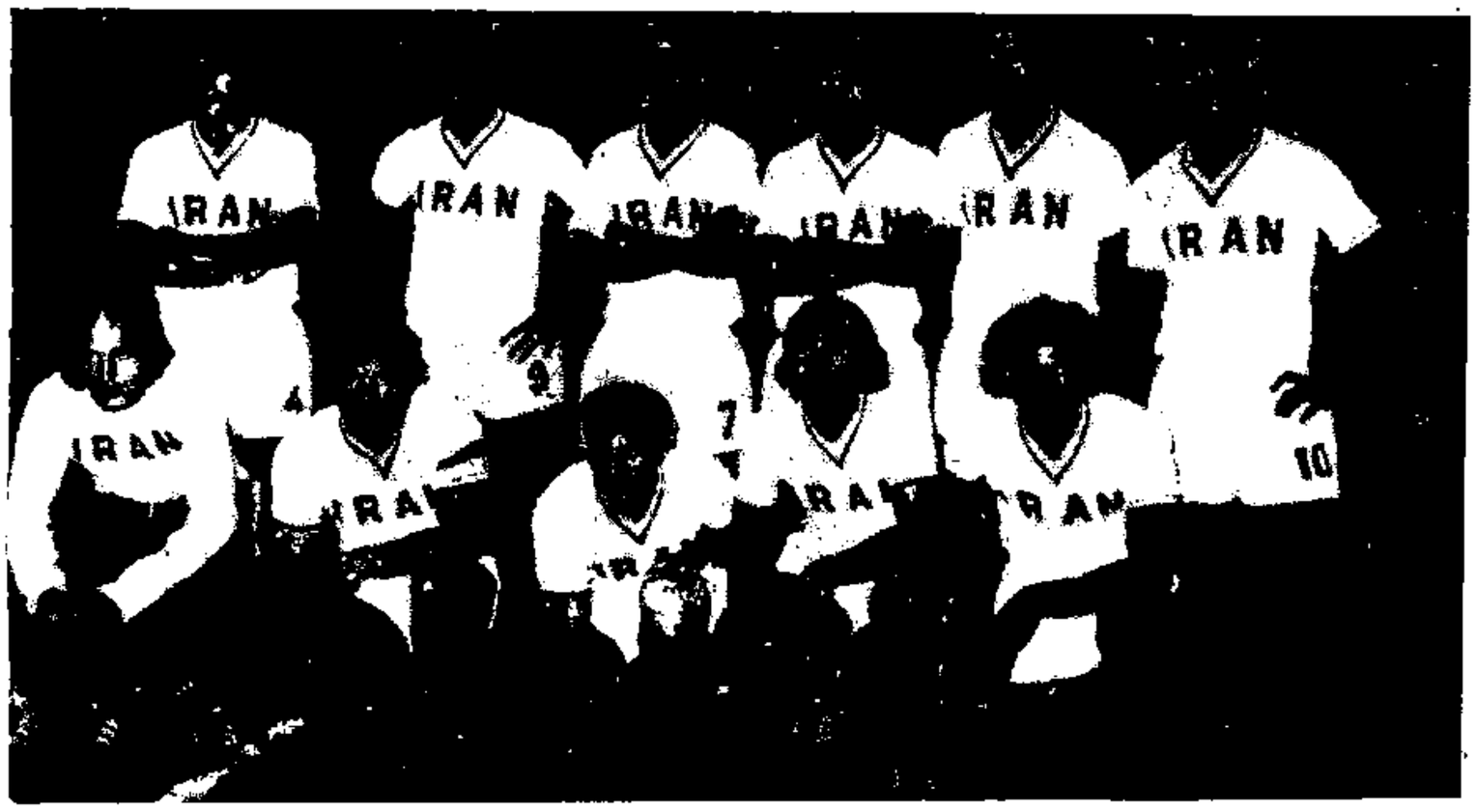

***

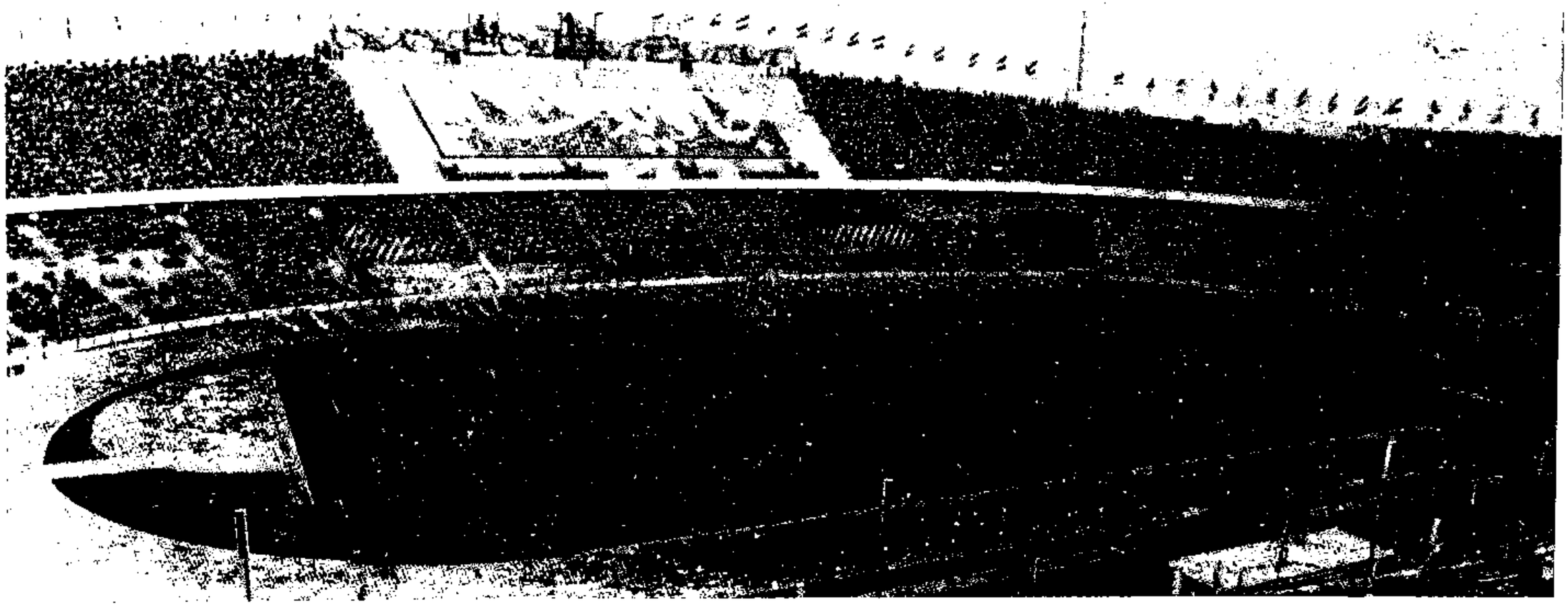

خه‌مر، ژاپن، جمهوری کره، کویت، مالزی، هندوستان، پاکستان، فیلی‌پین، خلق کره، سنگاپور، ویتنام جنوبی و تایلند در رشته‌های مختلف‌شنا شرکت‌داشتند (۱۶ کشور).

تنیس روی‌میز: دراین رشته ازبحرین، خلق چین، هونك‌کنگ، هندوستان، ایران، عراق، ژاپن، خه‌مر، جمهوری‌کره، کویت، مالزی ، پاکستان ، فیلی‌پین، خلق کره، سنگاپور، ویتنام جنوبی وتایلند شرکت کننده داشتیم (۱۷ کشور).

تنیس: در تنیس، خلق‌چین، هندوستان، ایران، اندونزی، عراق، اسرائیل، ژاپن، جمهوری کره، کویت، پاکستان، فیلی‌پین، خلق کره، سنگاپور، ویتنام و تایلندشرکت کردند (۱۵ کشور).

وزنه‌برداری: دروزنه برداری کشورهای برمه، خلق‌چین، هندوستان، ایران، عراق، اسرائیل، ژاپن، خه‌مر، جمهوری‌کره مالزی، خلق کره، فیلی‌پین، سنگاپور و تایلند حضور داشتند.

کشتی: کشورهای خلق چین، ایران، عراق، ژاپن، جمهوری کره، پاکستان ، فیلی‌پین، خلق کره، هندوستان حاضران‌در کشتی بودند (۹ کشور).

بسکتبال مردان: در این رشته تیمهای بحرین، خلق چین، هندوستان، عراق، ژاپن خلق کره، جمهوری کره، کویت، مالزی، پاکستان ، فیلی‌پین ، سنگاپور، تایلند ، اسرائیل وایران شرکت‌کردند (۱۵کشور).

بسکتبال بانوان: در این مسابقه‌ها تیم‌های خلق‌چین، ژاپن، جمهوری کره، خلق کره، ایران، سنگاپور و تایلند حضور یافتند (۷ کشور).

فوتبال: بحرین ، برمه ، خلق چین، هندوستان، عراق ، ژاپن، جمهوری کره، کویت، مالزی، پاکستان، فیلی‌پین، اسرائیل سنگاپور، تایلند، ایران وخلق‌کره حاضران در مسابقه‌های فوتبال بودند (۱۵ کشور).

هاکی: در هاکی تیمهای هندوستان ، ژاپن، مالزی،پاکستان، سنگاپور، سری‌لانکا وایران شرکت کردند (۷ کشور).

والیبال مردان : دراین مسابقه تیمهای خلق چین ، هندوستان ، عراق ، ژاپن ، جمهوری کره، کویت، پاکستان، فیلی‌پین، سنگاپور، تایلند، ایران وخلق کره شرکت کردند (۱۲ کشور).

والیبال بانوان: کشورهای خلق چین، خه‌مر، فیلی‌پین، ژاپن، جمهوری کره، سنگاپور ، تایلند، ایران و خلق کره در والیبال حضور یافتند (۹ کشور).

بدین ترتیب ایران و ژاپن در همه رشته‌ها شرکت کردند. جمهوری خلق چین بجز مشت‌زنی و هاکی در چهارده رشته از مسابقه‌های بازیهای آسیایی شرکت داشت.

***

محل سکونت ورزشکاران

برای سکونت ورزشکاران ۲۵ کشور شرکت کننده در بازیهای آسیایی دهکده المپیك که‌بخشی ازمجموعه ورزشی‌آریامهر است تجهیز و آماده شده بود.

بتدریج قهرمانان کشورهای شرکت کننده بتهران وارد شدند و با استقبال‌مردم ورزشدوست کشور میزبان ومقامات مسؤول ازفرودگاه مهرآباد، روانهٔ دهکده المپیك شدند.

در دهکده برای ورزشکاران هرکشور قسمت مخصوصی در نظر گرفته شده بود. ورزشکاران پس از اقامت در محل‌های مخصوص بلافاصله به تمرین‌های مقدماتی قبل از شروع بازیها می‌پرداختند. برای دهکده المپیك گذشته از مسؤولان یك شهردار خانم نیز انتخاب شده بود . پس از ورود ورزشکاران هرکشور طی مراسمی بیرق کشور مذکور در دهکده المپیك افراشته می‌شد و حضور و شرکت آنان در هفتمین دوره بازیهای آسیایی رسماً اعلام می‌شد. شبها و ساعات فراغت در دهکده المپیك به تفریح وسرگرمی‌های سالم می‌گذشت و رنگی از صفا و صمیمیت، دوستی و برابری و برادری داشت. صحنه‌هایی که در دنیای پرآشوب و جنجالی آن را کمتر می‌توان یافت. آنهم در مکانی که بانژادها وموقعیت‌های سیاسی‌مختلف وعقاید متفاوت ومتضاد جمع کثیری گرد هم آمده باشند.

هفتمین دورهٔ بازیهای آسیایی

مراسم قبل از گشایش :

بنا بفرمان شاهنشاه آریامهر ، نخستین مشعل هفتمین دوره بازیها را والاحضرت همایون ولایتعهد ساعت یك بعد از ظهر شنبه‌نهم‌شهریورماه بوسیله‌انعکاس‌نورخورشید درذره‌بین مخصوص افروختند . این برنامه طی مراسمی در قسمتی از چمن کاخ سعدآباد صورت گرفت . در آنروز رئیس کمیته تشکیلاتی بازیهای آسیایی گزارشی معروض داشت و استدعا کرد که والاحضرت همایون ولایتعهد ، آتشدان و بعد اولین مشعل را بیفروزند . والاحضرت پس از افروختن

اولین مشعل آنرا به اولین دونده اعطا فرمودند و بلافاصله سرود بازیهای آسیایی نواخته شد .

در این مراسم علیاحضرت شهبانوی ایران بدون اطلاع و اینکه در برنامه پیش‌بینی شده باشد به محل برگزاری مراسم تشریف‌فرما شدند و بدینوسیله مراحم خودرا نسبت به جامعه ورزشی ابراز فرمودند .

هنگامی که علیاحضرت شهبانو و والاحضرت ولایتعهدمحل‌مراسم افروختن آتشدان و اولین مشعل را ترك فرمودند ، اولین‌دونده درخط شروع قرار گرفت‌وپس‌از نواختن آهنگ مخصوص و صدور فرمان حرکت، شروع بدویدن‌کرد. این مشعل در مسیر پل تجریش ، خیابان پهلوی ، شاهرضا، آیزنهاور توسط دوندگان بصورت امدادی تا میدان شهیاد حمل شد، در حالیکه موتورسواران پلیس دوندگان را همراهی میکردند ، در میدان شهیاد مشعل تحویل شهردار تهران داده شد . در اینجا نیز گروهی از شخصیتهای مملکتی و ورزشی حضور داشتند . شهردار تهران ، فانوس نگهداری شعله را با مشعل روشن کرد . آهنگ مخصوصی نیز نواخته‌شد و این مراسم نیز با شکوه و جلوه‌هایی جالب در حالیکه مردم پایتخت دراطراف میدان شهیاد گرد آمده بودند بپایان رسید .

روز یکشنبه

ساعت دو بعد از ظهر مراسمی در میدان شهیاد برگزار شد . مشعل بازیهای آسیایی باحضور جمعی‌ازشخصیتهای ورزشی ایرانی و خارجی روشن شد و بهمان طریق امدادی توسط دوندگان به استادیوم آریامهر حمل شد .

هنگامی که مشعل به استادیوم رسید، آهنگ «خبر» نواخته شد . مشعل بدست دونده‌یی که دورمیدان را میدوید از پلکان های مخصوص که باگلهای زیبا تزئین و مفروش بود به محل آتشدان مخصوص که تا پایان بازیها همچنان روشن و نورانی بود حمل‌شد. آتشدانی که گرمی و روشنایی‌بخش بازیهای آسیایی تهران بود . این آتشدان در رفیع‌ترین نقطه جایگاه شرقی استادیوم قرار داشت .

هنگام حرکت مشعل در استادیوم ، از بلندگوهای استادیوم شعارهای دوستی و برادری وهمچنین اهمیت وارزش ورزشی و همبستگی ملل پخش میشد . هنگامی که آخرین دونده به آتشدان رسید ، بحالت احترام ایستاد ، آهنگ مخصوص نواخته شد و بعد دونده (باغبان‌باشی) آتشدان را روشن کرد که همچنان شانزده روز روشن بود .

«اشاره‌ای کرده باشیم که بفرمان شاهنشاه آریامهر گلوردی پیمانی‌که ٤٤سال دارد وازقهرمانان دوومیدانی گذشته کشور است برای حمل اولین مشعل‌که بدست‌مبارك والاحضرت‌همایون‌ولایتعهدروشن‌شد انتخاب وعلی‌باغبانباشی قهرمان سابق‌تیم ملی دررشته دوهای‌کشور افتخاریافت که‌آخرین‌مشعل‌رابه آتشدان استادیوم برساند و آنرا روشن کند. باغبانباشی نیز پنجاه سال دارد . این دو قهرمان به بزرگترین افتخار در زندگی ورزشی خود نایل آمدند .»

برنامه گشایش :

پس از تشریف‌فرمایی اعلیحضرتین و والاحضرت همایون ولایتعهد به استادیوم آریامهر ، در ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر یکشنبه دهم شهریور ماه سلام شاهنشاهی نواخته شد و بعد ورزشکاران کشور های شرکت کننده رژه رفتند . سپس رئیس کمیته تشکیلاتی هفتمین دوره بازیهای آسیایی خیرمقدم و گزارش مربوط را معروض داشت و استدعای اجازه گشایش بازیها را نمود . شاهنشاه آریامهر اجازه دادند که بازیها آغاز شود .

در اینهنگام توسط قهرمانان و افراد نیروی دریایی پرچم بازیهای آسیایی افراشته شد .

در همین زمان سرودبازیها نیز نواخته شد .

بعد پرچم‌ومشعل‌سنتی بازیهای آسیایی با همراهی گروهی از هنرمندان حمل و توسط شهردار بانکوك (میزبان ششمین دوره بازیها) به شهردار تهران تحویل داده شد.

در این لحظه کبوتران و بادکنکهای رنگی به‌آسمان پروازداده‌شدند. ورزشکاران و داوران سوگند یاد کردند و میدان راترك گفتند . در پایان نیز برنامه ورزش باستانی، رقص های محلی ایران و حرکات نرمش و جمعی دانشجویان دانشکده پلیس انجام گرفت .

بعد اعلیحضرت باتفاق والاحضرت ولیعهد استادیوم آریامهر را ترك فرمودند.

بدینسان نخستین روز مراسم گشایش هفتمین دوره بازیهای آسیایی بانجام رسید.

***

آغازبازیها:

از صبح روزدوشنبه یازدهم شهریورماه بازیهای آسیایی در شانزده رشته با شرکت بیست و پنج کشور آغاز شد . مروری می‌کنیم برنتیجه و سرانجام تلاشها و رقابت‌های قهرمانان که تا روز بیست چهارم شهریورماه شاهد و ناظر آن بودیم .

فوتبال :

ابتدا یاد می‌کنیم‌از فوتبال که، دراین رشته ۱۵ کشور شرکت داشتند و مسابقه‌ها بطور دسته‌ای در چهاردسته انجام گرفت. در دور مقدماتی چهار گروه که یکی از آنها سه تیمی بود با یکدیگر مسابقه دادند . (گروه الف : کره جنوبی، کویت ، تایلند- گروه ب: هند ، عراق، خلق‌کره، خلق‌چین - گروه ج : ژاپن ، اسرائیل ، مالزی ، فیلیپین- گروه د: ایران، برمه، پاکستان، بحرین) مسابقه‌های فوتبال از روز یازدهم شهریور و نخستین آن ساعت ۳۰ر۱٦ آغاز شد . پس از پایان دور مقدماتی تیمهای جمهوری کره (کره جنوبی) ، کویت ، عراق ، خلق کره ، مالزی ، اسرائیل ، ایران و برمه به دور بعد راه یافتند ، کویت و خلق کره که در دسته اسرائیل و برمه قرار داشتند از مسابقه با اسرائیل خودداری کردند نتیجه اسرائیل تنها با یك دیدار در برابر برمه که به پیروزی رسید و برد از دو غایب (کویت و خلق‌کره) آسوده به مرحله نهایی راه یافت . ایران نیز از دسته دیگر بدون باخت و پیروزی بر هرسه حریف خود یعنی عراق ، مالزی و جمهوری کره به مرحله نهایی رسید .

مالزی و خلق کره برای مقام های سوم و چهارم دیدار کردند ، که مالزی با نتیجه دو بر یك خلق کره را مغلوب کرد و به‌مقام سوم رسید . دیدارنهایی میان‌ایران و اسرائیل ، روز بیست‌و چهارم شهریورماه ساعت ۸ بعدازظهر در استادیوم یکصد هزار نفری آریامهر ، در پیشگاه والاحضرت همایون ولایتعهد و با حضور بیش از یکصدهزار تماشاگر انجام گرفت. تیم فوتبال ایران در این دیدار با نتیجه یك بر هیچ بمقام قهرمانی فوتبال هفتمین دوره بازیهای آسیایی دست یافت. اسرائیل ، مالزی و خلق‌کره نیز به ترتیب مقامهای دوم تا چهارم را در اختیار گرفتند. بدین‌ترتیب بیست مدال طلا نصیب ایران شد .

تیم ایران با هفت مسابقه بمقام قهرمانی رسید . در حالیکه اسرائیل نایب قهرمانی با پنج دیدار و دو استراحت باین مقام دست یافت .

تیم ملی ایران در دیدار نهایی از: ناصر حجازی ، اکبر کارگر جم ، مسیح مسیح‌نیا ، جعفرکاشانی ، عزت جان‌ملکی، قلیچ‌خانی (کاپیتان) ، علی پروین ، محمد صادقی، علی‌جباری، مظلومی ، عادلخانی ، حسن روشن ، ذخیره‌ها : منصور رشیدی ، آشتیانی ، کاروحق‌وردیان و غفور جهانی ترکیب یافته بود .

در حاشیه مسابقه‌های فوتبال به چند نکته‌نیزاشاره می‌کنیم: تیم‌ایران قهرمان‌آسیا در هفت مسابقه بدون باخت و بدون دریافت گل ۲۰ گل وارد دروازه‌های حریف‌کرد.

اسرائیل نایب قهرمانی در ازاء یك باخت (در برابر ایران) و دریافت ٤ گل ، ۲٤ گل بدست آورد که ٤ گل بخاطرعدم حضور کویت و خلق‌کره در برابر اسرائیل بود . توضیح اینکه تیم غایب ۲ گل و یك باخت میگیرد . مالزی با مقام سوم با ۲۰ گل زده ۱۳ گل خورده داشت . در بازیهای آسیایی فرانك اوفارول مربی انگلیسی ، تیم ملی ایران را با کمك حشمت مهاجرانی و حسن حبیبی (کمك مربی‌ها) هدایت

صفحه شصت و دوم

کردند .

***

والیبال مردان : در این رشته مسابقه‌ها بطور دوره‌یی انجام گرفت .

مسابقه‌ها از روز یازدهم آغاز شد و صبحها و بعد از ظهرها در سالن والیبال مجتمع ورزشی آریامهر بانجام رسید و سرانجام تیم ژاپن مقام قهرمانی را بدست آورد . جمهوری کره و خلق‌چین نیز به ترتیب مقام‌های دوم و سوم را در اختیار گرفتند . این رشته ۱۲ مدال طلا برای ژاپن ، ۱۲ نقره برای کره جنوبی و ۱۲ برنز برای چین بهمراه داشت . تیم والیبال مردان ایران در جمع امتیاز ها بمقام چهارم دست یافت . هندوستان ، فیلی‌پین ، پاکستان و کویت مقامهای پنجم تا هشتم را بدست آوردند . تیم ملی ایران از : محمود محب، فریبرز استخری ، کارگرپیشه ، صابرپور، امیرحیدری ، میرفتاح ، مصطفی ذوقی محمدحیدرخان ، هوشنگ ملك‌لو ، چایچی، عزیز پرتوی و ماشاالله فرخ‌منش تشکیل شده بود . تاداهیکواز ژاپن بعنوان مربی و فخرالدین کمك‌مربی تیم بودند .

***

والیبال بانوان : این‌مسابقه‌ها نیز نتیجه‌ای چون‌والیبال‌مردان‌داشت. ژاپن‌به۱۲ مدال طلا و مقام قهرمانی دست یافت و تیمهای جمهوری کره‌و خلق‌چین در سکوی دوم‌وسوم قرار گرفتند وبه‌ترتیب ۱۲ مدال نقره و ۱۲ برنز برجمع مدال‌های خود افزودند .

تیم‌های بانوان خلق‌کره و ایران از لحاظ رده‌بندی در مقام‌های چهارم و پنجم جدول قرارگرفتند. در والیبال بانوان که بطور دوره‌یی انجام گرفت ۹ تیم شرکت داشتند که مجموعا ۳۶ دیداردر سالن‌والیبال مجتمع ورزشی آریامهر انجام گرفت . تیم والیبال بانوان ایران نیز مرکب بود از : بتول حسین‌پور ، مینو اشتیاق ، پری فردی ، سرور سعادتی ، ناهید حسینی ، مینا فتحی ، فاطمه سپنجی ، مهوش نوربخش ، ملیحه‌پاشایی، فهیمه فرمان‌آرا ، گیتی‌یگانه و مهوش کمالی‌فر . مربیان تیم تاداهیکو و رضاجباری وسرپرست تیم‌نیزاشرف وحیدیان بودند .

***

ژیمناستیك : مسابقه‌های ژیمناستیك بیش از آنچه انتظار میرفت تماشاچی داشت . سالن برگزاری این رشته از گرم‌ترین صحنه‌های‌مسابقه بود . قهرمانان چین با وجود حضور رقیب نیرومندی چون ژاپن که در صحنه، جهانی نیز صاحب عنوان و ارزش است ، بیش از حد درخشیدند و در مسابقه‌های تیمی مقام قهرمانی را بدست آوردند . دوازده مدال طلا و مقام قهرمانی ارمغان مسابقه‌های ژیمناستیك برای خلق‌چین بود . ژاپن و خلق‌کره هرکدام با ۱۲ مدال نقره و برنز مقامهای دوم و سوم را در اختیار گرفتند . همچنین در قسمت انفرادی بانوان «چی . یانگ . شو» دختر با ارزش چینی موفق شد پنج مدال طلا تصاحب کند . این‌دختردرژیمناستیك بمقام‌قهرمانی‌قهرمانان دست یافت . در این رشته در قسمت بانوان زیور صفرپور ، رویادولوقاجار ، هوروش خلیلی ، افسر جعفری ، آناهید قاب‌قران ، نازنین اعظم‌زاده ، فرزانه مفید و در قسمت مردان محمدآذری، مجید نائینی ، فریبرز مفید ، جلیل نیسی ، حسین محمدقلی ، علی‌اکبر گنجور ومحمدتوکلی‌حضورداشتند. درمسابقه‌های تیمی مردان، چین، ژاپن، خلق‌کره،جمهوری‌کره، ایران‌وکویت‌شرکت داشتند و در قسمت بانوان تیمهای خلق‌کره خلق چین ، ژاپن ، جمهوری کره و ایران حضور یافتند . در قسمت تیمی مردان در شش اسباب ایران با ۲۳۵٫۸۵ امتیاز مقام پنجم رابدست‌آوردوتیم‌بانوان ایران‌نیزبا۱۵۲٫۸۵ امتیاز بمقام پنجم رسید . امتیاز خلق‌چین قهرمان آسیا در قسمت مردان به ۲۷۷٫۹۰ و در قسمت بانوان به ۱۸۷٫۵۵ رسید . در قسمت‌مردان‌ژاپن۲۷۵٫۹۰،خلق‌کره۲۷۳٫۵۵ جمهوری کره ۲۷۲٫۶۰ و کویت در مقام ششم ۲۰۳٫۵۰ امتیاز بدست آوردند . در مسابقه‌های تیمی بانوان در چهار اسباب ، خلق کره ۱۸۶٫۹۵ ، ژاپن ۱۸۳٫۹۵ و جمهوری کره ۱۶۳٫۷۵ امتیاز کسب کردند.

***

بسکتبال : مسابقه‌های مردان از یازدهم شهریور ماه در سالن بسکتبال مجتمع ورزشی آریامهر صبحها و بعداز ظهرها برگزار شد . مسابقه‌ها بطور دوره‌یی انجام گرفت و سرانجام تیم اسرائیل بمقام قهرمانی و ۱۲ مدال طلا نست یافت . جمهوری کره و خلق چین مقامهای دوم و سوم را بدست آوردند ، تیم ایران‌در مقام ششم قرارگرفت. تیم ایران مرکب بود از : نادر کاشانی ، رضا اسمعیلی ، جعفر قره‌خانی ، نصرالله ایلیاوی، رسول جوادی ، عباس حیدری ، رضا مشحون، محسن خلخالی ، مظفر بنی‌هاشمی، امیرسبکتکین ، سلیم شیبه و ناصر بیگلری.

جورج شیرالیو بعنوان مربی‌و مصطفی افوضی کمك مربی در خدمت تیم بودند . مقامهای چهارم و پنجم را فیلی‌پین و خلق کره و مقامهای هفتم تا یازدهم را ژاپن ، پاکستان ، عراق ، کویت و بحرین بدست آوردند .

بسکتبال بانوان : در این رشته ژاپن بمقام قهرمانی رسید ، جمهوری کره و خلق چین مقامهای دوم و سوم را تصاحب کردند. تیم‌بسکتبال بانوان ایران بمقام چهارم‌رسید.

کشتی فرنگی : در کشتی فرنگی تیم ملی ایران با هشت مدال طلا و یك نقره مقام قهرمانی را بدست آورد .

در این رشته ژاپن، مغولستان و کره جنوبی مقامها و قدرتهای بعدی را داشتند.

در کشتی فرنگی رحیم علی‌آبادی ۴۸ کیلو ، حسین تورانیان ۵۷ کیلو ، اکبر یدالهی ۶۲ کیلو ، هاشم قنبری ۷۴ کیلو جلال کریمی ۹۰ کیلو ، بهرام مشتاقی ۱۰۰ کیلو و مسلم اسکندر فیلابی ۱۰۰ کیلو ببالا موفق به دریافت مدال طلا شدند . خسرو نظافت‌دوست در ۸۲ کیلو مدال نقره و حسین نقیب‌زاده از ایران مقام چهارم را در اختیار گرفتند . دو مدال طلای دیگر کشتی فرنگی در ۵۲ و ۸۲ کیلو نصیب کشتی گیران ژاپن شد . ژاپن ٤ مدال نقره و دو مدال برنز نیز بدست آورد . جمهوری کره چهار مدال نقره و دو مدال برنز بدست آورد .

مغولستان یك مدال نقره و یك مدال برنز تصاحب کرد.

مشت‌زنی : مسابقه‌های مشت‌زنی یازده وزن با شرکت سیزده کشور در ده وزن در سالن بوکس مجتمع ورزشی آریامهر از روز چهاردهم شهریورماه آغاز شد . خلق‌چین در مشت‌زنی وهاکی شرکت نداشت . این مسابقه‌ها شب اول با جنجالی که مشت‌زن کره‌ای (خلق کره) و بدنبال او دیگر ورزشکاران کره‌ای بعنوان اعتراض به رای داور برپا کردند دوشب متوقف ماند و بعد ادامه یافت . رای داوران نیز پا برجا ماند .

در این رشته ، جمهوری کره (کـره جنوبی) مقام نخست و قهرمانی آسیارا بدست آورد .

ایران بمقام دوم و خلق‌کره بمقام‌سوم دست یافتند . از جمع مدال‌ها جمهوری کره ۵ مدال طلا ، دو مدال نقره ــ ایران ۳ مدال طلا ، دو نقره و پنج مدال برنز ، خلق کره ۲ مدال طلا ، ۲ نقره و یك برنز بدست آوردند . ژاپن نیز دیگر مدال طـلای مشت‌زنی را در ٥٤ کیلو تصاحب کرد .

۳مدال طلای ایران‌توسط شریف‌دلارام در ۷۱ کیلو ، ماسیس‌هامبارسومیان در ۸۱ کیلو و عبدالرضا انداوه در بالای ۸۱ کیلو بدست آمد . مدالهای نقره را عبدالرضـا انصاری در ٤۸ کیلو و جبار فعلی در ۵۷ کیلو تصاحب کردند و هاملت میناسیان در ٥٤ کیلو ، حسین مادردوست در ٦۰ کیلو ، فرشید انتقامی در ٦۳٫٥ کیلو ، احمدپـور افتخاری در ٦۷ کیلو و وارتکس پارسانیان در ۷۵ کیلو مدالهای برنز را در اختیار گرفتند .

ژاپن یك مدال نقره و دو مدال برنز نیز بدست آورد . هندوستان ۳ نقره و ۲ برنز ، مغولستان یك نقره‌و یك‌برنز گرفتند.

دوومیدانی : در این رشته ، قهرمانان ژاپنی چون گذشته بیشتر از همه شرکـت کننده‌ها مدال داشتند . بعد از ژاپن قهرمانان تایلند و خلق چین قرار گرفتند .

در دوومیدانی قهرمانان ارزنده ایران تیمورغیاثی وجلال کشمیری‌افتخار آفریدند. شهباز بلندپـرواز آسمان آسیا مـوفـق‌شد بزرگترین رقیب خود «نی . چی . چین» پرنده بلندپرواز چین را متوقف کند . در پرش ارتفاع قهرمانان ایران ، چین و ژاپن بمرحله‌آخر راه‌یافتند. قهرمان‌ژاپنی زودتر از قهرمان چین صحنه را ترك و در مقابـل غیاثی از پای درآمد .

نی . چی . چین که انتظار مدال طلا را داشت و در گذشته در یك رکوردگیری غیر رسمی رکورد اروپا را شکسته بود ، در مقابل ارتفاع ۲٫۱۹ تسلیم شد و پس از سه‌بار موفق به عبور از آن نشد . تیمور غیاثی بلندپرواز ایرانی براحتی ارتفـاع ۲٫۱۹ را زیر پا گذاشت و بمقام قهرمانی‌آسیا رسید ، وی باین نیز قناعت نکرد و در یك رکوردگیری از مرز ۲٫۲۱ متر نیز گذشت ورکورد جدیدی برای‌آسیا برجای‌گذاشت. تنها ۳ سانتی متر کمتر از رکورد جهانی در المپیك مونیخ .

* قهرمان دیگر ما جلال کشمیـری نیز در پرتاب دیسك و وزنه رقیب قدیم خود قهرمان هندی را پشت سرگذاشت و دو مدال طلا برای ایـران بـارمغان آورد . کشمیری موفق شد ۲ سانتی‌متر رکورد خود را ترقی دهد و از ۱۸٫۰۲ متر به ۱۸٫۰٤ متر در پرتاب وزنه برساند . مقامهای دوم و سوم در اختیار هندوستان قرار گرفت .

بهادر سینگ با ۱۷٫۹٤ متر دوم و جاگراج سینگ با ۱۷٫٦٤ سوم .

***

بدمینتون : این مسابقـه در رشته‌های انفرادی آقایان ، بانوان ، دونفری آقایان دونفری بانوان و مختلط انجام گرفت . در میان کشورهای شرکت‌کننده خلق چین مقام قهرمانی را که در اختیار اندونزی بود تصاحب کرد . چین ۱۲ مدال بدمینتون را بخود اختصاص داد. اندونزی نیز ۱۱ مدال گرفت .

در این رشته در انفرادی بانوان چین مدال طلا ، نقره و ژاپن برنز گرفتند .

در دونفری‌بانوان مدال‌های طلاونقره نصیب چین و برنز بهره اندونزی شد .

در انفرادی آقایان مدال‌های طلا و نقره در اختیار چیـن و برنـز در اختیار اندونزی قرار گرفت . در دو نفری آقایان اندونزی مدال‌های طلا و نقره را بدست آورد و مدال برنز نصیب چین شد . در دو نفری مختلط مدال‌های طلا و نقره ازآن اندونزی و برنز در تصاحب چین قـرار گرفت. در واقع مقام‌های اول و دوم وسوم از لحاظ مدال به چین و اندونزی تعلق گرفت و بدین‌ترتیب چین ٤ مدال طلا ، ٤ مدال نقره و ٤ مدال برنز گرفت ، اندونزی ٤ مدال طلا ، ٤ نقره و ۳ برنز بدست آورد تنها یك مدال برنز در قسمت انفرادی بانوان نصیب ژاپن و موجب برتری خلق چین در بدمینتون شد .

واترپلـو: دور از انتظار و شگفتی‌ـ آفرین ، آنچنان که شادی ، افتخار و لبخند پیروزی چهره همه‌ایرانیان‌را ازیك موفقیت غیر قابل تصور در کنار دیگر پیروزیهای ایرانیان در هفتمین دوره بازیهای آسیایی جلوه‌یی‌درخشان بخشیده‌بود. زیادازعمرتوجه وعلاقه جوانان به‌ورزش واترپلو نمی‌گذرد، اما سریع و حیرت‌انگیز، در جمع همه‌رقیبان صاحب‌نام و پرقدرت در شنا ، ایران مکان نخست و سکوی قهرمانی را به شایستگی در اختیار گرفت . تحسین هموطنان و اعجاب همه ملل آسیایی را پیروزی تیم واترپلوی ایران بهمراه داشت .

ایران قهرمان شد : این شعاری بود که در روزهایی از بازیهای آسیایی تهران در هرگوشه و کنار مملکت شنیده میشد . مسابقه‌ها ، دوره‌یی انجام گرفت و شرکتـ کننده‌ها دیدارهای‌هیجان‌انگیزو پراضطرابی را پشت سرگذاشتند .

و این تشویش برای ژاپن و چین‌بیش از دیگران تظاهر داشت .

بهرتقدیر هر چه دیدارها به نهایت و روزهای‌آخر میرسیدتوجه مردم، قهرمانان، خبرگزاری‌ها و نمایندگان وسایل ارتباط جمعی به‌آنچه که‌هرگز بذهن نمی‌گذشت ، افزون می‌شد، یعنی‌اینکه ایران قهرمان واتر پلوی آسیا بشود و یازده مدال طلا را در کنار بزرگانی چون ژاپن و چین ازآن خود سازد. حقیقتی که‌بهرحال‌همه آنرا پذیرفتند.

حاصل برگزاری‌این‌رشته ازمسابقه‌های بازیهای آسیایی که از جمله رشته‌های شنا محسوب می‌شود از لحاظ رده‌بندی چنین بود : ایران از جمع شش مسابقه با چهار برد ، دو مساوی (در مقابل چین و ژاپن) بدون باخت قهرمان هفتمین دوره بازیهای آسیایی‌با یازده مدال طلا... جدول رده‌بندی نهایی را مرور می‌کنیم :

ایران ، شش‌بازی ، چهار برد ، دو مساوی ، بدون باخت ، ۷۹ گل زده ، ٢٤ گل خورده .

چین ، شش‌بازی ، چهار برد ، دو مساوی ، بدون باخت ، ٦۷ گل زده ، ۲۰ گل خورده .

ژاپن ، شش بازی ، چهار برد ، دو مساوی ، بدون باخت ، ٦۳ گل زده ، ٢٤ گل خورده .

خلق‌کره ، شش‌بازی ، سه برد ، بدون مساوی ، سه باخت ، ٤٦ گل زده ، ۲۸ گل خورده .

سنگاپور ، شش‌بازی ، دو برد ، بدون مساوی ، چهار باخت ، ٤٤ گل زده ٤٤ گل خورده .

هندوستان ، شش‌بازی، یك برد ، بدون مساوی ، پنج باخت ، ۲۹ گل زده ، ۷۲ گل خورده

کویت ، شش بازی ، بدون برد ، بدون مساوی ، شش باخت ، ۱۳ گل زده ، ۱۲۹ گل خورده .

ماحصل مسابقه‌های واترپلو ، یازده مدال طلا برای ایران با مقام قهرمانی .

یازده مدال نقره برای خلق چین ، ۱۱ مدال برنز برای ژاپن بامقامهای دوم‌وسوم در هفتمین دوره‌بازیهای آسیایی تهران بود. چیزی که نه همه‌مردم ، حتی کارشناسان و متخصصان ورزش‌نیز انتظارش‌را نداشتند.

***

تنیس مـردان : مسابقـه‌هـای تنیس آقایان از روز یازدهم شهریورماه در زمین‌ـ های‌تنیس کلوب شاهنشاهی‌درمیان احساسات پرشور علاقمندان باین ورزش برگزار شد. در قسمت تیمی آقایان ، سرانجام ژاپن بمقام قهرمانی رسید و چهار مدال طلا در این رشته را تصاحب کرد . مقام دوم با چهار نقره برای چین ، مقام سوم چهار مدال برنز برای پاکستان حاصل شد و در رده‌بندی جدول ایران مقام چهارم را تصاحب کرد .

بانوان : در رده بندی مسابقه‌های تیمی تنیس بانوان مقام قهرمانی و چهار مدال طلا نصیب جمهوری کره شد . خلق‌چین و ژاپن به ترتیب ٤ مدال نقره و ٤ مدال برنز و مقامهای دوم و سوم را تصاحـب کردند . در جدول اندونزی ، ایران و فیلی‌پین مقام های چهارم و ششم را بدست آوردند . مسابقه‌های تیمی تنیس بانـوان بصورت دوره‌یی برگزار شد .

در مسابقه‌های تنیس انفرادی بانوان یازده‌نفر و در انفرادی مردان۲۵نفر شرکت کرده بودند .

تنیس روی‌میز : مسابقه‌های تنیس روی میز (پینك‌پنك) نیز شور و هیجان خاصی داشت زیرا حضور بزرگانی چون ژاپن و چین که در عرصه‌جهانی مقام وعنوان ارزنده‌یی دارند، با ارائه بازیهای بسیار زیبا جالب و سریع و در کنار این بزرگان ، دیگر قهرمانان از هر دو کره و ایران علاقمندان باین ورزش را بخود جلب میکرد. در پایان رده‌بندی این‌ورزش‌در قسمت‌مردان با شرکت ١٤ تیم بشرح زیر حاصل گشت :

چین با تصاحب پنج مدال طلا در مقام قهرمانی ، ژاپن با پنج نقره دوم ، خلق کره با پنج مدال برنز سوم ، هونك‌کنگ ، جمهوری کره و ایران نیز در مقامهای چهارم تا ششم قرار گرفتند . تیم تنیس روی‌میز آقایان ایران از هوشنگ‌بزرگزاده، معراج علیزاده ، علیرضا حجازی ، محمد سنجری و ابوطالب نجفی ترکیب یافته بود.

در رده‌بندی تیمی تنیس روی‌میز بانوان با شرکت هشت تیم ، چین با دریافت چهار مدال طلا بمقام قهرمانی رسید . جمهوری کره با چهار مدال نقره دوم و ژاپن با چهار مدال برنز سوم شدند . خلق کره ، تایلند ، هونك‌کنگ ، ایران و نپال در رده‌های چهارم تا هشتم قرار گرفتند.

تیم بانوان ایران مرکب بود از فروزنده شمیرانی ، زرین‌تاج افشار ، کارمن گالوستیان و آذر نصیری .

در قسمت انفرادی بانوان چینگ‌لی چین از خلق چین مدال طلا ، سوهوك از جمهوری کره مدال نقره ، هو . یو . لان‌از خلق چین مدال برنز و یونك از خلق کره مقام چهارم را در اختیار گرفتند .

در قسمت انفرادی آقایان نیز لیانگ ازخلق‌چین‌مدال‌طلا ، کونومیتسورو از ژاپن مدال نقره ، یونگ‌چو از خلق کره مدال برنز و شوشوفااز از چین مقام چهارم را تصاحب کردند .

در دو نفری آقایان ژاپن با دو مدال طلا بمقام قهرمانی رسید . مدال های نقره (دو مدال) و برنز (دو مدال) برای مقامهای دوم و سوم در اختیار قهرمانان خلق چین قرار گرفت .

در رده‌بندی دونفری‌مختلط، قهرمانان چین دو مدال طلا و مقام قهرمانی را تصاحب کردند .

جمهوری کره مدال های نقره و مقام دوم ، ژاپن نیز مدال‌های برنز و مقام سوم را از آن خود ساختند . مقام چهارم به قهرمانان جمهوری کره رسید .

هاکی : نتیجه و مسابقه‌های هاکی آنچنان شد که از قبل پیش‌بینی می‌شد .

همچنانکه درشش‌دوره‌بازیهای آسیایی در گذشته به ثبت رسیده است دیدارنهایی راهند و پاکستان‌برگزار کردند. این ورزش در این دوکشور سابقه طولانی و طرفداران و درجه‌یی بالا دارد ... در تهران نیز وضع تکرار شد . نتیجهٔ حاصل از برگزاری مسابقه‌های هاکی چنین بود : پاکستان با هجده مدال‌طلا در مقام قهرمانی، هندوستان و مالزی هرکدام و به ترتیب با تصاحب ١٨ مدال نقره و برنز در مقامهای دوم و سوم قرار گرفتند . مقامهای بعدی از چهارم تا ششم به ترتیب نصیب ژاپن ، سری لانکا (سیلان) و ایران شد .

هاکی عمری بیش از سه یا چهار سال در ایران ندارد . قهرمانان پاکستان و هندوستان در این رشته از موفقیتی جهانی برخوردار هستند .

تیراندازی : مسابقه‌های تیراندازی در رشته‌های مختلف در کلوب شاهنشاهی و سالن تیراندازی مجتمع ورزشی آریامهر برگزار شد .

در قسمت تیراندازی‌با تفنگ‌استاندارد خفیف در سه حالت (٥٠ متر ــ ٦٠ تیر) بصورت تیمی خلق‌کره ، خلق‌چین و تایلند به ترتیب با ٢٢٢٨ ، ٢٢١٦ و ٢١٨٣ امتیاز مقامهای اول تا سوم و هر کدام ٤ مدال طلا ، نقره و برنز بدست آوردند .

رده‌های بعدی از چهارم تا ششم نصیب جمهوری کره ، ژاپن و اسرائیل شد . ایران با ١٩٣٤ امتیاز مقام هشتم را بدست آورد. در همین رشته ، در قسمت انفرادی قهرمانان خلق‌کره ، خلق‌چین ، تایلند ، جمهوری‌کره، ژاپن و اسرائیل مقامهای اول تا ششم را در اختیار گرفتند . هوشنگ گودرزی از ایران با ٥٠٣ امتیاز نفر یازدهم شد . نفر اول در این رشته از خلق‌کره ٥٦٤ امتیاز داشت .

در تیراندازی باتپانچه‌استانداردخفیف (٦٠تیر ــ ٢٥متر) بصورت تیمی ، ژاپن ، خلق‌کره و جمهوری‌کره به‌ترتیب هرکدام چهار مدال طلا ، چهار مدال نقره ، چهار مدال‌برنز و مقامهای قهرمانی اول تا سوم‌را بدست آوردند . مقامهای چهارم تا هفتم ازآن چین، تایلند ، فیلی‌پین و ایران شد. در انفرادی این رشته قهرمانان خلق‌کره ، ژاپن ، جمهوری کره مقامهای اول تاسوم‌را تصاحب کردند .

در تیراندازی با تفنگ از ٢٥ متری تیمی ، خلق‌کره با ٤ مدال طلا قهرمان شد. چین و ژاپن به ترتیب هرکدام با ٤ مدال نقره و ٤ مدال برنز مقامهای دوم و سوم را بدست آوردند . تیم ایران در این رشته مقام نهم را تصاحب کرد .

در انفرادی این رشته خلق‌کره ، ژاپن و چین عنوان قهرمانی اول تاسوم را ازآن خود کردند .

در تیراندازی با تپانچه استاندارد (٢٥ متر ــ ٦٠ تیر) بصورت تیمی ، ژاپن ، خلق‌کره و جمهوری کره مقامهای اول تا سوم را بدست آوردند و به هر تیم به ترتیب ٤ مدال طلا ، ٤ مدال نقره و ٤ مدال برنز تعلق گرفت . تیم ایران مقام هفتم را بدست آورد .

در انفرادی این رشته قهرمانان خلق کره ، ژاپن و جمهوری کره اول تا سوم شدند .

محمود پاکدوست در این ماده بمقام هشتم رسید .

در تیراندازی اسکیت تیمی نیز جمهوری کره (٤ مدال طلا) ، ژاپن (٤ مدال نقره) و مالزی (٤ مدال برنز) مقامهای اول‌تاسوم را بدست آوردند . در قسمت انفرادی این ماده قهرمانان ژاپن ، خلق‌کره وجمهوری کره اول تا سوم شدند . (مقام‌های دوم و سوم هر دو نصیب قهرمانان جمهوری کره شد) .

در تیراندازی با تپانچه بادی ١٠متر ــ ٤٠تیر) انفرادی مقامهای اول تا سوم‌نصیب قهرمانان چینی ، خلق کره و تایلندی شد . در این ماده ١٣ تیرانداز شرکت داشتند و نعمت‌الله محمدی از ایران بمقام هشتم دست یافت . در قسمت تیمی همین ماده تایلند با ٤ مدال طلا ، خلق کره با ٤ مدال نقره و خلق چین با ٤ مدال برنز اول تاسوم شدند. تیم ایران بمقام هشتم دست یافت .

کشتی آزاد : آخرین دیدارهای کشتی آزاد در پیشگاه مبارك اعلیحضرتین با پیروزیهای مهمی برای قهرمانان ایرانی برگزار شد . در کشتی آزاد نیز ایران مقام قهرمانی آسیا را در هفتمین دوره بازیها

بدست آورد.

در شب آخر ۱۲ کشتی برگزار شد. نتیجه و رده‌بندی کلی در پایان مسابقه‌های کشتی آزاد بدین شکل حاصل شد:

۴۸ کیلو: ۱ــ ژاپن ۲ــ سبحان روحی از ایران ۳ ــ مغولستان .

۵۲ کیلو : ۱ ــ ابراهیم جوادی از ایران ۲ ــ ژاپن ۳ ــ هندوستان

۵۷ کیلو : ۱ ــ محسن فرح‌وشی از ایران ۲ ــ ژاپن

۶۲ کیلو : ۱ ــ جمهوری کره ۲ ــ مغولستان ۳ ــ محمدرضا نوائی از ایران

۶۸ کیلو : ۱ ــ ژاپن ۲ ــ محمد خرمی از ایران ۳ ــ جمهوری کره

۷۴ کیلو : ۱ ــ منصور برزگر از ایران ۲ ــ مغولستان ۳ ــ ژاپن

۸۲ کیلو: ۱ ــ حمید علیدوستی از ایران ۲ ــ ژاپن ۳ ــ هندوستان

۹۰ کیلو : ۱ ــ مغولستان ۲ ــ رضا خرمی از ایران ۳ ــ ژاپن

۱۰۰ کیلو : ۱ ــ مغولستان ۲ ــ رضا سوخته سرایی از ایران ۳ ــ هندوستان .

۱۰۰ کیلو ببالا : ۱ ــ مسلم اسکندر فیلابی از ایران و قهرمان ژاپن (مشترکا) ۳ ــ پاکستان . با این نتیجه ایران با ۵ طلا، ۴ نقره ویك برنز و ۵ر۵۳امتیاز مقام نخست، ژاپن با ۳ طلا ، ۳ نقره ، ۲ برنز و ۵ر۴۳ امتیاز دوم و مغولستان با ۲ طلا ، ۲ نقره، یك برنز و ۳۲ امتیاز سوم شدند .

شمشیربازی : دراین رشته نیز بخصوص در قسمت بانوان قهرمانان ایرانی درخشش جالب و غیر قابل انتظار داشتند . در قسمت فلوره تیمی مردان تیمهای ژاپن با ۵ مدال طلا ، جمهوری کره با ۵ مدال نقره و ایران با ۵ مدال برنز اول تا سوم شدند. مقامهای چهارم تا ششم ازآن خلق‌چین ، خلق‌کره و تایلند شد . در قسمت فلوره انفرادی بانوان ، کامادا از ژاپن مدال‌طلا، مهوش شفایی از ایران مدال نقره و گیتی محبان از ایران مدال برنز گرفتند. مقامهای چهارم تا ششم نصیب قهرمانان خلق‌کره ، ژاپن و جمهوری کره شد. درپایان دیدارها، شمشیربازان ایران با کسب ۱۵ مدال طلا ، ۴ نقره و ۷ برنز فاتح مقام قهرمانی آسیا شدند. این مدالها در مسابقه‌های تیمی فلوره بانوان واپه مردان نصیب ایران شد .

وزنه‌برداری : مسابقه‌های وزنه‌برداری نیز در سالن وزنه‌برداری مجتمع ورزشی آریامهر برای‌ما شادی آفرین‌ومقام قهرمانی در برداشت . تیم ملی ایران با ۸۲ امتیاز بمقام قهرمانی رسید . ژاپن و خلق‌کره به مقامهای دوم وسوم رسیدند. مقام دوقهرمان ژاپنی و کره‌ای که مواد محرك استفاده‌کرده بودند (دوپینگ) به قهرمانان ایران داده شد . بهرحال ایران با ده مدال‌طلا، ۱۱ نقره و ۳ برنز مقام قهرمانی بازیهای آسیایی را در اختیار گرفت و تیمهای ژاپن با ۱۰ طلا، جمهوری کره با ۳ مدال طلا ، ۳ نقره و ۲برنز مقامهای دوم وسوم‌را بدست آوردند. قبل از روشن شدن حقیقت استعمال مواد محرك در رده‌بندی، ژاپن ایران وخلق‌کره مقامهای اول تا سوم را تصاحب کرده‌بودند.

در نخستین روزهای وزنه‌برداری نصیری دو مدال طلا و یك نقره ، و هند سه مدال نقره برای ایران بدست آوردند

در پایان بازیهای آسیایی تهران

بیست و پنجم شهریور ماه روز وداع پرشکوه پایان هفتمین دوره بازیهای آسیایی بود. خاطره‌هایی زیبا، انسانی و پرشکوه از چهارده روز تلاش‌وهمت قهرمانانه برجای می‌ماند. آنها دستهای گرم و پر توان خود را در هم فشردند ، درود گفتند ، پیمانها را را تجدید کردند تا چهار سال بعد که در اسلام‌آباد پاکستان دیدارها تجدید شود.

مراسم اختتام در استادیوم یکصدهزار نفری آریامهر برگزار شد . والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی‌در این مراسم حضور داشتند . در آغاز سلام شاهنشاهی نواخته شد . حاضران باحترام بپا خاستند . بعد ورزشکاران کشورهای شرکت‌کننده همچنانکه روز گشایش پراز دوستی و شادی بودند از مقابل جایگاه رژه رفتند .

محمد نصیری پرچم ایران‌را درجلوی ورزشکاران ایران حمل میکرد . پس از پایان رژه ورزشکاران در چمن استادیوم مستقر شدند . و بعد پرچم‌های سه‌گانه‌بنابر روش و سنت بازیهای آسیایی برافراشته شد . در آغاز پرچم بازیهای آسیایی ، بعد پرچم ایران‌و درپایان پرچم پاکستان میزبان بازیهای سال ۱۹۷۸ که هشتمین دوره‌خواهد بود . رئیس کمیته تشکیلاتی بازیهای آسیایی ضمن عرض گزارش کوتاه تقاضای اختتام بازیها را نمود و والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی پایان بازیهارا اعلام کردند. سرود مخصوص بازیها نواخته شد . چراغها را خاموش کردند و مشعل بازیها نیز رو بخاموشی نهاد . پرچم بازیها را نیز آهسته بپایین آوردند . مراسم دعا و نیایش به زبانهای فارسی و انگلیسی نیز در همین لحظات اجرا شد . سرود مخصوص بازیهای آسیایی تهران را نواختند و افراد سفیدپوش نیروی دریایی ایران پرچم بازیها را به خارج از استادیوم با جلوهٔ خاصی حمل کردند .

ورزشکاران نیز محوطه را ترك گفتند و در جایگاه‌ها قرار گرفتند .

در پایان برنامه نمایش‌های ورزشی با مشعل و مراسم آتش‌بازی بشکل جالبی اجرا شد و هفتمین دوره بازیهای آسیایی در تهران بپایان رسید .

اسلام‌آباد ، سلام

هشتمین دورهٔ بازیهای آسیایی و دیدارها چهار سال دیگر در اسلام‌آباد پاکستان خواهد بود . با این امید و آرزو که آنچنان باشد که در تهران شاهد آن بودیم؛ سرشار از دوستی‌ها و برادریها ... چیزی که هدف مقدس ورزشی است .

از هم‌اکنون سلام گرم و درودهای فراوان بر اسلام‌آباد و جوانانی که صحنه‌های افتخار در آن خواهند آفرید ...

رده بندی کشورها از لحاظ مدال در پایان هفتمین دوره بازیهای آسیائی

	طلا	نقره	برنز	جمع
۱ ــ ژاپن	۱۵۱	۸۱	۸۶	۲۱۸
۲ ــ ایران	۸۰	۳۲	۲۴	۱۳۶
۳ ــ خلق‌چین	۶۵	۹۱	۸۷	۲۴۳
۴ ــ خلق کره	۲۳	۲۹	۲۸	۸۰
۵ ــ جمهوری کره	۲۲	۷۷	۲۸	۱۲۷
۶ ــ اسرائیل	۱۹	۲۳	۱۲	۵۴
۷ ــ پاکستان	۱۹	ــ	۱۲	۳۱
۸ ــ تایلند	۱۰	۴	۱۲	۲۶
۹ ــ اندونزی	۵	۱۶	۵	۲۶
۱۰ ــ سری‌لانکا	۵	ــ	ــ	۵
۱۱ ــ هندوستان	۴	۳۲	۱۶	۴۲
۱۲ ــ مغولستان	۲	۵	۱۰	۱۷
۱۳ ــ سنگاپور	۱	۹	۱۶	۲۶
۱۴ ــ برمه	۱	۲	۶	۹
۱۵ ــ عراق	۱	ــ	۵	۶
۱۶ ــ فیلی‌پین	ــ	۲	۲۳	۲۵
۱۷ ــ مالزی	ــ	۱	۲۹	۴۰
۱۸ ــ کویت	ــ	۱	ــ	۱
۱۹ ــ افغانستان	ــ	ــ	۱	۱

ایرج میرزا

امسال مصادف با یکصدمین سال تولد ایرج‌میرزا شاعر بلند آوازهٔ معاصر است.

ایرج میرزا جلال‌الممالك استعداد شاعری را از نیاگان خود به ارث برده بود.

پدرش غلامحسین میرزا که از شاهزادگان قاجار بود شعر می‌سرود و به لقب «صدرالشعرا» ملقب بود.

جد او، ملك ایرج، نیز شعر می‌ساخت وتخلص وی «انصاف» بود. ملك ایرج‌یکی از فرزندان فتحعلیشاه قاجار بشمار می‌رفت. فتحعلیشاه نیز از ذوق شاعری بی‌بهره نبود ودر غزل‌ابیات دل‌انگیزی ازوبرجای مانده است. یکی از آنها این است:

شنیده‌ام که به جان بسته یار قیمت بوس
هزار جان به‌تنم‌نیست، صدهزار افسوس!

ایرج میرزا در رمضان سال ۱۲۹۱ قمری در تبریز به‌دنیا آمده و در همان شهر به‌تحصیل پرداخته بود.

او به‌زبان عربی آشنایی داشت و زبان فرانسه را نیز به‌خوبی آموخته بود. سفری هم به اروپا کرد و شاید همین موضوع یعنی دانستن زبان فرانسه و مسافرت به‌اروپا باعث شد که زیبایی‌های آثار ادبی اروپا را نیز درك کند وبه گلچینی ازگلستان ادبیات مغرب بپردازد وبرخی از آنها را به قالب شعر وادب فارسی درآورد.

ایرج شاید برای نخستین بار قطعاتی از ادبیات اروپایی را به‌شعر فارسی برگردانده است. از آنجمله قطعه «دل مادر» است که ترجمهٔ فارسی آن در شمارهٔ ٤ سال دوم‌مجله ایرانشهر انتشار یافت. و برگرداندن آن به شعر فارسی میان سخنوران ایران به مسابقه گذارده شد.

قطعه‌یی که ایرج میرزا ساخت واز همه بهتر بود چنین است:

داد معشوقه به عاشق پیغام
که کند مادر تو بامن جنگ
با نگاه غضب‌آلود زند
بردل نازك من تیر خدنگ
مادر سنگدلت تا زنده است
شهد درکام من‌وتست شرنگ
نشوم یکدل و یکرنگ ترا
تانسازی دل‌او از خون رنگ
گرتو خواهی‌به‌وصالم برسی
باید این‌ساعت‌بی‌خوف‌ودرنگ
روی و سینهٔ تنگش بدری
دل‌برون‌آری ازآن‌سینهٔ‌تنگ
گرم‌وخونین به‌منش بازآری
تا برد زآینهٔ قلبم زنگ

عاشق بیخرد ناهنجار
نه، بل‌آن‌فاسق‌بی‌عصمت‌وننگ
رفت ومادر را افکند به‌خاك
سینه بدریدودل‌آوردبه‌چنگ
قصد سرمنزل معشوق نمود
دل‌مادر به‌کفش‌چون نارنگ
ازقضا خورد دم‌در به زمین
واندکی رنجه‌شداورا آرنگ
آن دل‌گرم که‌جان‌داشت‌هنوز
اوفتاد از کف‌آن بیفرهنگ
از زمین‌بازچوبرخاست، نمود
پی برداشتن دل آهنگ
دید کزآن دل‌آغشته به‌خون
آید آهسته‌برون این‌آهنگ:

«آه، دست‌پسرم‌یافت خراش
وای پای‌پسرم‌خورد به‌سنگ»

یك قطعهٔ دیگر از ادبیات اروپایی تحت عنوان «هدیهٔ عاشق» به مسابقه گذاردند. در این مسابقه نیز قطعه ذیل که ایرج‌میرزا ساخته بود برنده شد.

عاشقی محنت بسیار کشید
تالب دجله به معشوقه رسید
نشده از گل رویش سیراب
که فلك دسته گلی داد به آب
نازنین، چشم به شط دوخته بود
فارغ از عاشق دلسوخته بود
دید کز روی شط آید به شتاب
نوگلی چون گل رویش شاداب
گفت: وه‌وه چه‌گل رعنایی است
لایق دست چون من زیبایی است
حیف ازین گل که برد آب اورا
کند از منظره نایاب او را
زین سخن ، عاشق معشوقه پرست
جست در آب چو ماهی از شست
دست و پایی زد وگل را بربود
سوی دلدارش پرتاب نمود
گفت کای آفت جان سنبل تو
ما که رفتیم ، بگیر این گل تو
بکنش زیب سرای دلبر من
یاد آبی که گذشت از سر من
جز برای دل من بوش مکن
عاشق خویش فراموش مکن

دیگر از آثار ایرج که اصلا ازقطعات فرنگی اقتباس شده، شعر مادراست که‌چنین شروع می‌شود:

گویند مرا چو زاد مادر
پستان به‌دهن‌گرفتن آموخت

این قطعه زیبا و لطیف آنقدر مشهور است که حاجت به‌نقل تمام آن نیست.

ایرج منظومهٔ‌عشقی «زهره ومنوچهر» را نیز براساس یکی از داستان‌های شکسپیر سروده است.

دیگر از ویژگیهای سخن ایرج میرزا انتقادات طنزآمیز اوست که به‌شیوهٔ بی‌سابقه‌یی دراشعارش جلوه‌گر است. از مهم‌ترین این قطعات، قطعه‌یی است که دربارهٔ «تعارفات پوچ» سروده است:

یارب این عادت چه می‌باشد که اهل ملك‌ما
گاه بیرون رفتن ازمجلس ز در، رم می‌کنند
جمله بنشینند باهم خوب‌و برخیزند خوش
چون به‌پیش در رسند از یکدگر رم می‌کنند
همچنان در موقع وارد شدن بر مجلسی
گه زپیش‌رو، گهی ازپشت سر رم می‌کنند
در دم‌در، این یکی برچپ‌رود آن‌یك‌براست
از دوجانب دوخته بردر نظر رم می‌کنند
برزبان آرند بسم‌الله ، بسم‌الله را
گوییا جن دیده یا از جانور رم می‌کنند
اینکه وقت رفت وآمد بود، اما این گروه
در نشستن نیز یك نوع دگر رم می‌کنند
این یکی‌چون می‌نشیند، آن‌یك‌ازجا می‌جهد
تا دونوبت گاه کم، گه‌بیش‌تر رم‌می‌کنند
فرضاً اندر مجلسی گر ، ده نفر بنشسته‌اند
چون یکی وارد شود، هرده نفر رم می‌کنند
هیچ حیوانی زجنس خود ندارد احتراز
وین بشرها از هیولای بشر رم می‌کنند

ایرج نوزده‌ساله بودکه پدرش‌درگذشت ومسؤولیت نگهداری افراد خانواده برعهدهٔ او افتاد.

پس از درگذشت پدرش، صدرالشعرا غلامحسین میرزا، به‌فرمان ولیعهد ایران مظفرالدین میرزا لقب صدرالشعرایی را به ایرج میرزا دادند.

ایرج درتبریز مدتی مدیریت مدرسه مظفری را برعهده داشت. چندی منشی مخصوص امین‌الدوله بود. یکبار همراه قوام‌السلطنه به‌اروپا رفت. پس از بازگشت به‌تبریز درآن‌جا رئیس اتاق تجارت شد.

در سال ۱۳۱۸ قمری به تهران آمد و یکی دوسال بعد در زمان مستشاران بلژیکی وارد گمرك شد و در گمرك کرمانشاه به مترجمی پرداخت. هیجده ماه در این سمت بود؛ سپس به‌ریاست گمرك و صندوق کردستان منصوب شد و به سنندج رفت.

در سال ۱۳۲٤ قمری براثر ناملایماتی که دید از کار گمرك کناره گرفت و به تهران آمد. واز طرف صنیع‌الدوله وزیر معارف وقت بریاست دفتر وزارت معارف گماشته شد.

دوسال بعد ، همراه حاج مخبرالسلطنه هدایت که استاندار آذربایجان شده بود به تبریز رفت و یکی از خدمات برجسته که در آن‌جا انجام داد تأسیس ادارهٔ عتیقات بود که از گام‌های ابتکاری در راه حفظ آثار باستانی شمرده می‌شد.

ایرج در سال ۱۳۲۷ به‌معاونت حکومت اصفهان رسید. بعد به آباده رفت. سپس مجدداً به‌گمرك برگشت ومأمور بندرپهلوی گردید.

در سال ۱۳۳۳ قمری به‌وزارت دارایی منتقل شد و به‌ریاست دفتر محاکمات‌منصوب گردید.

یك سال بعد به مشهد رفت و قریب هشت سال از عمر خودرا در مشهدگذرانید.

اوائل سال ۱۳٤۳ به‌تهران برگشت و قریب یك سال ونیم هم در تهران به‌سر برد تا غروب روز ۲۷ شعبان ۱۳٤٤ که براثر سکتهٔ قلبی از دنیا رفت و در تجریش ، مقبرهٔ ظهیرالدوله ، به‌خاك سپرده شد.

اکنون هرکس که بدانجا می‌رود این اشعار را، که خود ایرج میرزا سروده، بر لوح مزار وی می‌خواند:

ای نکویان که درین دنیایید
یا ازین بعد به دنیا آیید
اینکه خفته است درین خاك منم
ایرجم ، ایرج شیرین سخنم
مدفن عشق جهان است این‌جا
یکجهان عشق نهان است اینجا
هرکرا خوی‌خوش و روی‌نکوست
مرده و زندهٔ من عاشق اوست

تا آنجا که می‌گوید:

بنشینید براین خاك دمی
بگذارید به خاکم قدمی
گاهی ازمن به‌سخن یاد کنید
در دل خاك، دلم شاد کنید

ایرج قطعات عالی اخلاقی و آموزشی نیز دارد که از آنجمله قطعهٔ معروف ذیل است در نکوهش میخوارگی :

ابلیس شبی رفت به بالین جوانی
آراسته با وضع مهیبی سروبررا
گفتا: که‌منم «مرگ» و، اگرخواهی‌زنهار
باید بگزینی تو یکی زین سه خطر را
یا آن پدر پیر خودت را بکشی زار
یا بشکنی از خواهر خود سینه و سر را
یا خود ز می ناب بنوشی دوسه ساغر
تا آنکه بپوشم ز هلاك تو نظر را
لرزید ازین‌بیم، جوان برخودو جاداشت
کز مرگ فتد لرزه بتن ضیغم نر را
گفتا نکنم با پدر و خواهر این کار
لیکن به‌می از خویش کنم دفع، ضرر را
جامی دو، بنوشید وچوشد خیره زمستی
هم خواهر خود را زد وهم‌کشت پدر را
ای کاش شود خشك بن‌تاك‌و خداوند
زین مایهٔ شر حفظ کند نوع بشر را

یك خصوصیت شگفت ایرج میرزا این است که اشعارش بیش از خودش شهرت دارد و تقریباً سه‌چهارم آثار او بقدری در مطبوعات و کتابهای درسی، مکرر در مکرر چاپ شده که مردم اغلب آنها را از بردارند در صورتیکه شاید سرایندهٔ آنها را که ایرج میرزاست نشناسند.

شهرت زیاد اشعارایرج اول‌بعلت سلاست و روانی زیاد آنهاست. برخی از آثار او بقدری روان است که با زبان محاوره یکی است، بااین فرق که فاقد کلمات شکسته است. دوم از نظر مطالب و مفاهیم تازه و بیسابقه یاکم سابقه‌یی است که در آنها بچشم می‌خورد.

ایرج دروازه‌یی‌را به‌روی ادبیات جدید گشوده بدون اینکه به‌ادبیات قدیم یکسره پشت‌پا زده یا اصول آن را بهم‌ریخته وسنت شکنی و ویرانگری کرده باشد.

این مقال را بایکی از غزل‌های ایرج به‌پایان می‌رسانم که تاکنون چندبار باساز و آواز ضبط و پخش شده است:

طرب آزرده کند دل چو ز حد درگذرد
آب حیوان بکشد نیز چو از سرگذرد
من ازین زندگی یك نهج آزرده شدم
گر چو قند است نخواهم‌که مکرر گذرد
گر همه دیدن‌یك سلسله مکروهات است
کاش این عمر گرانمایه سبك‌تر گذرد
آه ازآن روز که بی‌کسب هنر شام شود
وای ازآن شام‌که بی‌مطرب وساغرگذرد
لحظه‌یی بیش‌نبود آنچه زعمر تو گذشت
وآنچه باقی است بیك لحظهٔ دیگر گذرد

ضیغم : شیر.

تقر نازکچه تیمورقلی

از: دکتر محمد ستاری ـ استاد دانشگاه تهران

در یکی از مقالات گذشته که در مجله تلاش بچاپ رسید . تحت‌عنوان «آستراکان، با ارزش‌ترین پوست زینتی» مطالبی ارائه گردید که ضمن آن به اهمیت ، کیفیت و موقعیت پوست بره قره‌گل ایران آگاهی حاصل شد .

طی مطالعات و بررسیهای جدیدی که انجام یافته ، این نکته روشن گردیده که در میان پوستهای بدست آمده از نژاد گوسفند نامبرده چند نمونه نادر و قیمتی وجود دارد که محصولات مربوط خاص ایران بوده و یا آنچه که در ایران باسامی پوستهای تقر ـ نازکچه و تیمورقلی نامیده می‌شود از مرغوبیت و معروفیت به‌سزایی برخوردار است .

بطور کلی باید در نظر داشت یکی از مهمترین اختلافاتیکه پوست‌های قره‌گل ایران را با پوستهای بدست آمده از سایر کشورهای تولیدکننده نظیر شوروی ، افریقای جنوبی ، افغانستان متمایز می‌کند و این امر خود دلیل مرغوبیت و مزیت پوستهای ایرانی بشمار می‌رود ، نحوه رویش موها در بشره (روپوست) است، بنحویکه در پوستهای قره‌گل ایرانی بسبب رویش سطحی موها ، هر اندازه که در سطح گوشتی پوست جهت بعمل‌آوردن و آماده کردن پوست ، تراش داده شود ، این عملیات به پیازمو و در نتیجه استحکام آن خلل وارد نمی‌کند ، در صورتیکه در مورد سایر پوستها چنانچه تراش پوست که برای ایجاد ظرافت و نرمی و بویژه سبکی پوست می‌باید اجرا بشود بیشتر از اندازه صورت بگیرد، بخاطر رویش عمیقی موها به پیاز الیاف لطمه وارد شده و در نتیجه به‌موها آسیب وارد شده و ممکنست پوست در اثر گذشت زمان یکدستی و یکنواختی خود را از دست داده و پس از مدتی بخاطر از میان رفتن گلها وتجعد حاصل از موها بصورت کالائی بی‌ارزش درآید .

بنا به عقیده بسیاری از دامپروران محلی که در سرخس و نواحی شمالی خراسان به‌فعالیت پرورش گوسفند قره‌گل اشتغال داشته و قسمت عمده تولید پوست‌های مرغوب نیز بوسیله آنان صورت می‌گیرد ، گوسفندان قره‌گل چنانچه از آب شور و علف بیابان استفاده کنند .

پوست حاصله از بره‌ها زیباتر و پیمش گل و تجعد موها در آنها فشرده‌تر خواهد شد. بعلاوه دامپروران عقیده‌دارند که تغذیه و استراحت زیاد سبب بلندی موهای پوست بره شده و بخاطر رشد زیاد بره در جنین نیز پوست از مرغوبیت می‌افتد.

باین ترتیب در اثر این عوامل که اتفاقا در مورد پرورش سایر گوسفندان لازم‌الاجرا و بسیار مطلوب و قابل توصیه می‌باشد ، در مورد نژاد قره‌کل چندان موجه نبوده و در نتیجه موجبات سخت‌زایی و علمی از همه نامرغوب شدن پوست بره می‌گردد .

این تجربیات از نظر علمی هم کم و بیش قابل توجیه و تفسیر می‌باشد و آزمایشاتیکه دراین زمینه درممالك‌تولیدکننده بخصوص در اتحاد جماهیر شوروی که از صادرکنندگان طراز اول این محصول دردنیا بشمار میرود در حال اجرا است خود مرید اصالت تجربیات افراد و دامپروران محلی است .

در حال حاضر پژوهشهائیکه در این جهت و بخاطر بهبودی بخشیدن به پوست بره قره‌گل صورت می‌گیرد و **بسیاری از** کشورهای تولیدکننده پوست بره از جمله ایران نیز بانجام آن مبادرت ورزیده‌اند عبارتست از :

۱ . تحقیق درباره اثر تغذیه در پیدا شدن انواع پوست : در این زمییه تاکنون اقدامات و مطالعات زیادی بخصوص در مراکز علمی و نقاط پرورش گوسفند نامبرده بعمل آمده، بطوریکه‌در اجرای این‌تحقیقات سعی میشود اثر املاح ، انواع معدنی و اجزاء دیگری که وجود آنها بمقدار بسیار ناچیز درغذا اهمیت فوق‌العاده‌یی درکیفیت و مرغوبیت محصول دارد و همچنین امکان اینکه کمبود تغذیه در شرایط متعادل در ماههای آخر آبستنی میشها چه تأثیری در فشردگی گلهای پوست‌و موارد دیگر خواهد داشت از هر جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد که رویهمرفته جعل این تحقیقات نتایج آموزنده‌ای را بهمراه داشته است .

۲. بالا بردن میزان دوقلوزایی در نزد میشهای قره‌گل: باید توجه داشت که بالا رفتن میزان باروری و تولید نوزاد در نزد دامها یکی از مسائل بسیار مهمی است که امروزه بخصوص بخاطر ازدیاد میزان تولید در واحد سطح بآن توجه عمیق مبذول می‌گردد .

اصولا یکی از راههای مبارزه با کمبود محصول و فرآورده‌های مختلف دامی جستجو کردن دامهای‌پرزاد و ولد وآنهایی است که سرعت رشدشان نسبت به سن آنها بمراتب بیشتر از دامهایی است که سرعت عادی را طی می‌کنند ، و مسلماً در این میان تعمیم و بالابردن میزان چندقلو زایی اهمیت بیشتر را بخصوص در نزد دامهاییکه در هر دوره آبستنی یك یا حداکثر دو نوزاد بدنیا می‌آورند دارا می‌شود .

این موضوع بخصوص در گوسفندان قره‌گل حائز کمال اهمیت است زیرا میشی که قرار است یك یا دو بره بدنیا بیاورد چنانچه در همان شرایط ٤ الی ٦ بره تولید کند منافع دامدار از فروش پوستهای اضافی چند برابر بالا خواهد رفت .

رسیدن باین هدف جز توسل به انتخاب دامهای مستعد چندقلوزا در گله و یا بطریق تزریق هورمن و محرك فعالیتهای جنسی و مسائل مربوط دیگر امکان پذیر نیست . در این زمینه نیز شوروی‌ها طبق نظریات و عقاید موجود موفقیتهایی بدست آورده‌اند بطوریکه در حال حاضر گله‌های چند قلوزای قره‌گل و یا نژادهای نظیر دیگر در نواحی ترکستان پرورش داده می‌شود.

درایران نیزضمن مطالعاتیکه دراین‌زمینه بعمل آمده میزان آبستنی درنزد گوسفندان قره‌گل سرخس ۸۵تا۹۵ درصداست ومعمولا دوقلوزایی در این نژاد زیاد دیده می‌شود ؛ بطوریکه از صد رأس گوسفند گله که حدود ۹۵ رأس آبستن شده‌اند تقریبا ۱۰۵ الی ۱۱۵ راس بره بدست می‌آید . لیکن بطور طبیعی میزان دوقلوزایی هیچگاه از ۱۵ الی ۱۷ درصد تجاوز نمی‌کند و از همین جاست که با انتخاب دامهای مستعد دوقلوزا در گله می‌توان بتدریج گله‌های دوقلوزا و در مراحل پیشرفته‌تر گله‌های چندقلوزا بدست آورد و آنها را برای مطالعات بعدی تحت نظر قرارداد .

۳ . از بین بردن ناخالصی در گله‌های قره‌گل موجود در ایران

صفحه هفتادم

درسالهای گذشته بهنگام‌ورود قره‌گل بایران دامپروران گله‌های گوسفند نـــژاد بلوچی خویش را که نژادی است پشمی و بیشتر در نواحی شرقی استان خراسان و بلوچستان و سیستان نگاهداری می‌شود با قوچهای قره‌گل آمیخته‌اند و البته بعد از چند نسل بواسطه غالب بودن صفات قره‌گل صفات رنگ ــ پیچش گل ــ کوتاهی موها و غیره خون گله‌ها عوض شده و بصـــورت آمیخته نزدیك بقره‌گل درآمده‌اند.

متأسفانه چون کتاب انساب و بقولی دفاتر شجره‌نامه برای این دسته از گوسفندان وجود نداشته‌و هم‌اکنون نیز تهیه آن‌چندان معمول‌و متداول نیست، درحین اجرای‌این آمیخته‌گری از قوچهایی استفاده شده کـــه دارای خون خالص‌نبوده‌اند واز جمله‌درنسل سوم و یـــا چهارم جـــای داشتند کـــه در اثر این اختلاطها برطبق قوانین ژنتیکـــی انتقال خون وصفات تا دوره‌های آخر نسل هفتم ادامه نداشته ، سبب گردیده است که امروزه در گله‌های قره‌گل گوسفندان ابلق و با لکه مشاهده شود .

چگونگی تهیه پوست بره

بطوریکه در مقاله «آستراکان» آمده است پوستهای قره‌گل بدو دسته تقسیم می‌ــ شوند :

۱ ــ پوستهای بعد از زایمان شامل پوستهای بره قره‌گل و پوست تیمورقـــلی

۲ ــ پوستهای قبل از زایمان شامل پوستهای لیسه ــ تقر ــ نازکچه .

برای تهیه پـــوست قره‌گل در ایران بره‌های یك تا ۵ روزه را سربریده و به سه پایه آویزان می‌کنند ، تا خون‌گیری شود. آنگاه یك شکاف طولی در سطح شکم داده و چهار شکاف نیز در سطوح داخلی دستها و پاها می‌دهند و پوست بره را با دست پوست می‌کنند تا بوسیله چاقو پوست زخمی نشود . گذشته از این سعی می‌شود که پوست سر را نیز بدقت بکنند تا باین ترتیب پوست حیوان بطور تکمیل از لاشه جدا شود. سپس پوستها را بوسیله نمك سودکرن نگهداری و پس از جمع‌آوری تعداد قابل ملاحظه‌یی محصول آنها را باآشگرخانه بمنظوراجـــرای پاره‌ای عملیات حفاظتی ارسال می‌دارند .

بره‌های متولد شده اگر در فاصله روزهای ۲۰ تا ۴۰روزگی‌حیات خود بمیرند و یا کشته شونـــد دارای پوست با گلهـــــای تقریبا نیمه باز خواهند بود که بآن «پوست تیمورقلی» گفته می‌شود .

این پوست نسبت به پوستهای قبلی از مرغوبیت کمتری برخوردار است و اکثرا از آن برای تهیه کلاه و یا پالتو اطفال استفاده می‌شود . لازم بتذکر است که چون انتخاب انواع پوست بسلیقه‌های متقاضیان بستگـــی دارد و معمولا سلیقه‌ها نیز متفاوت است عده‌یی نیزپوستهای تیمورقلی‌را برای‌ساختن بعضی از فرآورده‌ها مناسبترتشخیص میدهند ولی ارزش این نوع کالا همیشه در بازار کمتر از ارقام دیگر آن است .

در مورد نوع دوم محصول یعنی پوستهای قبل از زایمان مطالبی در مقاله «آستراکان» آمده است که‌اینك بشرح تکمیلی‌آن پرداخته می‌شود .

در این نوع پوستها معمولا سه رقـــم دیده می‌شود که هر یـــك دارای کیفیـــت و مرغوبیت خاصی است .

۱ــ لیسه ــ میش قره‌گل که آبستن شده است و منظور از نگهداری آن تولید پوست رسیده و یا نارس «تقر» است در اثر عوامل مرضی یا مکانیکی ممکن است در فاصله ماه سوم و چهارم بچه خود را سقط کند و یا اینکه تلف‌شود . پوست بره در این زمان از دوره جنینی بنام نازکه معروف است معمولا از روز ۷۵ آبستنی موها در سطح پوست بخوبی مشاهده شده و در روزــ های ۸۵ ــ ۹۰ کاملا مشخص می‌باشد و اینحالت که رشد موها خیلی کند است تا روزهای ۱۱۰ ــ ۱۱۵ ادامه داشته و در این مدت موها در سطح پوست کاملا یکنواخت بود ، اگر روی پوست دست بکشیم هیچگونه برجستگی و فرو یا تموج احساس نمی‌کنیم.

لیسه بچهار رنك مشکی ــ کبود ــ بور و سفید دیده می‌شود ولی چون ازنظر اقتصادی ارزش زیادی ندارد و مطلوب بازار نیست دامپروران هیچگاه در صدد تولید آن نیستند ولی در اقلام پوست تجارتی پوست قره‌گل معمولا بمیزان ۵ درصد لیسه که در اثر مرگ مادران و سقط مکانیکی یا مرضی بوجود آمده است دیده می‌شود .

مصرف پوستهای لیسه در بازارهای پوست فقط برای تهیه دستکشهای زنـــانه و رویه کیف بچگانه و کلاه اطفال‌است . قیمت هرجلد لیسه در بازار روز بسته به بزرگی سطح پوست بین ۱۵۰ ــ ۲۵۰ ریال است .

۲ . تقر ترکم‌های بخارا باین پوست (قرپق) هم می‌گویند. این محصول کـــه بینهایت ارزش صادراتی دارد در آلمان بنام برایت شوانز (Breitchwanz) بمعنای وسیع دم و در انگلستان باسم (Broad tail) شهرت دارد .

این محصول مرغوبترین نوع پوست قره‌گل است‌که قادر برقابت باپوستهای‌مینك و چین چیلاست . زیرا پوست حیوانـــــات مذکور گذشته از اینکه دارای موهای بلند بوده و از نظر ظرافت که در نظر بانـــوان چندان‌خوش آیند نیست . پرورش ایـــــن حیوانات نیز آنقدرها معمول نبوده و میسر نیست زیرا که اهلی نیستند و احتیاج بـــه شرایط پرورش مشکلی دارند . در حالیکه گوسفند قره‌گل حیوانی است اهلی و مستعد هر نوع بهره برداری است .

تقر گذشته از اینکه ، دارای موهای بلند نیست دارای گلهای بسیارزیبا درزمینه است که این گلها و زمینه هر طرف پوست از محور قدامی ــ خلفی دارای تلالو خاص و بسیار زیباست باین ترتیب که در مقابل‌یك طرف‌محور قدامی ــخلفی دارای‌درخشندگی و نمایش گلهای ظریف است و در حالیکـــه طرف دیگر محور مات بوده و گلها چندان واضح نیستند . باین‌ترتیب اگر به پـــوست چرخش و یا گردش داده شود این تلالو و درخشندگی با زمینه مات تغییر مکان داده و جای خویش را عوض می‌کنند و طرف مات درخشنده و طرف درخشان مات می‌ــ شود و نیز گلها که در این زمنیه بسیار زیبا بجلوه‌گری پرداخته‌اند خود در مقابل نور چراغها گلهاازقشنگی خیره‌کننده‌یی بهره‌مند می‌شوند .

و این شکوه و عظمت خاص پـــوست تقر است که در اثر ذوق و سلیقه خاص و دستهای هنرمند پوست دوزان ایرانی بصورت گرانبهاترین البسه جهان امروزی در می‌ــ آید .

۳ ــ نازکچه ــ در روزهای آخـــر آبستنی اگر میش دچارسقط جنین شود و یا بمیرد پوست بره آن بنام نازکچه معروف شده و در حد خود از مرغوبیت خاصی نیز برخوردار است .

این پوست دارای گلهای رسیده و زیباست فقط فرق آن با پوست رسیده در لطافت آن است . اپی درم در این پـــوست نازکتر بوده و بهمین جهت این پـــوست ظریف‌تر بوده و ارزش بیشتری از پوستهای رسیده دارد . لیکن مقاومت و دوام پوست رسیده را ندارد .

چگونگی تهیه پوست تقر

۱ . روش طبیعی ــ الف استفاده از گوسفندان مبتلا به ورم پستان .

ورم پستان گانگرنوز (سیاه مایه) که فقط در گوسفندان مشاهده می‌شود بیماری بدفرجامی بوده، اگر مدتی بگذردقابل علاج نیست و در ابتدای بیماری هم معالجه چندان موفقیت‌آمیز نیست و حیوان مبتلا معمولا در اثر عفونت خون تلف می‌شود و اگر از بیماری نجات پیداکرد قسمتهای‌جانبی پستان دچار انسداد شده و دیگر شیر در آنها ترشح نخواهد شد . از این رو ، این گوسفندان از نظر اقتصادی و نگهداری با صرفه همراه نبوده و دامدار آنها را از ردیف گله‌داری خارج و برای تهیه تقر میفرستد .

ب ــ استفاده از گوسفندان معیوب ــ در روشهای گله‌داری ییلاق و قشلاق ایران همواره تعدادی گوسفند معیوب وجود دارند که در اثر راه‌پیمایی فوق‌العاده و یا افتادن از صخره‌و گرگ گزیدگی‌به وجودمی‌آیند. مثلا در هنگام ییلاق و قشلاق گوسفندان مجبور هستند از دشتها بارتفاعات و بالعکس صعود و نزول کند در این راه پیمایی‌ها بعضی از گوسفندان از کوه سقوط کرده دچار شکستگی پا و دست می‌گردند و چون دامپزشك در اختیار نیست لذا استخوانهای شکسته بطور غیر صحیح جوش خورده و

حیوان دچار لنگش میشود که در سیستم دامداری ایران (بواسطه راه پیمایی) مناسب نبوده لذا دامدار آنها را از گله خارج و برای تهیه تقر آماده می‌سازد .

بخصوص اگر توجه شود که در کوهستان معمولا گله‌های گرگ زیاد است و حرکت گله گوسفند در شب در ارتفاعات می‌باشد لذا خطر حملهٔ گرگها و پرت شدن گوسفندان از بلندی خود هر ساله سبب ناقص شدن تعداد زیادی از گوسفندان گله شده و دامدار ناگزیر از خارج کردن آنها از گله است .

مورد دیگر بیماریهایی است که سبب کور شدن حیوان می‌شود مانند آبله ــ آگالاکسی که رویهمرفته قرنیه تاول زده که سبب کوری حیوان میشود . این گوسفندان نیز در گله قادر بحرکت نبوده و باید از گله خارج شوند .

تهیه تقر در نزد دامداران امروز ــ دامداران گوسفندانی را که در فوق اشاره شد بعد از جفتگیری باصطبل‌های نزدیك شهرهای بزرگ برده و پروار می‌بندند . اصطبل‌های اخیرالذکر در مزارع اطراف شهرهای بزرگ واقع هستند .

در هر صورت این گوسفندان در اثر دریافت جیره مناسب کم و بیش پروار شده و در زمان مناسب یعنی هنگامیکه چهارماه از جفتگیری میش میگذردو مایه‌های حیوان هجوم‌الدمی می‌گردد میش‌را روانه کشتارگاه می‌کنند و پوست بره را که «تقر» میباشد بدست میآورند . همانطوریکه ملاحظه میشود دامدار با این کار دو سود عایدش می‌شود اول اینکه از تقر استفاده می‌کند و دوم اینکه از پروار بندی حیوان بهره می‌گیرند.

۲ ــ روش غیر انسانی ــ در زمانهای پیشین گله‌داران بواسطه داشتن گوسفندان قره‌گل فراوان بخصوص ترکمن‌ها بنام بیك (ارباب) خوانده می‌شدند برای بدست ــ آوردن تقر که می‌شود گفت بهترین پوست پالتویی زمان بوده است بدون توجه به از بین رفتن و کم شدن نسل قره‌گل باکوبیدن لگد در شکم حیوان با پرت نمودن گوسفند از بلندی سبب سقط جنین گوسفندان چهار ماهه شده و از پوست تقر آنها که بسیار گران قیمت بوده است استفاده سرشار می‌ــ برده‌اند .

این اعمال از یکسو و فقیر شدن مراتع از سوی دیگر سبب شده بود که روزبروز گوسفندان قره‌گل کاهش یابند. اما امروزه دامدار قدر نژاد قره‌گل خویش را می‌داند و در اثر راهنمایی دکتران دامپزشك و مسؤولان مربوط و بالارفتن سطح فرهنگ عمومی دامداران این نکته برای آنها روشن شده است که سقط جنین در گوسفندان سبب عقیم شدن آنها در اثر چرکی شدن رحم‌ورم این عضو (متریت) حاصل شده و دیگر این گوسفندان آبستن نشده و فقط باید روانه کشتارگاه گردند . دامداران امروزه قدر قره‌گل را میدانند و برآنها آشکار است که اگر گوسفندان قره‌گل خویش را برای‌تهیه تقر صدمه بزنند در اثر کمبود مراتع و فقیر شدن آنها که دراثر چرای مفرط و نبودن قرق‌بندی از یکسو و پیدایش تراکتور و استفاده از آن برای کشت دیم که بیشتر ساخت غله‌کاری ایران را تشکیل می‌دهد (از ۵ میلیون هکتار غله‌کاری ایران ۳٫۵ میلیون هکتار دیمه کاری است) و نبودن سیستم صحیح مرتع‌داری خوب دریافته‌اند که در حفظ نژاد مقاوم و پرسود قره‌گل خویش کوشا باشند .

درجه بندی پوست تقر

در پوست تقر از نظر گل دو نوع تشخیص داده می‌شود که عبارتند از گل قیطانی و گل مخملی که نوع گل مخملی آن دارای نقشه بسیار زیبا بوده و مطلوب همگان است .

از نظر رنگ چهار رنگ کبود ــ مشکی ــ بور ــ و سفید وجود دارد که مرغوبترین آن رنگ کبود است و بعد از آن تقر مشکی دارای ارزش زیادی است .

دو نوع بور و سفید بعلت کمی تعداد دارای ارزش زیادی نیستند .

روشهای پیشنهادی برای بهبود و اصلاح نژاد قره‌گل بمنظور تهیه تقر

الف ــ خارج کردن گوسفندان آمیخته گله

مسأله انتخاب و گزینش امروزه یکی ازمهمترین اصول پرورش دام ودامپروری است. اصولا اگر در یك دامداری گزینش انجام نشود باید اذعان‌داشت که دامدار گذشته از اینکه برطبق دانش نو دامپرور رفتا نمی‌کند باعث ضرر و زیان خود و اقتصاد دامپروری کشور و جامعه خویش می‌شود. نژادهای خوب و مفید دام که امروزه در سراسر دنیا یافت می‌شوند همانا نژادهایی هستند که دهها و شاید صدها سال روی آنها مطالعه و انتخاب انجام شده است . لذا دامداران قره‌گل نیز باید این روش را عمل کرده و از راه انتخاب وسلکسیون گله‌های یکدست و یك اندازه تولید کرد تا گذشته از اینکه اندازهٔ پوست بره قره‌گل استاندارد شود گل آن نیز یکنواخت گردد .

اکنون چندین نوع گل در پوستهای قره‌گل ایران وجود دارد که اگرچه همه آنها نسبة زیبا هستند ولی از نظر اقتصاد و تهیه قواره‌های یکنواخت مطلوب نیست .

لذا باید دامپروران هر یك گل مخصوص و مطابق میل خود را انتخاب کرده و سعی نمایند که پوستهای یکنواخت . یك گل . یك اندازه تولید نمایند . برای اینکار باید گوسفندان آمیخته گله‌را درهرموقعیت و شرایط که هستند خارج کرد .

این گوسفندان که امروزه متاسفانه در اغلب گله‌های قره‌گل دیده می‌شوند از آمیخته‌گری قوچ‌های قره‌گل با گوسفندان بومی مانند بلوچی و کردی و غیره تولید شده‌اند که باید آنها را بکلی از گله خارج کرد و اگر احیانا مسأله هم‌خونی مورد نظر است‌باید ازقوچهای هم‌کل گله‌های قره‌گل دیگران و یا کشورهای دیگر استفاده کرد.

باید از این تیپ گوسفندان آمیخته برای استفاده از پوست تقر که بسیار با ارزش‌تر است استفاده‌نمود وازاین‌راه سودی عاید دامدار شده وضمناً گوسفندان قره‌گل کشور یکدست وبدون ناخالصی خواهند شد.

ب ــ خارج کردن گوسفندان کوچك اندام .

همانطوریکه در مبحث قبل ذکر شد یکی از ارکان میزان کردن و مرغوبیت پوست قره‌گل اندازه آن است بنحویکه هر اندازه وسعت قابل استفاده پوست بیشتر باشد قیمت آن در بازار نیز زیادتر است‌زیرا باین‌ترتیب تعداد کمتری پوست برای یك قواره لازم خواهد بود .

لذا باید گوسفندان قره‌گل کوچك اندام را برای استفاده از تقر آن از گله خارج نموده و با استفاده از قوچهای رشید و بلند اندام ، رفته رفته پوستهای بزرگ و یکنواخت بوجود می‌آید.

ج ــ خارج کردن گوسفندان پیر

اصولا گوسفند در سن ۸ ــ ۱۰ ماهگی بالغ میشود منتهااز نظر بهداشتی واقتصادی بصرفه نیست که در این سنین آبستن شود و معمولا در سن ۱۸ ماهگی قوچ می‌شود . و از طرف دیگر سن اقتصادی گوسفند حداکثر ۶ ــ ۷ سال است که ۱٫۵ سال آن بهره‌یی ازنظر تولید بره ندارد و فقط۵سال از عمر گوسفند است که مولد می‌باشد و در عمر اقتصادی خویش پنج بره تولید می‌کند وبعد باید از گله خارج شود.

دامداری یك کار اقتصادی است واگر مبتنی بر حسابهای دقیق و رعایت اصول‌بهره برداری نباشد دامدار دچار ضرر و خسارت فراوان خواهد شد . در این مورد نیز باید ترتیبی اتخاذ شود که بیشترین بهره نصیب دامدار و اقتصاد کشور گردد .

گوشت گوسفند در نزد مردم چندان مطلوب نیست و تنهااز پرواربستن آن‌استفاده قابل توجهی نصیب دامدار نخواهد شد لذا توصیه می‌شود که این چنین گوسفندان را و هم‌چنین گوسفندان ذکر شده قبلی‌را برای تهیه تقر در نظر گرفته و گذشته از اینکه از گوشت آنها استفاده می‌شود برتولید و در نتیجه صادرات پوست‌تقر نیز افزوده می‌شود

چگونگی انتخاب گوسفندان پیر گله

گفتیم سن اقتصادی گوسفند ۵ سال و هر سال به نسبت یك پنجم از گوسفندان گله بسن پیری رسیده و باید از گله خارج شوند .

مثلا اگر تعداد گوسفندان یك گله ۵۰۰ راس می‌باشد باید هر سال یکصد راس از گوسفندان گله خارج شده و جای آنها را بره‌های ۱۸ ماهه که بنام (کاور) خوانده میشود بگیرند .

فهرست رویدادها

سالروزها	۷۳
عمران و آبادانی	۷٤
ورزشی	۷٤
فرهنگی	۷۵
هنری	۷٦
اقتصادی	۷۷
کتاب‌ها	۸۰
متفرقه	۸۱
آثار باستانی	۸۳
کنفرانس آموزشی رامسر	۸۵
نیازهای ملی توسعه و عمران	۸۷
مصاحبه باهمایون ثقفی	۸۸

سالروز شهبانوی ایران

بیست و دوم مهر مصادف با سالروز علیاحضرت فرح شهبانوی ایران است بهمین مناسبت جشن‌هایی ترتیب‌یافت شهبانو بر ۲٦ سازمان‌خیریه، فرهنگی و علمی واجتماعی ریاست دارند.

میلاد مسعود شاهنشاه آریامهر در استادیوم یکصد هزار نفری آریامهر باشکوه خاصی برگزار شد

در پیشگاه شاهنشاه آریامهر وعلیاحضرت شهبانو ٤ آبان میلاد مسعود شاهنشاه آریامهر در استادیوم یکصد هزار نفری آریامهر با شکوه خاصی جشن گرفته شد. در این مراسم پرشکوه اعضای خاندان جلیل‌سلطنت، نخست وزیر ، رئیس مجلس سنا ، رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران شرکت داشتند. ابتدا رؤسای فدراسیون‌های ورزشی و قهرمانان ایرانی که در هفتمین دوره‌بازیهای آسیایی تهران شرکت داشتند، به پیشگاه اعلیحضرتین معرفی شدند و شاهنشاه از نزدیك بایکایك آنان صحبت‌فرمودند وقهرمانان را مورد تفقدقرار دادند. آنگاه اعلیحضرتین‌به ورزشگاه بزرك آریامهر تشریف‌فرما شدند. ابتدا سلام شاهنشاهی نواخته شد وسپس سپهبد حجت کاشانی معاون نخست‌وزیر وسرپرست‌سازمان تربیت بدنی ایران گزارشی معروض داشت . آنگاه سرود میلاد فرخنده اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بوسیله ۱۱۰۰ نفر دانش‌آموز دختر وپسر مؤسسات‌آموزشی فرح پهلوی اجرا شد، سپس رژه واحدهای ورزشی آغاز شد که به ترتیب رؤسای فدراسیون‌های ورزشی ، ورزشکاران برگزیده‌دانشگاه تهران ــ دانشگاه ملی ــ دانشگاه تربیت معلم ــ دانشگاه سپاهیان انقلاب ، دانشکده صنعتی پلی‌تکنیك، دانشکده علم و صنعت و کلیه مدارس عالی و مؤسسات آموزشی دیگر از برابر شاهنشاه آریامهروعلیاحضرت شهبانو رژه رفتند. آنگاه برنامه ورزش باستانی به میانداری شعبان جعفری آغاز شد وچند برنامه ورزش باستانی اجرا گردید. پس‌از آن حرکات دسته جمعی‌دانش آموزان دبیرستان های دختران تهران و شبانه‌روزی جمعیت خیریه فرح پهلوی‌و دانشجویان دانشگاه پلیس آغاز شد که با اجرای چند برنامه ورزشی برونق این جشن بزرك افزودند . سپس حرکات گروهی با مشعل بوسیله هشتصد نفر از افراد تیپ رضا پهلوی گارد جاویدان شاهنشاهی آغازشد وتحسین همگان‌رابرانگیخت درپایان برنامه مراسم آتش‌بازی باشکوهی اجرا شد.

اعلیحضرتین در میان ابراز احساسات بی‌شائبه حاضران استادیوم را ترك فرمودند. دراین مراسم‌تابلوی نقاشی نفیسی از تمثال اعلیحضرتین اثر سروان شهربانی رضا عابدینی که مزین به‌قلاب طلا بود به پیشگاه اعلیحضرتین تقدیم شد.

زادروز والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

٤ آبان هم‌زمان بازادروز فرخنده اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهررهبرعالیقدر ملت ایران، سالروز تولد مسعود والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی خواهر توأمان شاهنشاه آریامهر بود . والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی سراسر عمر خود را وقف انجام امور عام‌المنفعه‌و فعالیت‌های پرثمر انسانی فرموده‌اند که آثار آن در سراسر کشور بصور مختلف متجلی است.

والاحضرت شاهدخت‌اشرف پهلوی در حال حاضرریاست عالیه سازمان زنان ایران، ریاست عالیه کمیته ایرانی حقوق بشر، نیابت ریاست عالیه سازمان شاهنشاهی خدمات‌اجتماعی، نیابت‌ریاست علیه کمیته جهانی پیکار با بیسوادی، ریاست‌عالیه هیأت امنای دانشگاه جندی‌شاپور (اهواز) ریاست هیأت‌امنای دانشگاه کرمان وچند سازمان علمی و فرهنگی و خیریه دیگر را برعهده دارند.

شاهدخت شهناز پهلوی

٥ آبان مصادف باسالروز تولد والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی فرزند والاگهر شاهنشاه آریامهر بود.

زادروز والاحضرت شمس پهلوی

٦ آبان، مصادف باسالروز تولد خجسته والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی‌خواهر گرامی شاهنشاه آریامهراست. والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی همواره توجه خاصی به‌امور اجتماعی و انسانی بویژه معاضدت به افراد دردمند و ستمدیده دارندو همین امر سبب شده است‌که ریاست عالیه جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران‌را شخصاً برعهده گیرند. علاوه براین تأسیس بنیاد نیکوکاری والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی یکی دیگر از مظاهر بارز خصلت‌های والای‌انسانی والاحضرت است.

زادروز والاحضرت ولایت‌عهد

۹ آبان مصادف با آغاز پانزدهمین سالروز میلاد فرخنده والاحضرت همایون رضاپهلوی ولایت‌عهد محبوب ایران بود. وزارت آموزش و پرورش بمناسبت همین‌روز که روز کودك هم نامیده شده بود تمام کودکستانها ، دبستانها و مدارس راهنمایی سراسر کشوررا تعطیل کرد.

پیام شهبانو به مناسبت روز کودك

علیاحضرت شهبانو به مناسبت روز نهم آبان‌فرخنده زادروز والاحضرت همایون ولایت‌عهد محبوب ایران و آغاز هفته کودك پیامی به این شرح فرستاده‌اند:

فرارسیدن هفته کودك را به نونهالان عزیز و همه پدران و مادران ایرانی شادباش میگویم. این آیین شیرین و امیدبخشی که سالهاست در ایران برگزار میشود در ورای زیباییها و شکوهش یادآور مسؤولیت‌و رسالت خطیر ماست . مسؤولیت در قبال نسلی که عهده‌دار تربیت آنیم ورسالت در قبال ملت بزرك ایران‌که تاریخ برعهده ما گذاشته است.

خوشبختانه امسال آیین هفته کودك را در شرایط استثنایی و افتخارآفرینی برگزار می‌کنیم که اجرای فرمانهای تاریخی و انقلابی شاهنشاه آریامهر در زمینه تأمین آموزش و تغذیه و

بهداشت رایگان در سراسر کشور بمرحله اجرا گذارده شده و دگرگونی عظیمی در وضع تعلیم وتربیت وبهداشت کودکان بوجود آمده است.

این دگرگونی براساس اصل کلی و آینده نگری انقلاب اجتماعی ایران است که «انقلاب تنها برای نسل امروز نیست و به ثمر رسیدن آن در گرو تربیت نسل فرداست» و بما امکان میدهد که کودکان امروز ایران را که جوانان دوران تمدن بزرك ایران‌اند فعال، سازنده و پرتحرك و باحس مسؤولیت تربیت کنیم که شایسته نگهداری میراث زندگی ملت ما باشند.

به موازات برنامه های بنیادی و گسترده‌ای که در جهت حمایت و آموزش و پرورش کودکان‌طرح واجرا میگردد برگزاری آیین‌هفته کودك فرصتی است تابه‌وظایف خطیر وانسانی خود بیشتر بیاندیشیم و در شناساندن فرهنك انقلاب و ارزش‌های سازنده آن به کودکان که استوارترین رکن اجتماع آینده ایران‌اندبهتر بکوشیم.

من در راهیابی باین‌هدف مقدس توفیق همه پدران، مادران و کسانی را که در برابر خانواده و ملت خود احساس مسؤولیت می‌کنند صمیمانه آرزو دارم.

پیام ولایت‌عهد بمناسبت روز کودك

روز کودك را به شما کودکان و نوجوانان وطنم تبریك میگویم. خوشحالم‌که هربار هفته کودك شاهد پیشرفتهای بیشتر میهن‌ماست. بخصوص امسال که بفرمان پدر تاجدارم همه کودکان این سرزمین از آموزش و تغذیه رایگان ومانند پدران و مادرانشان از بهداشت رایگان برخوردارند و تمدن بزرك نویدی به کودکان امروز بود و ما می‌بینیم که بخواست و کوشش پدر تاجدارم از هم‌اکنون میهن ما در بسیاری از زمینه‌های اجتماعی در آستانه این‌تمدن بزرك قرار دارد. هراندازه امروز کوشش پدران ما در حل مسائل بزرك و کوچك جهان و زندگی، برای ما محیط مناسبتری بوجود می‌آورد بهمان اندازه ما نیز باید در آماده ساختن خود برای فردا کوشش بیشتری بکار بریم تا به هنگام تمدن بزرك پاسداران سربلند فرهنك ایران باشیم. برای بزرك پاسداران سربلند شما کودکان و نوجوانان ایران و همه هم‌میهنانم موفقیت و سربلندی آرزو دارم.

عمران و آبادانی

۵ راهروی زیر زمینی در تهران احداث می‌شود

مؤسسه مهندسی مشاور طراح طرح نقشه جامع تهران مأمور اصلاح وضع ترافیك تهران شد وبموجب قراردادی که میان‌شهرداری و مهندس مشاور به امضاء رسید مطالعه پیرامون نحوه ساختمان‌تونل‌های اتومبیل‌رو درمحلات تهران به این مؤسسه واگذار شد.

این مؤسسه‌مهندسی مشاور دشواریهای ترافیك شهر را مطالعه می‌کند و بااستفاده‌از محل اعتبارات وام دریافتی شهرداری از بانك جهانی برای ساختمان تونل‌هایی در پنج میدان بزرك و چهار راه‌های پررفت و آمد تهران نقشه خواهد داد.

احداث ۸۰۰ هزار واحد مسکونی تصویب شد

در سه سال و نیم آینده توسط دولت‌وبخش خصوصی، مجموعاً بیش از ۸۰۰ هزار واحد مسکونی جدید در سراسر کشور احداث‌می‌شود. این تصمیم‌اخیراً درکنفرانس تجدید نظر برنامه پنجم‌اتخاذ شد. قبلا قرار بود در طول برنامه پنجم‌یك میلیون‌واحد مسکونی ساخته شود، اما در بررسی نهایی این رقم به قریب ۹۰۰ هزارواحدتقلیل یافت، باتوجه به‌اینکه دریك سال و نیم ابتدای برنامه در سراسر کشور چندین ده هزار واحد مسکونی ساخته شده یا دردست ساختمان است برای بازمانده مدت برنامه پنجم، بیش از ۸۰۰ هزار واحد جدید ساخته خواهد شد. این تعداد خانه ۲۰۰ هزار واحد بیشتر از برنامه مصوبه قبلی است.

برای انجام این کاربانك ساختمان، ایجاد ساختمان ۴۵ هزار واحدرا برعهده‌گرفت. برای احداث این خانه‌ها بانك ده میلیارد ریال‌اوراق قرضه مسکن منتشر می‌کندو ۳۰ میلیارد ریال هم‌ازدولت اعتبار خواهد گرفت.

شاهنشاه و شهبانو از عملیات شهر سازی شهرك شمال غرب تهران بازدید کردند

شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو ۳۰ مرداد در بازدید از عملیات شهر سازی در شمالغربی تهران دستور دادند که ساختمانها بطور عمودی ساخته شودودر عین حال تأکید فرمودندکه در یك‌نظرخواهی سلیقه‌مردم نیزرعایت شود. اعلیحضرتین همچنین ساکت پارك نمك آب رود در ۱۲ کیلومتری چالوس را که بوسیله بانك عمران دردست ساختمان‌است مورد بازدید قراردادند و دربارهٔ نظارت وکنترل‌دقیق ورعایت ضوابط ساختمانی و ایجاد مجتمع‌های دانشگاهی و پزشکی و فضای سبز در این شهرك‌ها اوامری صادر فرمودند.

ورزشی

محمد نصیری بهترین وزنه‌بردار جهان شناخته شد

از طرف اتحادیه ورزشکاران آماتور آمریکا، شش‌تن ازبهترین ورزشکاران جهان در رشته‌های مختلف ورزشی انتخاب شدند که در رشته وزنه‌برداری نام محمد نصیری قهرمان خروس وزن و مگس وزن جهان دیده میشود. اتحادیه ورزشکاران آماتور امریکا ، سازمان رسمی ورزش در ایالات متحده است و خبر انتخاب شش ورزشکار در نشریه مخصوص آن چاپ شده‌است.

آپارتمانهای دهکده بازیهای آسیایی در اختیار برندگان مدال طلا قرار میگیرد

در ضیافتی که ۵۳/۸/۴ بمناسبت پیروزی های ورزشکاران ایران دربازی‌های آسیایی تهران در هتل آریاشرایتون ترتیب‌داده شده بود ، سپهبد حجت معاون نخست‌وزیر وسرپرست سازمان تربیت بدنی ایران اطلاع‌داد که بفرمان شاهنشاه آریامهر قهرمانان صاحب مدال طلای بازیهای آسیایی می‌توانند تا هنگامی که صاحب عنوان قهرمانی هستند درآپارتمان‌های دهکده بازیهای آسیایی سکونت کنند وچنانکه سه‌بار این مقام را تکرار کنند آپارتمانها بخودشان تعلق خواهد گرفت.

در مسابقات ارتش های جهان تیم کشتی ایران قهرمان جهان شد

تیم منتخب کشتی آزاد نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران در مسابقات قهرمانی ارتش‌های جهان که باشرکت تیم‌های الجزایر، مصر، تونس ، ایتالیا ، فرانسه، ایالات متحده امریکا، آلمان غربی وایران‌در رم (پایتخت ایتالیا) برگزار شد، باکسب ۸ مدال طلا و یك مدال‌نقره مقام اول را بدست آورد و تیم‌های امریکا وایتالیا دوم و سوم شدند.

برندگان مدال طلا عبارت بودند از : ابراهیم احسان‌دار در ۴۸کیلو ـ شیرزاد احمدی در ۵۲ کیلو ـ ناصر نصیری در ۵۷ کیلو ـ جهانگیر عبدالباقر در ۶۲ کیلو ـ محمدرضا طاهری‌در ۷۴ کیلو ـ علی بیات در ۸۲ کیلو ـ مصر زینعلی‌زاده در ۹۰ کیلو ـ و سیف‌الله جواهری در ۱۰۰کیلو. (تیم ایران‌در ۱۰۰ + کیلوشرکت کننده نداشت).

دراین مسابقات جهانگیر عبدالباقر علاوه برکسب‌مدال طلا بهترین نتایج را بدست آورد وستاره مسابقه‌هاشناخته شد. غایب بزرك این‌مسابقات تیم کشتی ارتش ترکیه بود، که سال پیش مقام قهرمانی جهان را حائز شده بود.

دومدال طلای دیگر را کشتی‌گیران امریکا و مصر (به‌ترتیب در ۶۸ کیلوگرم‌و فوق سنگین) بدست‌آوردند.

تأسیسات ورزشی مرکز عالی مطالعات مدیریت گشوده شد

والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی ریاست‌هیأت امنای مرکز عالی مطالعات مدیریت ایران در تاریخ ۵۳/۸/۲۶ طی‌مراسمی استخر شنا، زمین وسالن ورزشی جدیدالاحداث مرکز را افتتاح کردند.

همچنین «نشان همایون» مرحمتی شاهنشاه آریامهر توسط والاحضرت به‌پروفسور «رابرت لی‌ورناشن» رئیس مرکز مدیریت اعطاء شد. والاحضرت در این مراسم گفتند: مرکز مدیریت ایران کوشش دارد تا همواره مدیرانی در سطح بالا و با کیفیت مطلوب‌تربیت کند درپیشبرد این هدف درآینده نیز کوشاخواهدبود. مدیران ما باید از همان شرایط آموزش برخوردار باشند که مدیران طراز اول ممالك خارجی‌بهره‌مندند والاحضرت اضافه کردند، بارها شاهد بوده‌ایم که مراکز آموزشی چه در ایران و چه درخارج بدون بررسی و مطالعه کافی روزبروزوسعت پیداکرده‌اند، بدون اینکه در این رهگذر توجه کافی به کیفیت محصول وخدمات خود داشته باشند ما در مرکز مدیریت مصمم هستیم که ازاین‌مشکل برحذر باشیم واز سوی دیگر سعی کنیم کیفیت برنامه‌های خود را باسرعت بالاببریم تابتوانیم استاندارد بین‌المللی خود را حفظ بکنیم. به‌این ترتیب‌که مرکز مدیریت ایران هر سال دانشجویان خودرا با ضوابط و مشخصات بالاتری برمی‌گزیند بعلاوه استادانی را جهت آموزش و تحقیق بکار می‌گیریم که لااقل درسطح استادان قبلی باشند تاکیفیت را در سطح دانشگاه‌هاروارد ومراکز مشابه حفظ کنند.

فرهنگی

تحصیل مجانی بدون تعهد در زاهدان

هویدا با اشاره به‌برنامه‌های ۶۰ میلیارد ریالی سیستان و بلوچستان تأکید کرد که دولت بفرمان شاهنشاه تمام امکانات خود را در راه گسترش وتوسعه این استان بکار خواهد برد و بطور مرتب پیشرفت برنامه‌های عمرانی استان را کنترل وارزیابی خواهدکرد. نخست‌وزیر در میان فریاد های شادی صدها دختروپسر جوان بلوچستانی و سیستانی که اکثریت شرکت کنندگان این اجتماع پرشور حزبی را تشکیل می‌دادند اعلام‌داشت: از مهر سال آینده درهای دانشگاه زاهدان به روی جوانان باز خواهد شد.

نخست وزیرنیروی جوان هر منطقه را مهمترین عامل پیشرفت آن منطقه خواند و اضافه کرد: بهمین علت‌است که ما پرورش جوانان دختر وپسر این استان واستان‌های دیگرمملکت را در درجه‌اول اهمیت قرار داده‌ایم. زیرا این‌جوانان هستند که مدیران اجرایی‌فردای مملکت‌خواهند بود و باید باآموزشهایی که امروز فرا می‌گیرند، بتوانند ایران پرعظمت فردارا اداره کنند. هویدا سپس گفت: با برنامه‌هایی که طرح‌ریزی‌شده مدارس جامع و حرفه‌یی تا قلب روستاها گسترش پیدا خواهد کرد و از لحاظ کشاورزی نیز برنامه‌های کوتاه مدت‌ودراز مدت‌زیادی تنظیم و تصویب شده است، تا برادران روستایی بتوانند باخیال راحت زندگی کنند واز سطح درآمد بالایی برخوردار باشند. نخست‌وزیر همچنین گفت:دستور داده‌ایم پیش پرداخت خانه‌های کارگری کاهش یابد و بر مدت بازپرداخت اقساط افزوده شود. البته نظیر خانه‌های مذکور برای کارگران سایر شهرهای‌استان ساخته خواهد شد.

نخست‌وزیر در پایان همه مردم را به‌شرکت درانتخابات دعوت کرد و گفت: مردم باید درفعالیت‌های انتخاباتی شرکت کنند و بهریك از کاندیداهای احزاب که علاقمندند رأی دهند ولی البته من از مردم می‌خواهم که به کاندیداهای حزب ایران نوین‌رأی دهند.

سفر دو روزه نخست‌وزیر به‌زاهدان موجب شد که تحصیلات دراین‌استان مجانی وبدون تعهد خدمت باشد و مسلماً این اقدام موجب خواهد شد که دانش آموزان از نقاط دیگر برای تحصیل به‌این استان روی‌آورند. در این استان که حدود ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارد بیش از ۷۴ هزار دانش آموز در ۷۳۳ مدرسه مشغول تحصیل هستند ونخست‌وزیر طی‌اقامت خود درزاهدان ازیك مدرسهٔ نوبنیاد جامع دیدن کرد و با دانش‌آموزان این مدرسه ازنزدیك‌صحبت‌کرد. نخستین سؤال نخست‌وزیر در این مدرسه از دانش آموزان در مورد تغذیه در مدرسه بود. نخست‌وزیر به‌این موضوع خیلی علاقه دارد زیرا در سفرهای گذشته به کردستان، کرمانشاه و ایلام نیز در نخستین برخورد با دانش‌آموزان، این سؤال مطرح می‌شد.

نشان عالی برای ٤ دانشمند ایرانی

سفیر جمهوری فدرال آلمان در تهران از سوی دولت متبوع خود عالیترین نشان لیاقت آلمان را به چهار پزشك‌و دانشمندبرجسته ایرانی اهداء کرد.

دریافت کنندگان نشانها پروفسور دکتر سپاسگزاریان استاددانشگاه‌تهران، پروفسور دکتر خاکزاد استاد دانشگاه آریامهر، دکتر عنصری استاد دانشگاه تهران، و دکتر مجیدی استاد دانشگاه ملی بودند.

سفیر آلمان در نطق خود گفت: این‌چهار دانشمند میان کشور خود ایران وجمهوری فدرال آلمان، سرزمینی که تحصیلات دانشگاهی و تحقیقات خودرا در آن‌دنبال کردند، پیوندهای پرارزشی بوجود آوردند و مبادلات فعال‌علمی‌در زمینه‌الکترونیك کشاورزی وپزشکی را امکان پذیر ساختند.

همکاری نزدیك دانشگاه فردوسی با دانشگاه ساری انگلستان

به‌موجب قرارداد مبادلات علمی وهمکاری‌های تحقیقی که میان دانشگاه فردوسی‌و دانشگاه ساری انگلستان به امضاء رسید دانشجویان رشته شیمی دانشکدهٔ علوم دانشگاه مشهد دوره فوق لیسانس و دکتری خود را در دانشگاه ساری انگلستان خواهند گذراند.

پنجمین دورهٔ فارغ‌التحصیلی دانشگاه آریامهر

دانشگاه صنعتی آریامهر طی مراسمی نهمین سالروز تاسیس و پنجمین دورهٔ فارغ‌التحصیلی خود را جشن گرفت.

دکتر سید حسین نصر نایب‌التولیهٔ دانشگاه ، در گزارشی که ارائه‌داد یادآور شد، دانشگاه حدود ۲۸۰۰ دانشجوی دوره لیسانس و ۳۰۰ دانشجوی فوق لیسانس دارد ودانشجویان در مسابقه های ریاضی دانشگاهها به‌مقام اول رسیده‌اند.

دکتر نصر همچنین از فعالیت‌های ورزشی و فوق برنامهٔ دانشگاه یاد کرد و افزود: ۲۵٤ نفر عضو هیات آموزشی دانشگاه در سال گذشته بوده‌اند که از این میان ۲۰۳ نفر تمام وقت انجام وظیفه کرده‌اند بعلاوه دانشگاه توانسته است برای تأمین کادر آموزشی خوددر آینده ٦۰ فارغ‌التحصیل را برای پژوهش‌بیشتر به‌امریکا و اروپا بفرستد.

دکتر نصر، درپایان اشاره کرد که عملیات ساختمانی دانشگاه بزرك آریامهر در اصفهان باسرعت‌پیش می‌رود ونخستین دسته دانشجویان دوسال دیگر در این مرکزبه تحصیل خواهند پرداخت.

انقلاب آموزشی

در هفتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی‌در رامسر با اخذ الهام از بیانات روشنگر و هدایت بخش شاهنشاه آریامهر بسیاری از مشکلاتیکه در راه تحول سریع در امر آموزش و پرورش وجود داشت از پیش پا برداشته و بعلاوه یکبار دیگر جهشی بزرك در جهت بهبود و پیشرفت و گسترش امر آموزش و پرورش در سطح کشور و برای عموم طبقات پدید آورد که این خود مایه و اساس ایجاد یك شتاب‌نو در آهنك رشد و پیش‌برد کلیه امور و شئون مادی و معنوی‌کشور میشود.

شاهنشاه در این ارشاد طی اشاره به ۱۵ اصل اساسی خطوط مهم و سرفصل برنامه انقلابی عظیم و همه‌جانبه را بقرارزیر تعیین و اعلام فرمودند .

۱ ــ ضرورت همگام شدن ایران با تحقیقاتی که در مورد امکان بهره‌برداری آموزشی و تربیتی از دوره‌ی کودکی نخستین صورت می‌گیرد.

۲ ــ لزوم گسترش سریع روش های سمعی و بصری و تعمیم آن به همه نقاط ایران و استفاده از کار افزار های نوین و ماهواره آموزشی .

۳ ــ ضرورت اقدام فوری و قطعی در مورد ملی ساختن دبستان ها و مدارس راهنمایی تحصیلی که برنامه های مصوب وزارت آموزش و پرورش را اجرا می‌کنند و تامین تمام هزینه تعلیمات عمومی همه فرزندان کشور.

٤ ــ اجازه به بخش خصوصی برای برقراری آموزشهای هنری و تخصصی که در برنامه‌های مصوب وزارت آموزش و پرورش پیش‌بینی نشده است .

۵ ــ لزوم تنبیه قانونی هرکسی که‌مانع تحصیل فرزندان این آب و خاك و سد پیشرفت فکری وروحی آنان اعم از پسر و دختر گردد .

٦ ــ اعلام رایگان بودن تحصیلات در مدارس حرفه‌ای و فنی عموماً .

۷ ــ تجویز رایگان بودن تحصیلات‌متوسطه‌غیر حرفه‌ای بشرط سپردن تعهد خدمت .

۸ ــ موافقت با تاسیس مدارسی خاص برای برجسته ترین شاگردان کشور .

۹ ــ تاکید در ضرورت تشکیل دوره‌های فشرده آموزش‌های تکمیلی منظم برای معلمین شاغل در کلیه سطوح بمنظور آشنا کردن آنها با روش های‌جدید آموزش و پیشرفتهای نوین علمی .

۱۰ ــ اعلام رایگان‌بودن تحصیلات دانشگاهی بشرط سپردن تعهد خدمت معادل دو برابر دوران تحصیل .

۱۱ــ موافقت با بررسی امکان کوتاه کردن مدت تحصیلات در بعضی رشته ها با استفاده از قسمتی از تعطیلات تابستانی و افزایش واحد هائی که هر دانشجو در هر نیمسال می‌تواند بگیرد .

۱۲ ــلزوم قبول بیش از یك دوره دانشجو درعرض هر سال و در نتیجه استفاده از کلیه ظرفیت های دانشگاهی.

۱۳ ــ تجویز استفاده از استادان و متخصصان خارجی برای رفع نیازهای حاد کشور .

۱٤ ــ تاکید درتقویت سجایای اخلاقی پزشکان برای خدمت در مملکت و ایفای وظیفه ملی از این طریق .

۱۵ ــ تاکید در لزوم هماهنگی بین دانشگاهها در عین حفظ اصالت و رسالت هر یك از آنها .

بدنبال آن اولین دستورالعملی‌که از طرف‌دولت اعلام شد در اجرای فرمان آموزش رایگان است که بوسیله وزارت‌علوم وآموزش عالی تصویب وطی ۸ بند و۳ تبصره ویك توضیح‌نامه با طرح فرمهای لازم درمورد تقاضانامه بهره‌مندی ازمزایای آموزش رایگان و تنظیم تعهدنامه مربوط بکلیه دانشگاهها و مدارس آموزش عالی ابلاغ گردید .

جشن‌پایان تحصیلی دانشکده ستاد نیرو های مسلح و دانشگاه پدافند ملی در حضور شاهنشاه آریامهر

شاهنشاه آریامهر ۲۳ شهریور در مراسم جشن پایان تحصیلی‌دوره سیزدهم‌دانشکده ستاد نیروهای مسلح و دوره ششم مدیریت و امنیت ملی دانشگاه پدافند ملی شرکت فرمودند وطی بیاناتی خاطر نشان‌ساختند، تنهاروزی می‌توان‌از آرامش وثبات دنیا سخن‌گفت‌که تجاوز برای‌هیچ متجاوزی مثمر ثمر نباشد و بجز از بین رفتن روح تجاوز ، وسائل تجاوز نیز از میان برود .

در محوطه‌خارجی دانشگاه دسته موزیك و گروهان

تشریفات گارد شاهنشاهی ادای احترام کرد و تیمسار سپهبد خزاعی‌فرمانده‌دانشگاه پدافند ملی گزارش ارتشی معروض داشت سپس شاهنشاه آریامهر از افسران گارد و دانشجویان دانشکده مدیریت و امنیت ملی و دانشکده ستاد نیروهای مسلح و دانشجویان دوره جدید دانشگاه پدافند ملی سان دیدند در مدخل دانشگاه از شاهنشاه و همراهان استقبال بعمل آوردند .

شاهنشاه سپس به سالن توجیه دانشگاه تشریف‌فرما شدند در اینجا گزارشی در زمینه برنامه تفصیلی بعرض همایونی‌رسید. درقسمت دیگر دانشگاه شاهنشاه از بخشهای تحقیق در زمینه ژئوپولتیك، پژوهشهای علمی ــ کاربرد کامپیوتردر پژوهش «محاسبه حریم چاههای آب » آینده نگری اقتصادی در ده سال آینده درسمینارهای دانشکده مدیریت وامنیت ملی ، بازدید بعمل آوردند، شاهنشاه سپس از چند تمرین نظامی در سمینار های دانشکده ستاد نیروهای مسلح بازدید فرمودند و سپس به سالن سخنرانی دانشگاه تشریف‌فرما شدند و تیمسار سپهبد خزاعی گزارش آموزشی دانشگاه را بعرض همایونی رسانید و در پایان از پیشگاه معظم‌له استدعا نمود دانشنامه های دانشجویان را به سرتیپ محسنی مدیر آموزش مرحمت و دانشگاه راقرین مباهات فرمایند .

شاهنشاه آریامهر دانشنامه های دانشجویان را به مدیر آموزش مرحمت فرمودند و آنگاه بیاناتی باین شرح ایراد کردند :

به‌افسرانی که موفق‌به‌طی این‌دوره دانشگاه پدافندملی شده‌اند تبریك میگویم و مطمئن هستم که با معلومات جدیدی که کسب کرده‌اند و مطالعات گوناگونی که در هر رشته بعمل آورده‌اند و در هر شغلی که بلافاصله یا بعدا به آنها محول خواهد شد ، افرادی شایسته‌تر و مفیدتر برای‌ارتش شاهنشاهی ایران باشند . با مطالعه اوضاع اجتماعی ، اقتصادی و امنیتی دنیا متاسفانه نتیجه میگیریم که از سال گذشته تا بحال در تمام رشته‌ها قدم‌هائی به قهقرا یا بسمت تزلزل بیشتر برداشته شده‌است دنیای باصطلاح پیشرفته با بی‌نظمی اجتماعی ، بی‌نظمی اقتصادی (که‌باتورم‌خطرناکی مجسم می‌شود) دست بگریبان است. این جای نگرانی بسیار است . اولا ما بدخواه ممالك صنعتی نیستیم و بزودی در زمره ممالك صنعتی قرار خواهیم گرفت، ولی امیدوارم بصورت یك مملکت صنعتی درآئیم که دارای یك جامعه منظم، مرفه با حفظ ارزش‌ها و شعارهای قدیمی ملی، انسانی، اخلاقی و روحی ایرانی توام باشد. یك جامعه‌مترقی بدون‌ضوابط انسانی کم‌کم تبدیل بیك ماشین بی‌روح‌خطرناك میشود که‌خودش، خودش‌را خواهد خورد و از بین‌خواهد رفت.

«در زمینه اجتماعی هم می‌بینیم ضوابط‌اخلاقی تنزل می‌کند و عصیان بهر طریق و بهرشکلی در خیلی جاها ظاهر می‌شود . پیدا کردن علل ، هم مشکل است و هم قابل فهم و بخصوص باید در این قسمت‌ها مطالعه کرد و هر اقدامی را که برای جلوگیری از این پیش‌آمدها لازم است بعمل آورد . ما باید لااقل در جامعه پیشرو مترقی و در حال جهش و حرکت ایران هر خطری را دفع بکنیم و هیچوقت دچار ابتلاثاتی که‌جو امع دیگر دنیا به آن دچار شده‌اند نشویم .»

«از لحاظ آرامش و ثبات نیز می‌بینیم که دنیا هیچ پیشرفتی نکرده است . سازمان ملل‌متحداز هر موقع دیگر ضعیف‌تر است . برای مباحثه احیانا جلساتی تشکیل میشود و احیانا تصمیماتی گرفته میشود ،ولی نمی‌بینیم که این تصمیمات به مرحله اجرا و عمل درآید . پس وظیفه ما این‌بود ولو اینکه مملکتی بدون آتیه بودیم، صرفا براساس وظیفه میهنی که داشتیم از مرز و بوم خودمان از خاك خودمان ، حراست و دفاع بکنیم . ولی در ایرانی که امروز باین مرحله رسیده است ، ایرانی که دهسال دیگر می‌توانید حدس بزنید بچه مراحلی خواهد رسید ، ایرانی که می‌توانیدبه روشنی ببینید در یك نسل دیگر و یا ۲۵ سال دیگر چه خواهدشد، آن چیزی است‌که فکرمیکنم هرکسی (مخصوصا با این سیاستی که اضافه براحساسات میهنی سعی میشود هرفردی بنحوی از انحاءدر سرنوشت مملکت چه از لحاظ معنوی و چه از نظر مادی سهیم و شریك باشد) وظیفه هر کسی این است که بنوبه خود و بعنوان فرد و دستگاه اداری این مملکت بعنوان مسئول وسایل حفظ و حراست و حرمت حدود ، ثغور ، سر حدات و اراضی این مملکت را فراهم کند تا اینکه رستاخیز ایران را نه فقط از لحاظ مادی دنیای ده سال دیگر ، دنیای ۲۵ سال دیگر ببیند و ملت ایران ثمرات آن را بچشد ، بلکه از نظر معنوی با ذخایر بی‌کرانی که در طول سه هزار سال تاریخ در ضمیر ایرانی و روح ایرانی و حتی در جسم ایرانی‌ذخیره شده‌است بتواند نمونه شرافت ، انسانیت و نوعدوستی باشد و نبوغ خود را در راه تعالی فکر و روح فرهنك (و چیزی که به جامعه مادی امروز بتواند جنبه انسانی و اخلاقی بدهد) ارزانی دارد تا لااقل برای خود و تا جائی که میتواند و تا شعاعی که ممکن است اشعه ایران را بتاباند و به جامعه انسانی خدمت کند .»

میل داشتم که هر سالی که اینجا سخنرانی میکردم مژده‌های خوبی از لحاظ سکون و آرامش دنیا داشته باشم . تا بحال که این امکان نبوده است امیدوارم در سال آینده بتوانیم در این زمینه هم صحبت کنیم ولی فکر میکنم تنها وضعی که بشود روزی راجع به آرامش و سکون دنیا صحبت کرد از دو حال خارج نیست ، یکی اینکه تجاوز برای هیچ متجاوزی مثمر ثمر نباشد . دوم اینکه عقل بشر بالاخره به‌آن‌مرحله برسد که چون تجاوز مثمر ثمر نیست پس بهتر است نه فقطروح تجاوز از بین برود بلکه وسایل تجاوز نیز محدود شود و یا از بین برود . در انتظار چنین روزی هستیم . حوصله زیاد میخواهد ولی بهتراست دراین انتظار باشیم تا اینکه نباشیم .»

دانشگاه رضا شاه کبیر تاسیس شد .

۲۵ شهریور همزمان با آغاز سی‌وچهارمین سال سلطنت شاهنشاه آریامهر، موجودیت دانشگاه رضاشاه کبیر اعلام شد. این دانشگاه تحت تولیت عظمای شاهنشاه خواهد بود . هدف دانشگاه جدید پیشبرد دانش وفرهنك و کمك به رشد و تحول علمی کشور و تربیت و تجهیز نیروی انسانی آزموده ، به‌خصوص در زمینه تربیت کادر آموزشی است .

هنری

هفتمین جشن فرهنگ و هنر گشایش یافت

درپیشگاه شاهنشاه‌آریامهر وعلیاحضرت شهبانوی ایران هفتمین جشن فرهنك و هنر با اجرای برنامه‌یی توسط هنرمندان ارکستر سنفونیك تهران درتالار رودکی گشایش یافت. جشن فرهنك و هنرکه از شادیها و جشن‌های پر شکوه‌زادروز شاهنشاه‌آریامهر است در سالهای گذشته از چهارم آبان دوهفته می‌پایید، اما امسال تاآخر آبان ادامه داشت.

در مراسم گشایش جشن، مهرداد پهلبد، وزیر فرهنك وهنر گزارشی معروض‌داشت وگفت: باتوجه به‌عنایت‌خاص شاهنشاه آریامهر و شهبانوی ایران بسلامت خانواده که نخستین کانون مهر وعطوفت و فرهنك‌اندوزی و ادب‌آموزی واز مهمترین عوامل پاسداری ملت ایرانی است، باکسب اجازه از پیشگاه مبارك، موضوع «خانواده و فرهنك» بعنوان موضوع‌اصلی جشن امسال برگزیده شد.

در جشن فرهنك و هنر سال گذشته، رویهمرفته در سراسر کشور ۷۳۶ نمایشگاه ترتیب یافت، ۸۷۰ برنامه سخنرانی و بررسی‌های فرهنگی و شب شعر و۱۵۰۰ برنامه‌هنری اجراشدونیز ۱۶ مؤسسه فرهنگی و کتابخانه و تالار نمایش گشایش یافت در ۹ مورد ازخادمان فرهنك و هنر تجلیل به عمل آمد و ۶۲ مجلدکتاب ونشریه منتشر شد.

نهمین فستیوال بین‌المللی فیلم‌های کودکان

در پیشگاه علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران نهمین فستیوال بین‌المللی فیلم‌های کودکان ونوجوانان ۹ آبان بانمایش فیلم‌های «پواچینلا» از ایتالیا و «رولی» از لهستان آغازشد. از ایران فیلم‌های، تداعی، آدم اول، بلبل، مسافر، رخ، اتل‌متل توتوله، دوباره نگاه کن، گردش در یك روز آفتابی و گیج در فستیوال شرکت داشتند.

داوران فستیوال امسال ۵ نفر بودند: خانم «رادکاپو چواروا» فیلمسازازبلغارستان، «کن‌ولاشن» مدیر برنامه‌های فستیوال فیلم لندن و منتقد فیلم، «یوهان ها کلباخ» فیلمساز از سوئد ــ یرری اسکو ــ لوموسکی از لهستان و پرویز دوایی از ایران.

۱۳ فیلم که توسط بچه‌ها و مخصوص بچه‌ها ساخته‌شده است در یك برنامه نشان داده خواهد شد . برنامه های ضمنی دیگر شامل برنامه های مرور براثار است که نشان دادن مجموعه پلنك صورتی از جمله آنهاست.

از میان ۲۰۶ فیلمی که برای شرکت در قسمت‌مسابقه به فستیوال رسیده ۷۷ فیلم از ۲۳ کشور انتخاب‌شد.

مراسم‌اختتام نهمین فستیوال بین‌المللی فیلمهای کودکان‌و نوجوانان شانزدهم آبان برگزار شد و علیاحضرت جوائز برندگان را اعطا فرمودند.

درگروه فیلمهای کودکان ۶ تا ۱۰ سال فیلمهایی که جایزه گرفتند: فیلم «رولی» از کشور لهستان پلاك‌طلایی فستیوال را بدست آورد. کارگردان«رولی» آناسوکور لووسکا است. او بسبب نظر مثبت ومحبت آمیزش نسبت به روابط کودکان ، این جایزه را گرفت.

پلاك طلایی فستیوال در گروه فیلمهای مخصوص نو جوانان بین ۱۰ تا ۱۴ سال به فیلم «اتوماتیك» از چکسلواکی بکارگردانی «واکلاویدریج» برای خاطر پرداخت ساده و طنزآمیز زندگی ماشینی داده شد. پلاك طلایی فستیوال درگروه فیلمهای مخصوص نوجوانان بین ۱۴ تا ۱۸ سال به فیلم زندگی پرندگان از کشور چکسلواکی به کارگردانی «ماکورك دوبرووآ» به‌خاطر طرح و تحرك زیبا و طنز فوق‌العاده‌اش تعلق گرفت.

پلاك طلایی فستیوال در گروه فیلمهایی که برای توزیع عمومی تهیه شده اما بخصوص برای تماشاچیان خردسال مناسب است به فیلم «باد» از کشور کانادا به کارگردانی «ران تونیس» برای خاطرطرزبیان دلپذیرو موفقش در القای یك فضای حسی داده شد.

جایزه مخصوص هیات داوری (مجسمهٔ طلایی فستیوال) به فیلم «لارس ال کلاس پنجم ج» از کشور دانمارك به‌کارگردانی «میلز

سیگورد مالمرز» برای‌خاطر پیوند کامل فیلمساز با بازیگران خردسالش تعلق گرفت.

جایزهٔ مخصوص هیأت داوری (مجسمه طلایی فستیوال) به فیلم «مسافر» از ایران به کارگردانی عباس کیارستمی برای‌خاطر تجسم صادقانه و توأم با همدردی حالات یك قهرمان اهداء شد.

وسرانجام جایزهٔ بزرك مجسمه طلایی فستیوال به بهترین فیلم به مفهوم مطلق به‌فیلم «سرکه» ازچکسلواکی داده شد.

کارگردان سرکه، «یوزف پنیکووا»ست و او این‌جایزه را برای خاطر سادگی، فروتنی، طنز وطبیعی‌بودنش دریافت می‌دارد. چه‌این فیلم برای بزرك وکوچك جذاب است. هیأت‌داوران‌بین‌المللی فراوانی که میان تهیه‌فیلم‌فستیوال، باوقوف به‌اختلاف های کوتاه و بلند وجود دارد مراتب تقدیر خودرا به سازندگان فیلمهای «نقطه مکث» از کشورشوروی «ماشین آب‌پاش‌پرتغالی» از مجارستان و «بچه‌های راه‌آهن» از کشور انگلستان تقدیم کرد در ضمن هیأت داوران ازسازندگان مجموعهٔ پلنك صورتی «دیویدوپاتی»، «فرتیز فرولنك» و «هاتی پرات» و همچنین از «جان هالاس» برای همکاری در فراهم کردن برنامه فیلمهای برنده جایزه ساخته کودکان سپاس به عمل آورد.

وزارت فرهنك و هنر یك جایزه نقدی معادل یکصد هزار ریال به «نیلز سیگورد مالمرز» کارگردان «لارس ال کلاس پنجم» از کشور دانمارك اهداء کرد.

وزارت آموزش وپرورش یك مجسمه دلفان به فیلم «سرکه» ازکشور چکسلواکی که بکارگردانی یوزف پینکووا تهیه شده اهداء کرد.

آرشیو فیلم ایران یك مجسمهٔ زرین شهر فرنك به فیلم «جوجه» از کشور رومانی‌اثر «لارنیتو سیبرو» اهداء کرد.

رادیو تلویزیون ملی‌ایران نشان یادبود و دیپلم خود را به‌عباس کیارستمی، کارگردان فیلم مسافر از ایران اهداء کرد. منتقدان سینمایی مطبوعات تهران یك دیپلم افتخار به‌فیلم طویل «لارس ال کلاس پنجم» داد و همچنین یك دیپلم افتخار به فیلم‌کوتاه «سرکه» ازکشور چکسلواکی‌اهداء کرد. هیأت داوری بین‌المللی کودکان دیپلم افتخار به فیلم طویل «رولی» از کشور لهستان و یك‌دیپلم افتخار به‌فیلم‌کوتاه «رخ» از علی‌اکبر صادقی‌از ایران اهداء کرد.

هیأت داوران بین‌المللی متشکل‌ازخانم رادکاپوچووار اسکوسیموفسکی، از لهستان، اودا، از بلغارستان ، برژی یوهان هاگلباخ ازسوئد، کن والاشن از انگلستان و پرویز دوایی از ایران بود.

خانه صبا موزه شد

۲۱ آبان موزهٔصبا درخانه مرحوم‌صبا درمراسم باحضور پهلبد وزیر فرهنك و هنر گشایش یافت. در این مراسم که‌رئیس دانشگاه سپاه دانش، چندتن از مقامات وزارت فرهنك و هنر، خانواده مرحوم صبا و جمعی از مقامات دیگر حضور داشتند ماری شیبانی مدیر کل‌موزه های وزارت فرهنك و هنر، پیرامون زندگی صبا وکارهای او سخن گفت. در این موزه وسائل نوازندگی صبا دفترچه‌های نت، نمونه‌های نقاشی وآثار خطی وعکس‌هایی از او به‌معرض نمایش گذاشته شده است. وزیر فرهنك و هنر در بازدید از موزه دستور داد . در این مکان محل مناسبی برای‌تعلیم موسیقی آماده شود. موزه از از ۲۲ آبان برای بازدید عموم آماده بود تا آخر آبان ماه‌نیز رایگان‌بود. ابوالحسن صبا در سال ۱۲۸۱ درتهران زاده شد. آشنایی صبا با موسیقی در خردسالی باتعلیم سه‌تار ازپدرش آغازشد وپس ازآن بانواختن ویلن وسنتور آشنا شد.

اقتصادی

ایران یك میلیارد دلار به‌فرانسه‌اعتبار داد .

هفتم مرداد کسب اطلاع شدیك‌هیات اقتصادی‌عالیرتبه فرانسوی که از اول مرداد به تهران آمده بودند ، مذاکرات خود را با مقامات وزارت امور اقتصادی و دارائی به پایان رسانده واین مذاکرات منجر به عقد موافقت‌نامه‌های‌بین دوکشور شده است .

بر اساس این موافقت‌نامه مالی دولت ایران اعتباری بمبلغ یك‌هزار میلیون دلار بمدت سه سال و با بهره تجارتی در اختیار دولت فرانسه‌قرارداد. این‌موافقت‌نامه بدنبال پروتکلی که روز ۲۷ ژوئن ۱۹۷٤ هنگام دیدار رسمی شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت‌شهبانو ازفرانسه و مذاکرات رهبران دوکشور بین وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران و آقای ژان پیرفوردکاد وزیر اقتصادی‌و دارائی فرانسه در پاریس به امضاء رسید ، منعقد گردیده است . براساس این پروتکل ایران موافقت نمود مبلغ یك میلیارد دلار بصورت سپرده با بهره تجارتی در اختیار بانك مرکزی‌فرانسه قراردهد که این سپرده‌در صورت لزوم برای پرداخت‌قیمت تجهیزات لوازم و خدمات مورد نیاز ایران و فرانسه قابل استفاده خواهد بود . تجهیزات و خدمات مزبور در زمینه های ایجاد یك مرکز پژوهش ـ های هسته‌ای در ایران و تربیت کادر متخصص و تحویل واحدهای هسته‌ای مولد های برق با ظرفیت ۵هزار مگاوات وکارخانجات شیرین کردن آب دریا و امکانات توسعه همکاریهای فیمابین در مورد استفاده از انرژی هسته‌ای در کشتیهای تجارتی و نفتکش ، می‌باشد.

ایران و ایتالیا

دوم شهریور ششمین قرارداد پیمانکاری از سلسله قراردادهای ناشی از مزایده بین‌المللی نفت با دریافت یك میلیون دلار پذیره نقدی و تعهد ۲۰ میلیون‌دلار هزینه اکتشاف بین شرکت ملی‌نفت ایران و شرکت اجیپ‌ایتالیا به امضاء رسید . در نیمه دوم سال قبل شرکت ملی نفت قسمتی از خاك ایران رابرای اکتشاف و تولید بمزایده بین‌المللی گذارد .

در این مزایده تعداد زیادی از کمپانی های نفتی شرکت کرده بودند که فقط پنج کمپانی حاضر به قبول شرایط ایران شدند وباصلاحیت معامله‌را داشتند. اینکس شرکت امریکایی ۲ قرارداد با ایران بست که یکی از آنها در حوزه شیراز و دیگری در حوزه آبادان بود .

چهار شرکت دیگر یکی فرانسوی و۲شرکت امریکایی و آخرین آن شرکت اجیپ بود که حوزه قراردادآنها در لار می‌باشد .

ایران ازمجموع ٦قرارداد ٤۹٫۷۵ میلیون دلار ، پذیره نقدی و ۱۷ میلیون دلار پذیره «مشروط بهره‌برداری» دریافت کرد و همین شرکتها تعهد کردند که در مدت ۵ سال ۱٦۷ میلیون دلار در این حوزه‌ها خرج اکتشاف و تولید کنند . در حقیقت برای اکتشاف و تولید این مناطق رویهمرفته۲۳٤ میلیون دلار سرمایه‌گذاری قطعی خارجی خواهد شد .

موافقت‌نامه مهم اقتصادی ایران ـ هند امضاءشد

مذاکرات‌سه روزه فریدون مهدوی وزیر بازرگانی و چاتوپادایا وزیر بازرگانی هند ۹ شهریور خاتمه یافت ویك‌موافقت‌نامه مهم‌بازرگانی بین دو کشور به امضاء رسید که تحویل ۵۰۰ هزار تن شکر و ۱٫۱ میلیون‌تن سیمان به ایران در ازای صدور مقدار قابل توجهی کالای صنعتی جزو آنست . این موافقت‌نامه برای مدت ۵سال امضاء شده و از تاریخ مبادله اسنادعملاجایگزین‌موافقت‌نامه بازرگانی سال ۱۹٦٤ میشود که براساس آن هند از ایران ماشین افزار ، بیلرینك ، ماشین‌های صنعتی ، سیلندر گاز ، ترانسفورموتور ، کابل برق ، شمش آلومینیوم ، محصولات‌شیمائی وپتروشیمی خریداری میکند و حجم صادرات خشکبار ، انغوزه و گیاهان طبی نیز به دو برابر افزایش می‌یابد . در مقابل هند تجهیزات انتقال و توزیع نیرو ، ماشین‌های صنعتی ، واگن وریل ماشین ابزار و وسائل جراحی و بهداشتی تحویل ایران می‌دهد .

علاوه براین‌براساس‌توافق های دیگری که بین هیات های نمایندگی دو کشور حاصل شد ، هند ۵۰۰ هزار تن شکر در طول سه سال در اختیار ایران می‌گذارد، بخشی از شکری که امسال تحویل ایران می‌شود ، از قرار تنی حدود ۷۲۰ دلار خواهد بود و در سال های بعد قیمت آن برمبنای قیمت های روز تعیین و پرداخت میشود . همچنین هند ۱٫۱ میلیون تن سیمان در طول دوسال و ۱۳۰ هزار تن ریل راه‌آهن در اختیار ایران می‌گذارد برای تاسیس چهار واحد ۲۱۰ مگاواتی برق در ایران مطالعاتی توسط شرکت‌های هندی انجام می‌شود که قرار شد در آینده نزدیك پیشنهادهائی در این زمینه ارائه شود .

درپایان‌مذاکرات اقتصادی ایران و هند که منجر به امضای موافقت‌نامه‌مهمی بین دو کشور شد ، ۹ شهریور بین شرکت ملی کشتیرانی آریا از یك طرف و شرکت ملی کشتیرانی هند برای ایجاد یك شرکت مشترك کشتیرانی به ظرفیت ۵۰۰ هزار تن موافقت‌نامه‌ای به امضاء رسید .

در این شرکت ایران و هند بصورت ۵۰ ، ۵۰ مشارکت خواهند داشت . قرار است این شرکت در مرحله‌اول کالاهای خریداری شده از جانب ایران را از طریق بنادرهند به ایران‌حمل کند. تشکیل‌شرکت کشتیرانی ایران و هند ادامه کوششی است که ایران برای اداره کامل کارحمل ونقل خارجی خود به عمل می‌آورد از آن جمله است تشکیل یك کشتیرانی نفتکش با مشارکت ژاپن و همکاری مشابهی در کار حمل و نقل تجاری با پاکستان که در چارچوب همکاری‌های عمران منطقه‌ای صورت می‌گیرد .

مشارکت ایران و کروپ امضاء شد .

ایران و کروپ آلمان ۱۰ میلیون مارك در یك شرکت مشترك برای سرمایه گذاری در طرحهای مورد علاقه سرمایه‌گذاری می‌کنند ۲٦ شهریور قرارداد تفصیلی مشارکت‌ایران درکارخانه‌های فولادسازی کروپ آلمان در وزارت اقتصادی و دارائی به امضاء رسید و بدین ترتیب ایران و کروپ متفقا کنترل کامل کارخانه‌های‌این موسسه را در دست گرفتند. براساس این قرارداد ایران معادل ۲۵٫٤۵٦ درصد از سهام کارخانه‌های فولاد کروپ‌را به دست آورد .

خرید ۵۰۰ میلیون دلار مواد غذایی از بلغارستان

براساس قراردادی که بین ایران و بلغارستان به امضاء رسید ایران در طول پنج سال آینده ۵۰۰ میلیون دلار انواع مواد غذایی از جمله کره ــ پنیر، گوشت روغن آفتابگردان ، گندم، کنسرو و سبزی و همچنین کود شیمیایی و سیمان از این کشور وارد می‌کند .

این پروتکل را وزیران بازرگانی دو کشور امضاء کردند و بموجب آن ایران برای توسعه امکانات تولیدی بلغارستان در رشته صنایع کشاورزی و غذایی ۱۶۰ میلیون دلار اعتبار بصورت پیش‌پرداخت خرید ۵۰۰ میلیون دلاری‌خود دراختیار بلغارستان می‌گذارد. همچنین دولت بلغارستان موافقت‌کرد ایران برای ایجاد صنایع غذایی در بلغارستان که یك مجتمع بزرك تولید گوشت‌و انواع غذاهای‌آماده راشامل می‌شود سرمایه گذاری کند. هزینه لازم برای تأسیس‌این مجتمع بحدود ۵۰۰ میلیون دلار بالغ خواهد شد.

همچنین توافق شد با همکاری ایران و بلغارستان یك مجتمع تولید گوشت شامل کشتارگاه، سردخانه و واحد بسته‌بندی در ایران احداث شود.

علاوه براین یك شرکت مختلط حمل‌ونقل باسرمایه‌یی معادل ۲۰ میلیون دلار با مشارکت ایران و بلغارستان تأسیس می‌شود.

تأسیس یك شرکت تولید مصنوعات سیمان

برای ایجاد وبهره‌برداری از کارخانه‌های تولید لوله، ورق وفرآورده‌های دیگر از بست سیمان یك شرکت سهامی‌عام بنام پرمه ــ ازسوی مؤسسان آن با سرمایه ۲۰۰ میلیون ریال تشکیل شد.

معادل ۸۰ درصد ازسرمایه شرکت پرمه را که برابر با ۱۴۰ میلیون ریال می‌شود بانك‌اعتبارات صنعتی، شرکت سیمان تهران وشرکت میناك تأمین کرده‌اندوچند سرمایه‌گذارخصوصی‌نیز ۲۰ میلیون ریال در این شرکت سرمایه گذاشته‌اند. ۴۰ میلیون ریال از سرمایه باقیمانده شرکت‌به مردم عرضه می‌شود.

کارخانه کاغذ سازی

دو کارخانه کاغذ سازی با ظرفیت‌های بالای ۱۰۰ هزار تن در شمال احداث می‌شود. از منابع رسمی در مونترال اطلاع حاصل شد که گروه جیلکون ، کنرسیوم مرکب از سه شرکت ایرانی ویك شرکت کانادایی (بی‌جی شکومونرال) یك معامله ۵۰ میلیون دلاری برای ساختن مجتمع وسیع صنعتی درایران بمنظور بهره‌برداری از منابع جنگلی بسته است.

مجموع این طرح نیازمند یك سرمایه‌گذاری ۲۳۰ میلیون دلاری‌است. این‌طرح شامل کارخانه‌های چوب‌بری، ساختن خمیر چوب و کاغذ و یك کارگاه کنترپلاك (فیبر) و نیز خدمات ضمیمه می‌شود. یك‌مقام آگاه ۵۳٫۹٫۶ گفت که این کنرسیوم برای اجرای‌طرح یك کارخانه کاغذ سازی با صنایع وابسته در گیلان تشکیل شده است. مذاکرات میان ایران و چندین مؤسسه کانادایی از مدتی پیش‌آغاز شده بود و در چند ماه اخیر تقریباً قطعی شده بود که کارخانه مزبور را کانادایی ها خواهند ساخت.

مواد اولیه مورد نیاز کارخانه از چندین هزار هکتار جنگلهای دست‌نخورده گیلان که‌هم‌اکنون طرحهای بهره‌برداری آن در دست‌تهیه است، تأمین خواهد شد و مجتمع درجوار کارخانه‌های فعلی چوب‌بری اسالم درغرب بندرپهلوی احداث می‌شود.

همین مقام خاطر نشان کرد مذاکرات برای احداث کارخانه مشابه دیگری در ساری دنبال می‌شود، این کارخانه‌ها تا آنجا که از گفته‌کارشناسان برمی‌آید هر کدام ۱۰۰ هزار تن درسال ظرفیت خواهند داشت که می‌توان برمیزان تولید آنها باز هم افزود.

مهم آنکه کارخانه‌های کاغذ سازی شمال خمیر کاغذ از الیاف بلند تهیه خواهند کرد که ایران هم‌اکنون از خارج وارد میکند . به‌این ترتیب با تأسیس کارخانه‌های کاغذ سازی‌شمال راه‌گسترش کارخانه موجود کاغذ پارس در هفت‌تپه نیز هموار می‌شود.

ایران ۴۰۰ میلیون دلار به‌انگلستان وام داد.

قرارداد پرداخت نخستین قسمت از وام ۱٫۲ میلیارد دلاری ایران به‌انگلستان به مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار ۷ آبان در وزارت اقتصاد و دارایی به‌امضاء رسید. بر اساس این قرارداد که در اجرای مفادیادداشت تفاهمی کمسال گذشته برای پرداخت ۱٫۲ میلیارد دلار وام بین دو دولت ایران وانگلستان بسته شده ایران ۴۰۰ میلیون دلار وام از محل اعتبار مزبور دراختیار سازمان ملی آب انگلستان می‌گذارد. این قرارداد را از جانب ایران جمشید اشرفی معاون امور سرمایه‌گذاری و کمك‌های خارجی وزارت اقتصاد و دارایی و از جانب انگلستان پیتراستات مدیر عامل سازمان ملی آب انگستان امضاء کردند. قرار است ۸ میلیون دلار باقیمانده از این اعتبار در دو سال آینده از جانب ایران به مؤسسات دولتی انگلستان پرداخت شود. این وام بانرخ بهره بازرگانی اعطا شده واصل آن قرار است در پنج سال، از تاریخ استفاده از وام بازپرداخت شود. بازپرداخت اصل وبهره وام پرداختی ایران‌را دولت انگلستان تضمین کرده است.

کارخانه‌هایی برای تغلیظ سرب و روی

دولت برای افزایش صادرات سرب بخارج و جایگزین ساختن آن با صادرات سنك‌سرب و کلوخه سرب ، مقدمات احداث بزرگترین کارخانه ذوب و تغلیظ سرب و روی ایران را باظرفیتی معادل ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزارتن در سال فراهم کرد.

بااین طرح که در آینده نزدیکی پیاده میشود با ۳٫۵ میلیارد ریال سرمایه گذاری دولت، یك‌واحد بزرك ذوب سنك سرب در ایران احداث می‌شود.

براساس بررسی‌هایی که توسط کارشناسان به‌عمل آمده باتوجه به ذخایر و منابع متعدد سنك سرب و روی که در کشور وجود دارد، ایجاد چنین واحدی از هر نظر اقتصادی شناخته شده است.

زیرا بهای هرتن سرب تغلیظ شده در بازارهای جهانی بیش از بیست برابر بزرگترین بازارهای صادراتی سنك‌سرب است. درحال‌حاضر شوروی تشکیل می‌دهند که بااجرای طرح مزبور و با صدور سرب تغلیظ شده و شمش سرب به خارج دربرابر سنك سرب ارز بیشتری از این رشته به خزانه کشور سرازیر می‌شود و بتدریج صادرات سنك سرب به‌کلی متوقف خواهد شد.

۱۰ هزار تن پنبه به شوروی ، لهستان و مجارستان فروخته شد

با بسته شدن سه قرارداد بیش از ۱۰ هزار تن پنبه به شوروی ــ مجارستان و لهستان فروخته شد که نرخ آن پس از مدت‌ها گفتگو بین ۹۸ تا ۱۱۰ سنت تعیین شده است.

شوروی ۲ هزار تن پنبه در کیلویی ۹۸سنت تحویل بندر مبداء ، لهستان ۱۵۰۰ تن پنبه در کیلویی ۱۱۰ سنت و مجارستان ۷ هزار تن پنبه خریداری کردند . این نخستین قراردادهایی است‌که پس ازچند هفته گفتگو میان صادر کنندگان و نمایندگان کشورهای مزبور، بسته می‌شود. هم‌اکنون علاوه براینکه صدور پنبه به کشورهای اروپای غربی آغاز شده مذاکرات دیگری برای صدور پنبه به بلوك شرق جریان دارد، با بسته شدن قراردادهای موجود بازار صادراتی پنبه ازحالت رکود چندهفته‌یی خود خارج‌می‌شود بدون اینکه قیمت‌ها درداخل وخارج تغییری‌کند. آخرین گزارش‌ها نشان می‌دهد که قیمت پنبه دربورس نیویورك به‌پوندی ۴۳٫۵ سنت و در بورس لیورپول به کیلویی ۱۱۲٫۵ سنت رسیده‌است. در بازار تهران قیمت پنبه‌درجه یك کیلویی ۶۰ تا ۶۱ ریال و ارقام متوسط و درجه ۲ کیلویی ۵۸ تا ۵۹ ریال‌است، بااین قیمت صادر کنندگان کم وبیش برای خرید پنبه تلاش دارند و در مراکز تولیدی پارتیهای متعدد پنبه مرتباً دادوستد می‌شود.

ایران ۴ نیروگاه اتمی از فرانسه و آلمان خرید

قرارداد مقدماتی خرید دو نیروگاه اتمی بین ایران و فرانسه در تهران امضاء شد. باامضای این قرارداد همکاری فنی فرانسه درسطح گسترده‌تری برای نصب نیروگاههای اتمی ایران و تأمین اورانیوم لازم برای این نیروگاهها بین دوکشور امضاء و مبادله شد. براساس این موافقت‌نامه‌ها کمیته‌های انرژی اتمی فرانسه نتایج تجربیات و اطلاعات فنی و علمی خود را در اختیار سازمان انرژی اتمی ایران قرار می‌دهد و بموجب موافقت‌نامه دیگر فرانسه کادر فنی لازم را تربیت خواهد کرد.

دکتر اکبر اعتماد رئیس انرژی اتمی ایران پس از امضای قرارداد دو نیروگاه اتمی با مقامات آلمان فدرال طی یك مصاحبه مطبوعاتی گفت:

نیروگاههای اتمی ایران که بوسیله فرانسویها ایجاد می‌شود در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ ونیروگاه‌های آلمانی در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ بکار خواهد افتاد.

این نیروگاهها بصورت دوتا، دوتا درسواحل خلیج فارس مستقر خواهد شد و بعلاوه ایران اولین کشوری خواهد بود که کارخانه شیرین کردن آب دریا را در سواحل خلیج فارس‌ایجاد می‌کند. این کارخانه نیز در سال ۱۹۸۳ فعالیت خود را شروع خواهد کرد و ایران برای استفاده از آب شیرین دریا توجه به اقتصادی بودن یا نبودن این طرح ندارد. با این همه‌مسلماً ایجاد نیروگاه های اتمی‌مقرون به‌صرفه‌است وبعلاوه ما می‌توانیم از نیروی سوخت خود صرفه‌جویی کنیم.

دکتر اعتماد گفت: سیاست جدید انرژی ایران که در سال گذشته بوسیله شاهنشاه آریامهر پایه‌گذاری شده‌است براین اساس است‌که ازمنابع سوخت بطرز عاقلانه استفاده شود وبهمین منظور ایران روز گذشته‌چهار موافقت‌نامه بادولت فرانسه امضاء کرد. براساس این موافقت‌نامه‌ها یك مرکز تحقیقات جدید اتمی درایران ایجاد خواهد شد و قبل از امضای این مدرك مطالعه برای محل این مرکز شروع شده است و در سال آینده ساختمان آن‌آغاز خواهد شد. مدرك دوم مربوط به همکاری فنی بین سازمان اتمی ایران باسازمان برق فرانسه در مورد خدمات

فنی برای نیروگاه‌های اتمی وتربیت کادر لازم‌برای اداره نیروگاهها است. در مورد تأمین سوخت نیروگاه‌هایی که ازفرانسه خریداری می‌شود، دولت فرانسه تعهد تأمین نیروی سوخت کرده است ودرمورد تأمین سوخت نیروگاههای آلمانی نیز کارخانه سازنده تعهدمشابهی دارد. چهارمین موافقت‌نامه مربوط به خرید دو نیروگاه اتمی از فرانسه باقدرت یك میلیون و ۸۰۰ هزار کیلووات قدرت است . این نیروگاهها بعلت اینکه به‌آب زیاد جهت خنك کردن نیاز دارد باید در سواحل خلیج فارس ایجاد شود ولی هنوز جای آن‌ها تعیین نشده‌است. نیروگاهها همچنین دارای ماشین‌های بسیار سنگین هستند و بهمین جهت ایجاد هر نیروگاه باتوجه به محل آن تفاوت دارد. در ایران ایجاد یك‌نیروگاه که درجای مناسبی باشد ٤۰۰ تا ۵۰۰ دلار برای هرکیلووات‌خرید دارد.

اکبراعتماد افزود: مطالعه برای کشف اورانیوم ایران شروع شده است

نتواند اورانیوم لازم‌را خود تهیه کند به‌نحوی معادن اورانیوم را در دنیا کنترل خواهد کرد.

هر نیروگاه اتمی به ۱۰۰ تا ۲۰۰ متخصص‌احتیاج‌دارد که مرکز اتمی ایران این افراد را از راه تربیت و اعزام داوطلب متخصص به خارج و آوردن ایرانیان متخصص از خارج انجام خواهدداد، هم‌اکنون فعالیت وسیعی برای بازگرداندن ایرانیان متخصص که حدود صد نفر هستند شروع شده است وهمه آنان از این‌دعوت استقبال کرده‌اند.

اکبر اعتماددرپاسخ اینکه آیا این نیروگاه‌ها می‌توانند اتم بسازند گفت: تهیه بمب اتم بوسیله نیروگاهها انجام نمی‌گیرد.

توافق‌های اقتصادی ، مهمترین نتیجه سفر شاهنشاه به شوروی

در پایان دیدار سه روزه شاهنشاه ازشوروی‌ومذاکرات گسترده بارهبران کرملین‌یك مقام ایرانی به خبرنگاران گفت ایران وشوروی درباره افزایش همکاریهای خود در تمام بخشهای اقتصادی به توافق رسیده‌اند و مهمترین نتیجه دیدار شاهنشاه از شوروی توافق‌های اقتصادی بوده است.

اعلامیه مشترکی نیز که در پایان دیدار شاهنشاه از شوروی در تهران و مسکو همزمان منتشر شد برهمین نکته تأکید دارد، این‌اعلامیه از «تبادل نظر» در زمینه‌های سیاسی می‌گوید و «توافق» در همکاری‌های اقتصادی و«نزدیکی نظرات» در زمینه مسائل بین‌المللی.

منبع ایرانی درمسکوگفت که ایران و شوروی در اثنای گفتگوهایشان مسائل مختلف بین‌المللی ازجمله خاورمیانه، عراق، خلیج فارس و اقیانوس هند را بررسی کرده‌اند.

در اولین دور گفتگوهای رهبران دو کشور که ۲۹ آبان انجام گرفت لئونید برژنف رهبر حزب کمونیست شوروی شرکت داشت. در روزدوم هیأت‌روسی برهبری نیکولای پادگورنی صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی گفتگوها را بامقامات ایران انجام داد. این منبع گفت‌که مقامات ایرانی از نتیجه گفتگوها خیلی‌راضی هستند.

دراعلامیه مشترك، محیط مذاکرات «سازنده و توأم با صراحت» توصیف شده، همچنین آمده که : مسائل مربوط به روابط ایران و شوروی و همچنین مسائل بین‌المللی مورد علاقه طرفین دقیقاً مورد بررسی قرار گرفته است.

شاهنشاه ایران و رهبران شوروی رضایت خود را از توسعه موفقیت‌آمیز همکاری های همه‌جانبه میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی‌اظهار داشته‌اند.

آنگونه که از بخش‌های دیگر این اطلاعیه برمی‌آید طرفین در این دیدار برای همکاری‌های اقتصادی ، بازرگانی و علمی وفنی‌ایران وشوروی اهمیت بسیار قایل شده و اظهار تمایل کرده‌اند که در آینده نیز روابط در این زمینه‌ها را به‌طور دراز مدت به‌نفع طرفین گسترش دهند. دراین زمینه توافق‌های اصولی برسر تعدادی طرح‌های بزرك در ایران و شوروی بعمل آمده ومقرر شده که بررسی این مسائل‌در کمیسیونهای دوجانبه ادامه یابد.

در مورد مسائل بین‌المللی در اطلاعیه مطبوعاتی به نزدیکی وانطباق نظرات ایران و شوروی تکیه شده است. از جمله طرفین تأیید کرده‌اند که‌خواستار کاهش بیش از پیش تشنجات بین‌المللی، تعمیم اصول‌همزیستی مسالمت‌آمیز درروابط بین‌المللی و حل و فصل مسایل بین‌المللی مورد اختلاف از راه مذاکره می‌باشند. در مورد مسأله‌ی خاورمیانه ، ایران و شوروی خواستار اجرای تمام مقررات قطعنامه ۲٤۲ شورای‌امنیت وهمچنین تصمیمات بعدی سازمان ملل متحد در این باره شده‌اند:

«تخلیه کلیه اراضی‌اشغال شده اعراب توسط اسرائیل در سال ۱۹٦۷ شرط اساسی حل این بحران و تأمین حقوق و منافع قانونی کلیه کشورها و ملل این منطقه‌از جمله مردم عرب فلسطینی است.»

دوطرف همچنین خواستار تجدید هرچه زودتر فعالیت کنفرانس صلح ژنو در مورد خاورمیانه شده‌اند. در مورد مسایل دیگری که درمنطقه‌ی خاورمیانه و خاور نزدیك، مورد توجه طرفین است تنها گفته شده است که رهبران دو کشور «تبادل نظر کرده و متقابلا روشهای خود را بیان کرده‌اند.»

در مورد مسائل مربوط به منطقه خلیج فارس طرفین با قید عبارت «مانند سابق» اظهار عقیده کرده‌اند که این مسایل باید از طرف خود کشورهای این ناحیه براساس اصول منشور ملل متحد حل و فصل گردد.

آخرین نکته‌یی که از اطلاعیه برمیآید توجه‌خاص دوطرف به مسأله ایجادسیستم امنیت آسیایی برپایه‌ی‌مساعی مشترك همه کشورهای این قاره است.

در آخرین شب دیدار شاهنشاه آریامهر از شوروی از سوی احمداردلان سفیر تازه‌ی‌ایران درشوروی ضیافت باشکوهی به افتخار شاهنشاه درمحل سفارت‌ایران در شوروی برپا شد که در آن پادگورنی صدر هیات رئیسه اتحادجماهیر شوروی، کاسیگین رئیس شورای وزیران و گرومیکو وزیر خارجه شوروی حضورداشتند.

سرمایه گذاری

فرمایشات شاهنشاه‌آریامهر درباره همکاری‌های روزافزون ایران و بلغارستان‌در زمینه‌های اقتصادی ، علمی در محافل تهران موردتفسیر قرار گرفت. شاهنشاه در ضیافتی که به افتخار تئودور ژیوکف رئیس‌شورای دولتی جمهوری مردم بلغارستان ترتیب یافته بود فرمودند: قرارداد بازرگانی که دوسال پیش بین ایران و جمهوری مردم‌بلغارستان به‌امضاء رسید مقدمه همکاری وسیع دو کشور در زمینه اقتصادی بود. در محافل اقتصادی با توجه به فرمایشات شاهنشاه و گفت‌وگوی اول آذر ماه امیر عباس هویدا نخست‌وزیر با ژیوکف که باشرکت فریدون مهدوی وزیر بازرگانی انجام گرفت گفته شد، احداث کارخانه‌های تولید یا تغییر وتبدیل مواد غذایی و تأسیس یك شرکت مختلط حمل ونقل کالا بین دوکشور از جمله طرحهایی خواهد بود که مورد بررسی مقامات ایران و بلغارستان است.

همکاری‌های اقتصادی ایران و امریکا

هیأت صنعتی و سرمایه‌گذاری امریکا ٦ آذر در اجلاس صاحبان صنایع و بازرگانان ایرانی که‌در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تشکیل شد شرکت کرد.

اعضای هیأت امریکایی‌در مدت توقف چهار روزه خود درتهران درجریان پیشرفت‌ها وزمینه‌هایی که‌برای‌همکاری دو کشور وجود دارد قرار گرفتند و قرار است پس‌از بازگشت به امریکا اطلاعات لازم را در اختیار سرمایه‌گذاران امریکایی بگذارند.

همکاریهای وسیع اقتصادی ایران و مصر

باامضای ۵ قرارداد مهم اقتصادی وصنعتی حجم‌سرمایه گذاری‌های ایران‌و مصر در طرح‌های مشترك‌به بیش از ۸۵۰ میلیون دلار افزایش یافت. فرخ‌نجم‌آبادی وزیر صنایع ومعادن ۵ آذر پس از بازگشت از سفر یك هفته‌ای خود به‌قاهره دریك مصاحبه مطبوعاتی شرکت‌کرد و جزئیات قراردادهایی را که در پایان مذاکراتش در قاهره به‌امضاء رسیده است رسماً اعلام کرد براساس‌این قراردادها با ۳۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری مشترك شرکت ملی‌صنایع پتروشیمی وسازمان صنایع شیمیایی مصر یك مجتمع بزرك تولید کود شیمیایی شامل واحدهای تولید آمونیاك، اوره، اسید سولفوریك، اسید فسفریك، تریپل سوپر فسفات و دی‌آمونیاك فسفات دراین کشور احداث می‌شود و با مشارکت ۵۰ ـ ۵۰ ایران‌و مصر یك کارخانه ریسندگی صد هزار دوکی دراین‌کشور نصب خواهد شد تا بااستفاده از پنبه الیاف بلند مصر نخ‌های ظریف مورد نیاز صنایع نساجی ایران ومصر تولید شود.

تجم‌آبادی اضافه کرد بر اساس موافقت‌نامه دیگری‌که به‌امضاء رسید یك‌بانك‌مشترك با ۲۰ میلیون دلار سرمایه اولیه تأسیس می‌شودکه‌مرکز آن در قاهره خواهد بود و درآن، بانك‌ملی، بانك توسعه صنعتی و معدنی ایران ازیك طرف و بانك اسکندریه از طرف دیگر مشارکت دارند و سهام آن به‌طور مساوی میان دوطرف تقسیم می‌شود.

علاوه براین ایران ومصر یادداشت‌هایی برای تأسیس یك شرکت مهندسی مشاورو همچنین یك شرکت پیمانکاری مختلط مبادله کردند که دو کشور بطور مساوی درآن سرمایه گذاری‌خواهند کرد. قرار است‌این شرکت‌های مهندسی طرح‌های نوسازی پورت‌سعید را برعهده گیرد و ایران موافقت کرده است در اجرای این طرح اعتباری معادل ۵۰ میلیون دلار دراختیار مصر بگذارد. علاوه بر موافقت نامه‌های مزبور برای‌استفاده ازظرفیت های‌استفاده نشده صنایع این کشور، وزارت صنایع‌ومعادن مصر آماری راجع بظرفیت های‌اضافی‌صنایع‌خود به‌هیأت اقتصادی ایران داد تا پس‌از انجام مطالعات‌لازم تصمیمات مقتضی اتخاذ شود. برای تولید مواد نرم کننده پلاستیك موافقت شد مصر پیش‌بینی‌های خود را در مورد میزان مواد اولیه در اختیار ایران بگذارد تا در پی آن طرفین برای تهیه طرح‌های توجیهی اقدام کنند. در زمینه امکان همکاری برای احداث خط لوله‌یی برای انتقال نفت از سوئز به پورت‌سعید قرارشد مصر اطلاعات لازم را در اختیار شرکت ملی‌نفت ایران بگذارد تاباتوجه به‌دگرگونی های اخیر در بازار نفت و نرخ‌های حمل ونقل مورد بررسی قرار گیرد.

کتاب‌ها

سالهای سیاه گذشته ، اما فراموش نشده

این کتاب نوشته جورج لنزوسکی وترجمه شده‌بوسیله اسمعیل رائین است.

این کتاب پیش از این توسط بانو فاضلی ، بفارسی ترجمه شده وانتشار یافته‌بود اما ترجمه اسمعیل رائین بدلائلی ازجمله اینکه کارهای دیگر او نیز در همین رشته است وبامراکز واسناد و آرشیوهای مهم جهان ارتباط مستمر دارد برترجمه نخستین رجحان دارد.

یکی از مزایای کتاب حاضر سادگی و بی‌پیرایگی نثر آن است که مطالب را برای اکثریت کتابخوانان قابل فهم ساخته است، خاصه که خواندن این کتاب برای بسیاری از علاقمندان مسائل سیاسی لازم است و آنها را در جریان روابط سیاسی ایران بین دو جنك قرار می‌دهد.

لکشرکشی کوروش کوچك

کتابی است نوشته‌گزنفون ترجمه‌ی وحید مازندرانی و از انتشارات ابن‌سینا است.

این کتاب‌را می‌توان‌یکی ازنخستین سفرنامه‌های جنگی جهان خواند زیرا بیست و چهار قرن از تصنیف آن می‌گذرد. کوروش کوچك‌با برادرش اردشیر دوم بر سر پادشاهی ایران می‌جنگد و کوروش کوچك ازپشتیبانی انبوهی از چریك‌های‌یونانی برخوردار است. وی‌سرانجام در میدان جنك کشته می‌شود و ده هزار چریك یونانی طرفدار او بسرپرستی‌گزنفون بدیار خود برمی‌گردند. این کتاب داستان آن نبرد بی‌سرانجام و بازگشت آن چریکهاست . چون گزنفون خود همه جا شاهد ماجراها بوده است می‌توان کتاب او را یکی ازمآخذ معتبر تاریخ عهد هخامنشی دانست.

خوشا شیراز

مجموعه‌ی جدید شعرهای صهبا شاعر نکته سنج معاصر با عنوان «خوشا شیراز» انتشار یافت. بیشتر شعرهای این مجموعه مربوط است به شیراز و شیرازیان ونمودار اینکه این شهر عشق و مستی تاچه حد می‌تواند منبع‌الهام شاعران باشد.

حفاظت آب وخاك

آموزشهای اولیه حفاظت آب و خاك ، گرد آورنده‌و نگارنده ابراهیم انصاری.

در این کتاب خواننده گذشته از آنکه راه وروش حفاظت آب و خاك را می‌آموزد باپاره‌یی ازاصطلاحات خاك‌شناسی و آبشناسی آشنا می‌شود. مؤلف، این‌اثر را با زبانی ساده و همه فهم نوشته است.

ادبیات ملتهای جهان

ادبیات ملت‌های جهان تألیف وترجمه‌ی عبدالحسین سعیدیان در ٤٥٨ صفحه واز انتشارات ابن‌سینا است.

در این کتاب اطلاعاتی درباره ادبیات نزدیك به یکصد ملت اعم از باستانی‌و جدید گردآوری شده است. مؤلف پس از بیان مقدماتی درباره ادبیات مجملا درباره ادبیات هریك از پنج قاره‌ی جهان سخن رانده ، سپس ادبیات هریك از ملل را جداگانه بررسی کرده است.

خواننده بامطالعه‌این کتاب اززندگی‌شاعران، نویسندگان وادبیات بزرك‌جهان وپاره‌یی ازآثار آنان آگاهی می‌یابد، باتحولات آدمی آشنا می‌شود وازچگونگی پیدایی زبانهای گوناگون در میان ملت‌ها با خبر می‌گردد.

تامرز ناشناخته‌ها

تا مرز ناشناخته‌ها اثر و. کلر ، ترجمه دکتر نورالدین فرهیخته‌در ٢٨٤ صفحه از انتشارات عطائی.

در این کتاب از ذرات بینهایت‌ریزتا مافوق کهکشان سخن رفته است. از مباحث جالب این اثر بحثی است‌در باره «پیش‌ماده» که برای خواننده فارسی‌زبان تازگی‌های فراوان دارد. یکی از نکات قابل ذکر درباره این اثر آن است‌که مؤلف مسائل مشکل‌علمی را بازبانی ساده‌و در خور فهم برای غیر متخصصان نوشته است.

فصل نامه‌ی کانون

فصل‌نامه کانون یکی از انتشارات گوناگون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که بطور ادواری مسائل مربوط به ادبیات کودکان را مورد بررسی قرار می‌دهد. مندرج این فصل‌نامه یادداشتهایی است از مدیر عامل کانون، مصاحبه‌یی با فرشید مثقالی، دو مقاله از برنیس کالنین درباره نقد ادبی و ادبیات کودکان و عوامل تشکیل دهنده‌ی داستان‌نویسی‌روایتی.

جستجو در احوال و آثار صفی‌علیشاه

تألیف دکتر عطا کریم برق در ١٤٢ صفحه و از انتشارات ابن‌سینا می‌باشد.

مؤلف این کتاب رئیس بخش فارسی وعربی دانشگاه کلکته است. وی از هندیانی است که بیست و چند سال پیش بایران آمده و محضر استادان بزرگی چون ملك‌الشعراء بهار، قریب، نفیسی، پورداود را درك کرده و دارای درجه دکترای ادبیات فارسی ازدانشگاه تهران‌است واین رساله را در حقیقت‌به راهنمایی استاد سعید نفیسی در هنگام تحصیل نوشته‌است.

در این کتاب مؤلف پس از تحقیق درباره احوال و زندگی صفی‌علیشاه به‌بررسی آثار هشتگانه‌ی اویعنی‌عرفان الحق، میزان‌المعرفه وبرهان الحقیقه ، اسرارالمعارف ، دیوان قصاید و غزلیات ، مثنوی زبده‌الاسرار ، مثنوی بحرالحقایق، آیه‌العشاق و تفسیر منظوم او بر قرآن پرداخته است.

عقاید مزدك

عقاید مزدك، تألیف دکتر سیدعلی مهدی نقوی‌در ١٦٤ صفحه واز انتشارات عطائی است.

درباره مزدك مصلح‌ایرانی پیش از اسلام، جز یکی دو رساله وتعدادی مقاله بزبان فارسی نوشته نشده است . بهمین دلیل کتاب عقاید مزدك با همه اختصاری که دارد وبا آنکه بررسی‌تفصیلی اندیشه‌های مزدك نیست ارج گذاشتنی است.

مؤلف این کتاب ازاهالی هند است و فارغ‌التحصیل دوره دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران.

هنرجنگ

هنرجنك تألیف: سون‌تزو و ترجمه محمودکی می‌باشد.

«سون تزو» عقیده دارد: هنر جنك وقتی به مرحله کمال می‌رسد که یك‌فرمانده نظامی بتواند دشمن را بدون توسل به درگیریهای نظامی ناتوان ساخته شهرهارا بدون محاصره و آلودن شمشیرها به‌خون یکی پس از دیگری بگشاید وهمه چیز را حتی‌الامکان بصورت دست‌نخورده به چنك آورد.

تاریخ طلایی عصر درخشان پهلوی

«تاریخ طلایی عصر درخشان پهلوی» نام کتاب جالبی است که روزنامه سیاسی فرمان چاپ و منتشر کرده است. این کتاب با چشم‌اندازی از زندگی و حوادث سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر شروع می‌شود. مؤلف با نقل بخشهایی از کتاب «ماموریت برای‌وطنم» حقایق و واقعیات دوران سلطنت سردودمان پهلوی را باز می‌شناساند.

مباحثی پیرامون سوادآموزی

این کتاب از انتشارات کمیته پیکار جهانی با بیسوادی است.

نخستین جلد این کتاب‌در سال گذشته انتشار یافت و اینك کمیته پیکار جهانی با بیسوادی به‌نشر جلددوم آن پرداخته است. دراین شماره مقالات مستند و ارزشمندی از اساتید و متخصصان‌سواد آموزی بزرگسالان درباره‌ی روش سنجش باسوادی ، سبکهای نوین در آموزش اولیه بزرگسالان، روستاهای شهرمانند کم‌درآمد و خلاء اطلاعاتی ، بیسوادی در ایالات متحده امریکا و موضوعاتی از این قبیل مطالعه می‌کنیم.

کارنامه زنان مشهور

کتاب «کارنامه زنان مشهور ایران» که باهتمام فخری قویمی گردآوری‌شده انتشار یافت .

در این کتاب که تدوین آن چهارسال‌بطول انجامیده تطور و تکامل اندیشه زن ایرانی درادوار مختلف‌تاریخ بررسی شده است وبخش‌اعظم کتاب به شرح فعالیت‌های زنان معاصر ایران اختصاص یافته است.

روانکاوی عمومی

نویسنده این کتاب فرانك س ـ کاپریز است که‌ترجمه آنرا مشفق همدانی کرده است و این چندمین کتابی است که مشفق همدانی در معرفی علوم جدید در ایران ترجمه کرده است . کتاب روانکاوی عمومی برای‌همه مردمی که به این علم توجه دارند یاخود به نوعی‌گرفتار اختلالات روانی و عاطفی هستند می‌تواند ثمربخش باشد.

تاریخ سمنان تألیف و تحقیق عبدالرفیع حقیقت (رفیع) از انتشارات فرمانداری کل سمنان

کتاب مذکور در ٧٧٨ صفحه به‌قطع وزیری همراه با ٢٥٠ تصویر از بناهای تاریخی ورجاب و معاریف‌و تاسیسات جدید شهرستان سمنان و نقاط تابعه درتهران طبع و نشر شده است.

نویسنده کتاب که از محققان دقیق وپرکار معاصر بشمار می‌رودداراى تألیفات ارزنده‌یی در زمینه تاریخ‌و ادبیات ایران می‌باشد که‌در بین آنها تاریخ قومس (کومش) تاریخ نهضتهای ملی ایران، تاریخ نهضتهای فکری ایرانیان. نگین‌سخن، شهرت ویژه‌یی یافته‌اند.

چاپ اول کتاب تاریخ سمنان در ١٢ سال قبل (١٣٤١ خورشیدی) به همت نویسنده مورد بحث در ٢٤٠ صفحه به قطع وزیری در تهران طبع و نشر شده بود مؤلف در مدت ١٢ سال در ضمن کاوش ومطالعات‌دقیق وعمیق خود نسبت به تکمیل مطالب کتاب اقدام نموده و سرانجام بصورت بسیارکاملی در ده فصل تألیف و منتشر کرده است.

صفحه هشتادم

متفرقه

معرفی رئیس دیوان عالی کشور

شاهنشاه آریامهر، صادق احمدی وزیر دادگستری را بحضور پذیرفتند. در این شرفیابی وزیر دادگستری، ناصر یگانه را بسمت رئیس دیوانعالی کشور به پیشگاه ملوکانه معرفی کرد.

ناصر یگانه ۵۳ سال دارد ودکتر در حقوق است ودر سال۱۳۲۵ وارد خدمت‌قضایی شد ونخستین شغل‌او دادرسی دادگاه بخش تهران بود. سپس به ریاست شعبه‌های دادگاه‌های بخش شهرستان رسید ومدتی در دیوان‌کیفر خدمت کرد. مشاغل دیگر دکتر یگانه از این قراربود: رئیس اداره حقوقی، دادیار دیوان عالی کشور، مدیرکل قضایی، مشاور عالی قضایی، نماینده مجلس شورای ملی، وزیر مشاور ومعاون‌پارلمانی نخست‌وزیر، سناتور، رئیس شعبه هفتم دیوانعالی کشور.

۲۰۰ هزار فرهنگی بیمه عمر شدند

وزیر آموزش و پرورش باامضای قراردادی با شرکت بیمه ایران، بیش از ۲۰۰ هزار نفر از کارکنان‌اداری و آموزشی این وزارت‌خانه را بیمه عمر کرد. بیمه‌عمر، کلیه کسانی‌را که دراستخدام وزارت آموزش و پرورش هستند، رسمی و غیر رسمی، دربر می‌گیرد وتمام حق‌بیمه نیز از سوی وزارت آموزش وپرورش پرداخت خواهدشد و فرهنگیان از این بابت دیناری نمی‌پردازند.

احمد هوشنك شریفی‌وزیر آموزش وپرورش‌که بهنگام امضای این قرارداد با نمایندگان بیمه ایران یك مصاحبه مطبوعاتی ترتیب‌داده بود بااشاره به‌اوامر موکد شاهنشاه آریامهر درکنفرانس آموزشی اخیر برای تأمین رفاه معلمان اعلام داشت که قرارداد بیمه عمر کارکنان اداری و آموزشی وزارت آموزش و پرورش نخستین قراردادی است که برای تأمین رفاه و آینده خدمتگزاران واحد های آموزشی کشورامضاء می‌شود.

شهبانو از نگارخانه مهرشاه دیدن کردند.

علیاحضرت شهبانو روز پنجم‌آبان نگارخانه مهرشاهرا در تهران گشودند و از قسمت‌های مختلف آن بازدید فرمودند. در این نگارخانه که بمناسبت هفتمین جشن فرهنك و هنر ترتیب یافته بود آثاری از نقاشی‌های کمال‌الملك و شاگردان او گردآوری شده بود.

در این نگارخانه جمعاً ۱۴۵ تابلواز شادروان‌کمال‌الملك، مرحوم اسماعیل آشتیانی، مرحوم اولیاء، مرحوم وزیری و مرحوم علی‌اکبر یاسمی و همچنین آثاری از حسین شیخ ـ یحیی دولتشاهی ـ نورمحمد میرعمادی ـ نعمت معیری ـ جعفرپتگر ـ اصغر پتگر ـ یوسف هوشنگی، پیمان، نامی پتگر ـ منصور فکور، یعقوب صوفی‌زاده، مصطفی نجمی و رضا شهابی بمعرض نمایش گذاشته شده بود.

شاهنشاه کارخانه سیمان آبیك را گشودند

شاهنشاه آریامهر ۷ آبان کارخانه سیمان آبیك را در ۵۵ کیلومتری‌جاده قزوین‌ـ تهران طی مراسمی افتتاح فرمودند.

این کارخانه یکی از بزرگترین واحدهای تولید سیمان است‌که ظرفیت‌تولید آن روزانه‌به ۳۵۰۰ تن می‌رسد و در پایان برنامه عمرانی پنجم به ۷۰۰۰ تن بالغ می‌شود.

کلیه تأسیسات فنی‌کارخانه مجهز به‌سیستم کامپیوتر است ودر نوع خود یکی از مدرن‌ترین کارخانه‌ها بشمار می‌آید.

خرج درمان دانش آموزان و دانشجویان را بیمه میدهد

۶ میلیون محصل و بیش از ۱۴۰ هزار دانشجو بیمه درمانی می‌شوند و دولت هزینه درمان این افراد را مانند کارمندان خواهد پرداخت. بیمه درمانی دانش آموزان و دانشجویان از طریق تعمیم بیمه خانواده به فرزندان بیش از ۱۸ سال صورت می‌گیرد ودر مرحله نخست فرزندان کارمندان و در مراحل بعدی فرزندان سایر گروههایی که زیرچتر بیمه درمانی قرار می‌گیرند مشمول استفاده از مزایای بیمه درمانی خواهند شد.

شاهنشاه در شرفیابی اعضای جمعیت شیروخورشید فرمودند با گرفتن تعهد از عزیمت پزشکان بخارج جلوگیری می کنیم

شاهنشاه آریامهر ۲۵آبان در شرفیابی اعضای مجمع عمومی شیرو خورشید سرخ مرکب از مدیران عامل شعب جمعیت، اعضای‌هیأت‌مرکزی کل و هیأت بازرسی کل در کاخ نیاوران بیاناتی باین شرح ایراد فرمودند:

چهار سالی که گذشت برای شیرو خورشید سرخ ایران هم دوره سازندگی فوق‌العاده‌یی بود و هم دوره امتحان، یکمرتبه ما بردوش این تشکیلات چندین بار دانسته (مثل اداره کردن بیمارستان‌های دولتی) و چندین‌بار غیر مترقبه (مثل پذیرایی از ایرانیان رانده شده عراق وپناهندگان‌کرد) را افزودیم که برآمدن از عهده هریك از این بارها می‌تواند برای هردستگاهی باعث سربلندی‌باشد. کارهایی که دراین دو مورد یعنی پذیرایی از اخراج شدگان ایرانی ومخصوصاً پناهندگان کرد انجام شده از حدود یك کار ملی گذشته و حقیقتاً در سطح‌بین‌المللی‌است. پذیرفتن صد هزار نفر کار آسان و ساده‌یی نیست و تا جایی که بما گزارش می‌رسد هم از لحاظ تغذیه و هم از لحاظ بهداشت وهم از لحاظ‌پوشاك تمام لوازم راشیرو خورشید فراهم کرده است البته این مطالب موقتی که پیش می‌آید، گواینکه غیرقابل پیش بینی است ولی همیشه در تشکیلات و امکاناتتان این چیزها را در نظر بگیرید کمااینکه پیش آمد و قادر بودید که به‌آن جوابگو باشید. پس می‌شود گفت که این دوره چهار ساله را شیر و خورشید با موفقیت گذرانیده است و از انجام مسؤولیت‌های ملی وهمینطور بین‌المللی خود بخود بر آمده است.

واما مسؤولیت‌های ملی خود شما اضافه بر وظائف‌و اساسنامه عادی جمعیت‌های شیر وخورشید، نمی‌دانم چند درصد از اداره بیمارستان‌های مملکت بشیر وخورشید سرخ واگذار گردیده است؟

دراینجا خطیبی مدیرعامل جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران در پاسخ پرسش‌ملوکانه بعرض رسانید: درسال ۱۳۳۹ اوامر مطاع مبارك همایونی شرفصدور یافت وتمام‌بیمارستان های وزارت بهداری در شهرستان‌ها و مراکز استان که دانشگاه تهران در آن نیست به جمعیت شیر و خورشید سرخ‌ایران واگذار شود وبعداًاوامر مبارك‌چنین ابلاغ شد که بیمارستان‌های وزارت بهداری در تهران نیز به‌جمعیت واگذار گردد از آن پس شیر و خورشید سرخ در این مورد اقدام‌کرد و بطور کلی شیرو خورشید سرخ ۶۳۵۳ تخت‌بیمارستانی از وزارت بهداری تحویل گرفت که اکنون با ظرفیت ۷۱۷۲ تخت مشغول بکار هستند. شیرو خورشید سرخ ازاعتبارات خود نیز بتدریج ۹۲ بیمارستان به ظرفیت ۵۰۹۵ تخت ساخته و اداره میکند و با براه افتادن بیمارستان‌های لار، بستك، اصفهان، دزفول در سال جاری درپایان‌امسال جمعیت ۹۶ بیمارستان‌بظرفیت ۵۳۷۰ تخت باختیار خواهد داشت وبا افزایش ۱۸۵ تخت باین بیمارستان‌ها در سال ۱۳۵۴ تعداد تخت‌های بیمارستانی جمعیت به ۵۵۶۵ تخت‌خواهد رسید.

شاهنشاه پس از استماع گزارش آماری مدیر عامل جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران بیاناتشان را باین‌شرح دنبال فرمودند: پس تکلیف مستقیم شیروخورشید نیز در قسمت بیمارستانی معین شد ولی سیاست ما در دنباله فلسفه انقلابی خود ما این است که هرروز خدمت و سرویس بیشتری بملت ایران در امور اجتماعی (چه در قسمت آموزش و پرورش و فرهنك و چه در قسمت بهداشت و غیره) بدهیم. ما اعلام کردیم که بهداشت رایگان است حالاشما درشیر و خورشید مطالعه کنید که در این قسمت مسؤولیت شما چیست. ما آماده هستیم حتی اگر لازم باشد از خارجی‌هم دعوت بکنیم و یا پیشنهادی را بپذیریم که بیمارستان‌تمام شده دارای کادر کامل از لحاظ پزشك و پرستار وتمام افرادی باشد که برای پیش بردن کار بیمارستانی لازم است. اینها را دربست قبول بکنیم که کمبود فعلی پزشك و پرستار در ایران را جبران بکنیم، گواینکه کمبودپزشك وپرستار مطلبی است که‌خیلی از ممالك دنیا به‌آن مبتلا هستند، ولی جای تعجب‌است که یك دانشجوی ایرانی که دانشکده پزشکی درخارج را طی کرده است احیاناً در آنجا مانده و هنوز به وطنش برنگشته است و از آن بدتر جای تأسف بسیار است که کسی که ۶ سال یا هفت سال محل یا یك صندلی را در دانشکده پزشکی اشغال کرده و بین ۵ الی ۶ میلیون ریال در سال خرج او شده است پس از طی تحصیلات پزشکی در اینجا عازم خارج می‌شود حالا با این سپردن تعهدالبته از این افتضاح جلوگیری خواهیم کرد ولی تعهد خدمت هم درواقع بیمه پیدا کردن شغلی است که ما در اختیار تمام افرادی که در این مملکت تحصیل می‌کنند می‌گذاریم. منظور از این صحبت‌ها این است که اگر از این قبیل بیمارستان‌ها بسازیم تا ابد که بدست خارجی نخواهد بود این را باید خارجی تحویل بدهد و قاعدتاً باز هم باید بیشترش را تحویل شیرو خورشید بدهد و برود، واما در سایر کارها مثلا مسئله جوانان، تربیت جوانهای ایرانی چه پسر و چه دختر در جمعیت شیر وخورشید کار مفیدی است و مطلبی است که هر چقدر به‌آن توجه کنید زیاد نخواهد بود بشرطی که این تربیت سطحی نباشد و چیز عمیقی باشد و چیزی نباشد که طوطی‌وار یاد بگیرند. توجه آنها باید باین موضوع جلب شود که هم کارهای مفیدی یاد بگیرند و هم‌برای جامعه ما این حس تعاونی‌را که من اینقدر به آن‌اهمیت می‌گذارم و بطوری واضح و سازنده در اساسنامه‌های

صفحه شتاد و یکم

تربیتی و در فلسفه شیرو خورشید پیدا می‌شود فرا گیرند. خوشبختانه می‌بینیم که کار شیرو خورشید پایتختی نیست و در سرتاسر ایران بسط دارد و کار می‌کنند و چون جنبه بیشتر داوطلبی دارد این موضوع بیشتر محسوس است باید هم همینطور باشد کار ما باید براین اساس باشدکه هرجایی که جمعیتی است جمعیت‌شیر وخورشید سرخ هم همراه‌آن باشد. البته غیر از شیر و خورشید سرخ‌مؤسسات خیریه دیگر نیز زیاد است که آنها هم بنوبه خود باید یك‌قسمت کار را در دست بگیرند و پیش ببرند ولی چیزی که اینقدر وسعت داشته باشد، آنهم درامر درمانی، وظیفه اصلی و سنگینی بردوش شما می‌گذارد.

شاهنشاه در پایان سخنان خویش فرمودند: اگردرچهار سال آینده مثل چهار سال گذشته شیر و خورشید از عهده امتحانی که در مقابلش است‌برنیاید می‌توانید ازحالا خرسند و مفتخر باشید وفکر می‌کنم همینطور هم خواهد بود.

قبل از فرمایشات شاهنشاه جعفر شریف امامی رئیس سنا و نایب رئیس جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران ضمن گزارشی چنین معروض داشت:

شاهنشاها

هرچهار سال یکباراعضای مجمع عمومی شیر وخورشید سرخ مرکب از مدیران عامل شعب جمعیت و اعضای‌هیأت مرکزی وکل وهیأت‌بازرسی کل افتخار شرفیابی به پیشگاه مبارك‌حاصل می‌کنند تا از نزدیك به سعادت‌زیارت آن رهبر بزرك نائل آیند.

دوره چهار ساله گذشته مصادف با تحویل و تحول بیمارستانهای واگذاری بودو جمعیت توانست در اجرای اوامر مطاع مبارك کلیه بیمارستانها را تحویل بگیرد و در نوسازی و مرمت و تجدید تجهیزات و افزایش ظرفیت پذیرش آنها اقدام کند ودر مورد تکمیل کادر درمانی نیزدر رده‌های‌مختلف برنامه‌های وسیعی را بموقع اجرا بگذارد که‌جزئیات آن در گزارش دبیرکل جمعیت مجمع عمومی شیروخورشید سرخ معروض افتاده و ضمن گزارش جریان مجمع برطبق اساسنامه به پیشگاه مبارك تقدیم خواهد شد.

نایب رئیس جمعیت شیرو خورشید سرخ افزود:

همچنین در دوره چهار ساله گذشته از نظر خدمات امدادی بخصوص در مورد پذیرش معاودان ایرانی از عراق وپناهندگان کردعراقی وظایف سنگینی‌بعهده جمعیت محول‌بودکه بخواست‌خداوند در اجرای منویات مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر باکوشش ومجاهدت همه خدمتگزاران شیر و خورشید سرخ بنحو مطلوب انجام پذیرفت وبخصوص در مورد پناهندگان کرد عراقی که تعداد آنهاهنگام عرض‌این گزارش ازیکصد هزار تن متجاوز است و پیوسته برآن افزوده می‌شود سازمان امداد شیروخورشید سرخ توانست باکمکهای ارزنده دولت و همه سازمانهای لشکری و کشوری و باتنظیم برنامه‌های جامع دراین باب وظیفه‌خود را در حد امکان، چه از جهت اسکان و تغذیه و چه در امر درمان وبهداشت و سایر نیازمندیهای پناهندگان بخوبی انجام دهد.

نایب رئیس جمعیت شیر وخورشید سرخ گفت: خط ـ مشی وبرنامه جمعیت دردوره چهارساله آینده در شانزده قسمت تنظیم و از طرف دبیرکل جمعیت شیر و خورشید سرخ‌برطبق اساسنامه در مجمع عمومی مطرح شد و بتصویب رسید. براساس این برنامه جمعیت در دوره چهار ساله آینده با تأییدات خداوند متعال و در اجرای منویات اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر فرصت خواهد یافت که در زمینه خدمات درمانی و امدادی‌و جوانان وداوطلبان که چهار وظیفه اصلی شیروخورشید سرخ است باتوجه به مفاد اساسنامه جدید که‌در مهرماه امسال بشرف توشیح رسیدو سازمان نوینی‌که برمبنای‌این اساسنامه بوجود خواهد آمد با اتکاء به خدمات صادقانه خدمتگزاران صدیق‌خود بیش از پیش وظایف خویش‌را در سطح کشور و در مواردلزوم و باقتضای وظیفه خویش و درحدود امکاناتی که دارد در همکاری و کمك به سایر مؤسسات صلیب سرخ وهلال احمر که نیاز داشته باشند گسترش دهد و با قبول مسؤولیت‌های بیشتری خود را با پیشرفتهای همه جانبه کشور هم‌آهنك و همراه سازد و متکی به‌عنایات الهی و الطاف و مراحم شاهنشاهی وبا سرپرستی و هدایت والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ، ریاست عالیه‌جمعیت و با برخورداری از افکار عمومی واستفاده کامل ازاین سرمایه‌های گرانقدر معنوی راه‌خودرا باسرعت وقاطعیت بازهم بیشتری ادامه دهد.

ارتش ایران به‌پایه مترقی‌ترین ارتشها می‌رسد

بمناسبت ۲۶ آذر روز ارتش، شاهنشاه آریامهر فرمانی صادر فرمودند و نیروی زمینی شاهنشاهی یك روز رابرای بازدید مؤسسات ارتشی و یگانها برای همه مردم آزاد خواهد گذاشت.

متن فرمان شاهنشاه‌آریامهر بدین شرح است:

درود بی‌پایان بروان پاك پدر تاجدارمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر که در بیست و ششم آبانماه یکهزار و سیصد فرمان پی‌ریزی ارتش نوین ایران را صادرفرمودند وبدین سبب ما نیز هرسال یادبود این روز فرخنده و شکوهمندرا بنام، روز ارتش شاهنشاهی ایران، گرامی می‌داریم.

مایه خرسندی خاطرماست که ارتش شاهنشاهی باعزمی راسخ و اراده‌ای آهنین و سرعتی شایان تقدیر مدارج ترقی وتعالی را گذرانده و خود را بپایه مترقی‌ترین ارتشهای جهان می‌رساند ، افسران ـ درجه داران و سربازان ما دلبستگی خودرا بسربلندی و افتخار کشورو ارتش شاهنشاهی نشان داده و برابر سوگندی که یاد کرده و عهد و پیمانی که بسته‌اند آماده همه‌گونه فداکاری وجانبازی در راه‌میهن عزیز ومقدسات ملی و کهن آئین شاهنشاهی آن‌می‌باشند.

بموجب این فرمان مراتب خوشنودی خاطر خودرا بهمه افسران،درجه‌داران، سربازان وکارمندان ارتش شاهنشاهی ابراز داشته ازدرگاه خداوند بزرك پیروزی سرافرازی و شادکامی برای آنان مسئلت نموده امیدواریم که باتلاش وفداکاری روزافزون، خود را بیش‌از پیش شایسته‌اعتماد وعنایات ما نشان دهند.

رئیس‌ستاد بزرك‌ارتشتاران ارتشبد ازهاری نیز درپیامی یادآور شد ما بفرمان مطاع شاهانه ضمن طرفداری کامل و همه جانبه از صلح جهانی و امنیت منطقه‌یی که درآن قرار داریم نباید رعایت استقلال و آزادی واحترام به حدود و ثغور میهن خود را از دیگران گدایی کنیم، بلکه باید بادقت وهشیاری کامل بداندیشان را به‌رعایت احترام حد ومرز کشورخود وادار سازیم.

سپاهیان ممتاز گواهینامه گرفتند

امیر اسدالله علم وزیر دربار شاهنشاهی دوم آذر گواهینامه‌های سپاهیان ممتاز را در کاخ وزارت دربار توزیع کرد و گفت: خدمت در روستاها افتخار بزرگی است که شما علاوه برآن، برافتخار ممتاز بودن نیزنائل شده‌اید و شایستگی خود را بنحواحسن نشان داده‌اید. ضمناً باید از همه کسانی که در انتخاب سپاهیان ممتاز بنحوی شرکت داشته‌اند و اعتماد دارم که به بهترین وجهی این مهم را انجام داده‌اند قدردانی کنم و امیدوارم در اجرای اوامر شاهنشاه آریامهر بیش‌ازپیش موفق باشند.

در آغاز این جلسه که در آن وزیر دادگستری و نمایندگان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی حضور داشتند، محمد باهری معاون کل وزارت دربار شاهنشاهی در مورد نحوه انتخاب و تعداد سپاهیان ممتاز گزارشی داد و از جمله گفت : به سپاهیان انقلاب ممتاز جز عنوان افتخار که‌به‌آنان تعلق می‌گیرد این امتیازنیز اعطا شده است که بامعافیت از امتحانات مقرر برای تحصیل به مؤسسات دانشگاهی وارد شوند و یا در سازمان‌های دولتی اشتغال ورزند . در برنامه سال ۱۳۵۳ جمعاً ۱۹۳۱۰ نفر سپاهیانی که خدمت زیر پرچم را از مهر سال ۱۳۵۲ تا اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۳ به‌پایان‌رسانیده‌اند شرکت داده شده‌اند. این سپاهیان برحسب سازمان سپاه محل خدمت درجه و نظامی به ۲۳ گروه تقسیم شده‌اند. از مجموع ۷۷۲ نفر سپاهیان ممتاز که تاکنون انتخاب و معرفی شده‌اند . ۸۹ نفر زن (۱۱٫۵۰ کل) و۶۸۳ نفر مرد در ۸۸٫۵ کل) ۷۰۹ نفر دیپلمه (۹۱٫۸۰ کل) و ۶۳ نفر لیسانسیه (۸٫۲۰ کل) هستند.

در پایان وزیر دربار گواهینامه سپاهیان دانش ـ بهداشت، ترویج ودادگستری ممتاز را به نمایندگان آنان داد.

گشایش جشنواره جهانی فیلم تهران

۳ آذر سومین جشنواره جهانی فیلم تهران در پیشگاه شهبانوی ایران در تالار رودکی گشایش یافت . علیاحضرت پیش از آغاز مراسم، سینماگران ایرانی و خارجی و مدعوین جشنواره را بحضور پذیرفتند و مدتی باآنان گفتگو کردند آنگاه مراسم در تالار بزرك که با پرچم کشورهای شرکت کننده وپیکره‌ی بزرگی از «بز طلایی» نشانه رسمی جشنواره تهران آرایش شده بود ، باگزارش پهلبد وزیر فرهنك و هنر آغاز شد. در مراسم ۳ آذر یك فیلم کوتاه از نیوزیلند بنام «آنچه احتیاج داریم» ویك فیلم بلند از اتحاد جماهیرشوروی به نام «مردم عجیب» بنمایش درآمد و در پایان «الدار اشتکلایا» کارگردان فیلم شوروی و همسرش که در همین فیلم نقش اول زن را برعهده داشت برصحنه آمدند وبحضور علیاحضرت شهبانو و میهمانان معرفی شدند. در این مراسم گروه بزرگی از مقام‌های بلندپایه ایرانی، هنرمندان ومیهمانان‌جشنواره سوم حضور داشتند که در میانشان بسیاری از سینما ـ گران و هنرپیشه‌های مشهور و شناخته شده دیده می‌شدند.

۸ پارکینك در مرکز شهر

انجمن‌شهر پایتخت‌پیشنهاد شهرداری را در مورد خرید ۸ قطعه زمین به ارزش ۷۴۰ میلیون ریال برای پارکینك تصویب کرد. رضا شیخ‌بهائی معاون مالی شهرداری در نشست هفتگی انجمن شهر هنگام طرح این پیشنهاد گفت: ایجاد پارکینك‌ها نخستین طرح شهرداری پس از انتقال اداره راهنمایی و رانندگی به شهرداری برای کاهش بار ترافیك تهران است و در ضمن شهرداری طرحهای دیگری برای‌کاهش سنگینی ترافیك تهران تهیه کرده است که گزارش آن به‌انجمن داده خواهد شد. شیخ بهائی افزود در زمینه توسعه پارکینك‌های داخل شهر، شهرداری آمادگی‌خرید زمین داردکه بتدریج پیشنهاد خواهد داد همچنین اوگفت: دراین زمینها ابتدا پارکینك سطحی ایجاد می‌شود که بعدها به پارکینك‌های چند

صفحه هشتادودوم

طبقه تبدیل خواهد شد. زمینهایی که‌برای ۸پارکینك خریداری شده‌است درلاله‌زار حافظ، منوچهری ، تقاطع شاهرضا، فردوسی و خیابان فرانسه قرار دارد.

اعضای هیأت رئیسه انجمن شهر برگزیده شدند

درجلسه ۵۳/۸/۱۳ انجمن شهر غلامرضا نیك‌پی برای سومین‌بار بسمت شهردار پایتخت ــ سرتیپ رشید نادرخانی نیز بعنوان رئیس انجمن شهر تهران ــ علی سپهر وابوالقاسم تفضلی به اتفاق‌آرا بسمت نواب رئیس انجمن ــ داود فلاح مقدم ومهدی حریری بسمت‌دبیران انجمن وفرهنك‌فرهی بعنوان رابط و سخنگو برگزیده شدند.

شرفیابی ۱٤ تن از برندگان جوائز تحقیقات به پیشگاه شهبانو

علیاحضرت شهبانو ۱۹ آبان در شرفیابی ۱٤ تن برندگان جوائز تحقیقاتی دانشگاه تهران ضمن تأکید برلزوم گسترش تحقیقات علمی برای ریشه کن کردن بیماری‌جذام تصریح‌فرمودند: که گرفتاریهای اداری نباید مانع کار تحقیقات شود. گفتند ما در مملکتمان هنوز عده‌ای جذامی داریم و متأسفانه هنوز مطالعه یا تحقیق کافی راجع به این مرض نشده است امیدوارم دانشگاه تهران به‌این موضوع توجه کند و تحقیقاتش رادر این زمینه گسترش بدهد. شاید در سال‌های آینده بتوانیم این مرض‌را درایران ریشه‌کن کنیم. می‌دانیم که مسائل‌مختلفی‌در راه تحقیقات وجود دارد و اشکالاتی هم هست که امیدوارم دانشگاه تهران بتواند این مشکلات‌و مسائل را ازسرراه تحقیقات بردارد زیرا اگر کمك لازم شود همیشه می‌توان بکار تحقیقات ادامه داد تا واقعاً آنطور که‌باید وشایدتحقیقات عملی بشودودلایل گرفتاری‌های اداری و قوانین بروکراتیك مانع از یك‌کار انسانی نشود. چون اگر آزادی عمل نباشد بطور طبیعی تحقیقات هم نمی‌تواندعملی بشود. مطمئنم‌تمام خانم‌ها وآقایانی که اینجا هستند درکار دانشگاهی‌یکی از بزرگترین عواملی که‌آنها را بکارشان دلگرم می‌کند موضوع تحقیقات است اگر زمینه تحقیقات برایشان راحت باشد. طبعیتاً دلگرمی بیشتری به کارشان خواهند داشت ومامی‌خواهیم استادان ما به‌کارشان دلگرمی بیشتری داشته باشند و دانشجویان بهتری تربیت کنند.

در شرفیابی ۱٦ آبان معاون آموزشی و پژوهشی دانشگاه تهران معروض‌داشت که در سال گذشته ۵۰ طرح تحقیقاتی به تصویب رسیده است و ۲۷۲ برنامه تحقیقاتی به‌اجرا درآمد، که درسال جاری تعداد طرح‌های‌تصویب شده به ۱۳۰ رسیده است. معاون آموزشی و پژوهشی دانشگاه تهران مجموع‌مقالات و انتشارات علمی دانشگاه تهران را که شامل نتایج اجرای طرح‌ها و برنامه‌های پژوهشی سال ۱۳۵۲ است، ۱۱۸٤ اثر علمی ذکر کرد که از بین این مجموعه شورای تحقیقات علمی برندگان جوائز تحقیقاتی دانشگاه را به این شرح برگزیده است.

دکتر عباس‌شفیعی دانشیار دانشکده داروسازی دانشگاه تهران.

دکتر ایرج‌لاله‌زاری استاد ورئیس دانشکده داروسازی.

دکتر سیروس یزدانی استادیار دانشکده داروسازی.

دکتر سوسن‌مهاجر دانشیار دانشکده بهداشت.

خانم دکتر کناریك بدلیان دانشیار دانشکده بهداشت.

دکتر محمد حسینیون استاد دانشکده دامپزشکی .

دکتر غلامحسین دیالمه دانشیار دانشکده علوم‌پایه پزشکی.

محمد تقی دانش‌پژوه دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

دکتر محمود اسلامی دانشیار دانشکده اقتصاد.

دکتر حسین‌علی هروی استادیار دانشکده الهیات.

دکتر فتح‌الله مجتبائی استادیار دانشکده الهیات.

دکتر مسعود کسرائی استادیار مؤسسه علوم و فنون هسته‌ای.

دکتر حسین پناهنده دانشیار مؤسسه علوم وفنون هسته‌ای.

سهراب بزرك‌کمی مربی مؤسسه علوم وفنون هسته‌ای.

دکتر عزیزالله خرازی پاکدل دانشیار دانشکده کشاورزی و پرویز تناولی دانشیار دانشکده هنرهای زیبا.

علیاحضرت شهبانوهمچنین گروه جراحان هندی را که در زمینه مطالعات بیماری جذام فعالیت می‌کنند در کاخ نیاوران به‌حضور پذیرفتند. ریاست این گروه بعهده پروفسور انیتا بود و دکتر جوشی وخانم لوکورو جین‌کینگر در آن شرکت داشتند.

آثار باستانی

در دشت‌لوت کشف شد

آثار تازه‌ای از تمدن‌های باستانی ایران دردشت لوت بدست آمده و ثابت شد که مردم این مناطق از تمدن پارور وشکوفا برخوردار بوده‌اند. کشف جدید هیأت باستانشناسی دشت لوت نشان دهنده این واقعیت است که تمدن اقوام مزبور در شکلی متعالی تا سالیان سال ادامه داشته است.

دشت لوت در قسمت‌شرقی کوههای کرمان قرار گرفته وتامناطق سیستان وبلوچستان ادامه دارد. ازلحاظ موقعیت جغرافیائی بیابان وسیعی‌است که در زمانهای بسیار دور منطقه آباد و مسکونی بوده است ولی بتدریج به سبب عوامل طبیعی و وجود سیلابهای فصلی رو به‌ویرانی نهاده و باعث شده است که تمدنهای مرکزی بتدریج به طرف دامنه کوهستان یاغرب ادامه یابد. محل مورد کاوش گروه باستان‌شناسی، درحاشیه لوت در محلی بنام خبیث یا شهداد بود. خبیث در قدیم یکی ازشهرهای بزرك استان کرمان محسوب میشده که محصولات عمده‌ای از جمله خرما ، مرکبات ، و مواد رنگی از قبیل حنا ، نیل داشته است. در مورد تمدن این سرزمین سرپرست هیأت گفت: تمدنی که در دشتهای شرقی این کوهستان بوجود آمد یکی از کهن‌ترین مساکن اقوام قبل از تاریخ محسوب‌میگردد. ولی بسبب وجود عوامل‌طبیعی تمدنهای مزبور بتدریج بطرف غرب تغییر مکان داده‌است. بهمین جهت در حاشیه لوت میتوان به تمدنهای طبقاتی دست‌یافت تمدنهای مزبور را دراصطلاح باستانشناسی تمدنهای افقی‌یا گسترده می‌نامند . هیأت در فصل جدید کاوش‌خود موفق شد تعداد دیگری مجسمه‌های انسان که از گل ساخته‌شده است و بارنگهای زرد وسیاه تزئین یافته کشف کند. بین مجسمه‌های کشف شده مجسمه جدیدی هست‌که دارای موهای بلند و ریش انبوه‌است و لباسی بلند برتن دارد. در قبری که مجسمه مزبور کشف شد تعدادی ظروف دست‌سازو کاسه‌های کوچك بود که بنظر میرسد از آن بعنوان پیاله‌هایی جهت نوشاندن دواهای گیاهی استفاده می‌شده‌است. شکل‌مجسمه طوری است که باید متعلق به یك شخصیت روحانی یعنی کاهن معبدی در آن زمان باشد.

میرعابدین کابلی یکی از باستانشناسان هیأت اضافه کرد: حاشیه لوت از دیرگاه مرکز زندگی اقوام مختلفی بوده است. غالباً این اقوام در کنار چشمه‌سارها ورودخانه‌هاییکه تعداد آن در حاشیه غربی لوت زیاد هم نیست سکونت اختیار کرده‌اند. رودخانه دائمی‌که در خبیث کهنه جاری است‌و بنام درختنگان معروف است از کوهستان غربی لوت سرچشمه گرفته وجلگه‌خبیث (شهداد کنونی) را سیراب میکند. وجود این رودخانه دایمی باعث شد که ازهزاران سال پیش اقوام مختلفی در این منطقه سکونت اختیار کنند و تمدنهای متفاوتی را که مربوط‌به زمانهای مختلف است بوجود آورند. در مورد آثار بدست آمده علی حاتمی خاطر نشان ساخت:

آثار واشیاء مکشوفه‌شهداد (خبیث) یکی از غنی‌ترین آثاری است که تاکنون در حاشیه دشت لوت کشف شده است مجسمه‌های متعدد و اشیاء سفالین، فلزی وسنگی گوناگون که در این منطقه کشف شده نشان از تمدن پیشرفته‌یی است که در ۵ هزار سال قبل در این منطقه وجود داشته و بر روابط گسترده مردم این منطقه با مردم مناطق قبل از تاریخ شمال، و جنوب ایران صحه می‌گذارد. علاوه براین تمدن پیشرفته اقوام ساکن این منطقه در هنر سفالگری و ساخت اشیاء فلزی و سنگی بمرحله‌ای رسیده بود که نظایر آنها در غالب نقاط‌قبل از تاریخ ایران بندرت‌یافت

زیباترین مجسمه کشف شده ؛ کاهن معبد را با موهای بلند بافته نشان میدهد

می‌شود.

تنوعی که‌در ظروف‌سفالین وسنگی این ناحیه دیده می‌شود دلیل بررابطه وسیعی است که اقوام مزبور بامردم سایر نقاط قبل از تاریخ بر قرار کرده‌بودند مثلا «خبیث قبل از تاریخ» یکی از مراکز عمده ساخت ظروف فلزی و اشیاء سنگی بوده‌که مقداری از این اشیاء در آن زمان به خارج صادر می‌شده است. مجسمه‌های متنوعی که دراین منطقه کشف شده‌است بدلیل اشکال گوناگون نشان دهنده اینست‌که مجسمه‌سازان متعددی دراین سرزمین به اینکار اشتغال داشته‌اند. غالب این مجسمه‌ها در مقابر کشف گردیده است و این خودنشان دهنده یکی از رسوم قدیمی اقوام این سرزمین است که پس ازآنکه نشانه‌های زندگی در نزد شخص متوفی از بین رفت، این مجسمه‌ها می‌تواند نشانه‌هایی از صاحب قبر را بدست دهد. یکی دیگر از باستان‌شناسان عضو این هیأت گفت: علاوه بر مجسمه‌های کشف شده اشیاء قابل توجه دیگری نظیر بشقابهای فلزی بانقش‌های برجسته غزال، ماهی، و مار در بین آثار دیده میشود که‌هنرمند فلزکار باچکش در کمال‌مهارت این نقش‌های برجسته‌را روی ظروف ساخته است. ظرفهای سنگی کنده کاری نیز قابل توجه میباشد بعلاوه نمونه‌های فراوانی از پارچه، حصیر وسایل‌تزئینی؛ مانند گردن‌بند انگشتر، دستبند، در بین آثار کشف‌شده دیده می‌شود. همراه باسنگهای از عقیق و لاجورد، سرپرست هیأت در مورد خدایان این منطقه‌یاد آور شد درکاوش‌های‌مزبور تعدادی مهره‌های استوانه‌یی با نقش خدایان، رستنیها و حامیان حیوانات بدست آمده است که غالب خدایان شکل زنانی هستند که لباسهای بلندی به‌تن دارند، برخلاف بین‌النهرین که‌تصویرخدایان بصورت مرد مجسم می‌شد، خدایان بدست آمده اغلب‌زن می‌باشند.

تابوتهای خمره‌ای عصر اشکانی از خاك بیرون آورده شد

مرکز باستان‌شناسی ایران امسال برای اولین بار یك هیأت ایرانی را برای‌کاوش و بررسی «گورستان پارتی» به همدان اعزام کرده بود. گورستان پارتی درشمال‌شرقی محوطه شیرسنگی قرارگرفته است.

همدان از ادوار خیلی‌دور یعنی از زمان حکومت مادها به‌پایتختی برگزیده شده است وتا حکومت هخامنشیان نیز این موقعیت به جای خود محفوظ بوده است وبصورت پایتخت تابستانی مورداستفاده قرار گرفته است. در مورد گورستان اشکانی باید گفت در گذشته از وجود چنین گورستانی ایرانی‌ها اطلاع داشته‌اند و از آن جمله ابن فقیه در مختصرالبلدان می‌گوید که:

«... مردگان را درگورهایی سفالین و حوض‌گونه بخاك می‌سپردند که تا هم اکنون درکوی‌ها وبرزن‌های همدان‌نشانه آن‌گورها است.»

کار کاوش درگورستان‌پارتی برای اولین بار صورت گرفته است وبه مدت دوماه ادامه یافته این‌هیأت در، سی نقطه ازگورستان فعالیت‌خود را متمرکز کرده بود و در طول این دوماه نمونه‌های مختلف قبور دوره اشکانی‌از زیر خاك خارج شد. در این مورد نظر یکی از باستان‌شناسان عضو این گروه را بخوانید: در این دوره از نقطه‌نظر مذهب وضع خاصی در شرف تکوین بود بدین معنی که علی‌رغم وجودیك مذهب رسمی و آزادی تمام گروههای مذهبی ساکن در امپراطوری ایران، بنظرمی‌رسد که مذهب زرتشت در حال توسعه است و درمیان مردم رسوخ می‌یابد. چنانکه در اواخر حکومت اشکانیان و آغاز امپراطوری ساسانیان زرتشت بصورت مذهب رسمی درآمد. نامبرده اضافه کرد این دگرگونی مذهبی را می‌توان به یك تعبیر در گورستانهای این دوره تعقیب کرد وبه‌نظر می‌رسد که‌تغییر سیستم تدفین یا آیین تدفین از خاك به تابوت ره‌آورداین دگرگونی‌های مذهبی باشد.

سکه‌ای که‌از نزدیکی‌یکی از قبور اشکانی بدست آمده است متعلق به گودرز دوم پادشاه اشکانی است

در این حفریات صرفنظر از اشکال متنوع تابوت‌های اشکانی که به دست آمده است، تعدادی ظروف سفالی، بااشکال شلجمی، دهانه باز و دسته‌دار از سفال‌های نخودی رنك تا قرمز به‌دست آمده‌است. همچنین در این کاوش‌ها تعدادی اشیاءفلزی از جمله یك جفت گوشواره زرین بسیار گرانبها و یك آینه مفرغی نیز در داخل‌دو تابوت سفالی کشف شده است واین گوشواره‌های زرین حلقه‌ای مارپیچ دارند که‌به سرشیری غرنده منتهی‌می‌شود که درنهایت ظرافت وزیبایی بامقیاسی کوچك ساخته شده است. از اشیاء قابل توجه دیگر یك آیینه مفرغی است که در پشت آن تزئینات هندسی وجود دارد و نقش نوزده پری‌را می‌توان‌مشاهده کرد. این آیینه در گوری متعلق به‌یك زن ومرد که در کنار یکدیگر و درون یك تابوت دفن شده بودند بدست آمده است ونکته قابل توجه اشیاء موجود در این تابوت است که عبارتند از یك میل سرمه‌کشی، یك ظرف مفرغی کوچك که احتمالا سرمه‌دان بوده است ویك پیکان‌به‌نشانه دلاوری مرد.

نمایشگاه آخرین کشفیات باستان شناسی ایران

۲۰ آبان سومین نمایشگاه آخرین کشفیات باستان‌شناسی ایران گشایش یافت. در این نمایشگاه ۵۰۰ قطعه اشیاء گوناگون مربوط به هزاره نهم پیش از میلاد تا قرن هشتم هجری که‌با تلاش ۲۴ هیأت باستان‌شناسی از دل خاك بیرون کشیده شده به تماشا گذاشته شده بود.

در قسمت دیگر می‌توان شاهد حاصل فعالیت هیأت فرانسوی شوش‌بود. این‌هیأت که دریك محوطه - آپادانای هخامنشی و غار شاپورفعالیت دارند در سال ۱۳۵۱ موفق شده بودند درمنطقه آپادانای اسلامی مجسمه داریوش را کشف کنند.

همچنین در قسمتی از نمایشگاه بعضی از آثار «گورستان پارتی» بنمایش گذاشته شده است در قسمت دیگر نمایشگاه موقعیت دوشهرك پارتی نشان‌داده‌شده است. این دو شهرك که بنام های دشت حلقه‌و کبری قلعه معروف‌اند، در دشت گرگان قرار دارند و دربررسی‌های هیأت جرجان کشف گردیده است.

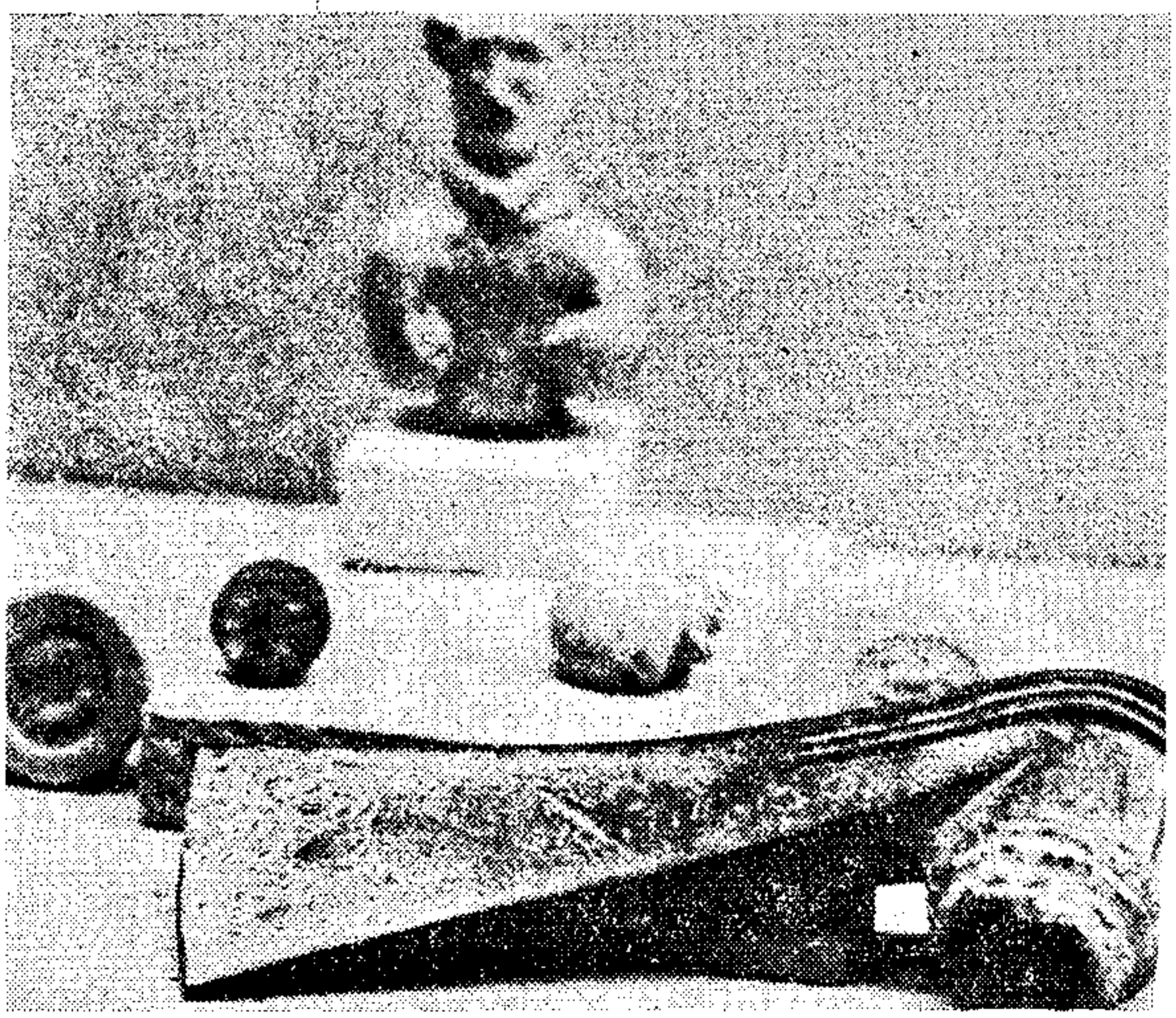

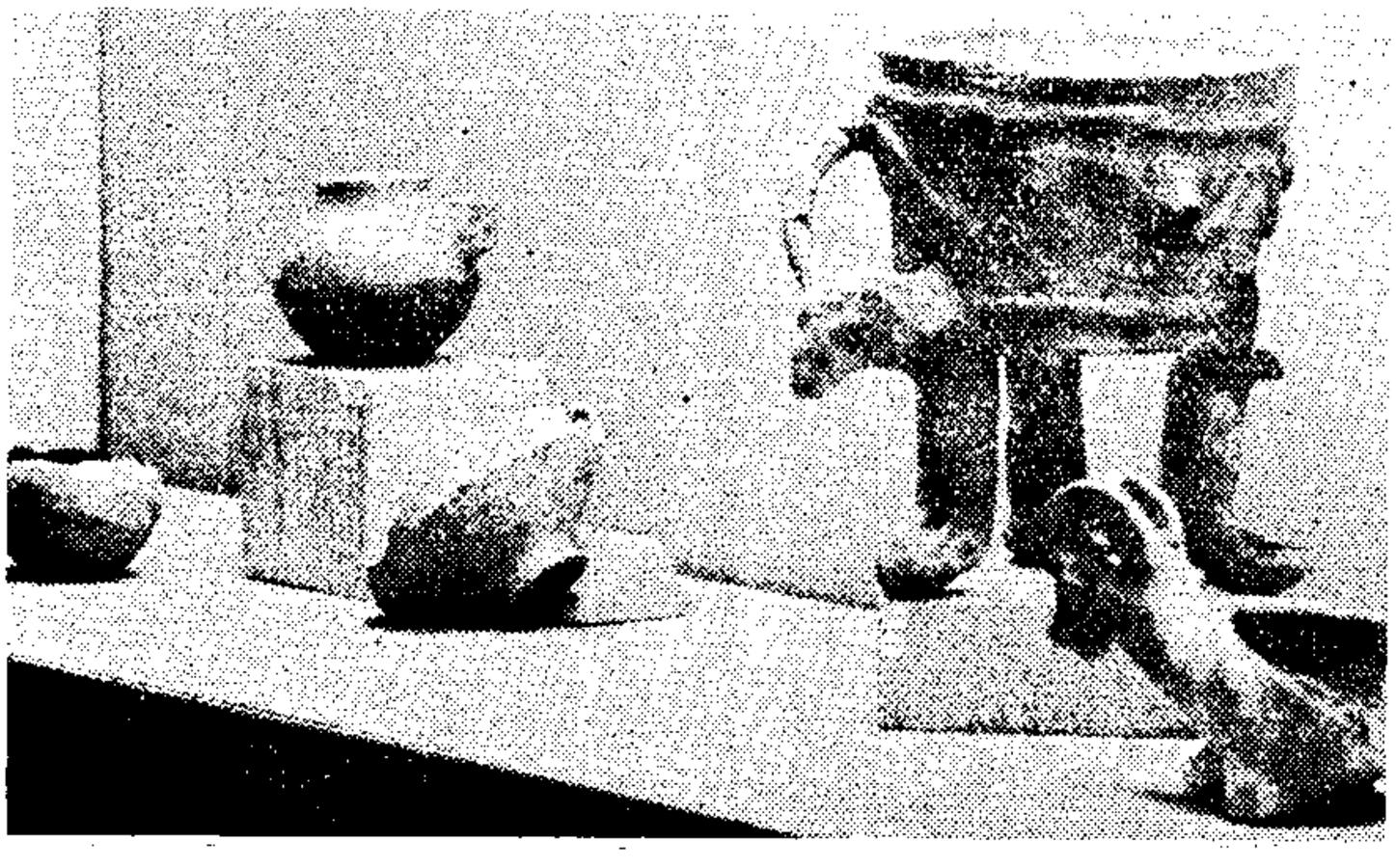

کنفرانس آموزشی رامسر

اجلاسیهٔ کنفرانس
درکاخ سلطنتی رامسر تشکیل‌شد. قبل‌از گزارش معروضهٔ آقای نخست‌وزیر، شاهنشاه آریامهر طی سخنانی چنین فرمودند:

شایدتذکر نکاتی‌که باید درنظر گرفته‌شود ودرکمیسیون‌ها موردبحث قرار گیـرد حتی امسال بـرای اولین بار از دبیرهـا هم دعـوت کردید که بیایند و صحبت کننـد و البتـه آنها آزادانه صحبت‌هایشان را خواهند کرد، تجربیات آنها چیزیست که هرروز بآنهـا برخورده‌اند واشکالات کار را می‌دانند ومی‌فهمند وممکن است که ارائهٔ طریق آنان‌بسیار مفید واقع شود. شاهنشاه در اینجا فرمودند برگردیم به‌اصل آموزش ــ پرورش و تحصیلاتی که در رشته‌های مختلف برای افراد این مملکت از مرد و زن لازم است تا اینکه برای هدفهای ملی و بـرنامه‌های امروزه و آینده کادری که بدان احتیاج داریم تربیت بشود وامیدوارم وظایفی را که هر روز سنگین‌تر، فنی‌تر، حساس‌تر ودقیق‌تر می‌شود به بهترین نحوی انجام دهید. شاهنشاه افزودند البته دفعهٔ قبل صحبت کردیم که بعضی‌ها عقیده دارند تربیت از سن دوسالگی شروع می‌شود و اگر این چیزها به‌ثبوت برسد ما هم نمی‌تـوانیم از این موضوع بگذریم واگر این یك‌طریق جدید تربیتی باشد مسلماً برای اینکـه ما همگام سایرین قـدم برداریم، باید بچه‌های مملکت تحت آن تعلیم و تربیت بخصوص که در این سن لازم است قرار گیرنـد قبلا هـم چندین دفعه گفتیـم که مثلا دانشمندان باین نتیجه رسیدند کـه بهتـرین سن فراگرفتن علوم ریاضی بین سنین ٦، ٧ و ٨ است البته صحبت از متدهای مختلف نیز هست که در موقع خواب گوشی بسرشان می‌گذارند ومطلبی را که باید یاد بگیرند در حالت خواب بوسیله صفحه یا نوار ضبط صوت از همان گوشی می‌شنوند ودر همان حالت خواب وبیداری یا حتی خواب کامل این مطالب بذهنشان سپرده شود. بهترین طریق یاد گرفتن این شکل است. اینها البته باید کاملا به‌ثبوت برسد منتها نمی‌شود فراموش کرد که این امکانات هم وجود دارد غیراز متدهای سمعی وبصری که حالا کاملا به‌ثبوت رسیده این را ما به سرتاسر مملکت خواهیم برد. بدورافتاده‌ترین دهات و روستاهای ایران بوسیله ماهواره‌ها خواهیم رساند. این‌ها طریق تعلیم وتربیت ومتدها و وسایل مختلف است اما در عمل ذکر کردم همه ما باید چه‌کار بکنیم و سیاست ملی ما چیست؟

امیدوار هستیم که در آینده هر خانواده ایرانی دارای همه‌نوع‌امکانات باشد. حتی‌آن‌موقع وظیفه دستگاه این مملکت این است که هرایرانی که بدنیا می‌آید حتماً از تمام تحصیلاتی کـه از نخستین سالهای زندگی شروع می‌شود برخوردار باشند. تحصیلات کودکستانی، دبستانی وراهنمایی بهرصورت مجانی است. اصلا باید مطالعه کنیم که دراین قسمت مؤسسات خصوصی ممکن است اجازه داشته باشند چون این تحصیل اسمش اجباریست ما اصلا در این قسمت فکر نمی‌کنیم که حتی بتوانیم اجازه دهیم که مؤسسات خصوصی وجود داشتـه باشند، فکر می‌کنم که در این قسمت ما باید اصلا قطع کنیم. خیلی از این حرفهاییکه الان هست که علیحده ازمردم پول می‌گیرند. بعضی‌ها هستند که می‌گویند ما خودمان پول می‌دهیم بشما چـه مربوط است. دلشان می‌خواهد پول بـدهند، یك مدارس تخصصی درست کنند برای زدن پیانـو، برای فراگرفتن باله برای یادگرفتن دروسی‌که‌در برنامه مصوب وزارت آموزش وپرورش ما نیست ولی نه در همان مدرسه هرکس که می‌خواهد در خارج از بخش و شهر روزهای تعطیل بخواهد به مدارس برود، خوب برود کسی کاری ندارد ولی برای هیچکدام از دروس مصوبه وزارت آموزش وپرورش تاسطح راهنمایی بعقیدهٔ من مـدارس خصوصی نمی‌تواند این مسؤولیت را قبول کند برای خاطر تمام این فسادهای کوچك کوچکی ممکن است پیدا شود فکر می‌کنم همه اینها را که باید ملی کنید، بکنید مگر در بعضـی قسمتهای شبانه روزی برای اینکه نگویید حالا که شمـا نمی‌گذارید بچه‌های ما از سطح آموزشی بالایی استفاده‌کنند پس مابچه‌هایمان‌را باروپا می‌فرستیم همان چیزی که ممکن است در اروپا پیدا کنند کاری کنید که در اینجا در مؤسسات خصوصی پیدا بکنند و آنهاییکه بچه‌هایشان را می‌خواهند باروپا بفرستند باین مدارس بفرستند. هرچند هم که دلشان می‌خواهد پول خرج کننـد ولی این اکثریت ملت نمی‌شود. اکثریت ملت مـا از این برنامه مصوب باید استفاده کنند و بکلی مجانی. غیراز آن چیزهای تفننی که علیحده در مدارس دیگرتخصصی می‌خواهند فرابگیرند. خوب، همین طور که تمـدن ما و سطح فرهنگ بالا می‌رود بعید نیست بشما بگوییم که مثلا درس موسیقی و رقصهای موزون که بیشتر جنبه ژیمناستیك هـم دارد دربرنامه مصوب بگذارید چرا نه (زیرا هر نفری از لحاظ انسانی ــ از لحاظ فرهنگ نت موسیقی بداند)، گفتم احیاناً برای اینکه از آن طرفی هم نرویم که مغز بچه‌هایمان را با همدچیز بخواهیم پر کنیم. از دروس ریاضیات مشکل تا نت موسیقی ولی خوب دانستن نت موسیقی حتی رقصیدن موزون مثل باله احیاناً می‌شود جـزء فرهنگ ملتی قرار بگیرد. نه‌فقط ما حالا می‌گوییم که هیچکس نباید روی اصل نداشتن ثروت از تحصیلات محروم بماند گفتیم که هرکسی که مانع تحصیل کسی بشود حتماً مطابق قانون باید تنبیه شود واین قضیه به پدرها، مادرها مربوطاست و یا قیمی که مانع تحصیل بچـه‌اش بشود سابق براین می‌شنیدیم که در بعضی نقاط مملکت حتی قبل از اینکه بچه‌یی بدنیا بیاید، قبلا بچه‌را کرایه می‌دادند مثلا برای قالیبافی ، یك چند صد و یا چند هزار ریال بدستشان‌می‌آمد. قبل‌از اینکه‌بچه بدنیا بیاید برای آنکه بچه‌ها را بعدها در سن ٥ و یا ٦ سالگی ببرند ودر آن کارگاه که اسمش نمی‌شد گذاشت کارگاه آن دخمه‌های قالیبافی بگذارند و بچه ایرانی‌را باین‌طریق استثمار بکنند. این بچه‌اش را که بمدرسه نمی‌گذاشت موقعیکه بسن مدرسه رفتن می‌رسید بچه را بآن دخمـه قالیبافی می‌فرستاد. بعضیها روی تاریك فکـری دختر را از یك سنی ببعد اجازه تحصیل نمی‌دادند هیچکس دراین مملکت حق نداردکه روی‌تخیلات واهی و فکر عقب افتاده مانع پیشرفت وشکوفا شدن استعداد یك فرد ایرانی بشود. این مطابق قانون است وهرکس خلاف قانون کار بکندباید تنبیه بشود. همانطور که کسی حق ندارد حیات کسی دیگر را از او بگیرد حق ممانعت ازپیشرفت روحی و فکری کس دیگری را ندارد . طبیعتاً تحصیلات مجانی است و عموماً بستگی دارد به استعـداد آن فـرد ایـرانـی . پس مدرسـه راهنمایی تمام کـردیم می‌رسیم به دبیرستانهـا، دبیرستانهای حرفه‌یی که گفتیم مجانی است ولو تعهد خدمت هم نسپارند بهر صورت در رشته‌یی قرار می‌گیرند که آن رشته یك رشته تولیـدی است و در واقع تولیدی است کـه بنفع عمـوم مملکت وجامعه‌تمام می‌شود. پس گفتیم که دبیرستان حرفه‌یی هم مجانـی است واما دبیرستان غیـر حرفه‌یی، اینجا بازهم می‌خواهم این حرفـرا بزنم دبیرستانهای عمومی هرکدامی کـه دانشجویش یك مقابل مدت تحصیلش که چهار سال است تعهد خدمت بسپارد این را هم مجانی بکنید و باز این نوع دبیرستانها را هم بالاخره باین نتیجه خواهید رسید که‌آنهم بایدبکلی‌ملی بشود. ولی‌دبیرستانهای دیگری را اجازه بدهید که تأسیس بشود. کسانیکه می‌خواهند در مقابل ٤ سال دبیـرستان تعهـد خدمت بسپارند مایل هستند باین مدارس بروند آن موقع ما دیگر چکار داریم که دبیرستان‌چقدر شهریه می‌خواهد بگیرد واین اولیاء چقدر می‌خواهند بپردازند برای اینکه بنظر عجیب خواهد بود که کسی حاضر نباشدکه درمقابل ٤ سال‌درس ٤ سال خدمت بکند چون دوسالش که بهرصورت خدمت نظام وظیفه هست و بعد کسیکه تحصیلات دبیرستانی می‌کند بعدش هم بدانشگاه می‌رود و اگر آنکسی که تحصیلات دبیرستانی را کرد و ٤ سال تعهـد خـدمت کرد و باز وقتی که وارد دانشگاه شد و تحصیلات مجانی تقاضا کرد و دو برابر مدت‌تحصیلاتش باید تعهد انجام بدهد، تعهد دبیرستانی او خود بخود لغو می‌شود و فقط تعهد دانشگاهی او حساب می‌شود. شاهنشاه افزودنـد: انسان باید خیلی فکرهای بخصوصی بکند، نقشه‌های بخصوصی بکشد که تعهد دبیرستانی ندهد، بعد هم تعهد دانشگاهی بدهـد یا اینکه تعهـد دبیرستانی ندهد و تعهد دانشگاهی هم ندهدمعلوم نیست برای‌چکار؟ پس بازخلاصه می‌کنم‌دبیرستان حرفه‌یی که مجانی است غیر حرفه‌یی هم بشرط تعهد یك برابر خدمت یعنی ٤ سال مجانی است فکر می‌کنم که اینرا هم باید ما ملی بکنیم برای این نوع دبیرستانها که آنها هم برنامه مصوب را انجام می‌دهند اینرا هم نمی‌شود خصوصی کردمگر برنامه‌های بخصوصی که کسانی حاضر باشند باز در آن دبیرستان همانطور که بچـه‌هایشان را بخارج‌می‌فرستند، بفرستند. اینجا یاشبانه‌روزی یا غیر شبانه‌روزی از یك سطح تعلیمات بخصوصی برخوردار بشوند چون ما مانع اینکار هم نمی‌شویم بلکه تشویق هم می‌کنیم. شاهنشاه افزودند: مخصوصا خیال داریم‌چندتا ازاین نوع‌دبیرستانهای شبانه‌روزی در بعضی نقاط بسیار زیبای مملکت ایجاد بکنیم که برجسته‌ترین شاگـردهای این مملکت رادستچین بکنیم وباین دبیرستانهابفرستیم که اینها در محیط بخصوصی پرورش پیدا کنند، البته شما شنیدید متهم شنیدم باوجود اینکه‌گفته‌ایم تحصیلات مجـانی است پشت سر این مـدارس باصطلاح غیردولتی وجوهی می‌گیرنـد و حتی بآنها می‌گویند شما علی‌الحساب شهریه را بدهید هروقت از دولت پـولش را گـرفتیم بشما پس می‌دهیم مثل اینکه تردیدی هست که دولت این پول را بدهد. دولت ما که بخواست خداوند الان نه‌فقط در مضیقه نیست بلکه ما بممالك بزرگ دنیا وام می‌دهیم بعناوین مختلف از اینها وجـوهی اخذ می‌کنند و خیلی ازاین اولیا هستند که بدون توجه می‌گویند بشما چه مربوط است که ما پول می‌دهیم ما دلمان می‌خواهد پول بدهیم بشما چه؟ من حرفی ندارم که اینکار بشود. ولی در مدارس خیلی بخصوص، نه اینکه ٨٠ درصـد آن مثـلا مجانی بیایند ولی ١٠ ، ٢٠ درصدی تمام محیط رابااین‌وسیله بهم‌بزنند هرکار علیحده واختصاصی که می‌خواهند انجام‌بدهند بروند درهمان‌مدارسی که مخصوص آنکار ایجاد شده . مدرسهٔ رقص ، مدرسهٔ موسیقی، مدرسهٔ زبان هرچه دلشان می‌خواهد فراگیرند. درآن مدارس که‌گفتیم وشبانه

روزی خواهدبودیامدارس‌خصوصی که‌شبانه‌روزی هم نباشد. ولی کسانی هستند کـه تعهد خدمت نمی‌خواهند بسپارند واگر از سطح تربیت خیلی بالاتری برخوردار باشند دولت خرج تحصیـل برجسته‌ترین شاگـردهای سرتـاسر مملکت را دراین نقاط و این نوع مدارس خواهد پرداخت و آنها هم مثل سایرین می‌توانند از آن‌تعلیمات باصطلاح بالاتر استفاده بکنند گو اینکه میل باطنی من اینست که تمام مدارس ایران‌از لحاظ‌تعلیماتی از همان سطح بهرصورت برخوردار باشند. دبیر و آموزگاری که برای دولت کار میکند و از دولت‌حقوق می‌گیرد چرا بایدطریق درس دادنش از دبیری که برای مدارس خصوصی کار می‌کند پائین‌تر باشد یا سعی بکنید دوره‌های فشرده‌یی بگذارید برای طرز وطریقه‌تعلیم دادن، معلمینتان دوره ببینند باصطلاح معروف، هرچند وقت بچند وقت دورهٔ بخصوصی داشته باشند . شما چطـور می‌گویید هرسال یا هـردوسال یا هـر سه سال کتابهای درسی را باید عوض کرد و ریخت دور! پس بهمان تناسب معلم شما هم بعد از هر یکسال دوسال و سه‌سال باید طرز تعلیمش عوض بشود. همانطور که کتابهایش عوض می‌شود پس اینها باید دائماً دوره ببینند. شاهنشاه افزودند می‌رسیم بتحصیلات دانشگاهی. قبلا هم گفتیم هر ایرانی از کودکستان تا دانشگاه اگر مایل و داوطلب باشد تحصیلات برای او مجانی است، تحصیلات مجانی دانشگاهی بشرطی که دو برابر خـدمت بتناسب سالهای تحصیلی تعهد کرده باشد. آنها که تعهد خدمت نکنند شهریه‌یی که اینجا می‌پردازند باید درست شبیه شهریه‌یی باشد که حاضرند در اروپا وامریکا وممالك دیگر بپردازند. چه فرقی می‌کند چطور همه چیز مملکت ما از لحاظ‌اجتماعی، اقتصادی باید شبیه آن ممالك بشود حقوق کـه ماشاءالله از آنجاها هم بالا زده است . اما فقط خـرج تحصیل نباشد چرا ؟ امروز حقوقهایـی کـه در بخش خصوصی می‌دهند که لابد خـود دولت بآن توجه می‌کنـد از لحاظ مالیاتی یك عدالت را شما باید برقرار بکنید طوری است که تاحدی اصلا گیج کننده است که چقدر اصلاکسی در خـدمت دولـت می‌ماند وقـتی یك چنین وضعی موجود باشد پس خرج تحصیلی اینجا بچه مناسبت از خرج تحصیلی مملکتی مثل انگلستان وامریکا و سوئیس کمتر باشد البته اینها ممکن است که باهم کنار بیایند و بخش خصـوصی با اشخاصی قرار به‌بندد که اشخاصی که می‌خواهند مستقیماً به بخش خصوصی بروند خرج تحصیلشان را بخش خصوصی بدهد و بدانشگاههای ایران بپردازد. مگرچه می‌شود. چه عیبی دارد ؟ تعهد خدمت دادن هم چیز وحشتناکی نیست برای‌اینکه حقوقی هم که دولت می‌دهد حالا شما نگاه کنید که برای زندگی کافی است بعدها بهتر و بیشتر هم خواهد شد. با انگیزه‌هاییکه در کار دولتی وجود دارد مثل بازنشستگی ، مسکن ، بهداشت وغیره و تسهیلات مالیاتی برای کارمندان دولت در مقابـل مالیات سنگین‌تر در بخش خصوصی، بالاخره کسی‌که تعهد خدمت می‌سپارد مسلماً آخر سر مغبون نخواهد شد. می‌رسیم به‌کمبود افراد که برای انجام برنامه پنجساله فعلی و بعد برنامه‌های پنجساله آینده چه خواهیم داشت برای کارهای فوری که باید فکر کنیم که چکار باید کرد شاید مدت تحصیل بعضی رشته‌ها زیادی است شاید بشود فشرده‌تر کرد. شاید بشود مثلا پس از شش ماه دوره مثلا سال اول یك دانشکده‌یی کـه چندتا واحدش تمام شده با این واحدهای درسی که تمام شده در واقع جای خالی نیز برای عده دیگـری می‌ماند که بیایند وهمین واحدهایی‌را که سایرین خوانده و تمام کرده‌اند اینها هم شروع بکننـد بخواندن یعنی در عرض یکسال شاید بشود بیش از یك دوره شاگرد گرفت همینطور کـه بهمین طریق بجلو می‌رود. همینطور پشت سرش بیایند نه‌اینکه منتظر بشوند سال تمام‌شود وجاخالی شود تایك عـده‌یی وارد بشوند. این قابل مطالعه است حقیقت را بخواهید من فکر می‌کنم که باندازه کافی نه‌معلمان ایران درس می‌دهند ونه‌شاگردان ایرانی درس می‌خوانند. یعنی درسی که در شش سال احیاناً الان می‌خوانـند یك ماه از تعطیلات تابستان‌شان را بزنند یك خورده هم در روزبیشتر درس بخوانند یا در سال واحد بیشتری بگیرند. این دوره تحصیلاتی را مسلماً می‌شود بدون فشار آوردن به‌مغزشان کوتاهتر کرد و تقاضای بازار فکری و مغزی مملکت را زودتر تکمیل کـرد همانطور که گفتیم دبستانها و دبیرستانها بایـد معـلمینشان دوره ببینند همانطـوریکه کتابهای درسی‌را بایدعوض کرد، طریقه درس‌دادن را هم باید عوض کرد. البته این‌موضوع بسطح‌دانشگاهی هم کاملا اطلاق می‌شود و صدق می‌کند بخصوص که در آن سطح دانشگاهی بالا، از وسایل جدید سمعی وبصری بحد زیادی می‌شود استفاده کرد و این را هم می‌خواهم بگویم کـه ما هیچ نـوع عقیده‌یی نداریم، اگر در هر رشته‌یی حس می‌کنید که مخصوصاً در قسمت دانشگاهی کمبـود کادر دارید هیچ عیبی ندارد که از خارج استخـدام بکنید هرکسی که برای هر کاری لازم است که اینکه ما بمملکت ایران می‌خواهیم خـدمات هم بهداشتی و هم درمانی بدهیم الان مواجه باکمبود شدید کادر پزشکی و پرستاری هستیم و یك‌مقدار زیادی پزشکان ایرانی در آلمان‌ـ امریکا واحیاناً جاهای دیگر ولو شده‌اند. بعضیها اشکالاتی پیدا کرده‌اند همسر گرفته‌اند بچه دارنـد رنهایشان دلشان نمی‌خواهد حرکت کنند یك عده‌یی هـم دلشان می‌خواهد بیایند یا دو دل هستند یك‌عده‌یی هم که تقاضای مراجعت کرده‌اند ولـی مطلب اینست که همانطور که قبلا هم گفتم آمار هم‌نشان می‌دهد می‌گویندتقریباً ۸۰ درصدفارغ‌التحصیلان پزشکی دانشگاههای شیراز و احیاناً تهران پس‌از فراغت از تحصیل فوراً به‌امریکا می‌روند این از حرف تکرار است‌ولی بهرصورت انسان ناچاراست که تکرار کند گمان کنم که دانشگاه تهران آمار داده بود که در حدود ۵ یا ۶ میلیون ریال خرج تربیت یك پزشك است که ما از بودجه این‌مملکت می‌دهیم برای اینکه بمحض اینـکه آقا فارغ‌ـ التحصیل بشود برود بخدمت مملکت خارج ولی باحقوقهایی که الان ما درایران می‌دهیم ولوکسی که وارد خدمت پزشکی می‌شود ما همیشه فکـر می‌کردیم که این با خدا و وجدان خودش پیمان بسته که من تحصیلات پزشکی را برای این شروع کـردم که بخدمت بشر کمر به‌بنـدم پزشکان سابق مسلماً اخلاقی داشتند که این حرفه پزشکی حرفه خدمت به‌هم نوع و به بشریت است آنهاییکه رفتند در افریقا و خودشان را بهرنوع خطـری زدند که خیلی‌هایشان هم تلف شدند واز بین‌رفتند بااین روح می‌رفتند امروز درست شده موضـوع تجارتی که ما از این علم چقدر در میآوریم در مقابل مسلماً آنکسی که مهندس یا آرشیتکت می‌ـ شود در صورتیکه علم پزشکی از لحاظ انسانـی باید یك‌ضوابط دیگری داشته باشد بهر صورت ما دراین قسمت هم از لحاظ مالی نمی‌خواهیم آنهارا درمضیقه بگذاریم. کار بجایی رسیده که من دو سال وخرده‌یی پیش در چاه‌بهار رفتم به بازدید یك بیـمارستان (بیمارستان شیر وخورشیـد سرخ) بخشهای مختلف‌را که‌می‌دیدم وارد بخش جراحی شدم غیراز چند پرستار و بهیار چیزی آنجـا ندیدم گفتم اینجا دکتر جراح ندارید گفتند خیر گفتم چطور ممکن است بیمارستانی بخش جراحی داشته باشد ودکتر جراح نداشته باشد گفتند ما همه جور آماده هستیم و بودیم حتی پیشنهاد ۱۶۰ هزار ریال حقوق در دوسال پیش‌دادیم وهیچکس حاضر نشد که بیاید و این خدمت را قبول کند. حالا ممکن است دوچیز باشد یکی کمبود پزشك یکی اینکه حساب کرده پیش خودش کـه این درآمد برای من در یك همچین نقطه‌یی جنـبه تجارتی ندارد ولی حالا که ما خواهیم گفت یاشما خرج تحصیل حقیقی خودتان را بدهید ویا تعهد خدمت بسپارید و تا خدمتتان را هم انجام ندهید مگر با اجازه مخصوص حق خروج از کشور را نخواهید داشت دیگر این مملکت کارخانه پزشك ساختن برای خدمت بخارجی را بالاخره خاتمـه خواهد داد واین اقدام از بدیهی‌ترین کارهاییست که می‌تواند انجام بگیرد. اما اگر بخواهم وارد این مطالب بشوم که هماهنگی بین این دانشگاه‌ها چطور باید باشد این مطالبی است که بایـد در کمیسیون‌هایتان صحبت کنید.

بعد پس از قراءت گـزارش آقای باهری معاون وزارت دربـار و اطـلاع حضار از این گزارش و بحث آن با وزارت علـوم و آموزش عالـی و بحث آن میان تمام دانشگـاهها هم معایبی که هست و البته معایب هست چطور ممکن است نباشد سعی می‌کنیم معایب را برطرف کنیم وبخصوص سعی می‌کنیم هماهنگی بین دستگاهها ایجاد بکنیم و با فراهم کـردن هرچـه برای بهبود بخشیدن بطرز تعلیمات از لحـاظ کتاب وسایل آموزشی و دوره‌های توجیهی، آموزگار، دبیر، اساتید دانشگاه و غیره ما انشاءالله تـمام مطالب آموزشی خودمان را از لحـاظ مادی و اخلاقی حل خواهیم کرد واینکار خواهد شد اولا اینکه آنقدرها مشکل نیست راه‌حلی می‌شود پیدا کرد وبخصوص با تصویب این برنامه و مداومت در انجام این برنامه هیچ مشکلی نیست که قابل حل نباشد.

آنگاه آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر گزارشی معروض داشت. متن گزارش باین شرح است:

شاهنشاها ، دوازده سال پیش که کشور ما حرکت سریع انقلابی خـود را بـه‌رهبری آن شاهنشاه عالیقدر آغازکرد هرگزتصور پیشرفتـ هایی این چنین شگرف در زمینه‌هـای گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ، آن هم در این زمان کوتاه برای هیچیك از ما مقدور نبود دامنه و وسعت این پیشرفتها بحدی است که ما را بارها ناگزیر ساخته است که در فاصله‌های کوتاه در برنامه‌های عمرانی واقتصادی خود به تجدید نظرهای بنیادی و اصولی دست بزنیم که نمونهٔ بارز آن تجدید نظری بود که در برنامـه پنجم عمرانی در نخستین مراحل اجرایی انجام گرفت و جمع اعتبارات آن به بیش از دوبرابر افزایش یافت. از جمله موفقیتهای بزرگ وجالب و شایان کشور ما در فاصلـه زمانی این کنفرانس وکنفرانس پیشین صدور فرمان همایونی مبنی بر اجرای‌آموزش عمومی‌رایگان ازدورهٔ کودکستان تا پایان مرحلهٔ راهنمایی تحصیلی وهمچنین در مورد تحصیلات حرفه‌یی واعطای امتیازات لازم و کمك تحصیلی به‌دانش‌آموزان‌متوسطه ودانشجویان دانشگاهها ومدارس عالی و نیز تأمین یك وعده غذای‌رایگان برای‌کودکان دوره‌های کودکستان، دبستان وراهنمایی بودکه سبب‌شدهمهٔ محدودیتـ های مالی در راه کسب عـلم وشکـوفان شدن استعدادهای نسل جوان از میان‌برود و هیچ جوان

ایرانی بدلیل نداشتن بضاعت مالی از ادامه‌تحصیل باز نماند. طبیعی است کـه در جریان این توسعه سریع واستثنایی و در قبال این دست‌آوردهای پر ارزش در مواردی باتنگناهایی نیز روبرو بوده‌ایم که همواره با برخورداری از راه‌یابی‌های شاهانه یکایك آنها را پشت‌سر گذاشته و در هر مورد براه حلی قاطع‌و مشکل‌گشا دست یافتـه‌ایم یـکی از عمده‌ترین این تنگـناها در شرایط کنونی مسألهٔ کمبود نیروی انسانی است که در این باره شرکت کنندگان‌در کنفرانس یقین دارنـد با استفاده از دستورالعملها و تأکیدات ملوکـانه مانند گذشته براه حلهای کارساز و دقیق دست خواهند یافت. رسالت نظام جدید آموزش و پرورش در مرتبه نخست اینست که نیروی جوان و فعال کشور در جریان تعلیم و تربیتی قرار گیرد که جوابگوی نیازهای روزافزون و متنوع جامعه انقلابی مـا باشد. و بتواند نقش اساسی خودرا درآماده ساختن نیروی انسانی لازم و کافی و حل مسائلی که در این جهت در مقابل برنامه‌های عظیم اقتصادی و اجتماعی ماواقع شده است ایفا کندوالبته مهمترین واساسی‌ترین قدم در این راه انتقال از نظام سنتی تعلیم وتربیت وتوسل به روشهایی است کـه با مقتضیات و شرایط انقلابی جامعه ما هماهنگ باشد واین امر ایجاب می‌کند که برداشتها ودیدهای نظام آموزشی ما مورد تجدید نظر بنیادی قـرار گیرد واین موضوع بنحو کامل مورد توجه قرار گیرد که هدف عمده واساسی نظام جدید آموزش وپرورش عبارت است‌از: تربیت‌افراد میهن‌پرست، کاردان، وظیفه‌شناس، و مسؤولیت‌پذیر، و واضح است تحقق این منظور همانطور که شاهنشاه بارها تأکید فرموده‌اند جز از راه توجه به‌ویژگیهای ملی ومیهنی وفرهنگ کهنسال ما مقـدور نیست جوانان ما باید باین حقیقت پی‌ببرند که آموزش‌و پرورش وسیله‌یی‌است برای‌کسب آمادگی در راه خدمت بهتر و بیشتر باجتماع واز این دیدگاه است که باید از تمام فرصتهای طلایی خود بخاطـر دست‌یابی به‌دانش و معلومات و فضیلتهای انسانی بهره بگیرند وسهم عظیم خویش‌را در راه مشارکت مؤثر دراین جنبش سازندگی ملـی بشناسند این موضوع نیز روشن است که در تنظیم هـدفها و برنامه‌هایی این‌چنین، نظام خلاق تفاهم وهمکاری استاد ومعلم نقش بسیار سازنده و مؤثری دارد و طبیعتاً این مشارکت باید هم درمرحله طرح‌ریزی سیاستها ازبرنامه‌هاوهم‌درمرحله‌اجرای این‌سیاستها وبرنامه‌ها و هم در زمینهٔ نظارت و کیفیت تعلیم و تربیت صورت پذیرد. باتوجه باین نکته اساسی است که از پیشگاه شاهنشاه استـدعا شد اجازه فرمایند عده‌یی از استادان و دبیران کشور در کمیسیونهای مربوط حضور بهم رسانـند تا از نظرات ایشان نیز استفاده شود . اینك شـرکت کنندگان در کنفرانس مترصدند تا با بهره‌گیری از تعلیمات و راهنماییهای ملوکانه مانند همیشه به بررسی واجرای وظایف محوله اقـدام کنند. سپس وزیر علوم و آموزش عالی و وزیر آموزش وپرورش و نیز آقای باهری معاون کـل دربار شاهنشاهی گزارشهایی معروض داشتند.

نیازهای ملی توسعه و عمران

روزنامه رومانیالیبرا در ایامی که والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در رأس هیأت نمایندگی ایران برای شرکت در کنفرانس جهانی جمعیت به بخارست رفته بودند مصاحبه‌یی تحت عنوان بمقتضای نیازهای‌ملی توسعه وعمران باوالاحضرت بعمل آورد که متن آن باین شرح است : در ابتدا نمایندهٔ روزنامه‌مذکور گفت: ازحضوروالاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نماینده شاهنشاه ایـران تقاضا دارم بعنوان ریاست عالیه هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس جهانی جمعیت نظر خود را دربارهٔ اهمیت این کنفرانس بیـان فرمـایند. والاحضرت فرمودند این کنفرانس در عین‌اهمیتی که‌از لحاظ سال‌جهانی جمعیت، ومسائل‌ورویدادهای مربوط بآن دارد متعاقب دو مجمع مهـم بین‌المللی دیگر تشکیل شده است که یکی دربارهٔ محیط زیست ودیگری مربوط به مواد خام بوده و ضمناً مقدم برمجمع بین‌المللی دیگری در زمینه تغذیـه می‌باشد . کنفرانس حاضر همچنین صحنهٔ کوششهایی است که توسط سازمان ملل متحدبرای مقابله بامسائل اجتماعی، اقتصادی عصر ما بعمل می‌آید. از نظر من درچهارچوب عقاید وتمایلاتی که بظهور رسیده این حقیقت شایان توجه بسیار است که ملتهای علاقمنـد اکنون دیـگر مسألهٔ جمعیت را تنها بعنوان یك پدیدهٔ مستقل ومجزا نمی‌شناسند. امروزه کاملا روشن است که بمنظور یافتن راه‌حلهایی برای مسائل مربوط به جمعیت باید به جنبه‌های مختلف آن در چهارچوب ابعاد هریك از این جنبه‌ها توجه شود و عوارض ناشیه از آن هم مورد توجه قرار گیرد ؛ زیرا محدود ساختن این مسأله بهمان یك بعد یادشده و دادن جنبهٔ مستقل و مجزا به‌آن به‌معنی خواهد بود. این نوع نتیجه‌گیری مانع ازآن خواهدبود که‌تشخیص داده شود مسأله جمعیت یك شکـل و ساختمان جهانی دارد و در سهم بین‌المللی کار این مسئله محصول غیرمستقیم وضعی است که برای کشورهای صاحب‌درآمدملی کم‌ایجاد شده واین‌کشورها را در سطوح پایین قرار داده است وهمچنین اینکه مسألهٔ مذکور از یك نظام اقتصادی جهانی که در برابر خصوصیات ملتها بی‌تفاوت است ناشی می‌شود و بالاخره آنکه این مسأله با بهدر رفتن و اتلاف منابع و صور مختلف عدم تساوی بی‌ارتباط نیست. کریناسیربو نماینده‌روزنامهٔ رومانیالیبرا در اینجا سؤال کرد یکی از مباحث کنفرانس‌موضوع حق مسلم هر کشور درباره اتخاذ وترغیب سیاست جمعیتی خود آن کشور است. باتوجه به‌اینکـه ایران پیوسته حامی این اصل اساسی در زندگی بین‌المللی بوده و هست آیا والاحضـرت مطلبی دربارهٔ این موضوع بیان می‌فرمایند؟ والاحضرت در پاسخ گفتند : من خوشحالم که می‌بینم ملتهای علاقمند همانطور که گفتم راه‌حلهای محدودی را که تاکنون برای مسائل مربوط به جمعیت ارائه شده است نمی‌پذیرند وابعاد وسیعتری برای این مسائل قائلند. بهمان نحو که قبلا ضمن شرکت در مباحث کنفرانس بیان داشتم مسائل جمعیتی ارتباط زیاد بامسائل مربوط به‌عمران‌هرملت دارد. بنابرـ این بهمان تعداد که موارد ملی وجود دارد برای این مسأله هم‌راه‌حل هست. هرکشوری بایددرباره این راه‌حلها برحسب نیازهای ملی توسعه وعمران خود تصمیم بگیرد. شبکهٔ‌همکاری بین‌المللی باید از ملتها برای عرضه سیاست ملی خودشان در دایره هدفهای جامعه بین‌المللی حمایت کند. نماینـده روزنامه سپس گفت : من سفـر والاحضـرت به رومانی را برای طرح این پرسش مغتنم می‌شمارم که نظر والاحضرت را دربارهٔ همکاری ایران و رومانی و نتایج و جنبه‌های مختلف آن جویا شوم.

والاحضرت اظهار داشتند: خوشوقتم که‌سفر من به‌رومانی رویداد دیگری برای تحکیم‌مناسبات دوستانه و تقویت و خصوصیات روابط فیـمابین کشور شما وایران می‌باشد . این روابط براساس همکاری مسالمت‌آمیز بین کشورها، صرف‌نظر از نظـام سیاسی و روش زنـدگی هـریك مبتنی براصول تساوی حقوق و عدم مداخله در امور یکدیگر و احترام برحق حاکمیت برکشور است. اینها پیوندهایی است که طـی سالیان گذشـته استحکام یافته و باید در این زمینه به‌روابط‌نزدیك شخصی فیمابین رؤسای کشورهای خود وامضای موافقتنامه‌های مهم اقتصادی‌ارج گذاریم ومراتب امتنان خود را ابراز داریم. همچنین میل دارم بعنوان رئیس هیأت نمایندگی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بگویم که خوشحالم از اینکه رومانی یکی از نخستین کشورهایی بود که از پیشنهاد ایران در زمینه اعلام داشتن وشناختن خاورمیانه بعنوان یك منطقه غیراتمی پشتیبانـی کرد. این پیشنهاد در مجمع عمومی بعدی سازمان ملل در نیویورك مطرح و دنبال خـواهد شد و امیدوارم که اهمیت آن انعکاس لازم را در میان هیأتهای نمایندگی حاضر در مجمع برانگیـرد. نمایندهٔ روزنامه رومانیالیبرا اظهارداشت همانطور که والاحضرت اشاره کـردند حسن روابط میان ایران و رومانی باملاقاتهای سران دو کشور به نقطه اوج خود رسیده است. آیـا ممـکن است والاحضرت درباره این تماسها مطلبی بیان دارند؟ والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در پاسخ این سؤال گفتند: میل‌دارم ابتدا این‌موضوع را بگویم که فرصت ملاقات باپرزیدنت چائوشسکو را بدست آوردم، ومذاکرات ما بسیار دوستانه بود وصرفاً جنبهٔ تشریفاتی و رسمی نداشت. این نخستین بار نبود که ما بایکدیگر ملاقات می‌کردیم. من قبلا هم ایشان را در سازمان ملل متحد و در کشورم ملاقات کرده بودم. همانطور که گفتم گذشته از روابط میان دو کشور ایران و رومانی، دوستی صمیمانه‌یی نیز بین شاهنشاه آریامهر و حضـرت چائوشسکو وجود دارد و بارها یا در رومانی ویا در ایران بین رهبران دو کشور ملاقات ومذاکره انجام گرفته است. پرزیدنت چائوشسکو چندین‌بار به‌ایران سفر کرده‌اند وبرادرم شاهنشاه نیز بارها به‌رومانی آمده‌اند. نمایندهٔ روزنامه درپایان گفت: والاحضرت هنگامی در بخارست اقامت دارند که کشور ما جشن بزرگ آزادی را برگزار می‌کند، آیا ممکن است والاحضرت نظرشانرا دربارهٔ این واقعه بیان دارند ؟

والاحضرت پاسخ دادند: خوشوقتم ازاینکه هنگامی درکشور شما هستم که سی‌امین سالگرد آزادی خود را جشن می‌گیرند. من بشما بخاطر پیروزیهای مهمی که طی مدت سه دهه گذشته از فعالیتها واعمال حق‌حاکمیت خودبدست آورده‌اید تبریك می‌گویم. یکی از نخستین افکاری که در این زمینه بخاطر من خطور می‌کند و میل دارم آنرا باشما در میان بگذارم یادگار سی‌سال گذشته زندگی ملی در کشور خود من است. بعقیدهٔ من حق صددرصد بجانب شما است که اصل استقلال و حاکمیت ملی را بعنوان اصل اساس کارهـای روزمره خود قلمداد کرده‌اید. آنهاکه چنین‌اصلی رامی‌پذیرند واتخاذ می‌کنند همیشه‌زندگی راحتی ندارند اما بادرنظر گرفتن زندگی امروزبین‌المللی این بهترین انتخاب است تحت شرایط تبعیت از دیگران هیچ نوع پیشرفت واقعی امکان پذیـر نیست. برعکس هنگامی که استقلال واقـعی را محقق سازیم فقر نیز معنای دیگری پیدا می‌کند زیرا بصورت یك انگیزه برای فعالیت سازنده در می‌آید که در مراحل تغییرات خود دیر یا زود به تحولات و آزادی می‌انجامد و باین طریق‌بسیج نیروها علیه هرنوع فقر وزیردستی خاتمه می‌دهد. میل‌دارم بوسیلهٔ روزنامهٔ‌شما ازصمیم قلب گرمترین شادباشهایم را به‌ملت رومانی عرضه بدارم.

مصاحبه با همایون ثقفی چهره هنرمند

س ــ تا آنجا که ما می‌دانیم قراردادهای شما بااپراهای خارج است چطور شد که این‌بار درایران طراحی می‌کنید؟

ج ــ ایران وطن منست و من چندسالی برای تجربهٔ بیشتر بخارج رفتم و همیشه و در همه حال تنها آرزویم برگشتن بخاك میهن وانجام وظیفه برای وطنم و سرزمین پدرانم است.

س ــ بچه دلیلی تاکنون اپرتی در تالار رودکی اجرا نشده بود ؟

ج ــ اجرای یك برنامهٔ اپرت بسیار مشکل و دشوار است. بااینکه تالار رودکی از لحاظ تکنیك یکی ازبهترین ومجهزترین جایگاههای اپراها را دارد ولی از لحاظ وسعت صحنه برای طراحی یك اپرت کمی سخت می‌باشد.

س ــ این اشکال فقط برای طراح‌صحنه است ؟

ج ــ خیر این‌برنامه‌هم برای کارگردان و هم‌برای هنرپیشگان سخت‌است. برای این بود که این موضوع لاینحل مانده بود چون در اپرت هم باله هست هم اپرا و هم صحبت می‌شود اینست که این برنامه خیلی دشوارتر از باله و باله‌جزءآن می‌باشد. گذشته از اینها آمدن دستهٔ کر ۵۰ تا ۶۰ نفری روی یك صحنه کوچك‌برای کارگردان وراهنماییش بسیار دشوار است و حتی صحنه‌ساز بایــد برای اپرت که خیلی ارام می‌باشد زیباترین و وسیع‌ترین صحنه را باکمبود جا بوجود بیاورد.

س ــ طراحی این بــرنامه را چه‌موقع قبول کردید ؟

ج ــ تقریباً شش ماه قبل از اجرای آن یعنی در مارس ۱۹۷٤ این وظیفه بمن محول شد که بعنوان مهمــان چهــار هفته‌یی در (تهران تالار رودکی) برنامه‌ام را اجرا کنم.

س ــ آیا شما تنها مهمان تالار رودکی بودید؟

ج ــ نخیر، کارگردانی بعهدهٔ یکی‌از چیره‌دست‌ترین وسرشناس‌ترین کارگردان‌های آلمانی است که کارگردان بین‌المللی می‌باشد. او پس از دیدن طرحهای من با همکاری موافقت کرد و من فقط در دوهفته فرصت بسیار کــوتاه پس از تماس با او طرحهایم را برای کارگاه‌های هنری تالار رودکی آماده نمودم و خوشبختانه چه از لحاظ آماده کردن قسمتهای مختلف دکور برای قسمت‌های مختلف صحنه درکارگاهها وچه پشتکار و همکاری دوستان دچــار علاقهٔ زیادی به‌کارم شدم. این برنامــه با استقبال بی‌نظیری روبرو شد بطوریکه از چند هفته قبل تمام بلیطهای تالار رودکی رزرو شده بودند واین اولین‌باری بود که تالار رودکی بایك چنین برخوردی روبرو شده بود و همچنین رهبر ارکستــر هانس پیترراوشر که رهبری این برنامه را بعهده داشت. او درتهران مهمان بود و کارش در ناسیونال تآتر مونیخ رهبر ارکستر می‌باشد. بنابراین ما سه مهمان بودیم که از آلمان دعوتمان کرده بودند.

س ــ ممکن‌است توضیح‌بیشتری راجع به‌خودتان ــ کارگردان ــ و رهبر ارکستر بدهید؟

ج ــ باکمال میل، شــروع میکنم ، تحصیلات خود را در رشته حجــاری و آرشیتکت صحنه در هامبورك و در مونیخ نزد پروفسور کرودل در آکادمی هنرهای زیبا بپایان رساندم و چند سالی که در تآتر مونیخ مشغول بکار هستم در اجرای بیش از ٦۵ اثر بزرگ همکاری کرده‌ام. اولین قدم هنری را درسال ۱۹٦٤ برداشتم. فعلا قراردادهایی باآلمان‌وبلژیك‌بسته‌ام ومشغول هستم. کارگردان، دکتر والتر آیشنر. این کارگردان ارجمند در سال ۱۹۳۱ درمونیخ متولد شد و نخست در اپرای دولتی مونیخ بکار مشغول شد. ازسال ۱۹۵۱ دکتر آیشنر مقام ریاست مطبوعاتی‌فستیوال ریشاردواگنر را دارد ومدتها کارگردان اول شهر «بیله فلد» Bielefeld و معاون و نیز کارگردان اول اپراهای شهرهای «کرفلد» و مونشین وگلادباخ Mönchen-gladbach بوده‌است. این هنرمند در زمینهٔ کارگردانی تجربیات بسیار دارد وتاکنون بیش‌از ۲۵۰ اثر در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا به‌روی صحنه‌اورده است‌واکنون دربلژیك سرپرست قسمت عمدهٔ هنری اپرای کاخ‌سلطنتی است.

س ــ ممکن است راجع به مصنف این اثر توضیحی بدهید؟

ج ــ باکمال میل، یــوهان اشتراوس فرزند ارشد یوهان اشتراوس پدر است. او بسال ۱۸۳۵ در وین متولد شد. یــوهان اشتراوس (پدر) که عنوان رهبری ارکستر دربار را داشت دارای سه فرزند بود بنام‌های یوهان ، ژوزف ، و ادوارد . این سه‌فرزند هریك به‌گونه‌یی هنر پدر خــود را ادامه دادند ودرزمینهٔ موسیقی کوشش‌های بسیاری کردند.

اشتراوس یکی از پرکارترین آهنگ‌سازان است او در حدود ٤٦۹ قطعه برای والس و دیگر رقصها ، وشانزده اپرت نوشته است که در این میان «بارون کولی» از شهرت خاصی برخوردار است.

س ــ ممکن است بگــویید این اپرت برای نخستین بار در چه سالی بروی صحنه آمد ؟

ج ــ بله . این اپرت برای نخستین بار در سال ۱۸۹۲ در اپرای شهر وین بروی صحنه امد.

س ــ ممکن است راجع به داستان آن شرحی بدهید ؟

ج ــ بله . راجع به داستان آن شرح مختصری می‌دهم.

پــردهٔ اول (ساندور بارینکای) و خانواده‌اش‌را سالها قبل از وطنش‌مجارستان تبعید کرده‌اند ولی اکنون باو اجازه داده شده است که به‌کشورش بازگردد (کارنرو) کمیسر دولتی بااو همراه شده است تا مزارع واملاك اجدای او را دیگر بار بــرای او بازستاند. در قلعه متروك اجدادی او که باگذشت زمان تقریباً بصورت خرابه‌یی در آمده است یك گروه کولی ساکن شده‌اند (چیپرا) Chipra یــکی از پیرزن‌های کولی که سرپرستی دیگران را نیز بعهده دارد ، پس از دیدن فال بارینکای باو مژده می‌دهد که بزودی گنجی را که سالها پیش در قصر اجدادی او پنهان شده است پیــدا خواهد کرد. ولی بارینکای به‌سخنان چیپرا اهمیت نمی‌دهد و اورا ریشخند می‌کــند، بارینکای‌بادیدن (آرسنا) دختر (گولومان) چوپان ثروتمند، عاشق او می‌شود، چوپان با ازدواج آندو موافق است ولی آرسنا سعی دارد باحیله‌یی عقیده پدرش را در اینباره عوض کند، چون دل به (اتوکار) سپرده است کولیها که‌احساس می‌کنند بارینکای می‌تواند رهبری‌گروه آنهارا بعهده بگیرداو را بعنوان (بارون کولیها) برمی‌گزینند، طبق‌رسوم آنها، بارینکای‌باید نادختری‌چیپرا را که اسمش «سافی» است‌بزنی بگیرد.

پردهٔ دوم و سوم

پس از مدتها جستجو ، بارینکای با سافی Saffi وبکمك چیپرا موفق می‌شود گنجی را که چیپرای پیرزن در فاصله از آن اسم بــرده بود بیابد ، ولــی کمیسر بخاطر اینکه بارینکای برخلاف‌قوانین‌مملکتی بادختر کولی ازدواج کــرده اورا صاحب گنجی نمی‌شناسد وازدواج آنــدو را باطل اعلام می‌کند. چیپرا می‌تواند ثابت کند که سافی دختر او نیست بلکه دختر یــکی از پادشاهان بزرگ مجــار است و در زمان کودکی، او را نزد خود آورده وبزرگ کرده‌است. بارینکای که برای تصاحب گنج باکالمان چوپان درگیری پیدا کرده و در نتیجه اختلافاتی میان آندو پیدا شده است، دعوت کنت هومونای Count Homonay را به جبههٔ جنگ می‌پذیرد و وارد ارتش می‌شود. اتوکارو چوپان نیز ناخودآگاه دعوت هومونای را می‌پذیرند وآنها نیز برای‌دفاع از وطن رهسپار جبهه می‌شوند. جنگ با پیروزی مجارها بپایان رسیده و مــردم با رقص و شادی از سربــازان فاتح استقبال می‌کنند. چوپان کــه همیشه خــود را از صحنه‌های مبارزه برکنارنگاهداشته بااموالی که سرقت کرده بازگشته است و به دروغ از قهرمانی و جانبازی خود یاد می‌کند ولی مردم تنها بارینکای را بعنوان قهرمان‌حقیقی جنگ قبــول دارند و بخاطــر شجاعتش باو لقب اشرافی می‌دهند و بدین ترتیب او می‌تواند برزمینها واملاك پدری دست یابد. دیگر مانعی برای ازدواج او وسافی نمی‌ماند و کالمان چوپان نیز ناگزیر باازدواج آرسنا واتوکار موافقت می‌کند.

س ــ آیا در آینده برنامه‌ای در تالار رودکی اجراء می‌کنید؟

ج ــ خیلی امیدوارم وفکر می‌کنم این بار باله‌یی را طراحی کنم.

س ــ آیا می‌دانید برای برنامهٔ بعدی با چه کارگردانی کار می‌کنید ؟

ج ــ درست نمی‌دانم، ولی فکر می‌کنم بایك کارگردان هلندی .

س ــ آیا خــوشحال می‌شوید دوباره اپرت اجرا کنید ؟

ج ــ برای من تقریباً فرق نمی‌کــند موضوع مهم اینست که تماشاچیان خوشحال از تآتر بیرون بروند.

س ــ آیا برای همیشه به‌ایران می‌آیید؟

ج ــ البته هرچه زودتر که قراردادم با تآترهای مونیخ تمام شود با تجربهٔ بیشتر بایران برمی‌گردم.

عکس‌هایی از نمایشگاه بین‌المللی تهران

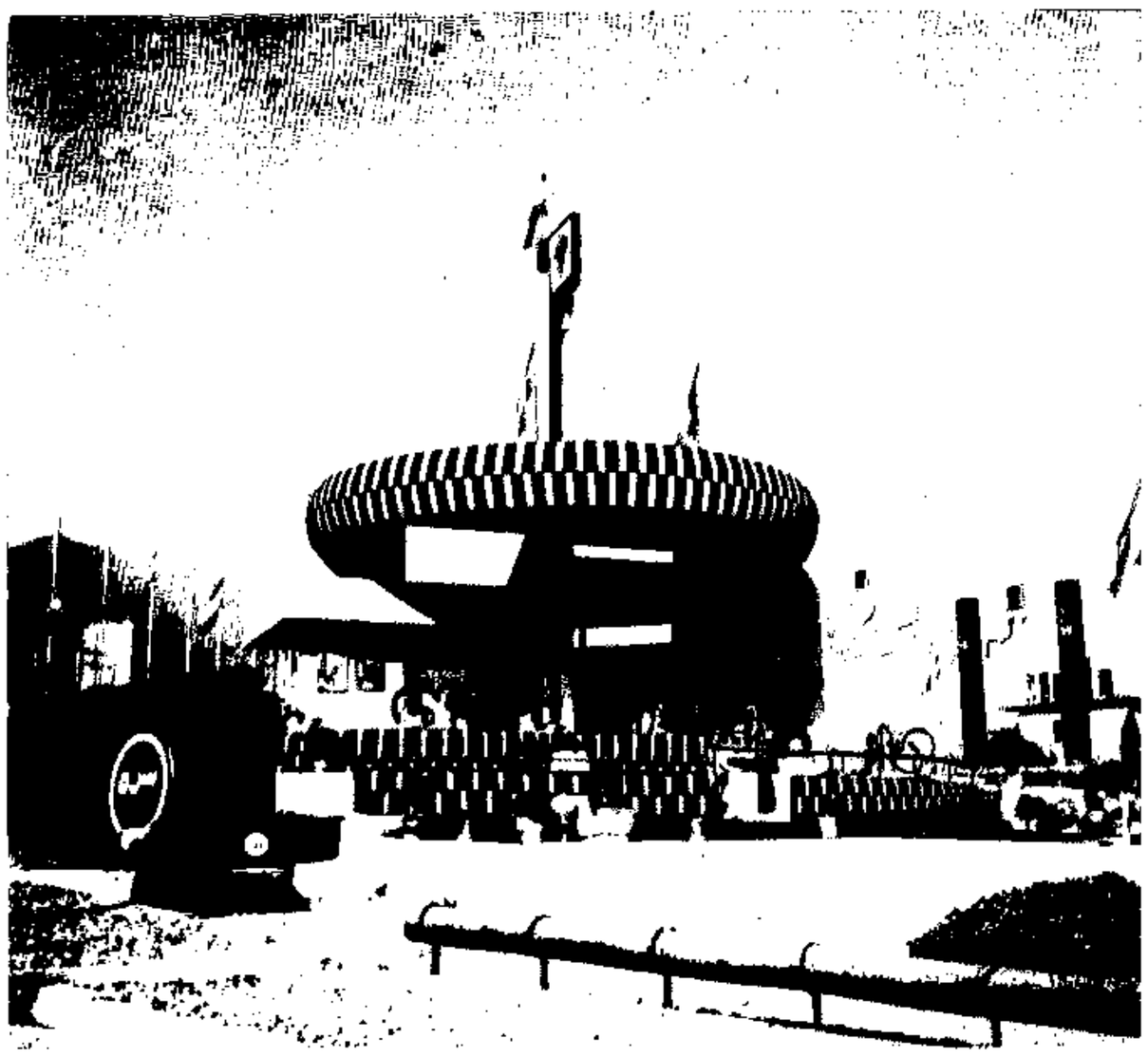

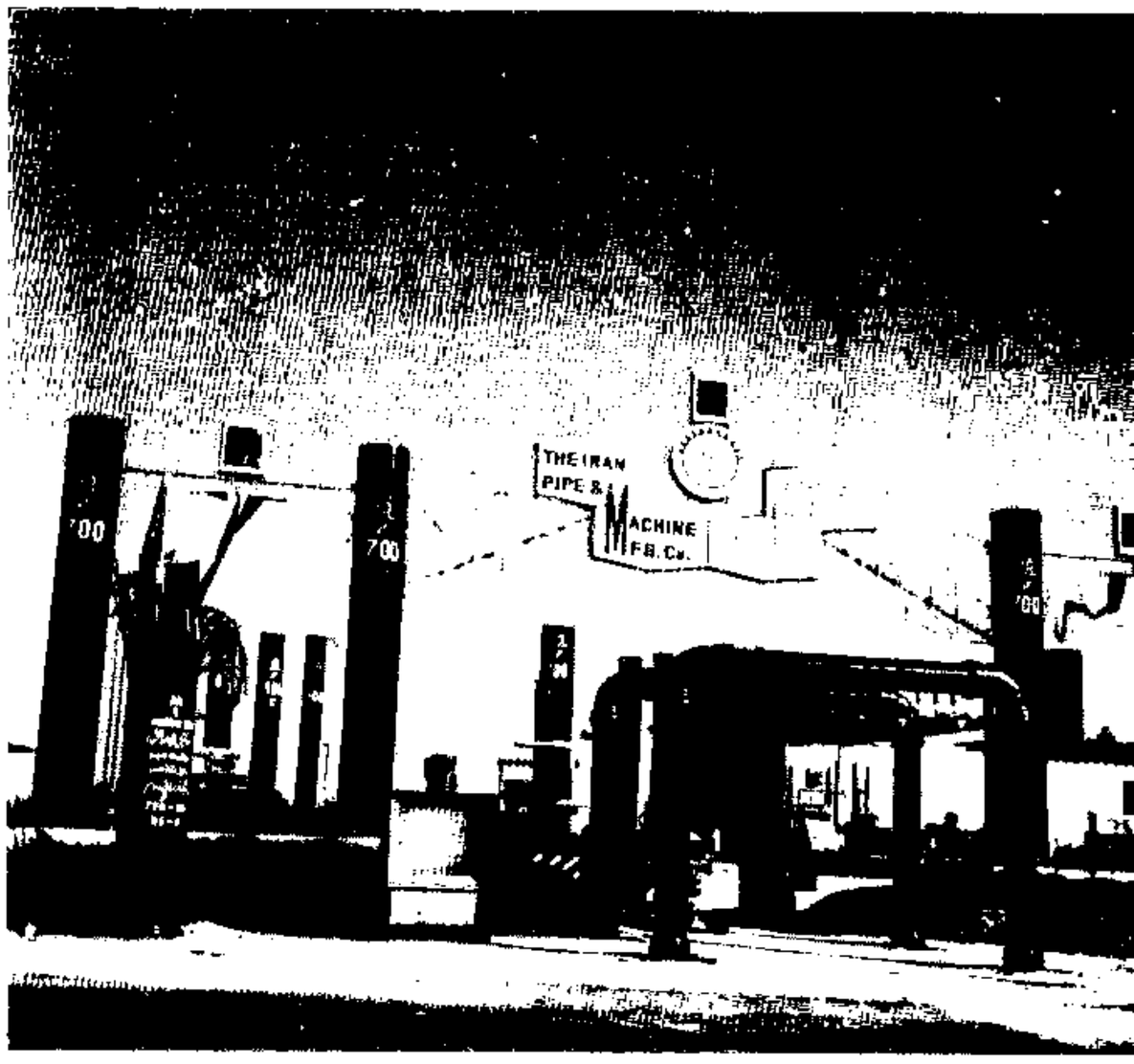

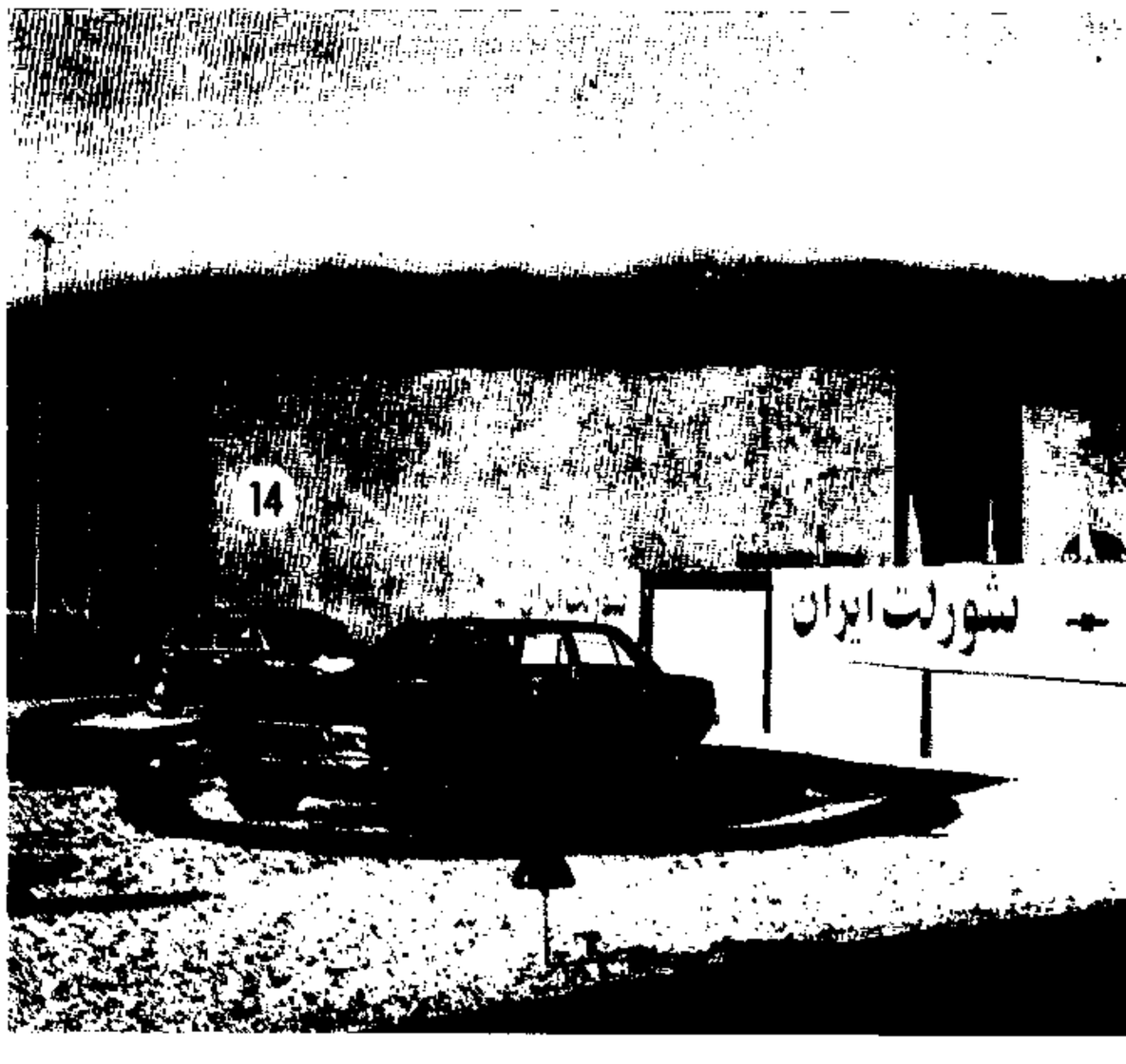

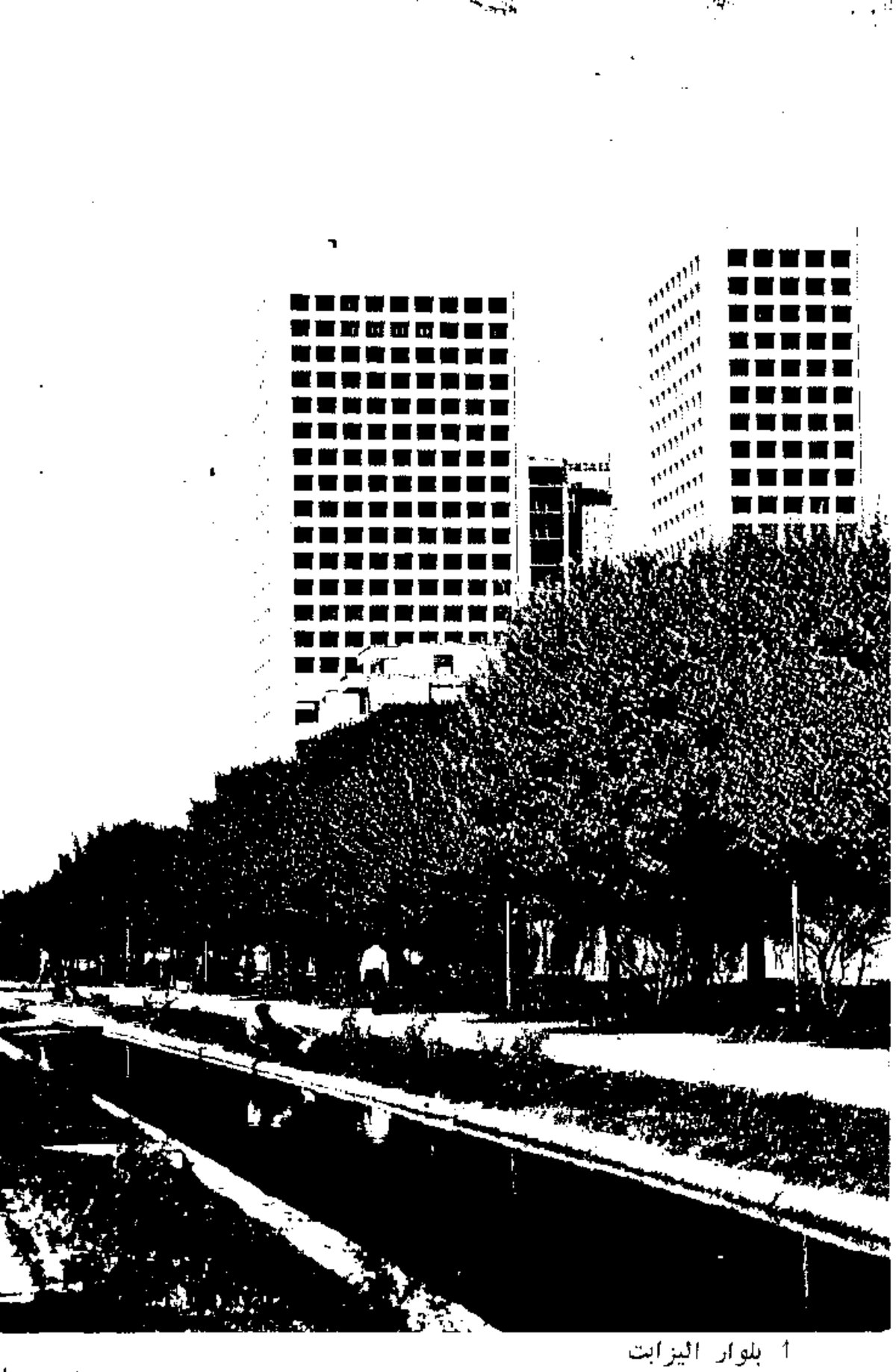

↑ بلوار الیزابت

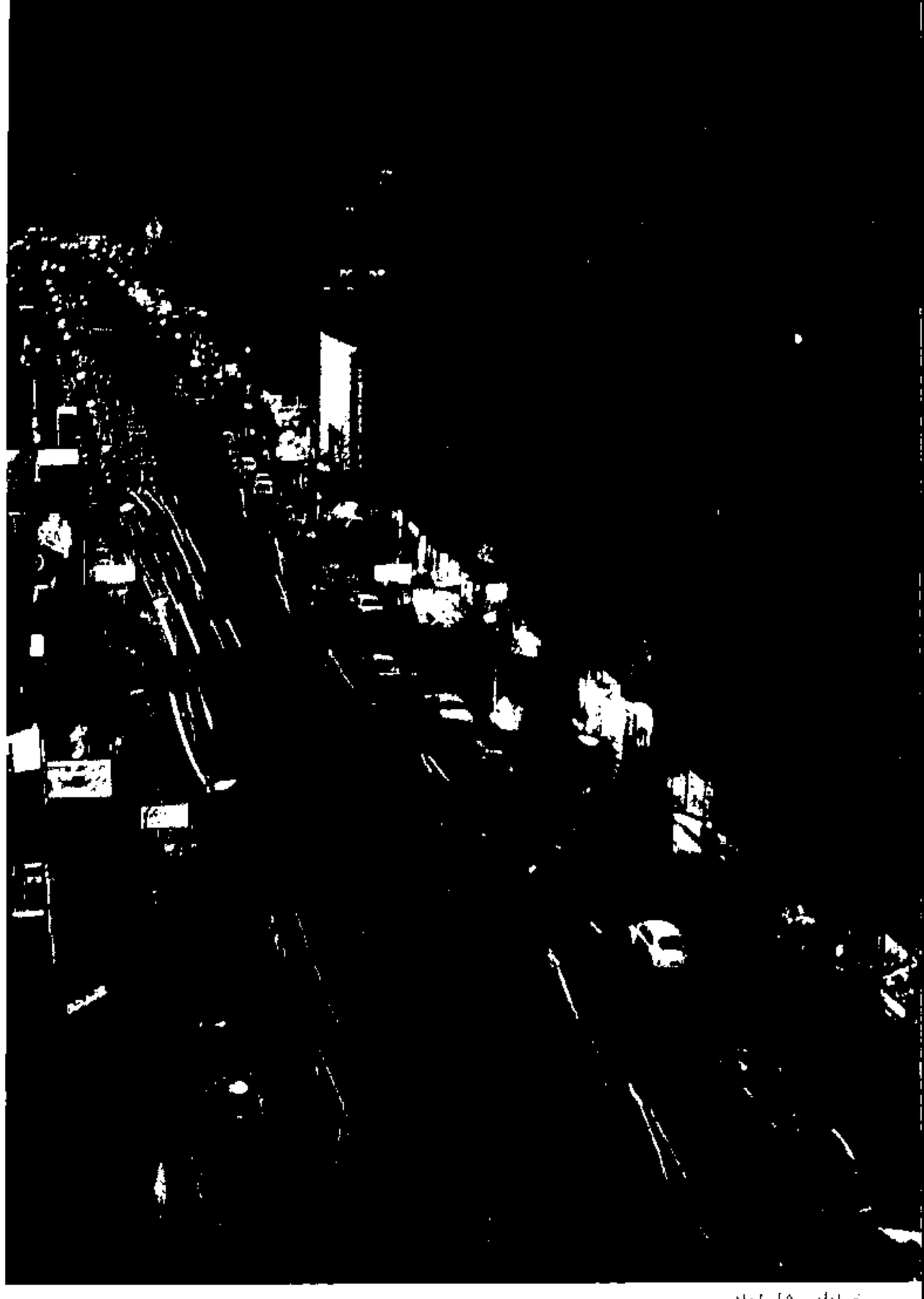

خیابان شاه‌آباد

↓ مسجد سپهسا

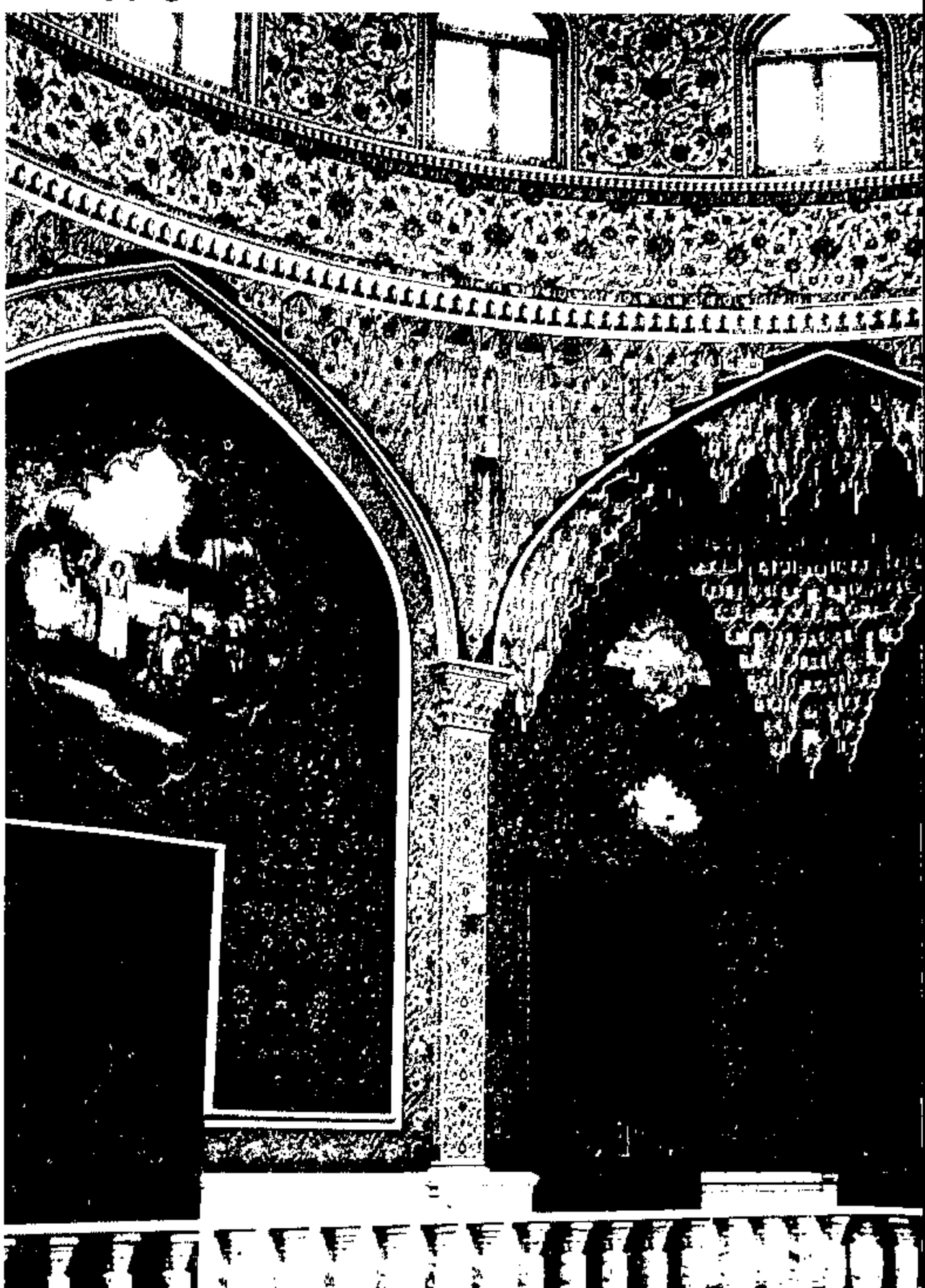

موزه (کاخ مرمر)